فارسي

مسیر خوشبختی

The Path to Happiness

د.عبدالله بن سالم باهمام

چاپ نخست: 1434 هـ - 2013 م

SPACE

مسیر خوشبختی
د.عبدالله بن سالم باهمام

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness
www.path-2-happiness.com

مسیر خوشبختی

افکار و اندیشه هایی که تو را به راه استوار و محکم - همان راه خوشبختی- می رسانند

د. عبدالله سالم باهمام

چاپ نخست ۱۴۳۵ -۲۰۱۴

www.path-2-happiness.com

بسم الله الرحمن الرحيم

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness
www.path-2-happiness.com

www.path-2-happiness.com

مقدمه

الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلم، اما بعد:

من به دنبال کتابی می گشتم که تعریفی متمدنانه از اسلام ارایه دهد که با واقعیت کنونی ما هماهنگ باشد و به دست مسلمان و غیر مسلمان برسد، کتابی که بر بنیادی محکم استوار باشد و چیزی از تازگی هم کم نداشته باشد، که در آن اسلام را چون یک سفر فکری منطقی تمدنی و علمی به سوی سعادت و خوشبختی تعریف نماید.سفری که از عمق و اصالت برخوردار باشد و از سخنان مشاهیر غرب و شرق در باره اسلام خالی نباشد.

با وجود اینکه در کتاب های موجود خیر فراوانی هست و از آنها بسیار استفاده بردم، اما من دوست داشتم تا خوبی های تمام کتب پیشین را در یک جا گرد آورم و نتیجه این کتاب شد، که پیش روی شماست، کتابی که یک گرد آوری است بیش از آن که تالیف جدیدی باشد که مطالب آن توسط گروههای کاری و از منابع مختلف و از سبک های متفاوت گرد آورده شده اند تا این دین بزرگ را به روشی متمدنانه و منطقی معرفی کند و بر این نکته تاکید شود که آن راه سعادت و خوشبختی و راه دانش و تمدن و عزت و کرامت است... بهترین روش معرفی این راه و این دین بوسیله کلام الله است آن که هیچ باطلی را توان نفوذ در آن نیست و در ذیل آن شواهدی از سخنان دانشمندان غیر مسلمان آورده شود تا عناصر تاثیر گذار آن گسترده شود و افق نگاه خواننده منصف گسترش یابد.

خواسته ایم تا با تو به بنیادها باز گردیم و در منطق عقلی فرو رویم و از سخنان فلاسفه و اندیشمندان استفاده کنیم و در مسیر حرکت فکری مان تجارب رهبران، اندیشمندان، حکیمان و مشاهیر را مشاهده کنیم در حرکتی که در طی آن به دنبال سعادت و راه رسیدن به آن هستیم.

سفری فکری و تمدنی در راستای رسیدن به سعادت و یافتن راهها و مسیر رسیدن به آن، سفری که روان آدمی را می کاود همان گونه که تاریخ و گذشته را شخم می زند و به آینده چشم می دوزد، در اوج ازدحام برنامه های متنوع و فراوان که همگی ادعای داشتن راه سعادت را دارند... در این وسط ما پراکندگی نفس آدمی را گرد می آوریم و به فردیت او توجه می کنیم و با چشم اندازهای جوامع، ملت ها و اقوام همگام می شویم تا راه سعادت را بشناسیم...

با ما باش تا معیارهای مناسب برای تشخیص راه و انتخاب آن را ببینی و آن را امتحان و ارزش یابی کنی...

سفری برای شناخت راه سعادت... راه اخلاق، دانش، تمدن، رحمت و کرامت...

آیا این راه را می شناسی؟

آیا دوست داری آن را بشناسی؟

د. عبدالله بن سالم باهمام

www.path-2-happiness.com

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

راه کجاست؟!

مطالب

همه مردم در پی خوشبختی اند، اما مسیر آن کجاست؟

تا هنوز به این پرسش ها دقیقا پاسخ داده نشده است

به چه شکل می توان به این پرسش ها پاسخ داد؟

این دلایل عبارتند از:

دلایل الوهیت پروردگار عز و جل:

www.path-2-happiness.com

راه کجاست؟!

همه مردم در پی خوشبختی اند، اما مسیر آن کجاست؟

به طور عموم همه مردم در پی رسیدن به خوشبختی هستند. با وجود اختلاف در مذهب و نژاد، سبک زندگی و اصول آن، اهداف و مقاصد ، اما همگی در یک هدف اتفاق نظر دارند ؛ همه آنان در پی خوشبختی و آرامش هستند.

اگر از هر انسانی بپرسی: چرا چنین، یا چنان می کنی؟ خواهد گفت: من در پی خوشبختی هستم!! فرقی نمی کند که این را با همین کلمات یا با همین معنی ابراز کند یا به مدلول و حقیقت آن.

خوشبختی چیست و چگونه به آن دست می یابیم؟

خوشبختی احساس همیشگی آرامش، سرور، شادی و شادمانی است. این احساس رضایت بخش نتیجه سه چیز است: آرامش درون، آسایش در زندگی و اطمینان به سرانجام نیکو.

سه پرسش اساسی که خوشبختی انسان به دانستن پاسخ آن وابسته است و آدمی از همان آغاز حیات در پی یافتن آنهاست و با بزرگ شدن او بزرگ می شوند،عبارتند از:

صاحب این هستی و گرداننده آن کیست؟

من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ چرا آمده ام؟ و به کجا می روم؟

هر چه آگاهی انسان نسبت به خود و زندگی اش افزایش یابد، پافشاری این پرسش ها در درون آدمی افزایش می یابد و آرامش و خوشبختی مشروط به یافتن پاسخ این پرسش ها است .

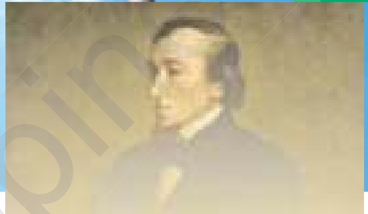

خوشبختی در برابر یک عمل است

"گاهی کاری را انجام می دهی اما باعث خوشبختی تو نمی شود اما خوشبختی بدون انجام کار، حاصل نمی شود"

بنیامین دیزرائیلی

بنیامین دیزرائیلی

خوشبختی نزدیک ترین چیزی است که می تواند پیش ما باشد

"هماتا ما در پی خوشبختی هستیم در حالی که آن بسیار نزدیک ماست همانسان که گاهی به دنبال عینک خود می گردیم در حالی که بر روی چشمانمان است"

تولستوی

نویسنده روسی

راهها بسیار متعدد و فراوان اند و خداوند یکتاست

"اگر نمی دانی تو به کجا می روی پس هر راهی تو را به آنجا می برد"

لویس کارول

دانشمند ریاضی

در آغاز انسان تلاش می کند تا پرسش های بالا را به دو شیوه پاسخ دهد: نخست شیوه الحاد و بی دینی ؛ به این معنی که هیچ معبودی نیست و ماده همه چیز هستی است. و شیوه دیگر، بر این باور است که الله آفریننده همه چیز است، در ذیل این دو پاسخ پرسش های زیادی مطرح می شود، از آن جمله:

– آیا ممکن است در ازل این هستی در نتیجه فعل و انفعالاتی که به سبب تصادف حادث شده اند – بدون محدودیت زمانی –خودبخود بوجود آمده باشد؟

– آیا منطقی است تصادف کورکورانه این عالم منظم را بوجود آورده باشد؟

– آیا آن چه را انسان از آغاز آفرینش تا حال در طول تاریخ بدست آورده، به شکل تصادف محض و دگرگونی کورکورانه بوده است؟ و ما جز به مانند پری در مسیر باد نیستیم که کاملا به شکل تصادفی و بدون هیچ برنامه ای می چرخد؟

– آیا انسان آن معبود قانون گذار و آفریننده ای است که همه کاره بوده و چیزی در ورای آن نیست؟

www.path2-happiness.com

مسیر خود را مشخص کن

"همانا دنیا راه را برای کسی که می داند به کجا می رود باز می کند"

رالف وامرسون

فیلسوف آمریکایی

– آیا ماوراء الطبیعه و امور غیبی سرابی هستند که باید در برابر هجوم موج بی دینی و عالم محسوسات رنگ بازند و محو شوند؟

– آیا انسان موجودی صرفا مادی و عاری از هر گونه جنبه غیر مادی است که برابر با قانون تکامل؛ اصالتش به میمون بر می گردد و به مرور زمان به این شکل در آمده است؟

– چگونه ماده بی جان می تواند انسان را با این صفات عالی، فضایل ارجمند و ترکیب شگفت انگیز بیافریند؟ چگونه امکان دارد چیزی را به کسی بدهید که هرگز آن را ندارید؟

– آیا فقط هدف انسان دنیاست و آن بالاترین خواسته و آرزوی اوست و هیچ اعتنایی نباید به گفته ادیان الهی نمود که می گویند در این هستی نیروهای دیگری جز انسان و حیاتی دیگر جز این حیات هم وجود دارد؟

خدای بلند مرتبه در باره اندیشه اینان چنین گفته است: {و گفتند: آن [زندگی] جز زندگانی این جهانی ما نیست. می میریم و زنده می شویم و جز زمانه ما را هلاک نمی سازد و آنان به این [امر] هیچ دانشی ندارند.} [سوره جاثیه آیه ۲۴.]

و خدای بلند مرتبه در باره کسانی که قرآن را تکذیب و انکار می کنند می فرماید: {و آن[ها] را در حالی که دلهایشان آن[ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود}[سوره نمل آیه۱۴].

ملحدین به ناتوانی و عجز کامل خود در شناخت راز هستی اعتراف دارند و اقرار می

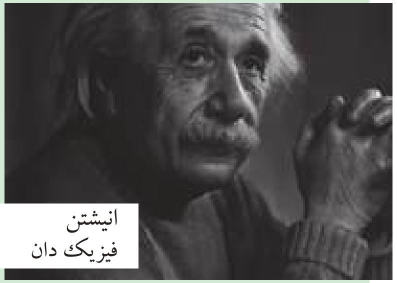

انیشتن

فیزیک دان

دانش و دین

"من به این باور نیستم که دانش حتما باید به طور طبیعی با دین در تعارض باشد، در حقیقت من یک رابطه محکم بین آنها می یابم، به همین سبب می گویم که دانش بدون دین لنگ و افلیج و دین بدون دانش کور است، هر دوی آن مهم هستند و بزودی زمانی خواهد رسید که دست بدست هم خواهند داد و گویی کسی که این حقیقت او را خشنود نمی سازد مرده ایی بیش نیست "

نیوتن

فیلسوف انگلیسی

بی دینی نوعی حماقت است

"الحاد و بی دینی یک نوع حماقت است، آن گاه که من به منظومه شمسی می نگرم مشاهده می کنم که زمین در مسافتی معین از خورشید قرار دارد بطوری که در این مسافت می تواند مقدار مناسبی از نور و گرما دریافت کند و البته این به صورت تصادفی روی نداده است"

کنند که آنان قادر به زنده کردن کسی که زندگی را وداع گفته و روح از بدنش خارج شده، نیستند. پس ماده، که با تمام توان می خواهند آن را بوجود آورنده هستی قلمداد کنند، کجاست؟ چرا برای برگرداندن روح به بدن بعد از اینکه از تب و تاب افتاد، به آن متوسل نمی شوند؟

چطور امکان دارد تمام بشریت به دینداری و تدین احترام بگذارد، اگر ادعای بی دینان درست بود که دینداری مجموعه ای از توهمات است؟ چرا پیغمبران در طول حیاتشان موفق شدند و پیام آنان در دل مردم زنده باقی ماند؟ در حالی که اندیشه های بشری از یاد می روند و می میرند. بلکه بدتر از آن، با وجود فصاحت و بلاغت در آنان، به مرور زمان خسته کننده و ملالت بار می شوند.

چطور می توان میان نیکوکاران و بدکاران تفاوت قایل شد؟ چه چیز مانع انجام کار بد می گردد؟ چه چیز سبب دلسوزی ثروتمند به فقیر می شود؟ چه چیز مانع سرقت، خیانت، فریب و اعتیاد می شود؟ چه چیز این مردم را از برآورده کردن خواسته هایشان باز می دارد؟

جامعه بی دین به مانند گله گرگ، ستمکار، خودخواه و شهوات طلب است، به همین سبب الحاد و بی دینی از مهمترین اسباب بدبختی، فقر، کینه ورزی و پریشانی بشمار می رود، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگانی ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم}[سوره طه آیه ۱۲۴]

الحاد اندیشه ای باطل است و عقل، منطق و فطرت آن را نمی پذیرد. این باور با علم و دانش سازگار نیست، به همین سبب دانشمندان آن را شدیدا رد کرده اند، همانگونه که منطق نیز نمی تواند با آن موافق باشد، چرا که بر بی منطقی در زندگی پی ریزی شده است و ادعا می کند که

افلاطون

فیلسوف یونانی

زیبایی و نظم

" در زیبایی و نظم یک معجزه است و این امکان ندارد که نتیجه علت هایی اتفاقی باشد، بلکه آن ساخته عاقلی است که قصد خیر داشته و همه چیز را عمدا و با حکمت مرتب کرده است"

www.path2-happiness.com

خوشبختی حقیقی

" هم اکنون من در دنیای واقعی زندگی می کنم و مانند آن شخصیت فریبکار که در جهان معاصر داریم نیستم؛ شخصیتی مادیگرا و مصرف کننده صرف که در پی جنس مخالف و مواد مخدر است، با این گمان که این اینها ما را خوشبخت می سازند، اما من الان جهانی را پر از خوشبختی و مملو از عشق و دوستی و امید و صلح دیدم"

لورین بوث
حقوقدان بریتانیایی

تمام این هستی بی نظیر، نتیجه یک تصادف بوده است ، فطرت نیز با این اندیشه نمی خواند فطرت – حتی در نزد بی دینان – به تدین فرا می خواند : { و آن[ها] را در حالی که دلهایشان آن[ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود} [سوره نمل آیه ۱۴] .

تا هنوز به این پرسش ها دقیقا پاسخ داده نشده است

انسان بیهوده سعی می کند تا پاسخ این پرسش ها را بدون یاری و کمک از بیرون خود بیابد، دانش جدید نتوانسته به هیچ کدام از این پرسش ها پاسخ بدهد. زیرا این امور در دایره مباحث دینی قرار می گیرند و به همین سبب تحلیل پیرامون پاسخ به این پرسش ها یکسان نیست و در این زمینه خرافات و افسانه های زیادی بوجود آمده که باعث افزایش سرگردانی و پریشانی آدمی گشته است.

آدمی نمی تواند به پاسخ شفاف و دقیق این پرسش ها دست یابد مگر اینکه خداوند او را به راه راست هدایت کند . راهی که از آن به ساحل امنیت، آرامش، خوشبختی و راحتی دست می یابد.

فقط ادیان به چنین مباحثی می پردازند، زیرا این مباحث از جمله قضایای غیبی به شمار می آیند و پاسخ درست و سخن راست نشانه درستی و حقانیت یک دین بشمار می رود. زیرا فقط خداوند می تواند پاسخ درست را به بشر بدهد و آن را به پیامبرانش وحی نموده است؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: { بگو: هدایت خداست که هدایت[واقعی] است} [سوره بقره آیه ۱۲۰]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: { بگو هدایت [حقیقی] هدایت خداست} [سوره آل عمران آیه ۷۳].

به همین سبب بر انسان لازم است تا به سمت دین حق رفته و آن را بیاموزد. به آن ایمان بیاورد تا سرگشتگی او پایان پذیرفته و تردید و دودلی از او رخت بر بندد و به راه مستقیم ، راه آرامش و خوشبختی رهنمون شود.

به چه شکل می توان به این پرسش ها پاسخ داد؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: { و به راستی انسان را از چکیده گل آفریدیم(۱۲) سپس او را در قرار گاهی استوار نطفه ای قرار دادیم (۱۳)سپس نطفه را به خون بسته گردانیدیم، آنگاه[آن]خون بسته را[به صورت] گوشت پاره ای در آوردیم. آنگاه [آن] گوشت پاره را استخوان هایی ساختیم. سپس بر آن استخوان ها گوشت پوشاندیم. آنگاه او را [به]آفرینشی دیگر آفریدیم. بزرگ است خداوند، بهترین آفرینندگان.(۱۴) سپس شما پس از این خواهید مرد (۱۵) آنگاه قطعا شما روز قیامت بر انگیخته شوید (۱۶)} [سوره مومنون آیه ۱۶-۱۲]

پس سرانجام این گشت و گذار برانگیخته شدن دوباره و بازگشت به سوی باری تعالی است. این آفرینش بیهوده نیست. خدای بلند مرتبه از بیهوده کاری پاک و منزه است. بلکه در آن حکمتی بس بزرگ است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید؟} [سوره مومنون آیه ۱۱۵].

خداوند انسان و جن را بیهوده نیافرید. بلکه آنان را آفرید تا فقط او را – بدون هیچ گونه شریکی – عبادت کنند. عبادت و بندگی او مفهومی شامل و فراگیر دارد و با انجام دادن هر آنچه او دوست دارد و به آن خشنود است از فرایض، نماز، ذکر، آبادانی زمین و سود رساندن به مردم محقق می شود. خدای بلند مرتبه می فرماید: { و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده ام} [سوره ذاریات آیه ۵۶]

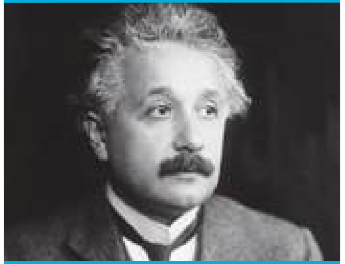

خوشبختی را هدف قرار بده

اگر خواستی خوشبخت شوی خوشبختی را به یک هدف متصل کن نه به یک شخص یا یک چیز

انیشتن
فیزیکدان

www.path-2-happiness.com

همه آدمیان به سوی او باز می گردند و سرانجام همگی به سوی اوست، خدای بلند مرتبه می فرماید: { و بازگشت به سوی خداست} [سوره آل عمران آیه ۲۸.]

این یقین، بیهودگی را از زندگی می زداید و به حیات آنان معنی می دهد و خوشی و راحتی را به قلوب آنان وارد می کند؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا بی آفریدگار آفریده شده اند، یا اینکه خود آفرینندگانند؟ (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند؟]نه[بلکه آنان یقین نمی کنند (۳۶)} [سوره طور آیه ۳۶-۳۵]

آنگاه که آدمی از شناخت راز این هستی ناتوان گشت و شروع به تفکر در آفرینش خداوند در زمین، ستارگان و دیگر سیارگان نمود و به حرکت شب و روز و زندگی و مرگ توجه کرد و به دیگر آفریدگان خداوند دقت کرد... آن گاه که انسان ژرف تر در این هستی تفکر نمود به فطرتش به این باور می رسد که این هستی را بوجود آورنده ای بسیار تواناست که از او بسیار توانمندتر است و سزاوار است که در برابر او کرنش کرده و مطیع و بنده او گردد و و به پاداش او امیدوار و از مجازات و کیفر او بترسد، تفکر در هر یک از آیات فوق فرد را به آن می رساند که به آفریننده بزرگ و توانا و حکیم اعتراف کند و به این نتیجه برسد که ماده فقط یکی از مخلوقات خداوند است که آن را بوجود آورده و پیش از آن نبوده است.

این پروردگار معبود و تواناست که خود را به بندگانش معرفی و آیات موجود در هستی را دلیل و گواه بر خود

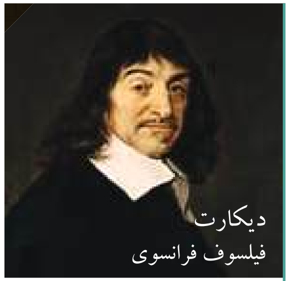

دیکارت
فیلسوف فرانسوی

آفریننده هر چیز

"من وجود دارم چه کسی مرا بوجود آورده و چه کسی مرا آفریده است؟ من خودم را نیافریده ام؛ پس باید آفریننده ای داشته باشم و این آفریننده باید واجب الوجود باشد و در بوجود آمدن و بقایش به کسی نیاز نداشته باشد و به تمام صفات جمال مزین باشد و این آفریننده الله است آفریننده هر چیز"

قرار داده - در حالی که او از این بی نیاز است- و خود را با صفات کمال توصیف کرده است. وحی آسمانی بر وجود او و ربوبیت و الوهیت او دلالت نموده و عقل و فطرت آن را پذیرفته و اجماع تمام ملت ها بر ضرورت آن صورت گرفته است

پاسخ قانع کننده

"تاریخ دین به طور عموم و تاریخ توحید به طور ویژه برای ما آشکار می کند که تنها ایمان به الله پاسخ قانع کننده برای هر پرسش در باره اصل هستی و انسانیت و هدف از وجود آنها است: امکان ندارد که برای حیات آدمی هدفی غیر از خدای یکتا قرار داد. و اصل هر نوع تدین به ایمان به خدای یکتا بر می گردد- فرقی نمی کند این موضوع همراه با آگاهی باشد یا بدون آگاهی-"

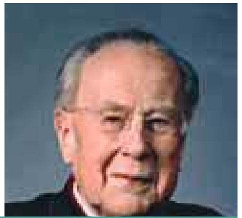

کاردینال کوینج
رئیس کشیشان اتریش

www.path-2-happiness.org

این دلایل عبارتند از:

۱-هستی هدف دار خداوند و آفرینش شگفت انگیز او

–آیا این هستی اعجاب انگیز و باشکوه و آنچه از سیارگان و ستارگان در آن است، را مشاهده نمی کنی؟

–آیا شده روزی در باره آفرینش آسمانها و آنچه در آنها از ستارگان و کهکشان ها وجود دارد، تفکر کنی؟

–آیا در باره زمین و آنچه در آن هست از رودها، دریاها، دشت ها و کوهها اندیشیده ای؟

–آیا این نظم و آرایش بسیار محکم و شگفت انگیز تو را دچار حیرت و شگفتی ننموده است؟

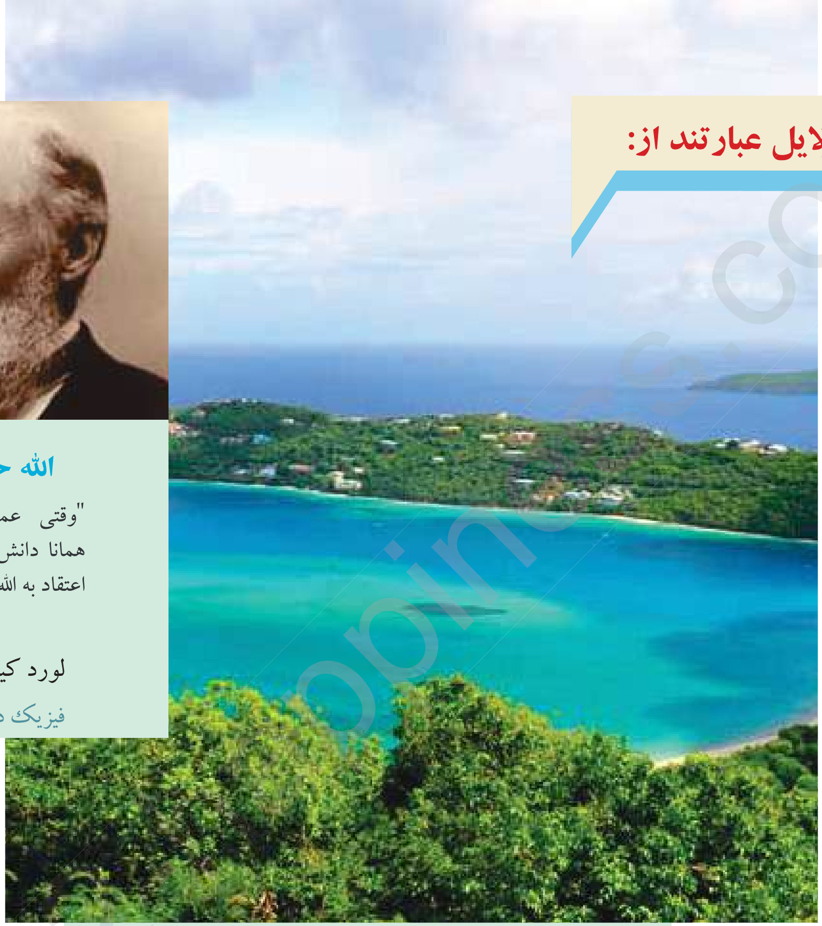

به نظر تو این هستی را چه کسی آفریده و این چنین آن را آراسته و قوانین آن را محکم نموده است ؟ بطوری که به شکل یک معجزه نمودار شده و پدیده ای خارق العاده و بی مانند گشته است.

به نظر تو آیا خودش خود را آفریده ؟ یا اینکه این هستی دارای خالقی توانا است؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: { به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه هاست (۱۹۰) آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش[آرمیده] یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می کنند.[و می گویند] پروردگارا این را باطل نیافریده ای، پاکی برای توست، پس ما را از عذاب آتش[جهنم] حفظ کن (۱۹۱)} [سوره آل عمران آیات ۱۹۱-۱۹۰]

آیا هرگز به ذهنت خطور کرده که چه کسی تو را آفریده است؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: { و نیز در وجودتان[نشانه هایی است] آیا نمی نگرید} [سوره ذاریات آیه ۲۱]

آدمی چگونه آفریده شده است؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: { آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند؟[نه]بلکه آنان یقین نمی کنند (۳۶)} [سوره طور آیات ۳۶-۳۵]

اگر آنان از عدم و نیستی آفریده نشده اند، پس هیچ شک و تردیدی در وجود یک آفریننده برای تمام این هستی باقی نمی ماند. آن آفریننده، الله سبحانه و تعالی است. وضع و حال منکرین بسیار عجیب و شگفت انگیز است که بعد از این همه دلایل و نشانه ها ذات الله را انکار می کنند!!

الله حق است

"وقتی عمیقا فکر کنی: همانا دانش تو را به سوی اعتقاد به الله می کشاند".

لورد کیفلی

فیزیک دان اسکاتلندی

۲- فطرت:

مخلوقات بدون شک بر اعتراف بر خالق هستی آفریده شده اند، همانگونه که بر دوست داشتن خوبی و کراهیت شر و بدی خلق شده اند، اقرار به وجود خالق از عمیق ترین و باثبات ترین قضایا در فطرت است به طوری که با وجود آن نیازی به اقامه دلیل و برهان نیست، خدای بلند مرتبه می فرماید: { پس روی[دل]ات را با حق گرایی تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدیدآورده است[پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی پذیرد. دین استوار این است ولی بیشتر مردم نمی دانند} [سوره روم آیه ۳۰]

و پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:" هیچ نوزادی نیست مگر اینکه بر اساس فطرت متولد می شود"(متفق علیه).

روبرت موریس بیج

طبیعت شناس

احساس و آگاهی فطرت

"پروردگاری که ما به وجود او اقرار می کنیم با دنیای مادیات نسبتی ندارد. و حواس محدود ما نمی توانند او را دریابند، به همین سبب تلاش ما برای اثبات او ازطریق علوم طبیعی بیهوده است، چرا که او محدوده ای غیر از دایره فهم و ادراک کوتاه ما را در برگرفته است، ایمان به وجود خدا از جمله امور خاصی است که در شعور و ضمیر آدمی ایجاد می شود و در دایره مهارت و آگاهی فردی رشد می کند"

۳- اجماع تمام ملت ها:

ملت ها از آغاز بر این اتفاق دارند که این هستی را به الله تعالی نسبت بدهند. پس یک اتفاق و اجماع قوی بر این بوجود آمده که الله سبحانه و تعالی آفریننده بدون شریک و همتای این هستی است. هیچ ملتی نبوده که به آفرینندگی الله تعالی برای آسمان و زمین و رازق بودن او معترف نباشد. آن گاه که در این باره مورد پرسش قرار می گرفتند - با وجود اینکه به خدا شرک می ورزیدند- به خالقیت و رازقیت او اقرار می کردند. خدای بلند مرتبه می فرماید: { و اگر از آنان پرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است، البته گویند: خداوند. پس از چه جهت [از راه حق]گردانده می شوند؟(۶۱) خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد، فراخ می گرداند و برای هرکس که بخواهد تنگ می دارد. خداوند به همه چیز داناست (۶۲) و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی را نازل کرد، آنگاه از آن زمین را پس از پژمردنش زنده[وسرسبز]ساخت، البته گویند: خداوند. بگو: ستایش خداوند راساست. بلکه بیشتر آنان خرد نمی ورزند (۶۳)} [سوره عنکبوت آیات ۶۳ - ۶۱]

و همچنین می فرماید: { و اگر از آنان پرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ به یقین گویند؛[خداوند]پیروزمند دانا آنها را آفریده است} [سوره زخرف آیه ۹]

و پدیده الحاد و انکار ذات الله تعالی بسیار نادر بود که صاحبان آن از کاروان عقلا عقب مانده بودند و شکست و بی بار بودن این اندیشه در سرزمین واقعیت آشکار شده بود.

۴-ضرورت عقلی:

علاوه بر تمام آن دلایل و شواهدی که برای اثبات ذات باری تعالی و ربوبیت او گفته شد ،هماناعقل از بزرگترین گواهان و دلایل بر آن است. چرا که این پدیده شگفت و باثبات و محکم

ایمان به خدا فطری است

"عقل های نوخاسته به طور طبیعی مال بچه هاست که آنها را وا می دارد تا به سوی ایمان به آفریننده و معبود گرایش یابند، بجای تکامل که برای عقل بشری غیر طبیعی است و پذیرش و فراگیری آن سخت است"

جاستن باریت

پژوهشگر علوم انسانی در دانشگاه اکسفورد

نمی تواند خود را بیافریند و آن مخلوقی آفریده شده است- بدون هیچ گونه شک و تردید- و هر مخلوقی نیاز به خالق و آفریننده دارد.

در این جا پرسش دیگری مطرح می شود و آن اینکه : تو چقدر دچار سختیها، مشکلات و ناراحتی ها شده ای؟ در آن حال به چه کسی پناه برده ای؟ پیش چه کسی التماس کرده ای؟ و از چه کسی انتظارداشته ای تا این مشکلات و مصیبت های تو را بر طرف سازد ؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چون به انسان گزندی برسد، پروردگارش را–انابت کنان به پیشگاه او– به [دعا]می خواند،آنگاه چون از سوی خود نعمتی به او ببخشد.آنچه را که از پیش برای آن دعا می کرد، فراموش می کند و برای خداوند همتایانی قرار می دهد. تا [مردم را]از راه او گمراه سازد. بگو:اندکی در کفر خود[از زندگی دنیا]بهرمند شو. بی گمان تو از دوزخیانی} [سوره زمر آیه ۸]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد. تا انگاه که در کشتی ها قرار گیرد و[کشتی ها] با بادی خوش انان را به پیش برند و[آنان] به ان شادمان گردند[سپس] تند بادی به ان در رسد و از هر سو موج [به سوی] اانان آید و آنان بدانند که از [هر سو] گرفتار شده اند. [آن هنگام] خداوند را در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانده اند به[دعا] خوانند[که:] اگر ما را از این [مهلکه] نجات دهی

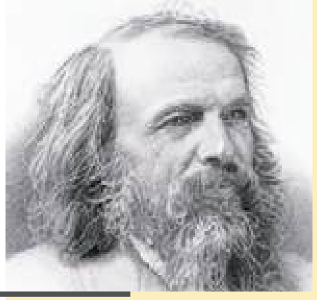

عاقل باش

"آیا آدم عاقلی تصور می کند که ماده بی عقل و بی حکمت خودش خودش را به شکل تصادفی بیافریند"؟

جان کلیفلاند کوثران

استاد علوم طبیعی در دانشگاه دولت

قطعا از سپاس گزاران خواهیم بود (۲۲) پس چون نجاتشان دهد آنگاه است که آنان در زمین به ناحق ستم می کنند. ای مردم، ستمتان تنها به زیان خودتان است. بهره زندگی دنیا [را به دست می آورید] آنگاه بازگشت شما به سوی ماست، سپس شما را از [حقیقت] آنچه می کردید خبر می دهیم.(۲۳) [سوره یونس آیه۲۳-۲۲]

و آن گویند ارجمند چنین می فرماید: { و چون موجی سایه‌بان وار آنان را فرو گیرد خداوند را- در حالی که عبادت را برای او خالص گردانده‌اند- می‌خوانند. پس چون آنان را با رساندن به خشکی رهایی بخشد، آن گاه [برخی] از آنان میانه‌رو است. و هیچ کس جز غدّار ناسپاس آیات ما را انکار نمی کند}
[سوره ی لقمان آیه ی ۳۲]

فلسفه و دین

"دانش کم از فلسفه انسان را به الحاد می کشاند اما عمیق شدن در فلسفه او را به سوی دین می برد"

فرانس بیکن
فیلسوف انگلیسی

دلایل الوهیت پروردگار عز و جل:

آن گاه که فطرت سلیم و عقل درست بر این اقرار پابرجا ماند که این هستی را پروردگاری است و این مخلوقات آفریننده ای دارند و بر خالقیت او اتفاق و بر یکتا بودن او در ربوبیت اقرار نمودند پس آشکارا اظهار داشتند که او در الوهیت یکتا بوده و او را در آن هیچ گونه شریک و همتایی نیست و دلایل این بسیار روشن و واضح هستند. از آن جمله:

۱-چگونه ممکن است این هستی دو اله و معبود داشته باشد؟

عقل راهی جز اعتراف به یک اله ندارد اگر – برای مثال- در این هستی دو اله می بود، این پرسش مطرح می شد: وقتی که آن دو با هم اختلاف پیدا کنند و هر یک از آن دو بخواهد تا خواست و مشیئت خود را اجرا کند، چه خواهد شد؟ آن گاه که یکی از آن دو انجام دادن کاری را بخواهد که با خواست دیگری در تضاد باشد، بدون تردید یکی بر دیگری چیره خواهد شد و آن دیگری ناتوان و عاجز باقی می ماند. آیا ناتوان و عاجز می تواند اله و معبود باشد؟! خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوندهیچ فرزندی برنگرفته است وهیچ معبود [دیگری] با او نیست. [اگر باشد] آن گاه هرمعبودی آنچه را که آفریده بود، می‌برد و قطعا برخی بربرخی [دیگر] چیره می‌شدند. خداوند ازآنچه وصف می کنند پاک [ومنزه] است (۹۱) داننده پنهان و پیدا، که ازآنچه شرک می‌آورند برتر است (۹۲)}
[سوره مومنون آیه ۹۲-۹۱]

هیچ معبودی جز الله نیست

پروردگار ، پادشاه اسرائیل و رهبر آن و صاحب سربازان چنین می گوید: من نخستین ام و من آخرین ام و هیچ معبودی جز من نیست" سفر اشعیاء(اش ۴۴:۶)

عهد قدیم(تورات)

www.path-2-happiness.com

هرشل
فیلسوف و ستاره شناس انگلیسی

یکتایی الله

"تا چهارچوب دانش گسترده تر می شود دلایل وجود حکمت آفریننده قادر مطلق بیشتر محقق می شود. دانشمندان ریاضی دان، ستاره شناس ، طبیعی دان و زمین شناس با کوشش ها و اکتشافات خود هر آنچه را که برای ساختن معبد دانش نیاز است آماده می کنند تا نام آفریننده را برافرازند."

۲- بسیار عجیب است که کسی شخصی را بپرستد که ناتوان و ضعیف باشد و او را در آسمان ها و زمین سیطره و قدرتی نبوده و آفریننده چیزی نباشد و برای خود - دیگران که جای خود دارد- صاحب سود و زیان یا مرگ و زندگی و برانگیختنی نباشد خدای بلند مرتبه می فرماید: {خجسته است کسی که «فرقان» را بر بنده‌اش نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد (۱) کسی که فرمانروایی آسمانها وزمین از آن اوست وهیچ فرزندی نگرفته و او درفرمانروایی شریکی ندارد وهمه چیز را آفریده است، آن گاه چنان که می‌باید آنها را به اندازه مقرر کرده است (۲) و به جای او معبودانی گرفتند که چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده شده‌اند و برای خود اختیار زیانی و سودی ندارند و اختیار مرگ و زندگانی و برانگیختن ندارند (۳)} [سوره فرقان آیه ۳-۱]

اما اگر قضیه همانگونه باشد که مشرکان می گویند: یعنی به همراه الله تعالی معبود و اله دیگری هست که او عبادت می شود تا به خداوند نزدیک شوی و او شفاعت کننده در نزد آن معبود برتر باشد. پس آن معبودان او را می پرستند و به او تقرب می جویند و برای نزدیکی به او در پی یافتن وسیله ای هستند تا بیشتر به او نزدیک شوند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: اگر با اومعبودانی [دیگر] بودند،چنان که [خود] می‌گویند، آن گاه [هر یک] سوی صاحب عرش راهی [برای مقابله ومبارزه] می جستند (۴۲) او پاک است و بسیار والاتر است از آنچه می‌گویند (۴۳)}[سوره اسراء ایات ۴۳-۴۲]

بلکه او اله و معبود بی نیاز است. آن که نه زاده شده و نه زاده است. و او را هیچ همتایی نیست.

این معبودان مالک هیچ چیزی نیستند و به انجام هیچ کاری توانایی ندارند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: آنان را

که به جای خداوند می‌پندارید [به فریاد] بخوانید. هموزن ذره‌ای در آسمان ها و در زمین اختیار ندارند و در [تدبیر] آنها هیچ شرکتی ندارند و او (خداوند) ازآنان پشتیبانی ندارد. (۲۲) وشفاعت به نزد اوسود نبخشد مگر برای کسی که برایش‌ا جازه داده باشد. تا وقتی که نگرانی را از دلهایشان دور سازند، گویند: پروردگارتان چه گفت! گویند: حق؛ و اوبلند مرتبه بزرگ است (۲۳)}[سوره سباء آیات ۲۳-۲۲]

یعنی: بگو به کسانی که به خداوند شریک دیگری از مخلوقات می گیرند کسانی که هیچ سود و زیانی نمی رسانند تا به ناتوانی آن مخلوقات اعتراف کنند و باطل بودن پرستش آنان را برای آنان آشکار کن: کسانی را که شما به عنوان شریک خداوند می خوانید فرا بخوانید، اگر فرا خواندن شما سودی می رساند. چرا که اسباب ناتوانی در آنها گرد آمده است و آنان به هیچ عنوان توان پاسخ دادن به شما را ندارند. آنان صاحب هیچ سیطره و قدرتی بر هیچ زمینی نیستند. آنان نه مستقل اند و نه به اندازه ذره ای در مالکیت آسمانها و زمین شریک اند آن معبودانی که شما ادعا می کنید، در زمین و آسمان ها صاحب هیچ گونه شراکتی نیستند، فقط این مانده که ادعا کنند آن ها یاران و کمک کنندگان آن مالک اصلی یا وزیران اویند. پس دعا و خواندن آنان - به سبب نیاز آن پادشاه واقعی به آنان- سودمند است. آنان نیازهای کسانی را که به آنان توسل می جویند برطرف می کنند. که خدای بلند مرتبه وجود چنین پست و مقامی را نفی می کند و می فرماید: {و نیست او را} یعنی: برای الله تعالی آن پروردگار یکتای چیره دست {از آنان} یعنی: از این معبودان {هیچ یاور و مددکاری}

یعنی: معاون و وزیری که او را در پادشاهی و تدبیر یاری و کمک کند.

۳- دقت در این هستی به ما ثابت می کند که تمام این هستی دارای یک نظم شگفت انگیز و بی همتاست و این بزرگترین دلیل بر آن است که تدبیر کننده آن یک خدای یکتای دانا و تواناست. خدای بلند مرتبه می فرماید: {ومعبودتان، معبودیگانه است. معبود [راستینی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است (۱۶۳) به راستی درآفرینش آسمانها و زمین و [درپی یکدیگر] آمد و رفت شب و روز و درکشتی‌ای که در دریا برای بهره‌وری مردم، روان است و درآنکه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پژمردنش با آن زندگی بخشید و در آن از هر جنبنده‌ای پراکند و درگرداندن بادها و ابر مسخّر بین آسمان و زمین برای گروهی که خرد می ورزند، نشانه‌هایی است (۱۶۴)} [سوره بقره آیات ۱۶۴-۱۶۳]

آیا این نظم و ترتیب بسیار محکم نیست که در تمام طول آفرینش جریان داشته و برای لحظه ای متوقف نمی شود. اگر چنین نبود تمام هستی نابود می گردید و بر این کار کسی جز الله قادر نیست. آیا آفریننده این شگفتی مبهوت کننده، پروردگار یکتای بی همتا نیست؟ آیا این دلیلی واضح و محکم

www.path-2-happiness.com

نیست که وجود دو اله برای هر کسی که فکر می کند و عقل دارد، محال است؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: {اگر در آن دو معبودانی جز خداوند بودند تباه می شدند. پس خداوند، پروردگار عرش، پاک و فراتر است از آنچه بیان می کنند } [سوره انبیاء آیه ۲۲.]

یعنی: اگر در آسمان ها و زمین معبودی جز الله بود نظام همگی به هم می خورد و نابود می شدند و به همراه آنان همگی مخلوقات از بین می رفتند. هستی همانطور که مشاهده می شود در بالاترین نظم و ترتیب وشایستگی است و در آن هیچ گونه عیب، خلل، درگیری و تضادی نیست و این دلیل بر آن است که مدبر، خالق و اله آن یکتاست. اگر آن دو مدبر و خالق داشت نظام آن بهم می ریخت و اعضای آن از هم می گسیخت. چرا که دو خالق با هم در تعارض قرار گیرند و یکی از آن دو قصد آفرینش چیزی را بکند و دیگری مخالف او باشد، مراد و هدف هر دو محقق نخواهد شد. چرا که آن محال است و اگر مراد و هدف یکی محقق شد این نشانه ناتوانی و عجز دیگری است و توافق آن دو در تمام امور و قضایا هم غیر ممکن است. پس می ماند اینکه آن شخص چیره دست و غالب که هدف و مراد او بدون هیچ گونه مانع و مزاحمی محقق می شود. او خدای یکتای چیره دست است.

هدف برتر

این جهان به این شکلی که ما مشاهده می کنیم جایی برای تصادف نگذاشته است و هر جز و قسمت آن به سمت یک هدف در جریان است و آن هدف به سمت یک هدف برتر در حرکت است و این چنین رسیدن به آن هدف نهایی بی نظیر و بی همتا محقق می شود".

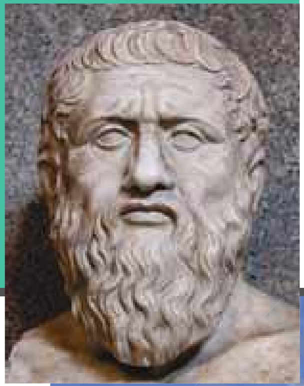

افلاطون
فیلسوف یونانی

۴-پیغمبران و رسولان؛ از آدم تا نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد- که درود و سلام الله بر همگی آنان باد- بر یکتایی الله عز و جل و اینکه جز او معبودی نیست، اتفاق نظر دارند- و شخصیت پاک و برتری تعقل و درستی قول و امانتداری و راه یافتگی همگی آنان از بدیهیات پذیرفته شده است- خدای بلند مرتبه می فرماید: { وهیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید } [سوره انبیاء آیه ۲۵]

و پروردگار که مدح و ثنای او بسیار ارجمند است در باره نوح می فرماید: {نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید. جز او هیچ معبود [راستینی] ندارید. به راستی من بر شما ازعذاب روزی بزرگ بیمناکم} [سوره اعراف آیه ۵۹]

و پروردگار پاک و منزه در باره عیسی علیه السلام چنین می گوید: {به‌راستی کسانی که گفتند: «خداوند همان مسیح فرزند مریم است» کافر شدند. حال آنکه [خود] مسیح گفته بود: ای بنی‌اسرائیل، خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست، بپرستید. بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش [دوزخ] است. و ستمکاران یاورانی ندارند } [سوره مائده آیه ۷۲]

و خدای سبحان به محمد صلی الله و علیه و سلم امر نمود تا به قومش بگوید: {بگو: جز این است که به من وحی می‌شود که معبودتان معبود یگانه است. پس آیا گردن می‌نهید!} [سوره انبیاء آیه ۱۰۸]

پس برای صاحبان عقول برتر شایسته است که از پیغمبرانشان پیروی کنند و خدا را به یکتایی خوانده و به خالقیت و معبود بودن او ایمان بیاورند، تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم وپاداششان

www.path-2-happiness.com

پروردگار یکتاست

"پروردگار همان معبود است و جز او معبودی نیست"(سفر تثنیه۴ک۳۵). "پروردگار من هستم و کس دیگری نیست و معبودی جز من نیست"(اشعیاء ۴۵:۱۵)

عهد قدیم(تورات)

را به [حسب] نیکوترین آنچه می کردند، به آنان می‌دهیم }
[سوره نحل آیه ۹۷]

پاداش کار شایسته به همراه ایمان، زندگی پاک و طیب در این زمین است. البته ضروری نیست که حتما در رفاه و آسایش و ثروت باشد. می تواند چنین باشد و گاهی بدون مال و ثروت فراوان نیزصورت می گیرد. در زندگی چیزهای فراوانی غیر از ثروت وجود دارد که زندگی با آنها گوارا می شود. از آن جمله: ارتباط با خداوند و اعتماد به او، اطمینان به حفظ و رعایت و خشنودی او در این زندگی؛ سلامتی و آرامش و خشنودی و برکت و راحتی خانه و دوستی دلها با هم و شادی به عمل صالح، که نشانه های آن در ضمیر و زندگی شخص نمایان می گردد و مال فقط یک عنصر از عناصر سرافرازی و شکوه و آراستگی در دنیاست: {مال و فرزندان زینت زندگانی دنیاست. و [نیکی های] ماندگار شایسته به نزد پروردگارت نیک پاداش‌تر و امید بخش‌تر است } [سوره کهف آیه ۴۶]

آن گاه که قلب به آنچه بزرگتر و پاک تر و پابرجاتر در نزد خداست، متصل می شود، برای زندگی پاک و خوشبختی و سعادت معنی دیگری هویدا می شود.

اگر انسان جز روی گردانی و اعراض چیز دیگری را نپذیرد، او برای خود، بدبختی، بینوایی، هلاکت و سرگردانی پایان ناپذیر را رضایت داده و در غم و غصه ی بی انتها فرو رفته است. آن چنان نگرانی و تشویشی که قلب او را پاره پاره کرده و او برای همیشه سرگشته و حیران برجای می ماند. خدای پاک و منزه می فرماید: {پس هر کس را که خداوند بخواهد هدایتش کند دلش را برای [پذیرش] اسلام می‌گشاید. و هر کس را که بخواهد در بیراهی واگذارد، دلش را سخت تنگ کند که گویی در آسمان بالا می‌رود.}
[سوره انعام آیه ۱۲۵]

معبود یکی است

"برای پروردگارت همان معبود، سر به زمین فرود می آور و فقط او را بپرست" (متی ۴:۱۰. لوقا۴:۸)." و این همان زندگی جاویدان است که تو را بشناسند. تو فقط معبود حقیقی هستی و عیسی مسیح را تو فرستاده ای"(یوحنا۱۷:۳).

عهد جدید(انجیل)

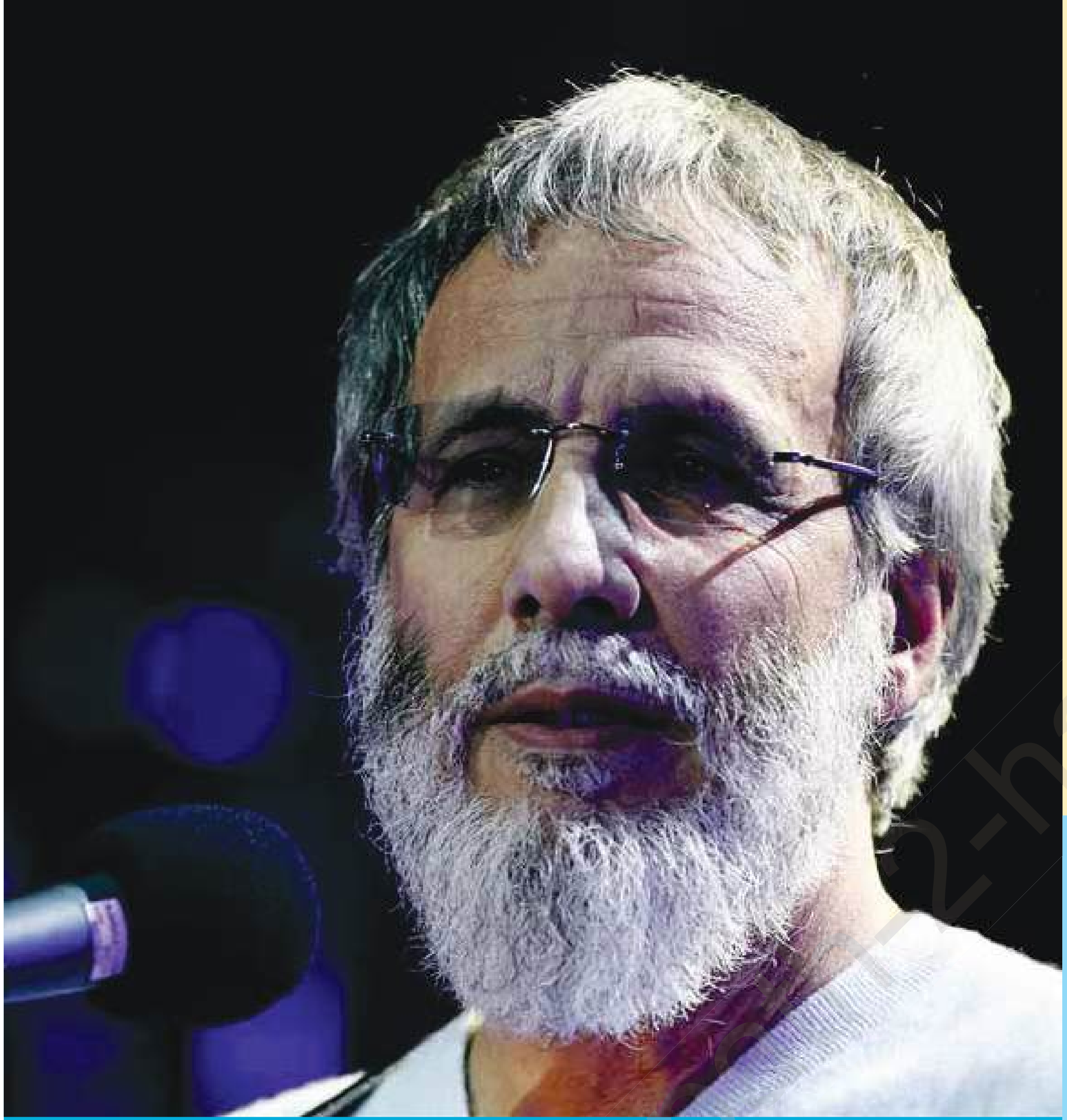

راهنمای خوشبختی

" من پیش از این معنی سعادت را نمی دانستم از وقتی خواندن قران را آغاز کردم با تعجب از خود می پرسم : چرا مردم در مسیری بدور از هدایت در این دنیا حرکت می کنند در حالی که راهنما پیش روی آنهاست و روشنایی در جلوی آنان است"؟

کات ستیفنس

خواننده انگلیسی

آن که پروردگار را به یکتایی شناخت وبه این باور رسید که او را هیچ شریکی نیست، شرح صدر و گشادگی سینه، آرامش خاطر و آسودگی نصیب او می شود و هر کس که گمراه شد دل او پر از تشویش، نگرانی و درد و غصه خواهد شد. پناه بر خدا! و این مثال کسی است که ایمان بیاورد و یکتایی خداوند را بپذیرد و کسی که شرک بورزد و گمراهی اختیار کند؛ خداوند مثالی دیگر بیان می کند و می فرماید: {خداوند مثلی می‌زند از برده‌ای که در [بردگی] او شریکان مختلف سهم دارند. و برده‌ای که تنها برای یک شخص باشد. آیا [این دو] در وصف برابرند! ستایش خدای راست. بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند } [سوره زمر آیه ۲۲]

مشرک مانند برده ای است که چندین مالک دارد و همگی دارای اخلاق تند و خشن و بسیار خشک مزاج اند و آنها بر سر او در نزاع و اختلاف هستند. یکی به او می گوید بیا و دیگری می گوید بنشین و سومی می گوید برخیز و او حیران و سرگردان است و نمی داند چکار کند. نه راحتی و آسایش خاطر دارد و نه راحتی جسم. یکتا پرست چون کسی است که فقط یک ارباب دارد و فقط یک نفر به او امر و نهی می کند. آیا این دو نفر یکسان هستند؟ سپاس و ستایش زیبا خدا را و شکر فراوان او را که پاک ومنزه است. او پروردگار یکتا و معبود یگانه است و هیچ معبود راستینی جز او و خالقی غیر از او نیست. اما کسانی که نمی دانند، برای همیشه در درون خود درگیرند و همیشه نگران و مشوش اند و اندوه و واضطراب و سردرگمی در زندگی آنان غالب است تا به مرگ و یا خودکشی منتهی شود.

خودکشی و دین

دو کارشناس در سازمان سلامت جهانی(who) دکتر جوس مانویل و پژوهشگر الیساندرا فلیشمان تحقیقی در باره رابطه دین و خودکشی انجام دادند و نتیجه آن یکی از مراجع مهم و قابل اعتماد در سازمان ملل گشت

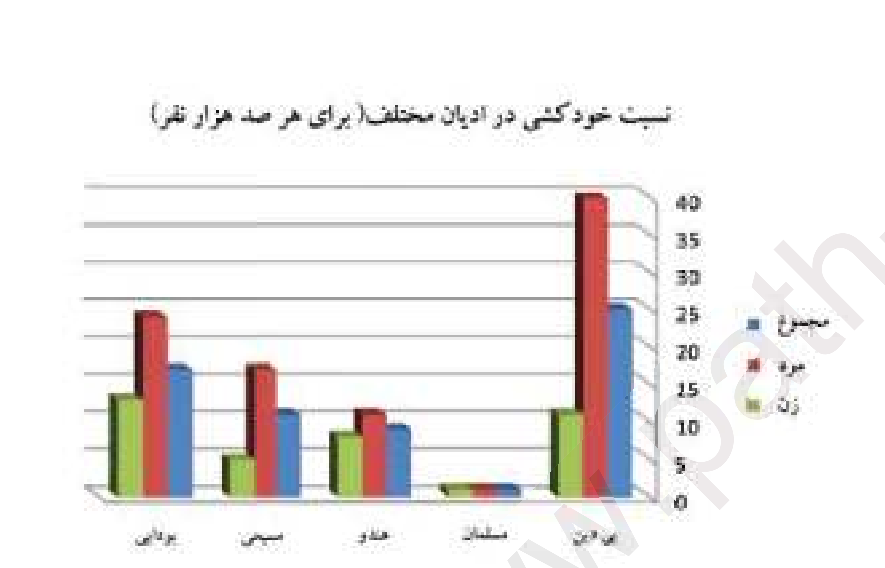

www.path-2-happiness.com

مطالب

آیا شده روزی در باره آفرینش هستی بیندیشی؟

حکمــت آفرینش این هســتی عبارت است از:

آفرینش انسان و بزرگداشت او.

احترام و بزرگداشت زن به مانند مرد:

حکمت آفرینش انسان:

و سرانجام ای انسان...

آفرینش هستی و آدمی.. حکمت و بزرگداشت و هدف

www.path-2-happiness.com

آفرینش هستی و آدمی.. حکمت و بزرگداشت و هدف

آیا شده روزی در باره آفرینش هستی بیندیشی؟

از جمله قوی ترین مباحثی که به سوی ایمان فرا می خوانند تفکر در آفرینش خدای بلند مرتبه است، این تفکر یقین انسان را می افزاید و عظمت و مقدار دانش و حکمت الله تعالی را برای انسان آشکار می کند، خداوند بلند مرتبه آسمان ها و زمین را به حق و نه به باطل و بی هدف آفریده است او هیچ چیز را بیهوده نیافریده است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوند آسمانها و زمین را به حق‌ّ آفرید. بی گمان در این مایه عبرتی برای مؤمنان است }[سوره عنکبوت آیه ۴۴.]

در این هستی چه تعداد از مخلوقات بی شمار وجود دارد که غیر قابل حساب اند، به نظر تو در آفرینش این تعداد مخلوقات چه حکمتی وجود دارد؟

در هستی نشانه ها و آیاتی هست که قدرت و عظمت خداوند بلند مرتبه را آشکار می کنند و دانش، هر روز نشانه های تازه ای کشف می کند که انسان را وا می دارد تا عظمت این خالق آفریننده، صورت گر و با حکمت و صاحب عظمت را با تمام وجود احساس کند.

ای خدای من

آن گاه که برخی از عکس های فضایی جدید را دیدم نخستین عکس العمل من آن بود که فریاد زدم: "ای خدای من، کار کاملا نتیجه داد. به خدا که آن چیزی بسیار زیباست"

پول موردین

استاد ستاره شناسی در دانشگاه کامبردج

اگر انسان به خوبی تامل کند و با ژرف اندیشی در این هستی و مخلوفات آن بنگرد کاملا به این نتیجه خواهد رسید که این هستی در منتهای دقت و ظرافت آفریده شده است، آن را پروردگار حکیم، قدیر و علیم آفریده و به بهترین صورت آن را در آورده است.

و کافی است تا در این بیندیشیم که خداوند بلند مرتبه تمام هستی را: آسمان ها، ستارگان، کهکشان ها و هر آنچه در آن ها هست از زمین ما و غیره و آن چه در این زمین از دریا، خشکی، کوه، درخت و حیوان هست همگی را از هیچ و عدم آفریده است، تا مقدار قدرت و دانش و حکمت الله تعالی را بدانیم، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا کافران ننگریسته‌اند که آسمانها و زمین فروبسته بودند آن گاه آنها را باز گشودیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم، آیا ایمان نمی‌آورند! (۳۰)

و در زمین کوه‌ها پدید آوردیم که [مبادا] آنان را بجنباند و در آنجا راه‌های گشاده نهادیم باشد که آنان راه یابند (۳۱)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و آنان از نشانه‌های آن رویگردانند (۳۲)

و اوست کسی که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید. هر یک [از ستارگان] در آسمانی شناورند (۳۳)} [سوره انبیاء آیات ۳۳-۳۰].

و آن گاه که آدم عاقل در آفرینش خداوند فکر می کند به یقین می داند که همه آن چه در این هستی هست خدای خود را می پرستند؛ همه مخلوقات خداوند، حمد و سپاس خدای پاک و منزه را به جای می آورند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است خداوند فرمانروای پاک پیروزمند فرزانه را به پاکی یاد می‌کند } [سوره جمعه آیه ۱]

و به عظمت او سر فرود می آورند، پروردگار ارجمند می فرماید: {آیا نیندیشیده‌ای خداوند است که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند. و بسیارند [کسانی که] عذاب بر آنان تحقّق یافته است. و هر که را خداوند خوار سازد، گرامی دارنده‌ای ندارد. بی گمان خداوند هر آنچه بخواهد، می کند } [سوره حج آیه ۱۸]

و این چنین همه مخلوقات تسبیح خدای را می گویند و او را نیایش می کنند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا ندانسته‌ای که همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند و مرغان بال گشاده خداوند را به پاکی یاد می‌کنند! [خداوند] نیایش و تسبیح

www.path-2-happiness.com

هر یک از آنان را دانسته است و خداوند به آنچه می‌کنند داناست } [سوره نور آیه ۴۱]، و در نتیجه مومن می بیند که تمام هستی به مانند یک کاروان در مسیری واحد به سمت پروردگار عالم روان است، پس او نیز با این کاروان هماهنگ می شود و در این مسیر پر برکت و پاکیزه همراه می شود. پس زندگی او گوارا و وجدانش آرام می گیرد.

این است آفرینش خداوند

"دیدن این منظره باید انسان را تغیر داده و او را واداراد تا ارزش آفرینش خداوند و محبت او را بداند" او از هستی سخن می گفت.

جیمس ایروین

فضا نورد

از دلایل الوهیت

"دیدن زمین از روی ماه توسط من یک نگاه به درخشش قدرت معبود بود"

ادگار میشل

ششمین نفری که بر سطح ماه قدم زد

بزرگداشت انسان توسط خداوند

"اسلام را که قانون الله است به شکل واضح در طبیعت پیرامون خود مشاهده می کنیم: تنها به دستور خداوند کوه ها و دریاها و ستارگان و سیارگان در مسیر خود روان هستند، آنها فرمانبردار امر و دستور الله، خالق آنها هستند و همه ذرات این هستی این چنین هستند– حتی جمادات– اما انسان از این قاعده مستثنی است: خداوند به او آزادی و اختیار داده است، او می تواند تسلیم دستور و امر خداوند شود یا اینکه برای خود قانونی درست کند و بر همان دینی که به آن راضی است حرکت کند و متاسفانه در بیشتر اوقات انسان راه دوم را اختیار نموده است."

دیبورا بوتر

روزنامه نگار آمریکایی

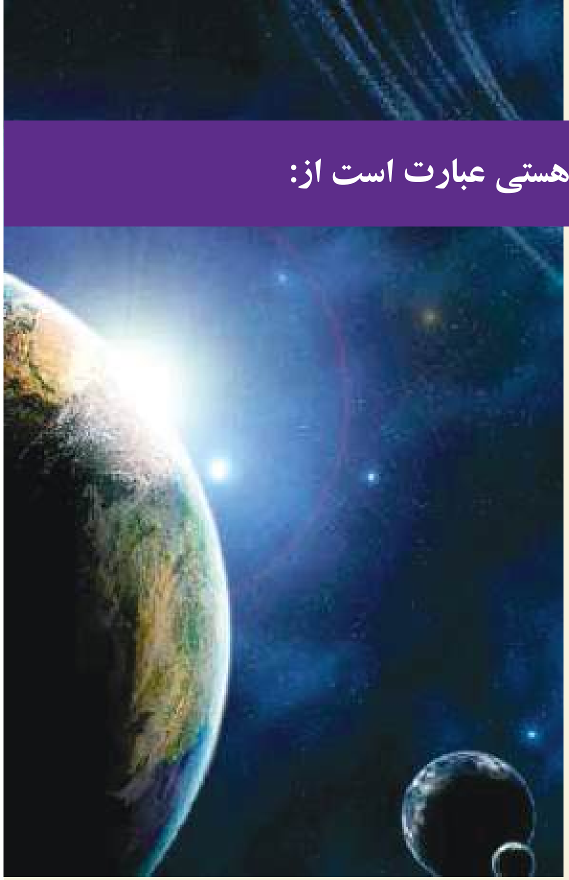

حکمت آفرینش این هستی عبارت است از:

۱–هدایت و رهنمون شدن به وحدانیت و یکتایی خداوند سبحان:

این هستی شگرف با هر چه در آن هست از مخلوقات و شگفتی ها بزرگترین شاهد بر عظمت قدرت الله تعالی و کمال نوع آوری و ابداع او است. و اگر بر چیزی دلالت کند همانا آن یکتایی پروردگار عز و جل است و اینکه پروردگاری جز او و معبودی غیر از او وجود ندارد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و از نشانه‌هایش آن است که شما را از خاک آفرید. آن گاه شما مردمانی در زمین پراکنده شدید (۲۰) و از نشانه‌هایش آن است که برایتان از [جنس] خودتان همسرانی آفرید تا به آنها آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی مقرر داشت. بی گمان در این [کار] برای گروهی که می‌اندیشند مایه‌های عبرتی است (۲۱) و از نشانه‌هایش آفرینش آسمانها و زمین و گونه‌گونی زبانها و رنگهایتان است. بی گمان در این [کار] برای دانشوران مایه‌های عبرتی است (۲۲) و از نشانه‌هایش خفتنتان در شب و روز و روزی جستنتان از فضل اوست. بی گمان در این [کار] برای گروهی که گوش شنوا دارند مایه‌های عبرتی هست (۲۳) و از نشانه‌های اوست که برای بیم و امید برق را به شما می‌نمایاند و از آسمان آبی نازل می‌کند، آن گاه از آن زمین را پس از پژمردنش زنده [و خرّم] می‌گرداند. بی گمان در این [کار] برای گروهی که خرد می‌ورزند مایه‌های عبرتی است (۲۴) و از نشانه‌های اوست که آسمان و زمین به حکم او [بر جای] می‌ایستند. سپس چون به صلایی شما را از زمین فراخواند، ناگهان شما برانگیخته می‌شوید (۲۵) و هر آن کس که در آسمانها و زمین است، از آن اوست. یکا یک [آنان] فرمانپذیر او هستند (۲۶)} [سوره روم آیات ۲۶-۲۰]

www.path2-happiness.com

و خداوند سبحان می فرماید: {بگو: ستایش خدای راست. و سلام بر آن بندگانش که [آنان] را برگزیده است. آیا خداوند بهتر است یا آنچه شرک می‌آورند! (۵۹) نه بلکه [سؤال این است که] چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و برایتان از آسمان آبی فرو فرستاده است! آن گاه بدان باغهای با طراوت [و تازگی] رویاندیم. شما را نمی‌رسید که درختانش را برویانید. آیا معبودی غیر از خداوند هست! حق‌این است که آنان گروهی کجرو هستند (۶۰) نه بلکه [سؤال این است که] چه کسی زمین را قرارگاه گردانده و در لابه‌لایش جویبارانی قرار داده و برایش کوه‌ها پدید آورده و بین دو دریا حجابی آفریده است! آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست! بلکه بیشترشان نمی‌دانند (۶۱) نه بلکه [سؤال این است که] چه کسی [دعای شخص] درمانده را، چون او را بخواند، می‌پذیرد و سختی را بر می‌دارد و شما را جانشینان زمین می‌سازد! آیا با خداوند معبود [دیگری] هست! اندکی پند می‌پذیرید (۶۲) نه بلکه [پرسش این است که] چه کسی شما را در تاریکیهای بیابان و دریا رهنمون می‌شود و چه کسی بادها را پیش از رحمتش مژده آور می‌فرستد! آیا با خداوند معبود [دیگری] هست! خداوند از آنچه شرک می‌آورند، برتر است (۶۳) نه بلکه [پرسش این است که] چه کسی آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را [بار دیگر] باز می‌گرداند! و چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد! آیا با خداوند معبود [دیگری] هست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. (۶۴)} [سوره نمل آیات ۵۹-۶۴].

۲- رام کردن هستی برای انسان:

خداوند انسان را از بندگی اشیاء و مادیات آزاد کرده است و تمام اشیای این هستی و تمام آن چه در آسمان ها و زمین است را رام و در تسخیر انسان قرار داده است و این یک فضل و کرم از جانب خداوند متعال به انسان است؛ این به هدف محقق شدن آبادانی زمین و تکمیل شدن خلافت انسان در زمین است و البته تکمیل شدن بندگی انسان برای خداوند متعال. مسخر و رام کردن در اینجا به دو معنی است: رام کردن به معنی شناختن خداوند و فضل و کرم و بزرگی او و به معنی بزرگداشت انسان و بالا بردن ارزش و جایگاه او و نسبت به چیزهای مسخر شده؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است همگی را برایتان از [لطف و آفرینش خود] مسخّر گرداند.} [سوره جاثیه آیه ۱۳]

و گفت آن که تعریف و مدح او بسیار ارجمند است: {خداوند کسی است که آسمانها و زمین را آفریده است و از آسمان آبی فرو فرستاده است، آن گاه با آن برای شما روزی‌ای از [اقسام] میوه‌ها برآورده و کشتی را برایتان رام ساخته است تا به حکم او در دریا روان باشد. و جویباران را برای شما مسخّر گرداند (۳۲) و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام کرد. و شب و روز را [نیز] برایتان مسخّر گرداند (۳۳) و از هر چه از او خواستید به شما داد و اگر [بخواهید] نعمت خداوند را بشمارید، نمی‌توانید [همه] آن را بشمارید. بی گمان انسان ستمگر [و] ناسپاس است (۳۴)} [سوره ابراهیم آیات۳۴-۳۲]

از دلایل پیامبری

"محمد آن مرد درس ناخوانده که در یک محیط جاهلی بزرگ شده بود، چگونه توانست تا آیات و معجزات این هستی را آن چنان که قرآن توصیف می کند بشناسد، مواردی که حتی دانش جدید تا به امروز سعی می کند تا آنها را کشف کند؟ پس حتما باید این کلام، کلام خدای عز و جل باشد".

دیبورا بوتر
روزنامه نگار آمریکایی

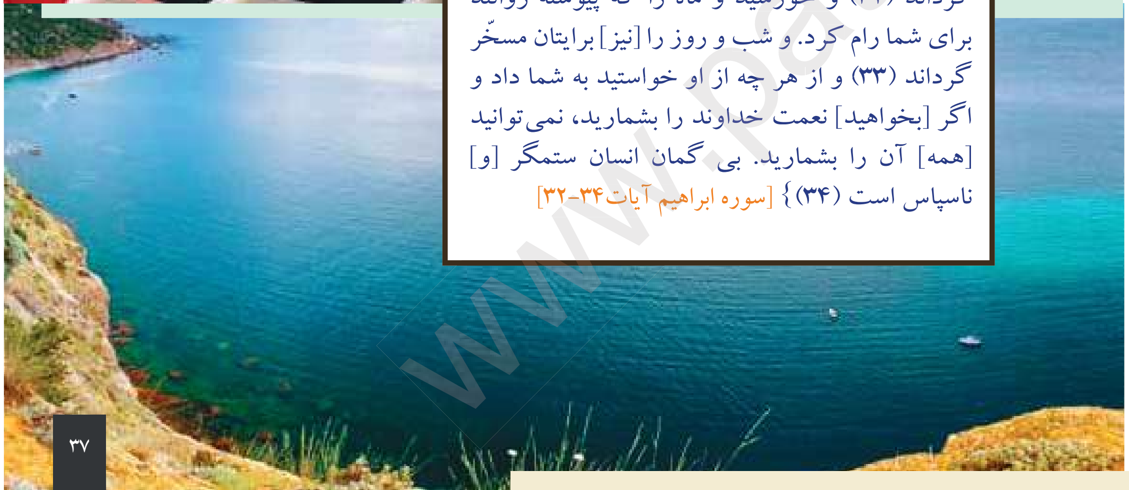

www.path-2-happiness

۳- باشد تا به دیدار پروردگارتان یقین کنید:

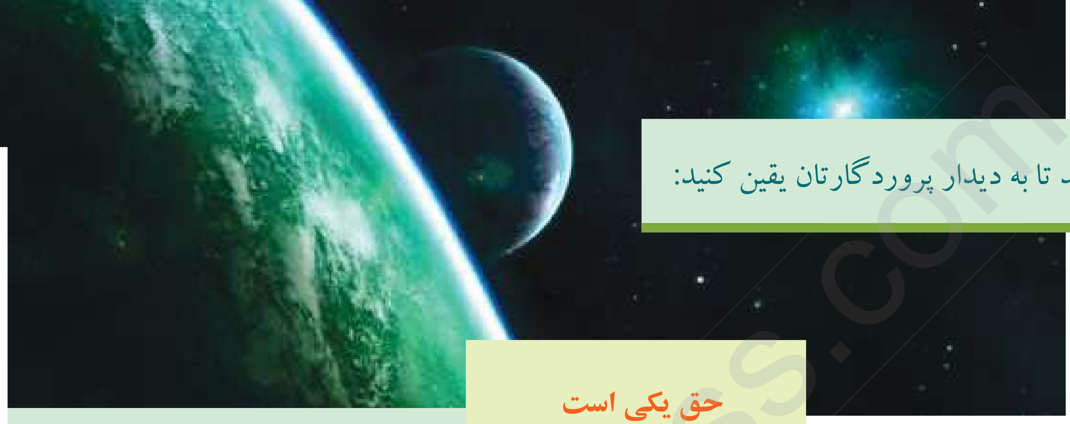

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین- و نه فقط آفرینش نوع آدمی- دلیلی واضح بر برانگیخته شدن و رستاخیز بعد از مرگ است، آیا بازگرداندن مخلوقات از آفرینش نخستین ساده تر نیست؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اوست کسی که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می‌گرداند و آن [باز گرداندن] بر او آسانتر است } [سوره روم آیه ۲۷]

بلکه آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش انسان بزرگتر است، خدای بلندمرتبه می فرماید: {بی گمان آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر از آفرینش مردم است، امّا بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره غافر آیه ۵۷]

و پروردگار که تعریف او بس ارجمند است می فرماید: {خداوند کسی است که آسمانها را بی [هیچ] ستونهایی که آنها را ببینید، برافراشت، آن گاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام کرد. هر یك تا زمانی معیّن روان است. کار [هستی] را تدبیر می کند، نشانه‌ها را [به روشنی] بیان می کند تا شما به لقای پروردگارتان یقین آورید } [سوره رعد آیه ۲]

حق یکی است

" اینکه به این آفرینش بنگری و به خدا ایمان نیاوری از محالات است.. همانا آن ایمان مرا بسیار قوی گرداند، دوست دارم کلماتی را بیابم که این منظره را توصیف کنند."

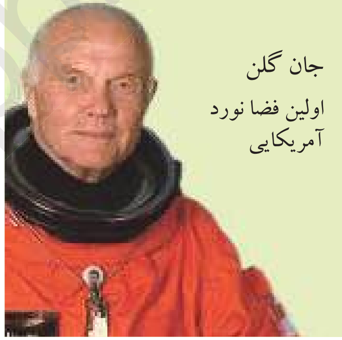

جان گلن

اولین فضا نورد آمریکایی

تو کجای خلقت هستی

"این عکس مجموعه ای بسیار بزرگ از کهکشان ها است، یکی از آنها یانقطه کوچکی ازآن کهکشان راه شیری است که منظومه شمسی در آن قرار دارد، در کهکشان ما بیش از ده میلیارد خورشید وجود دارد و خورشید یك میلیون و چهارصد هزار بار بزرگتر از زمین است. فرض کنیم که خانه تو پانصد متر مربع است زمین از خانه تو ۱۰۲۰۱۴۴۰۰۰۰۰۰ بار بزرگتر است و خانه تو چند بار از تو بزرگتر است"؟

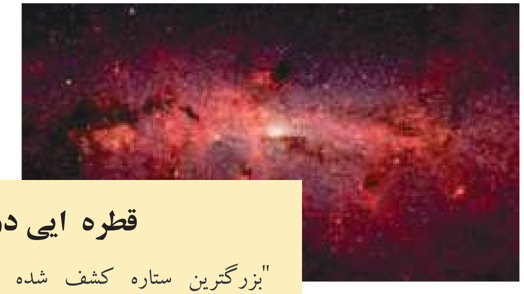

قطره ایی در دریا

"بزرگترین ستاره کشف شده تا به حالMajoris Cans است که از ما پنج هزار سال نوری فاصله دارد و از خورشید ۹۲۶۱۰۰۰۰۰۰ برابر بزرگتر است: یعنی نه میلیارد و ۲۶۱ میلیون بار!! در حالی که خورشید ۱۳۰۰۰۰۰ بار بزرگتر از زمین است"!!

آفرینش انسان و بزرگداشت او.

با وجود بزرگی و عظمت این هستی و آسمان ها و زمین، خداوند همه آن ها را رام انسان ساخته است و همه را در اختیار او قرار داده است: {و آنچه را که در آسمانها و آنچه را که {در زمین است همگی را برایتان از [لطف و آفرینش خود] مسخّر گرداند.} [سوره جاثیه آیه ۱۳]

و این به جهت بزرگداشت و برتری او بر دیگر مخلوقات است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در بیابان و دریا آنان را [بر مرکب و غیر آن] سوار کردیم و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش چنان که باید برتری دادیم } [سوره اسراء آیه ۷۰]

پس خداوند انسان را آفرید و ما را از داستان آفرینش آدم و بزرگداشت او و سپس فرستادن او از بهشت بر روی زمین به سبب وسوسه شیطان و ارتکاب گناه توسط او و آن گاه توبه و بازگشت اش به سوی پروردگار آگاه ساخت ، خداوند سبحان می فرماید: {و شما را آفریدیم، آن گاه به شما صورت [و سامان] بخشیدیم، آن گاه به فرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید. پس [همه] سجده کردند مگر ابلیس. که از سجده کنندگان نبود (۱۱) [خداوند] فرمود: چه چیزی تو را هنگامی که به تو فرمان دادم از آنکه سجده کنی باز داشت! گفت: من از او بهترم. مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای (۱۲) گفت: پس از آنجا فرود آی، چرا که تو را روا نیست که در آن کبر ورزی، پس بیرون شو، بی گمان تو خرد و خواری (۱۳) گفت: تا روزی که [مردم] بر انگیخته شوند، به من مهلت ده. (۱۴) فرمود: به یقین تو از مهلت یافتگانی (۱۵) گفت: پس از آن روی که مرا گمراه کردی برای [گمراه ساختن] آنان [بر] راه راست تو می‌نشینم (۱۶) آن گاه از پیش رویشان و از پشت سرشان و از [سمت] راستشان و از [سمت] چپشان به سوی آنان خواهم آمد و بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت

www.path-2-happiness.com

(۱۷) فرمود: نکوهیده و رانده شده از آنجا بیرون شو. قطعا هر کس از آنان که از تو پیروی کند، جهنّم را از همگی شما خواهم انباشت (۱۸) و [گفتیم:] ای آدم، تو و همسرت، در بهشت ساکن شو [ید] از هر جا که خواهید، بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد (۱۹) آن گاه شیطان آنان را وسوسه کرد تا آنچه را از شرمگاههایشان که از [نظر] شان پوشیده بود، پیدا سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرده است مگر [برای باز داشتن از] آنکه دو فرشته شوید یا از جاودانگان گردید (۲۰) و برایشان سوگند خورد که من برایتان از خیر خواهان هستم (۲۱) پس با فریب آنان را به خواری کشاند، آن گاه چون [از میوه‌های] آن درخت چشیدند، شرمگاه‌هایشان بر آنان پیدا شد و شروع کردند [به آنکه] از برگ [درختان] بهشت بر روی هم بر خودشان می‌چسباندند و پروردگارشان آنان را ندا داد: آیا شما را از این درخت منع نکرده بودم و به شما نگفته بودم که شیطان دشمن آشکار شماست! (۲۲) گفتند: پروردگارا، بر خویشتن ستم روا داشتیم و اگر ما را نبخشی و ما را نبخشایی، البته از زیان دیدگان خواهیم بود (۲۳) [خداوند] فرمود: در حالی که دشمن همدیگر خواهید بود، فرو روید و در زمین تا هنگامی معیّن آرامشگاه و بهره‌مندی دارید (۲۴) فرمود: در همانجا زندگی می کنید و در آنجا می‌میرید و از آنجا بیرون آورده می‌شوید (۲۵)} [سوره اعراف آیات ۲۵-۱۱]

به راستی که خداوند آدمی را در بهترین شکل و صورت آفرید و سپس از روح خود در او دمید پس او انسانی در نیکوترین قامت گشت که می شنود و می بیند و حرکت میکند و سخن می گوید: {بزرگ است خداوند، بهترین آفرینندگان. } [سوره مومنون آیه ۱۴]

همه مردم برابرند

"همه مردم از نظر کرامت و حقوق برابر آفریده می شوند و همه آنها دارای عقل و وجدان بوده و باید با یکدیگر با برادری رفتار کنند".

ماده نخست از اعلامیه جهانی حقوق بشردر سازمان حقوق بشر

و او را به هر آنچه که نیاز به دانستن اش دارد مجهز نمود و به او ویژگی ها و صفاتی را اعطا کرد که به دیگر مخلوقات نبخشیده است: عقل، دانش، گویایی ؛ قدرت نطق و سخن گفتن، شکل زیبا و مناسب، سیمای بزرگوارانه، جسم مناسب و معتدل و توانایی به دست آوردن علوم با استفاده از استدلال و فکر کردن و او را به فضایل اخلاق و صفات نیکو رهنمون کرده و بر بسیاری از آفریده هایش برتری و گرامی داشت و از نشانه های این بزرگداشت انسان –مرد یا زن– آن است که:

خداوند بلند مرتبه آفرینش آدم را از آغاز به دست خود شروع کرد و این چنین بزرگداشت شرافتی است که بالاتر از آن شرافتی نیست؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {[خداوند] گفت: ای ابلیس، چه چیز تو را بازداشت از آنکه برای آنچه به قدرت خویش آفریده‌ام، سجده کنی! کبر ورزیدی یا اینکه از بلند پایگان هستی! } [سوره ص آیه ۷۵]

– به راستی خدای بلند مرتبه این انسان را در نیکوترین قامت آفرید؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {به یقین انسان را در نیکوترین قوام آفریدیم} [سوره تین آیه ۷]

و همچنین می فرماید: {و شما را نقش بست، آن گاه نقشتان را نیکو گرداند و بازگشت به سوی اوست } [سوره تغابن آیه ۳]

همانا خدای متعال این انسان را بزرگ داشت آن گاه که به فرشتگان دستور داد تا بر آدم؛ پدر بشریت سجده کنند؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چون به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده برید، آن گاه [همه] سجده بردند، مگر ابلیس.} [سوره اسراء آیه ۶۱]

همانا خداوند متعال به این انسان با دادن عقل و قدرت تفکر و توانایی شنیدن و دیدن و دیگر حواس، شرافت بخشید؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {و خداوند شما را از شکمهای مادرانتان [در حالی] بیرون آورد که چیزی نمی‌دانستید و برای شما [توان] شنوایی و دیدگان و دلها پدید آورد، باشد که سپاس گزارید } [سوره نحل آیه ۷۸]

www.path-2-happiness.com

همانا خدای بلند مرتبه از روح خود در این آدمی دمید و به این ترتیب برتری روحی برای او تحقق یافت، خدای بلند مرتبه می فرماید: {پس چون به او سامان دهم و از «روح» خود در او بدمم، سجده‌کنان برای او [به خاک] افتید } [سوره ص آیه ۷۲]

و این بزرگترین بزرگداشت و احترام انسان است، به همین جهت لازم است تا انسان را به خاطر انسان بودن مورد احترام قرار داد، شایسته نیست بر انسانی که در او نفخه خدایی است تجاوز نمود.

و خداوند او را در زمین خلیفه و جانشین گرداند در حالی که این شرافت را به فرشتگان و جنیان نداده بود، خدای بلند مرتبه می فرماید: { و چون پروردگارت به فرشتگان فرمود: به راستی من جانشینی در زمین خواهم گمارد، گفتند: آیا کسی را در آنجا می‌گماری که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، حال آنکه ما با ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را پاک می‌شماریم! فرمود: به یقین من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید } [سوره بقره آیه ۳۰]

و این شرافت بزرگی است که فرشتگان به آن دست نیافته اند، فرشتگانی که هرگز نافرمانی خداوند را نمی کنند، آنانی که همیشه مشغول یاد، ذکر، تسبیح و بزرگداشت خداوند بلند مرتبه هستند.

همانا خدای بلند مرتبه برای این انسان هر آن چه را که در این هستی وجود دارد، از آسمان ها و زمین و هر آن چه که در آن دو و میان آن دو از ستارگان و سیارگان و کهکشان ها وجود دارد، رام نمود، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است همگی را برایتان از [لطف و آفرینش خود] مسخّر گرداند. بی گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است } [سوره جاثیه آیه ۱۳]

همانا خدای بلند مرتبه انسان را از بندگی هر مخلوق دیگری آزاد کرده است هر چندان که او دارای فضل و برتری و عظمت باشد و این قله آزادی انسان است، که از بندگی بشر و

پیام ما

"همانا خداوند ما را برانگیخت تا هر کس را که خواست از بندگی بندگان به سوی بندگی الله و از سختی دنیا به فراخی آن و از ستم ادیان به عدل اسلام ببرد."

ربعی بن عامر

از یاران رسول خدا صلی الله علیه و سلم

فرمانبرداری از او به سوی بندگی الله تعالی منتقل شده است، بندگی خداوند متعال قله آزادی از بندگی دیگران است، به همین سبب خداوند هیچ واسطه ای را میان خود و بندگان نپذیرفته است، برخی از مردم واسطه هایی در میان خود و خدای خود قرار داده اند و به آنها برخی از صفات خدایی داده اند، اما خداوند آدمی را با قرار ندادن هیچ واسطه ای میان خود و او، عزت داده و احترام نموده است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {احبار و راهبانشان را به جای خداوند، به خدایی گرفته‌اند. و [نیز] مسیح بن مریم [را به خدایی گرفته‌اند] حال آنکه فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود [راستینی] جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند، [بس] پاک [و منزّه] است } [سوره توبه آیه ۳۱]

آزاد سازی آدمی از هر گونه خوف و هراس از آینده و از تشویش و افسردگی با امر به ایمان به قضاء و قدر به همراه استفاده از تمام اسباب مادی، ایمان به قضاء و قدر سبب می شود تا مومن در حالتی از امن و امان و عزت و احترام و احساس کرامت به سر ببرد و نسبت به آن چه از دست داده است تا زمانی که نسبت به استفاده از اسباب کوتاهی نکرده است هیچ گونه احساس اندوه و غضه به خود راه ندهد، زیرا که آن از جانب خداوند متعال است: {هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان هایتان نرسد، مگر پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی نوشته است. بی گمان این امر بر خداوند آسان است } [سوره حدید آیه ۲۲]

این ایمان سبب توازن و آرامش حقیقی و اطمینان بسیار

www.path-2-happiness.com

زیاد می شود، به طوری که مصیبت ها در او اثر نمی کند و او را بی تاب و نگران نمی سازند، همان سان که نعمت ها و شادی ها او را مغرور و سرکش نمی کنند.

احترام به عقل انسان:

خداوند متعال به عقل و اندیشه آدمی بهای بسیار زیادی داده است، به او امر کرده است تا با دقت و ملاحظه بنگرد و تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین و اقامه حجت و دلیل عقلی را یک واجب شمرده است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: بنگرید که چه چیزی در آسمانها و زمین است! و آیات و هشدارها به گروهی که ایمان نمی‌آورند، سودی نمی‌بخشد } [سوره یونس آیه ۱۰۱]

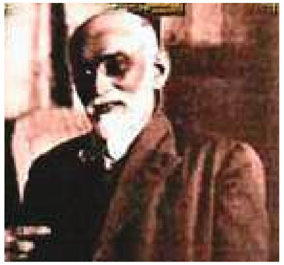

هیچ واسطه ای وجود ندارد

" این جا یک موضوع بسیار مهم است و آن منتفی بودن واسطه بین بنده و خدایش است و این، آن چیزی است که صاحبان اندیشه های پویا یافته اند"

ایتین دینیه

نقاش و اندیشمند فرانسوی

و امر کرده است به احترام نهادن به عقل و توجه به آن و به کار گیری آن و به حرکت واداشتن و راکد نگذاشتن آن در میان تقلید و تعصب. تکلیف با عقل معنی پیدا می کند، همان گونه که آن را دلیل و حجتی بر وحدانیت خود قرار داده و دستور می دهد که در زمان بروزاختلاف به آن مراجعه کنند و می فرماید: {بگو: اگر راستگویید برهانتان را [در میان] آورید } [سوره بقره آیه ۱۱۱]

و عقل را از خرافات و حقه بازی ها و سحر و تردستی ها و یاری گرفتن از جن و چیزی های مانند آن آزاد کرده است.

و بر این تاکید کرده که هر انسان مسئول کار خود است و بر آن حساب گرفته می شود و هیچ ربطی به کار دیگران ندارد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ بر دارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد} [سوره فاطر آیه ۱۸]،

این افتخاری بسیار بزرگ است که قرآن با آن اندیشه ای اشتباه را از بین می برد و آدمی را از تبعات سنگین آن رها می سازد.

احترام و بزرگداشت زن به مانند مرد:

عزت و احترام و بزرگداشت آدمی منحصر به یک جنس نیست، اصل آن است که زن در تمام این بزرگداشت و احترام به مانند مرد است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و زنان از همچون حقی که [شوهران] به طور شایسته بر آنان دارند، بر خور دارند} [سوره بقره آیه ۲۲۸]

و خدای پاک می فرماید: {مردان و زنان مؤمن کارسازان همدیگرند} [سوره توبه آیه ۷۱]

و البته زن در پاداش اخروی با مرد هیچ تفاوتی ندارد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {پس پروردگارشان [دعا] یشان را پذیرفت که: من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن تباه نمی کنم. شما از همدیگرید. } [سوره آل عمران آیه ۱۶۵]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هر کس، مرد یا زن در حالی که مؤمن است [کاری] از کارهای شایسته انجام دهد، اینان به بهشت در آیند و به کمترین میزانی ستم نمی‌بینند } [سوره نساء آیه ۱۲۴]

خداوند زن را عزت و احترام داده است آن گاه که به او تکلیف داد و به او مسئولیت کامل داد. او در پاداش و سزا به مانند مرد است، حتی نخستین تکلیف الهی خطاب به مرد و زن آمده است؛ آن جا که خداوند خطاب به انسان اول آدم و حوا می فرماید: {و فرمودیم: ای آدم، تو و همسرت در بهشت سکنا گزینید. و از [میوه‌های] آن هر جا که خواهید به فراوانی بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد } [سوره بقره آیه ۳۵]

همانگونه که خداوند زن را مسئول اخراج آدم از بهشت و بدبخت شدن نسلش بعد از او نمی داند، چنان که در برخی از ادیان آمده است، بلکه خداوند می فرماید که مسئول نخست آدم است: {و به راستی پیش از این به آدم سفارش کردیم، آن گاه [آن را] فراموش کرد و در او عزمی استوار نیافتیم(۱۱۵) سوره طه، {و آدم از پروردگارش نافرمانی کرد و گمراه شد (۱۲۱) آن گاه پروردگارش او را بر گزید و او را آمرزید و هدایت کرد(۱۲۲)} [سوره طه آیات ۱۲۱-۱۲۲]،

یکسان و برابر

"دانشگاه اکسفورد تا ۲۶ تموز سال ۱۹۶۴ میلادی حقوق مساوی میان دانشجویان دختر و پسر (در باشگاه ها و اتحادیه های دانشجویی) را رعایت نمی کرد "

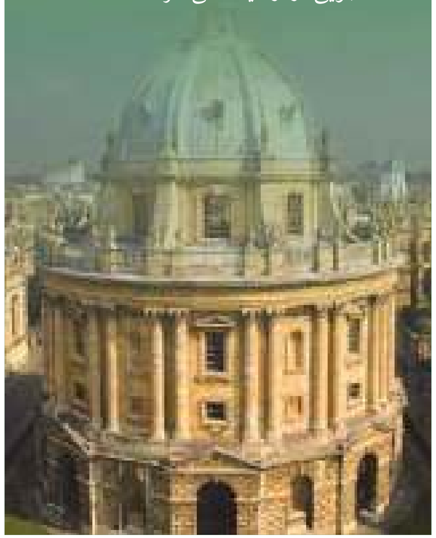

اعجاز واقعی

"اگر ما قوانین قرآن را با تمام قوانین جوامع پیشین مقایسه کنیم؛ بدون تردید یک پیشرفت بزرگ و ملموس را ثابت می کند به ویژه در نسبت با آتن و روم، جایی که زن به طور ثابت پایین تر از مرد بود".

روژه گارودی
فیلسوف فرانسوی

www.path-2-happiness.com

زن در قوانین وضعی

در روم جلسه بسیار بزرگی گرفته شد تا در باره وضعیت زن بحث و تبادل نظر کنند، و در پایان تصویب نمودند که زن موجودی دارای روح انسانی نیست و به همین سبب به زندگی اخروی نمی رسد، او نجس و ناپاک است، نباید گوشت بخورد، نباید بخندد و حتی نباید حرف بزند ، او باید وقت خود را صرف نماز، عبادت و خدمت گزاری بکند و چون او را از تمام این کارها بازداشتند یک قفل آهنی بر دهان او زدند پس زنان هر طبقه از بالا و پایین همیشه قفلی بر دهان داشتند، این غیر از انواع تنبیهات بدنی بود که زن در معرض آن قرار داشت چرا که او وسیله اغوا و فریب بود و شیطان برای فاسد کردن قلب ها از او استفاده می کرد"

زن در نزد آنان..

"در آئین های پیشین هند، وبا، مرگ، جهنم، سم، مارهای افعی وآتش بهتر از زن بودند و حق او در زندگی با مرگ همسرش تمام می شد همسرش مالک و آقای او بود، وقتی مرد می مرد و زن می دید که جسد او دارد می سوزد او باید خود را در آن آتش می انداخت و گرنه نفرین ابدی گریبانگیر او می شد."

و این چنین زنان و مردان در انسانیت برابر هستند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترینتان در نزد خداوند پرهیزگارترینتان است. بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است } [سوره حجرات آیه ۱۳]

و این چنین مردان و زنان در آن چه می آید مشترک و برابر هستند

مسئولیت مدنی در حقوق مادی خاص: شخصیت معنوی زن قابل احترام و با ارزش است و خداوند او را در شایستگی انجام واجبات، به مانند مرد قرار داده است و به او حق بستن هر نوع قرار داد خرید و فروش و غیره را عطاء کرده است و تمام این حقوق بدون هیچ گونه قیدی که آزادی او را محدود سازد قابل اجرا هستند، به جز همان قیودی که مرد را هم محدود می سازد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {مردان از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای دارند. و زنان [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای دارند. } [سوره نساء آیه ۳۲]

و به او حق ارث بردن داد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذارند، سهمی دارند. و زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذارند، سهمی دارند- از آنچه از آن [مال، خواه] اندک یا بسیار باشد.- که [به عنوان] سهمی معین [و مقرر] شده است } [سوره نساء آیه ۷]

و جایگاه او را در برابر شرع در اعمال خوب و بد، به مانند مرد قرار داد، خدای بزرگ مرتبه می فرماید: {و دستان مرد و زن دزد را، به کیفر عملی که مرتکب شده‌اند، به عنوان عبرتی از [جانب] خدا ببرّید و خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره مائده آیه ۳۸]

و در باره پاداش اخروی می فرماید: {هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم و پاداششان را به [حسب] نیکوترین آنچه می‌کردند، به آنان می‌دهیم} [سوره نحل ایه ۹۷]،

و در باره دوستی و یاری رساندن به یکدیگر می گوید: {مردان و زنان مؤمن کارسازان همدیگرند به معروف امر و از منکر نهی می کنند و نماز بر پای می‌دارند و زکات می‌پردازند و از خداوند و رسول او فرمان می‌برند. اینانند که خداوند آنان را مشمول رحمت خود قرار خواهدشان داد. بی گمان خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره توبه آیه ۷۱]

و دستور داده است تا با زنان به نرمی و مهربانی رفتار شود، خداوند کشتن زنان را در جنگ حرام ساخته و به همزیستی با زن حائضه و هم خوراک شدن با او امر نموده است، در حالی که یهود از آن باز می داشتند و زن را تحقیر می کردند و از او در ایام عادت ماهیانه فاصله می گرفتند وبا او هم سفره نمی شدند تا زمان پاکی او فرا برسد، زن بهترین چیزها را از رسول خدا صلی الله علیه و سلم دریافت داشته است آنجا که می فرماید:" بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده خود بهترین رفتار را داشته باشد، و من بهترین شما در خانواده خود هستم" (روایت از ترمذی است و آن را حسن و صحیح گفته است).

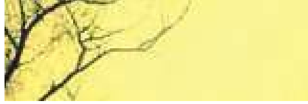

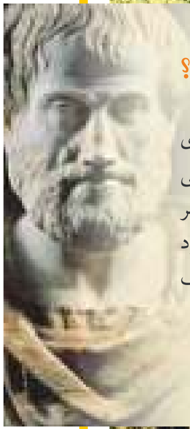

این دیگر چه ستمی است؟

"زن به نسبت مرد به مانند برده برای مالکش است، و به مانند کار دستی در برابر کار فکری و به مانند بربر به نسبت یونانی است، زن یک مرد ناقص است، در دنیا از رشد متوقف مانده است"

ارسطو
فیلسوف یونانی

زن فرانسوی

" در سال ۵۸۶م در یکی از ایالات فرانسه گردهمایی صورت گرفت تا در باره زن بحث کنند که آیا او انسان است یا نه؟ و در انتهای گردهمایی تصویب شد که زن انسان است اما برای خدمت به مرد آفریده شده است و در فوریه سال ۱۹۳۸ قانونی صادر شد که قوانین منع زن از برخی اقدامات مالی را ملغی می کرد و برای نخستین بار در تاریخ فرانسه به زن اجاز می داد که در بانک به نام خود حساب جاری افتتاح کند".

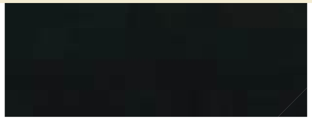

www.path-2-happiness.com

و چون در زمان او زنی مورد ضرب و شتم قرار گرفت خشم گرفت و فرمود:" یکی از شما بلند می شود و زن خود را به سان برده ای می زند و سپس آخر روز او را در آغوش می گیرد"(روایت از بخاری است).

و آن گاه که گروهی از زنان به نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمدند و از شوهران خود شکایت کردند فرمود:"زنان زیادی به نزد خانواده من آمده اند که از شوهران خود گله و شکایت داشته اند؛ که شوهران آن ها از جمله بهترین های شما نیستند"(روایت از ابوداود است).

و به زن چیزی داده شده است که به مرد داده نشده است، خداوند بلند مرتبه دستور داده است تا با مادر بیش از پدر نیکی شود؛ مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و گفت:" ای رسول خدا چه کسی بیش از همه مستحق نیکی من است– و در روایتی آمده است که من بیشتر به چه کسی نیکی کنم – فرمودند: مادرت، سپس مرد پرسید: بعد از او چه کسی؟ فرمودند: مادرت، سپس مرد پرسید بعد از او چه کسی؟ فرمودند: مادرت سپس مرد پرسید بعد از آن چه کسی؟ فرمودند پدرت"(روایت متفق علیه است) و در تربیت دختران پاداشی قرار داد که در تربیت پسران قرار نداده است، فرموده اند: هر کسی که به داشتن دختران مورد آزمایش قرار بگیرد و با آنان نیکی کند این سپر او از آتش جهنم می شود"(روایت متفق علیه است). و فرمودند:" خدایا من از حق دو ضعیف یتیمان و زنان هشدار می دهم"(روایتی حسن است که نسائی با سندی نیکو روایت کرده است).

حقوق زن پایمال شده است

"با خود فکر کردم تا بدانم و تحقیق کنم و به دنبال حکمت و عقل باشم و بدانم که نادانی؛شر و بدی است و حماقت دیوانگی است، پس زن را تلخ تر از مرگ یافتم زنی که تور است و دل او دام و دست او غل و زنجیر است. سفر الجامعه۷"

کتاب مقدس

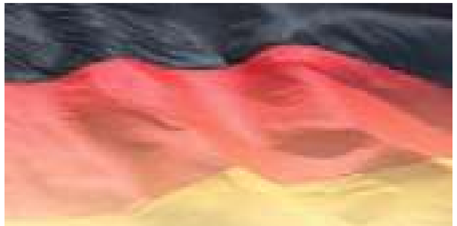

کاملا برابر و یکسان

" در سایه اسلام زن آزادی خود را بازیافت و جایگاه ارزنده ای را به دست آورد. اسلام زنان را برابر با مردان قرار داد به طوری که هر کدام دیگری را تکمیل می کند، اسلام به آموزش زنان فرا خواند و آنان را برای فراگیری و بهره مندی از دانش و فرهنگ دعوت کرد و به او حق مالکیت و تصرف در اموال خود را داد همان گونه که به او حق بستن قرار داد ازدواج را داده و به او آزادی اندیشه، فکر و بیان بخشید"

منا ماکلوسکی
دیپلمات آلمانی

قانون وضعی ظالمانه

"هنری هشتم قانونی صادر کرد که در آن زن را از مطالعه کتاب مقدس باز می داشت، همانگونه که زنان برابر با قانون عمومی صادره در انگلستان در سال ۱۸۵۰ از جمله شهر وندان محسوب نمی شدند و داری حقوق شخصی نبودند و حق تملک لباس های خود را هم نداشتند و هیچ حقی در مالی که با تلاش خود کسب می کردند نداشتند"

پادشاه هنری هشتم

www.zhappiness.com

حکمت آفرینش انسان:

این انسانی که خداوند تمام هستی را رام او نموده و او را بر دیگر مخلوقات برتری داده است، برای حکمتی بزرگ آفریده است، خداوند متعال از کار باطل و بیهوده پاک و منزه است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هاست (۱۹۰)
آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش [آرمیده] یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می‌کنند. [و می گویند:] پروردگارا، این را باطل نیافریده‌ای، پاکی برای توست، پس ما را از عذاب آتش [جهنم] حفظ کن (۱۹۱)} [سوره آل عمران آیات ۱۹۱-۱۹۰]،

و خداوند بلند مرتبه در باره گمان بد کافران چنین می گوید: {و آسمان و زمین و آنچه را در بین آنهاست بیهوده نیافریدیم. این پندار کافران است. پس وای به حال کافران از آتش [دوزخ] } [سوره ص آیه ۲۷]

انسان آفریده نشده است تا فقط بخورد، بنوشد و زاد و ولد کند و از این لحاظ به مانند حیوانات باشد، بلکه خداوند آدمی را اکرام نموده و او را عزت و احترام داد و او را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشید، اما بیشتر مردم جز راه کفران و ناسپاسی را اختیار نکردند؛ پس حکمت حقیقی از آفرینش خودشان را ندانستند و یا اینکه آن را انکار کردند و تمام هدف و همت آنان لذت بردن از شهوات و لذت های دنیا گشت و زندگی این دسته از مردم به مانند زندگی چارپایان است، بلکه از آن هم بدتر است، خدای بلند مرتبه می فرماید: { و کافران [در دنیا] بهره‌مند می‌شوند و می‌خورند چنان که چارپایان می‌خورند و آتش [دوزخ] جایگاه آنان است } [سوره محمد آیه ۱۲]

و می فرماید: {آنان را بگذار تا بخورند و بهره‌مند شوند و آرزو [های دور و دراز] مشغولشان بدارد، که [حقیقت را] خواهند دانست } [سوره حجر آیه ۳]

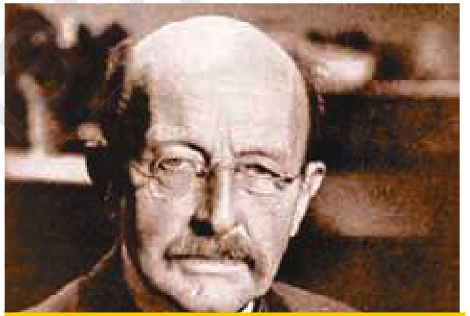

به سوی خدا

" دین و علوم طبیعی با هم در یک جنگ علیه شک و ناباوری و خرافات مبارزه می کنند و تنها فریاد در این مبارزه حرکت به سوی الله است."

مارکس پلانک

موسس نظریه کمیت

و می فرماید: {راستی بسیاری از جن‌ّو انس را برای جهنم آفریده‌ایم، دلهایی دارند که با آن در نمی‌یابند و چشمهایی دارند که با آن نمی‌بینند و گوشهایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان چون چهارپایانند، بلکه اینان گمراه‌ترند، ایشان بی خبرند } [سوره اعراف آیه ۱۷۹]

همه مردم دقیقا بر این نظر هستند که همه ی اعضاء بدن آنان دارای حکمت هستند ، چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن و بقیه اعضاء نیز هر کدام برای هدفی درست شده اند...، آیا معقول است که هر یک از اعضاء برای یک حکمت خاص آفریده شده باشند اما خود آن مخلوق بیهوده آفریده شده باشد؟ یا اینکه او نمی خواهد تا از کسی که او را آفریده است بپرسد که حکمت آفرینش او چیست؟.

پس خداوند چرا ما را آفریده است؟ چرا به ما عزت و احترام داده و همه چیز را برای ما رام نموده است؟ خدای سبحان ما را از آن آگاه ساخته و فرموده است: {و جن‌ّو انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام } [سوره ذاریات آیه ۵۶]

و خدای با عظمت می فرماید: {خجسته است کسی که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر کاری تواناست (۱) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکوکارتر است! و او پیروزمند آمرزگار است (۲)} [سوره ملک آیات ۲-۱]،

از بدیهیات پذیرفته شده در نزد عقلاء آن است که سازنده یک چیز هدف و حکمت درست کردن آن را از دیگران بهتر می داند و بهترین مثال ها از آن خداوندست، اوست که بشر را آفریده است و او بهتر از همه حکمت آفرینش او را می داند و بندگی در اینجا با معنی و مفهومی گسترده و وسیع است و فقط نماز و

دلایلی دندان شکن

سخت است که انسان تصور کند حیات؛ آغازی داشته و سپس ادامه یافته است بدون اینکه یک نیرویی خالق و مسلط باشد و من بر این باورم که فلاسفه در تحقیقات فلسفی خود دیدگان خود را در برابر دلایل دندان شکن این هستی بسته اند"

ماجنس ماکلیاس

عضو جمعیت علوم بریتانیا

www.path-2-happiness.com

روزه نیست بلکه آبادانی تمام زمین را در بر می گیرد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن به آباد کردن گمارد، پس از او آمرزش بخواهید، آن گاه به درگاه او توبه کنید. } [سوره هود آیه ۶۱]

و تمام زندگی بشر را در برمی گیرد، خدای فرماید: {بگو: بی گمان نمازم و عبادتم و زندگانی‌ام و مرگم [همه] در راه خداوند، پروردگار جهانیان است (۱۶۲)

او شریکی ندارد و به این فرمان یافته‌ام و من نخستین [کس از] مسلمانانم (۱۶۳)} [سوره انعام آیه ۱۶۳-۱۶۲]

بندگی یک مفهوم شامل و فراگیر است

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید[اگر قیامت آمد و در دست یکی از شما نهالی بود آن را بکارد" (روایت از احمد است).

از رسول خدا پرسیدند: ای رسول خدا آیا در ارتباط جنسی و دفع آن مزد و پاداشی هست؟ ایشان صلی الله علیه وسلم فرمودند : آیا اگر آن را در غیر جای خود دفع کند گناهکار نمی شود؟ همین طور اگر آن را در جای حلال دفع کند پاداش دارد"(روایت از مسلم است).

حدیث شریف

و سرانجام ای انسان...

اگر تمام این هستی برای تو رام شده است و اگر آیات و نشانه ها و گواهان در برابر دیدگان تو شهادت می دهند که معبود بر حقی جز الله نیست و او یکتای بی همتاست و آن گاه که دانستی برانگیختن تو بعد از مرگ از آفرینش آسمان و زمین ساده تر است و اینکه او تو را در بهترین صورت آفریده است و به تو بالاترین احترام ها را ارزانی داشته و هستی را رام تو کرده است، پس چه چیز تو را نسبت به پروردگارت فریفته است؟ خدای با عظمت می فرماید: {ای انسان، چه چیزی تو را [نسبت] به پروردگار بزرگوارت فریفت! (۶)

کسی که تو را آفرید، آن گاه استوار ساخت، سپس [آفرینشت] را معتدل گرداند (۷) تو را در هر نقش [و صورتی] که خواست ترکیب کرد (۸)} [سوره انفطار آیات ۸-۶]،

تو درپایان با خدایت دیدار خواهی کرد، خدای با عظمت می فرماید: {ای انسان، تو تا [زمان لقای] پروردگارت در تلاشی سخت خواهی بود آن گاه به لقای او خواهی رسید. (۶) پس امّا کسی که نامه [کردارش] به دست راستش داده شود (۷) [به زودی] به حسابی آسان محاسبه می‌شود (۸) و شادمان به سوی خانواده‌اش بر می‌گردد (۹) و امّا کسی که نامه [کردارش] از پشت سر به او داده شود (۱۰) نابودی را خواهد طلبید (۱۱) و به دوزخ در می‌آید (۱۲)} [سوره انشقاق آیات۱۲-۶]

پس در راه سعادت دنیا و آخرت حرکت کن برابر با آن حکمتی که برای آن آفریده شده ای و در آن موقع در زندگیت خوشبخت می شوی و به هنگام دیدار خدایت بعد از مرگ شادمان و مسرور می گردی.

www.path-2-happiness.com

و همه هستی این چنین خدایشان را می پرستند، همه مخلوقات، حمد و ستایش او را می کنند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است خداوند فرمانروای پاک پیروزمند فرزانه را به پاکی یاد می کنند} [سوره جمعه آیه ۱]

برای عظمت او سرفرود می آورند، خدای باعظمت می فرماید: {آیا نیندیشیده‌ای خداوند است که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند. و بسیارند [کسانی که] عذاب بر آنان تحقّق یافته است.} [سوره حج آیه ۱۸]

و این موجودات برای پروردگارشان نیایش می کنند و البته نیایشی که مناسب آنان باشد، خدای با عزت می فرماید: {آیا ندانسته‌ای که همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند و مرغان بال گشاده خداوند را به پاکی یاد می‌کنند! [خداوند] نیایش و تسبیح هر یک از آنان را دانسته است} [سوره نور آیه ۴۱]

آیا شایسته تو است که از این منظره پر عظمت عقب بمانی؟ و خوار و حقیر شوی، خداوند راستگو چه زیبا می فرماید: {آیا نیندیشیده‌ای خداوند است که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند. و بسیارند [کسانی که] عذاب بر آنان تحقّق یافته است. و هر که را خداوند خوار سازد، گرامی دارنده‌ای ندارد. بی گمان خداوند هر آنچه بخواهد، می‌کند} [سوره حج آیه ۱۸]

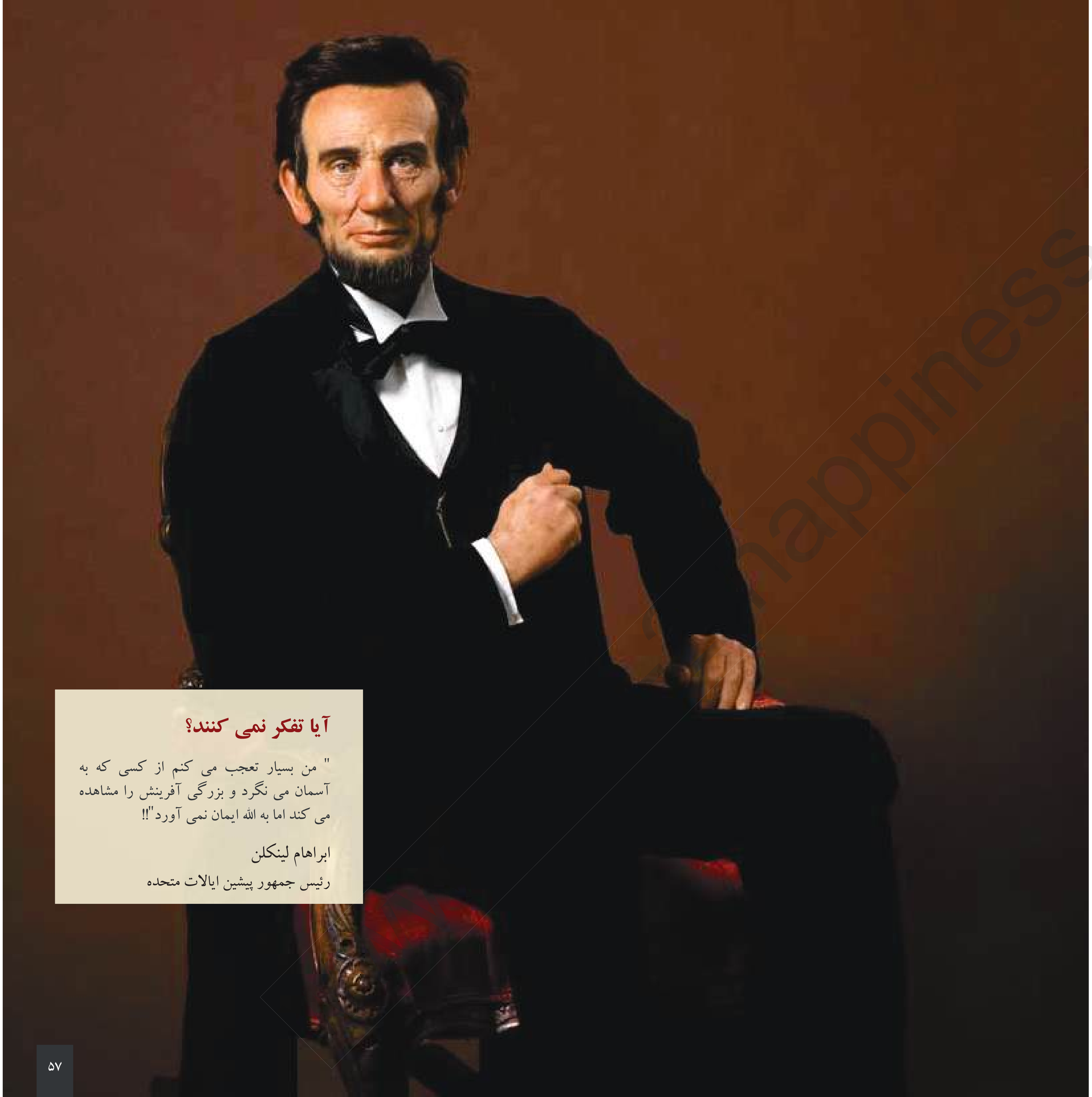

آیا تفکر نمی کنند؟

" من بسیار تعجب می کنم از کسی که به آسمان می نگرد و بزرگی آفرینش را مشاهده می کند اما به الله ایمان نمی آورد"!!

ابراهام لینکلن

رئیس جمهور پیشین ایالات متحده

happiness.com

مطالب

آیا هیچ راه گریزی از دین وجود دارد؟

نیاز جامعه به دین

ضوابط دین حق:

ما به کدامین دین نیاز داریم؟

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

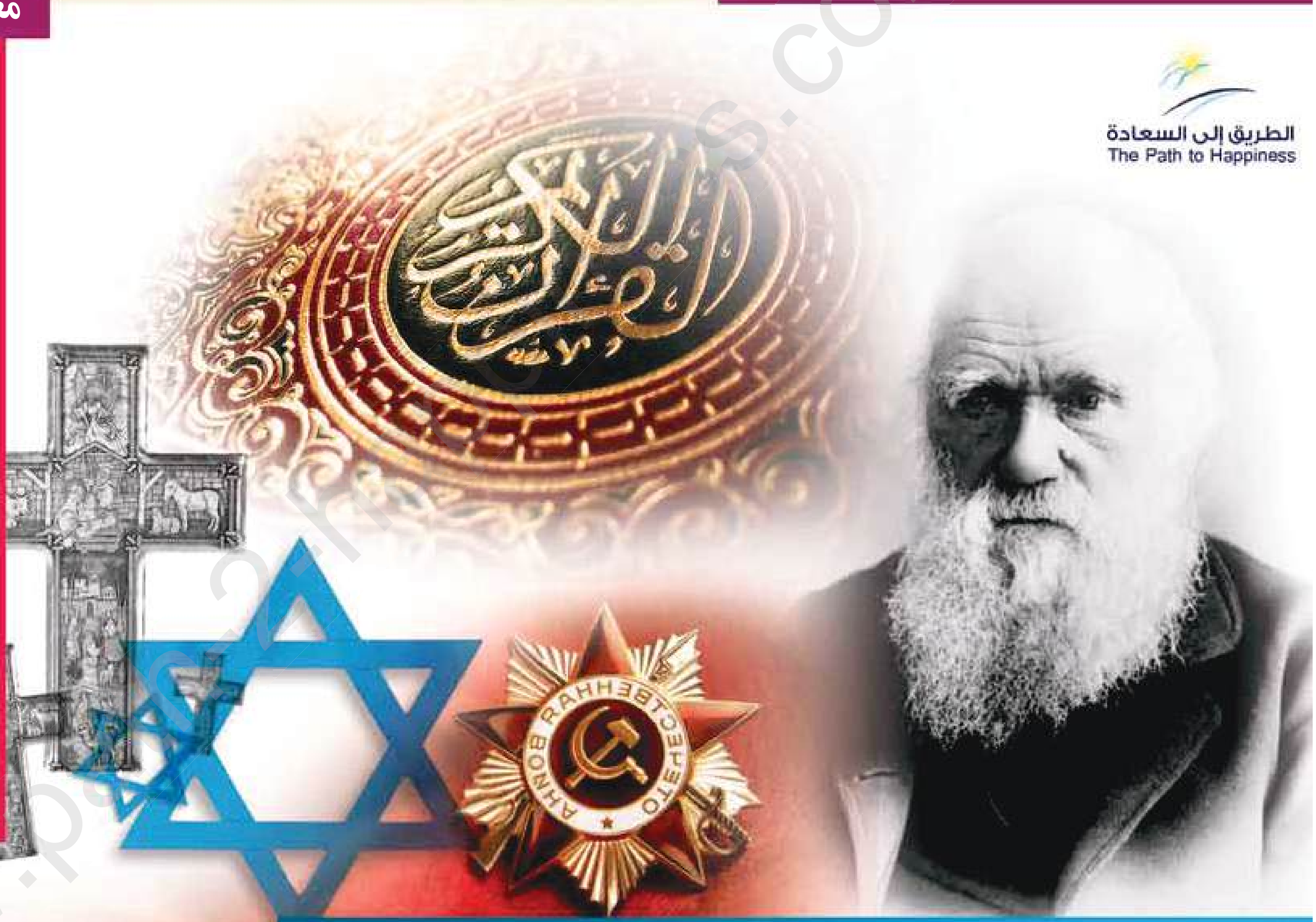

آیا انسان نیازی به دین دارد؟

www.path-2-happiness.com

آیا انسان نیازی به دین دارد؟

آیا هیچ راه گریزی از دین وجود دارد؟

قوی ترین نتیجه

" ایمان قوی ترین و باارزش ترین نتیجه پژوهش های علمی است"

انشتین
فیزیکدان

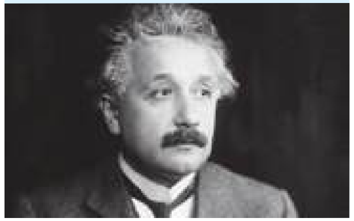

انسان در هیچ حالی نمی تواند بدون دین زندگی کند، همان گونه که انسان طبیعت شهر نشینی دارد و نمی تواند تنها و به دور از اجتماع زندگی کند، هم چنین او فطرتی دین دار دارد و نمی تواند زندگی درست و صحیحی بدون دین داشته باشد، دین داری طبیعت فطری انسان است.

و در این زمینه هیچ دلیلی قوی تر از پناه بردن انسان به خداوند در سختی ها و مشکلات وجود ندارد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {پس چون در کشتیها سوار شوند، خداوند را- در حالی که دین [خود] را برای او خالص می‌دارند- به دعا خوانند، پس چون آنان را [با آوردن] به خشکی رهایی بخشید، آن هنگام است که آنان شرک می آورند} [سوره عنکبوت آیه ۶۵]

همان گونه که سازنده هر نوع وسیله بهتر از بقیه، نیازها و کارکرد آن را می داند، همچنین آفریننده، آفریده های خود را بهتر می شناسد و به نیازهای آن ها بیشتر آگاه است: {آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه} [سوره ملک آیه ۱۴]

و چون آفریننده مهربان و بخشاینده و بزرگوار است، دین را برای آنان قرار داد تا آنان را حیات بخشد و زندگی آنان را قانون مند و منضبط سازد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای مؤمنان، [دعوت] خداوند و رسول [او] را بپذیرید چون شما را فرا خواند برای آنکه [دلتان] را زنده دارد.} [سوره انفال آیه ۲۴]

به همین سبب حتی کسانی که مخالف فطرت عمل می کنند و ادعای انکار خداوند را می نمایند، آنان نیز در درون خود دروغ و انکار خود را می دانند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن [ها] را در حالی که دلهایشان آن [ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود} [سوره نمل آیه ۱۴]

و شاید این وضع را در حالت سختی و شدت ناراحتی به خوبی و وضوح مشاهده کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: چه می‌بینید، اگر عذاب خدا شما را در رسد و یا قیامت شما را دریابد.- اگر راستگویید- آیا غیر خدا را [به فریاد] می‌خوانید! (۴۰) [نه] بلکه فقط او را [به فریاد] می‌خوانید و اگر بخواهد آنچه را که [دور کردن] آن را می‌طلبید دور می کند و آنچه را شریک مقرر می کردید، فراموش می کنید (۴۱)} [سوره انعام آیه ۴۱-۴۰]

و خدای متعال می فرماید: {و چون به انسان گزندی برسد، پروردگارش را- انابت کنان به پیشگاه او- به [دعا] می‌خواند، آن گاه چون از سوی خود نعمتی به او ببخشد. آنچه را که از پیش برای آن دعا می‌کرد، فراموش می‌کند. و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد. تا [مردم را] از راه او گمراه سازد. بگو: اندکی در کفر خود [از زندگی دنیا] بهره‌مند شو. بی گمان تو از دوزخیانی} [سوره زمر آیه ۸]

دیندار و بیماری

" من روزهایی را به یاد می آورم که سخن مردم چیزی جز تقابل دین و دانش نبود، اما این جدل و مناقشه پایان یافت و دیگر بازنخواهد گشت، زیرا تازه ترین پژوهش های روان شناسی به اصول و مبادی دین مژده می دهد. اما چرا؟ زیرا روان پزشکان به یقین به این باور رسیده اند که ایمان قوی و چنگ زدن به دین و نماز و دعا ضامن چیره شدن بر افسردگی و تشویش و ترس های روانی است. و نیمی از بیماری هایی که ما از آن ها در رنج هستیم، را معالجه می کنند.تا جایی که دکتر ا. ا. بریل گفته است: انسان دیندار واقعی هرگز دچار بیماری روانی و اضطراب نمی شود".

دیل کارنگی
نویسنده آمریکایی

www.path-2-happiness.com

تمام آدمی بر اساس آن فطرتی سرشته شده اند که خداوند آن ها را آفریده است و آن فطرت پرستش و بندگی معبودی است که خیر و خوبی و ناخوشی و بدی به دست اوست و هرچه بخواهد می کند و بر هر چه اراده نماید حکم می کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {اگر خداوند [بخواهد] گزندی به تو رساند، باز دارنده‌ای برای آن جز خود او نیست و اگر به تو خیری رساند، [بدان که] او بر هر کاری تواناست } [سوره انعام ایه ۱۷]

و می فرماید: {[در] رحمتی را که خداوند برای مردم باز گشاید، برای آن [رحمت] هیچ باز دارنده‌ای نیست و آنچه را باز دارد، آن را هیچ گشاینده‌ای جز او نیست. و او پیروزمند فرزانه است } [سوره فاطر آیه ۲]

انسان دو نیرو دارد: نیروی دانش و نیروی اراده، به اندازه سعی و تلاشش در به دست آوردن این دو نیرو؛ به هدف و مراد خود دست می یابد و سعادت و خوشبختی انسان نیز این چنین است، اما نیروی نخست، یعنی نیروی دانش: این نیرو با معرفت و عمل ارتباط دارد، معرفت و شناخت الله تعالی و نام ها و صفات او و شناخت اوامر و نواهی او و در رفتار و اخلاق و شناخت سلوک مقربین و نزدیکان به خداوند و بالا رفتن در پلکان سالکان به سوی خداوند و آن چه این مسیر به آن نیاز دارد از دانش در باره نفس و روان بشری و بیماری ها و چرک های رسوب یافته در آن و چگونگی غلبه بر آن ها و بر دشمنان آن ها و هر آن چه که مانع میان او و خدایش می شود و البته باید در این زمینه ها به کم راضی نشود و درجات بالا را بخواهد و باید که در اخلاق مورد پسند خداوند، خود را به مقامات بالا برساند تا با بلند همتان و ارواح والا مقام نزدیک شود و از امور

دیل کارنگی
نویسنده امریکایی

ژرف اندیش باش

" فرانسیس بیکن فیلسوف بر حق بود آن گاه که گفت: "کمی از فلسفه انسان را به الحاد نزدیک می کند اما ژرف اندیشی در فلسفه او را به دین باز می گرداند".

پست مادی و پلیدی های خواهشات و شهوات دوری کند، درجه او در بندگی خداوند به درجه و مقام او در این موارد بستگی داشته وهمچنین سعادت او در دنیا و البته در آخرت هم به مقدار موفقیت و رشد او در این معرفت و اخلاق و رفتار عملی مرتبط است.

این نیروی علمی خمیر مایه و توشه نیروی اراده است که آن را در مسیر درست نگه می دارد هم چنانکه باعث ثبات و استقامت در آن می باشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای مؤمنان، [دعوت] خداوند و رسول [او] را بپذیرید چون شما را فرا خواند برای آنکه [دلتان] را زنده دارد. } [سوره انفال آیه ۲۴]

هر روز مشاهده می کنیم که مذاهب الحاد و بی دینی از ناتوانی و درماندگی شدید خود در آن چه جسم آدمی را به راحتی برساند، می نالند و البته سیراب کردن روح جای خود دارد که در این زمینه هیچ برنامه ای ندارند، آن ها از ارایه خوشبختی حقیقی به آدمی ناتوان و عقیم شده اند. با وجود اینکه با تمام توان پشت یکدیگر را گرفته و با تمام نیرو کار خود را به فریب می آرایند.

انسان در بحران ها و مصیبت ها به کجا مراجعه کند؟

او به پایگاهی بس محکم پناه می برد، به خدای بلند مرتبه پناه می برد؛ جایی که توان، نیرو، امید، صبر، توکل نیکو، تفویض و حواله کارها به او و معنی پیدا می کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {(همان) کسانی که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید، دلها به نام خدا آرام می گیرند } [سوره رعد آیه ۲۸]،

اگر آتش ستم به او رسید و گرما و سوزش آن را احساس کرد او یقین دارد که هستی دارای صاحب و پروردگاری بوده و او ستم

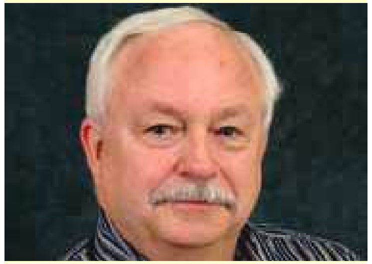

حق روشن و شفاف

" رساله من در دکتری در باره تربیت و برپای امت بود و من کشف کردم که ارکان اسلام پایه های بسیار بزرگ و اصول ارزشمندی را برای بازگرداندن ساخت اجتماعی، اقتصادی و روانی امت ارایه داده است".

دکتر دوگلاس
رئیس ریجینا

خودت خودت را معالجه کن

" بزرگترین علاج بیماری روانی ایمان به خداست".

ولیام جیمز
روان شناس امریکایی

www.path-2-happiness.com

دین داری درمان بیماریها است

" روان پزشکان به یقین به این باور رسیده اند که ایمان و چنگ زدن به دین ضامن چیره شدن بر تشویش ، افسردگی ، اضطراب روانی و سبب نجات از این بیماری ها هستند".

دیل کارنگی
نویسنده امریکایی

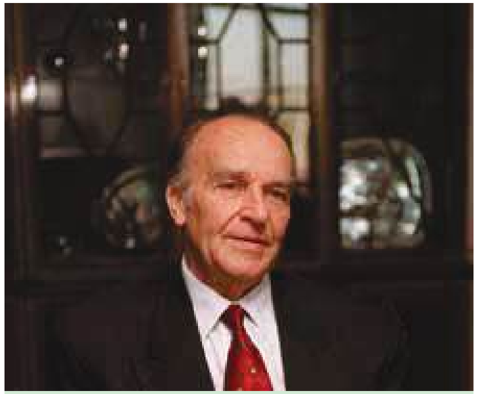

این کجا و آن کجا

" مادیگرایی همیشه بر اشتراکات انسان و حیوان تاکید می کند.. در حالی که دین بر تفاوت های میان انسان و حیوان تاکید می کند".

علی عزت بگوویچ
رئیس جمهور پیشین بوسنی و هرزوگوین

دیده را یاری می رساند اگر چه زمان بگذرد و در سرانجام و پایان کار روز بازپسین را دارد که در آن به هرکس سزا و پاداش کارهایش را می دهد به نیکوکار پاداش کارهای نیک و به بدکار سزای کارهای بد او را می دهد، پس دل او به عدل و داد الهی یقین می یابد و اعتماد می کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا کسی که در پی [به دست آوردن] خشنودی خدا رفت همچون کسی است که سزاوار خشم خدا شد و جایش دوزخ است! و [آن] بد جایی است } [سوره آل عمران آیه ۱۶۲]،

و بر خلاف آن چه گفته شد؛ آن که معرفت و شناخت به خداوند و ایمان به او را رها کرد و توان خود را به هدر داده است و در کنار آن راحتی و اطمینان و خوشبختی را از دست داده است و در میان هجوم غم و غصه سرگردان بر جای مانده است، او هیچ گونه آرامش روانی و ثبات درونی ندارد، تمام همت و آرزوی او رسیدن به شهوات و لذت ها و گرد آوردن مال است او هدفی در وجود و زندگی خود نمی یابد، او سرگردان و سرگشته و بی هدف زندگی می کند. به دنبال سعادت و خوشبختی می گردد اما از خواهشات خود در این راستا پیروی می کند تا تمام وجود او مسخ شود و به حیوانی و بلکه بدتر از آن، بدل شود، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا

می‌پنداری بیشترشان می‌شنوند یا خرد می‌ورزند! آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه اینان گمراه‌ترند } [سوره فرقان آیه ۴۴]، حادثه ای او را می رباید و شکار ضعف و سستی روانی و تشویش درونی خود می گردد: {و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم } [سوره طه آیه ۱۲۴] . چقدر متفاوت اند آن که خدایش را شناخت و عظمت او را درک کرد و وظایف خود در قبال او را شناخت و بر کسب رضایت او حریص شد و از

پزشکان موعظه گر

"روان پزشکان فقط موعظه گر انی از نوع جدید هستند: آنان ما را به تمسک به دین امر نمی کنند تا در روز قیامت از عذاب جهنم نجات یابیم، بلکه ما را به دین داری سفارش می کنند تا از جحیم قطعی در این دنیا و جحیم بیماری های گوارشی چون زخم معده و بیماری های روانی و از سقوط در گرداب افسردگی رهایی بخشند"

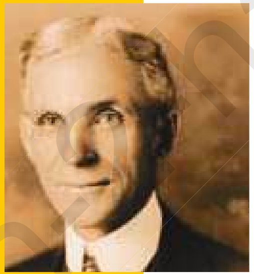

هنری فورد
موسس شرکت فورد امریکا

www.pahnehappiness.com

شریعت؛ قانون و دستور او پیروی کرده و از منهیات او دوری گزید و دانست که او بسیار نیازمند او است تا برای همیشه در تمام امور کوچک و بزرگ و در تمام اوقات به خدایش رجوع کند، خدای عظیم الشان می فرماید: {ای مردم، شما به خداوند نیازمندید و خداوند است که بی نیاز ستوده است } [سوره فاطر آیه ۱۵]

و فردی دیگر از این سلک انسان ها را، ظن و گمان به سرداب های بدبختی و تاریکی های نکبت کشانده است که کورمال کورمال به اینجا و آن جا دست می کشد، قلب او پر از شک و حیرت گشته است، سعادت و خوشبختی را از دور چون سراب مشاهده می کند که پی درپی هم، ناپدیده می شود ، اگر چه خوشی های دنیا و شهوات او مهیا باشد و بالاترین پست و مقام را داشته باشد، آن که خدای را از دست داد چه چیز را به دست آورد؟ و آن که خدا را به دست آورد چه چیز را از دست داد؟

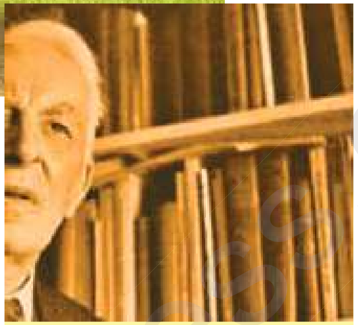

دین سرچشمه زندگی است

" دین یکی از نیازمندی های ضروری سرشت بشری است و ما را کافی است بدانیم که نیاز شخص به دین او را به حالتی از یاس و ناامیدی روحی می کشاند که او را وا می دارد تا نیازهای دینی را در غیر جای خود درخواست کند"

آرنولد توینبی
مورخ بریتانیایی

زمانه اضطراب و تشویش

"ما در عصر تشویش و اضطراب زندگی می کنیم، بدون تردید دست آوردهای علمی و تکنولوژیکی ؛ رفاه بشر را افزایش داده اند اما در مقابل بر خوشبختی و سعادت و آسایش نیفزوده اند حتی برعکس باعث افزایش اضطراب و ناامیدی و بیماری های روانی در او شده اند؛ که معانی زیبایی را در زندگی او از بین برده است".

رینه دولو
نویسنده ای که برنده جایزه نوبل شد

نیاز جامعه به دین

اگر انسان بسیار نیازمند دین باشد پس نیاز جامعه به آن بیشتر و ضروری تر است دین سپر محافظ جامعه است. چرا که زندگی بشری بدون همکاری میان اعضای آن در خیر پابرجا نمی ماند: {و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و بر گناه و ستم همکاری مکنید} [سوره مائده آیه ۲]،

و این همکاری بدون وجود یک نظام و سیستم که وظایف هر کس را مشخص کند و حقوق آن ها را ضمانت کند صورت نمی گیرد، و این نظام و سیستم باید از جانب خدای لطیف خبیر باشد چرا که او به نیازهای بشر داناتر است: {آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملک آیه ۱۴]

هراندازه بشریت از دین و از قانون و نظام آن فاصله بگیرد بیشتر در سرداب های شک، تردید، گمراهی، سرگردانی، بدبختی و شقاوت فرو می رود.

در روی زمین نیرویی که با نیروی دین هماورد باشد وجود ندارد هیچ نظامی به مانند آن نمی تواند ضمانت احترام به قانون و استقرار نظام و فراهم کردن اسباب راحتی و آرامش در آن را فراهم سازد، راز در آن است که انسان موجودی برتر از دیگر موجودات

دلیل گویا

"ممکن است هر آن چه را که ما به آن علاقه داریم از بین برود و آزادی استفاده از عقل و دانش و صنعت را از دست بدهیم. اما محال است که دین محو شود و از بین برود؛ بلکه این دلیل گویا برای بطلان مذاهب مادی ای خواهد ماند که می خواهند انسان را در تنگناها و کوره راه های پست زندگی زمینی محدود کنند

ارنست رینان
مورخ فرانسوی

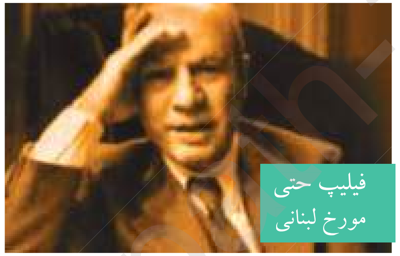

فیلیپ حتی
مورخ لبنانی

شریعت و قانون حق

" شریعت اسلام در میان قضایای دینی و دنیوی تفاوتی قائل نیست، آن بر رابطه انسان با خدا و وظایف انسان در برابر خدا تاکید کرده و آن را منظم می سازد ؛ همان کاری که به نسبت رابطه انسان با برادر مسلمانش انجام می دهد. و تمام دستورها و منهیات خداوند- آن چه به امور دینی و دنیایی غیره مرتبط است- در قرآن آمده است. در قرآن بیش از شش هزار آیه وجود دارد که حدود هزار آیه به تشریع و قانونگذاری مرتبط است".

www.p-2-happiness.com

www.path-2-happiness.com

در دین جایی برای خواهشات نیست

از جمله اسباب بسیار مهم پذیرش اسلام که محمد در ابتدای ورود در مدینه دریافت کرد، آن بود که او برای قشر روشن فکر مدینه که نسبت به هرج و مرج پیش آمده در مدینه ناراحت بودند راه حل ارایه داد. و این به سبب نظام محکم اسلام بود و رام کردن امیال سرکش مردم در برابر قوانین منظم که سلطه و قدرتی آن ها را وضع کرده بود که بر امیال فردی چیره بودند"

توماس آرنولد
شرق شناس بریطانیایی

عقل هایتان کجاست؟

"چرا در ذات الله شک و تردید می کنید؟ اگر او نمی بود زنم به من خیانت می کرد و خدمتکارم از من سرقت می کرد"؟

ولتر
فیلسوف فرانسوی

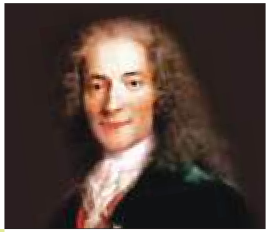

زنده است، انگیزه و محرک او در فعالیت ها و حرکات اختیاریش از ایمانی سرچشمه می گیرد که سبب تزکیه روح و پاکدستی اعضاء می گردد و باعث می شود تا درون و نهان خود را به مانند کارهای آشکار خود مراقبت کند: {و اگر سخن [خود] را آشکار کنی [یا آنها را نهان داری] بدان که او نهان و نهانتر را می‌داند } [سوره طه آیه ۷]،

انسان همیشه به وسیله یک باور و عقیده رهبری می شود خواه این باور درست و صحیح باشد و یا غلط و نادرست. اگر باور و عقیده او درست باشد همه چیز او درست می شود و اگر فاسد و غلط باشد همه چیز او فاسد می شود. به همین سبب دین ضامن رفتار عادلانه مردم در بین یکدیگر است و این یک ضرورت اجتماعی است عجیب نیست که جایگاه دین در نزد ملت ها چون جایگاه قلب در بدن باشد.

اگر دین به طور عموم این جایگاه را دارد و امروزه تعدد ادیان و آئین ها در این جهان به خوبی مشاهده می شود، و می بینیم که هر ملت و قوم به آن چه از باورها و آئین ها دارند خشنود است و به آن چنگ زده و پایبند است، با توجه به این، دین صحیح که اهداف مورد نظر بشر را محقق سازد چیست؟ و ضوابط و شرایط دین حق کدامند؟

ضوابط دین حق:

همیشه صاحب هر عقیده و باوری بر این نظر است که عقیده او بهترین و بی مثال ترین باور بوده و فقط آن حق است و نه هیچ باور دیگری و دلایل و توجیهات هر کس نسبت به دیگری متفاوت است، صاحبان عقاید فاسد بشری اظهار می دارند که این باورها را از نیاکانشان به ارث برده اند و آنان بر این باورها بوده اند و آنها از آنان پیروی می کنند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و همچنین پیش از تو در هیچ شهری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه نعمت یافتگانش گفتند: ما پدرانمان را [پایبند] به آیینی یافته‌ایم و بی‌گمان بر رد و نشان آنان اقتدا می کنیم (۲۳)بگو: آیا [به پیروی از پدرانتان پایبند می‌مانید] هر چند برایتان هدایت کننده‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافته‌اید، آورده باشم! گفتند: ما به آنچه به آن رسالت یافته‌اید، ناباوریم (۲۴)} [سوره زخرف آیات ۲۴-۲۳]،

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: [نه] بلکه از شیوه‌ای که نیاکانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می کنیم. آیا [چنین می کنند] اگر چه پدرانشان چیزی نفهمیده و راه نیافته باشند! ۱۷۰))
داستان [دعوتگر] کافران مانند حکایت کسی است که چیزی را که جز صدا و ندایی نمی‌شنود، بانگ زند. کر، گنگ و نابینای [حقیقی] اند. چرا که آنان خرد نمی‌ورزند(۱۷۱)} [سوره بقره آیات ۱۷۱-۱۷۰]،

آنها در این موضعگیری به تقلید کور کورانه و بدون فکر و اندیشه و تامل استناد می کنند و یا به اخبار دروغین و مغالطه آمیز و متناقض که هیچ سند و دلیلی بر درستی آنها وجود ندارد و البته در قضایایی چون ادیان و عقاید نمی توان به چنین نظرات سست و بی ارزشی استناد کرد. و چون حق یکی بوده و قابل تعدد نیست پس محال است که تمام این عقاید درست باشند و محال است که تمام این باورها در یک وقت صحیح باشند اگر چنین باشد امر درست و

صحیح متناقض می شود و این چیزی است که عقول درست آن را نمی پذیرند: {آیا در قرآن تدبّر نمی کنند! و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار، می‌یافتند } [سوره نساء آیه ۸۲]

پس دین حق کدامین است؟ و ضوابطی که بر اساس آن می توان بر درست و حق بودن و یا نادرست و باطل بودن این عقاید حکم نمود؟ کدامین اند؟

این ضوابط عبارتند از:

اولا: دین باید سرچشمه خدایی داشته باشد؛ یعنی اینکه از جانب خدای متعال باشد و بوسیله فرشته ای، آن را برای یکی از بندگانش فرستاده باشد تا به بندگانش برساند زیرا دین راست و حق دین الله، خالق این هستی است و خداوند متعال است که مردم را به روز قیامت بر اساس دینی که برای آنان فرستاده است، حساب می گیرد و مورد مواخذه قرار می دهد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ما چنان که به نوح و پس از او بر پیامبران وحی کردیم و [چنان که] به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [او] و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم به تو [نیز] وحی کرده‌ایم و به داوود زبور دادیم (۱۶۳) و رسولانی [فرستادیم] که پیش از این داستان آنان را بر تو باز گفتیم و رسولانی که حکایت آنان را بر تو باز نگفته‌ایم. و خداوند [بی میانجی] با موسی سخن گفت (۱۶۴) رسولانی مژده آور و بیم کننده تا برای مردم پس از [ارسال] رسولان بر خداوند حجّتی [در میان] نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۶۵)} [سوره نساء آیات ۱۶۵-۱۶۳]،

بنابراین هر دینی که شخصی آن را می آورد و آن را به خود و نه به خدا نسبت می دهد بدون تردید، باطل است و همچنین هر دینی که بشر آن را توسعه می دهد و به آن می افزاید آن نیز بدون شک باطل است، کسی که توسعه می دهد و یا اضافه می کند داناتر از خداوند دانا نسبت به آن چه که شایسته بندگان است نیست: {آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملك آیه ۱۴]،

و گرنه آن توسعه دهنده و یا قانون گذار پروردگار و معبودی می شد که دانا به مصالح بندگانش می گشت که خداوند متعال از آن برتر و والاتر است: {آیا [کافران دینی] جز دین خدا را می‌جویند، حال آنکه، کسانی که در آسمانها و زمین هستند، خواه و ناخواه فرمانبردار او شده‌اند و به سوی او برگردانده می‌شوند } [سوره آل عمران آیه ۸۳]،

یکتاپرستی

"حقیقت اساسی در اسلام وحدانیت و یکتاپرستی است: لا اله الا الله و محمد رسول الله. (معبود راستینی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست) اسلام شرك را به جانبی نهاده است. هیچ پدر و پسری وجود ندارد. و هیچ فاصله ای میان امور قدسی و امور دنیایی و همچنین میان آن چه شرقی و غربی است وجود ندارد. اینجا یک جهان و یک دین وجود دارد ."

میخائیل هیمز
نویسنده انگلیسی

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {سوگند به پروردگارت، [در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. } [سوره نساء آیه ۶۵].

ثانیا: اینکه دین باید به یکتا پرستی خداوند سبحان فراخواند و شرك به او را حرام بداند، دعوت به توحید اساس و پایه دعوت تمامی پیغمبران و رسولان بوده و شرك و دوگانه پرستی با ابجدیات فطرت سالم و عقل های راه یافته در تضاد است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید } [سوره انبیاء آیه ۲۵]،

و هر پیغمبر به قومش گفته است: { خدا را بپرستید. جز او هیچ معبود [راستینی] ندارید. به راستی من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم } [سوره اعراف آیه ۵۹] ،

بر این اساس هر دینی که شرك را اثبات نمود یا به خداوند کس دیگری چون یک پیامبر یا یک پادشاه و یا ولی ویا هر انسان دیگری و یا هرچیز دیگری همچون یک سنگ را شریک قرار داد آن آئین بدون تردید باطل است، زیرا عبادت و بندگی تنها از آن خدای یکتای بی شریک است و دوگانه پرستی و شرك گمراهی آشکاری است و هر دینی اگرچه از جانب خدای بلند مرتبه باشد اما شرك به آن وارد شده باشد، باطل است، خداوند پاك دراین زمینه برای ما مثالی آورده است و فرموده است: {ای مردم، مثلی زده می‌شود، به آن گوش فرا دهید. آنان را که به جای خداوند می‌خوانید، نمی‌توانند مگسی بیافرینند، و لو برای [آفرینش] آن [همگی] گرد آیند. و [حتّی] اگر مگس چیزی را از آنان برباید، نمی‌توانند آن را از او برهانند. [هم] خواهنده و [هم کسی که از او] خواسته شده [بس] ناتوانند (۷۳) خداوند را چنان که

www.path2-happiness.com

سزاوار اوست، قدر نشناختند. بی گمان خداوند توانای پیروزمند است(۷۴) } [سوره حج آیات ۷۴-۷۳].

سوم : با فطرت سالم هماهنگ باشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {پس روی [دل] ات را با حق‌ّگرایی تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی‌پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره روم آیه ۳۰]،

فطرت تمام آن چیزهایی است که خداوند مردم را بر آن آفریده و قسمتی از وجود آنها گشته است؛ زیرا امکان ندارد که دین حق با آفرینش و نیازهای بشر هماهنگ نباشد و گرنه حتما این دین از جانب خالق بشر نبوده و این مخلوق برای این دین آفریده نشده است و این محال و شرک می باشد.

چهارم: با عقل صحیح هماهنگ باشد. زیرا دین صحیح همان قانون و شرع خداست و عقل صحیح آفریده خدا بوده و محال است که قانون و شرع خدا با عقل که آفریده اوست در تناقض باشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا در زمین نگشته‌اند تا دلهایی داشته باشند که با آن [دلها] دریابند یا گوشهایی که با آن بشنوند! بی گمان [فقط] دیدگان نابینا نمی گردند بلکه دلهایی [هم] که در سینه‌اند نابینا می‌شوند } [سوره حج آیه ۴۶]

و می فرماید: {آری در آسمانها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی است (۳) و [نیز] در آفرینشتان و [در] آنچه از جانوران می‌پراکند برای گروهی که یقین می کنند، نشانه‌هایی است (۴) و [در] آمد و شد شب و روز و [در] رزقی که خداوند از آسمان نازل کرده آن گاه با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانده است. و [در] گرداندن بادها برای گروهی که خرد می‌ورزند نشانه‌هایی است (۵) این نشانه‌های خداست که آنها را به راستی بر تو می‌خوانیم. پس بعد از [پند] خداوند و آیات او به چه

فطرت خداوندی

"بچه های کوچک توانایی بی سابقه ای برای پذیرش ایمان دارند: زیرا آنان تصور می کنند که هرچه در این عالم آفریده شده است برای سببی آفریده شده است. حتی اگر بچه هایی را در یک جزیره ساکن کنیم به طوری که آن ها بدون تربیت دیگران رشد یابند به خداوند مومن خواهند بود."

گاستون باریت

پژوهشگر علوم انسانی در دانشگاه اکسفورد

سخنی ایمان می‌آورند! (۶)} [سوره جاثیه آیات ۶-۳]،

امکان ندارد که دین حق پر از خرافات و خزعبلات و تناقضات باشد یا طوری باشد که قسمتی از آن با قسمتی دیگر در تضاد باشد، این با عقل سلیم در تناقض است، امکان ندارد به چیزی امر کند و سپس با حکم و دستوری دیگر آن را نقض کند و امکان ندارد که چیزی را برای یک دسته حرام و یا حلال کند و سپس برای دسته ای دیگر برعکس دستور دهد، یا اینکه حکم موارد متشابه و مانند هم را متفاوت اعلام کند و یا حکم موارد متناقض را یکی اعلام کند،

خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند! و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار، می‌یافتند } [سوره نساء آیه ۸۲]،

و لازم است که بر دلایل واضح استوار باشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: اگر راستگویید برهانتان را [در میان] آورید } [سوره بقره آیه ۱۱۱]

درد و بیماری خرافه

"دانش داروی سموم خرافه پرستی است"

آدم اسمیت

فیلسوف اسکاتلندی

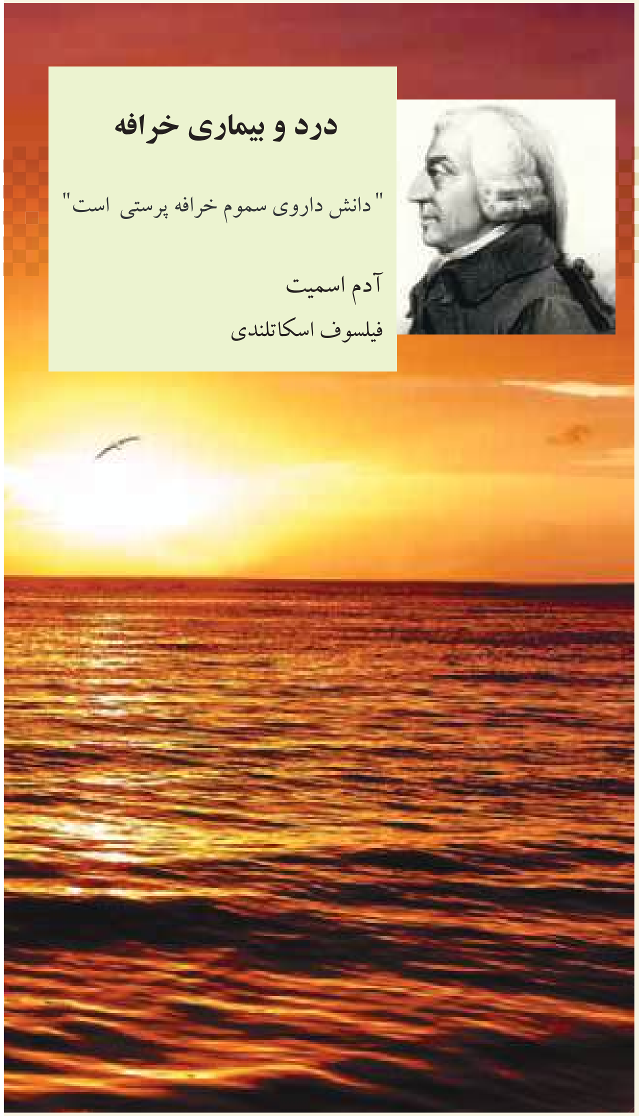

www.path-2-happiness.com

پنجم: به فضایل اخلاق و کارهای شایسته دعوت کند، خدای عظیم الشان می فرماید: {بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام نموده است، بر خوانم، آنکه چیزی را با او شریک مسازید و به پدر و مادر نیکی کنید و از بیم فقر فرزندانتان را مکشید. ما به شما و آنان روزی می‌دهیم. و به [کارهای] ناشایست، آنچه از آن پیدا و یا پوشیده باشد، نزدیک مشوید. و جانی را که خداوند [کشتنش] را حرام نموده است جز به حق ّمکشید، این حکم است که شما را به آن سفارش نموده است باشد که خرد ورزید (۱۵۱)

و به مال یتیم نزدیک نشوید. مگر به شیوه‌ای که آن بهتر است تا آنکه به کمال رشدش برسد و به داد [و انصاف] پیمانه و ترازو را کامل کنید، هیچ کس را مگر در حدّ توانش تکلیف نمی‌کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویید، به انصاف سخن گویید و هر چند [محکوم علیه] خویشاوند باشد. و به عهد خدا وفا کنید، این حکم [است که] شما را به آن سفارش نموده است تا پند پذیرید (۱۵۲)

و آنکه راه راست من این است، پس از آن پیروی کنید و از راههای [دیگر] پیروی مکنید که شما را از راه او [خدا] جدا کنند. این است حکمی که شما را به آن سفارش نموده است تا پروا پیشه کنی(۱۵۳)} [سوره انعام ۱۵۳-۱۵۱]،

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی خداوند به داد و نیکوکاری و بخشیدن به خویشان فرمان می‌دهد و از ناشایستی و کار ناپسند و تجاوز باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد باشد که پند پذیرید } [سوره نحل آیه ۹۰]،

دینی که به دروغ یا کشتن یا ستم و یا دزدی یا تجاوز یا نافرمانی یا مانند آن فرامی خواند نمی تواند دینی صحیح باشد.

دلایل خود را بیاورید

" حکیم کسی است که ایمانش را بر اساس دلایل و براهین استوار کرده باشد".

دیوید هیوم

فیلسوف اسکاتلندی

ارزش مرد به اخلاق اوست

" مرد بدون اخلاق بسان وحشی ای است که در این جهان رها شده است".

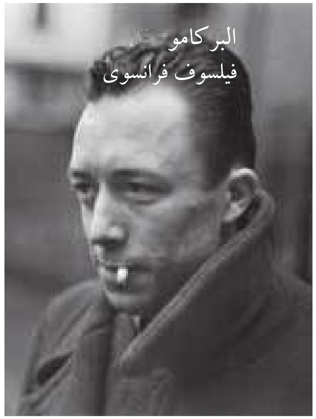

البر کامو

فیلسوف فرانسوی

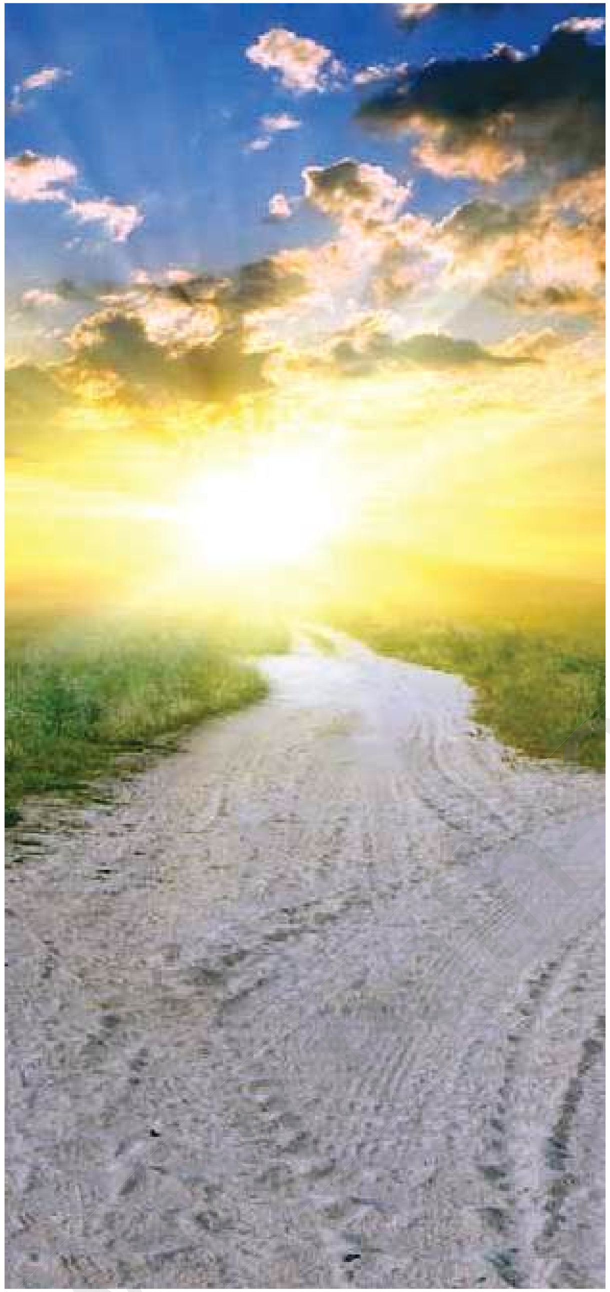

ششم: رابطه انسان با خدایش و رابطه انسان ها را با یکدیگر منظم کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {به جای او نمی‌پرستید مگر نامهایی را که خود و نیاکانتان نهاده‌اید که خداوند هیچ دلیلی بر [حقّانیّت] آنها نفرستاده است. فرمانروایی جز خداوند را نیست. فرمان داده است که: جز او را بندگی نکنید، دین استوار این است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره یوسف آیه ۴۰]،

لازم است تا آن دین وظیفه انسان در برابر خداوند را منظم کند. و همچنین روابط میان انسان ها را هم منظم سازد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید. و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و ملک یمینتان [نیکی کنید] خداوند کسی

www.2-happiness.com

را که متکبّر خودستا باشد، دوست نمی‌دارد } [سوره نساء آیه ۳۶]

هفتم: به آدمی احترام بگذارد و او را بزرگ بدارد، و در میان پیروانش به سبب جنسیت یا رنگ یا قبیله تفاوتی قایل نشود؛ معیار قابل قبول در تفاوت باید کسب انسان و کردار او از علم و تقوای الهی باشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در بیابان و دریا آنان را [بر مرکب و غیر آن] سوار کردیم } [سوره اسراء آیه ۷۰]

و همچنین می فرماید: {ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترینتان در نزد خداوند پرهیزگارترینتان است. بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است } [سوره حجرات آیه ۱۳]

هشتم: به راه راست که هیچ گونه کجی در آن نباشد دعوت کرده و شفا و راحتی مردم در آن باشد و نور و راهنمایی آنها باشد؛ خدای بلند مرتبه از جنیان خبر می دهد آن گاه که قرآن را شنیدند؛ برخی به برخی دیگر گفتند: {گفتند: ای قوم ما، به راستی ما [تلاوت] کتابی را شنیدیم که پس از موسی فرو فرستاده شده است. تصدیق کننده [کتابهای] پیش از خود است. به حق و به راه راست رهنمون می‌شود } [سوره احقاف آیه ۳۰]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {و از قرآن آنچه را که شفا بخش و رحمت برای مؤمنان است، فرو می‌فرستیم. و [در حقّ] ستمکاران جز زیان نمی‌افزاید } [سوره اسراء آیه ۸۲]

و آن نور و راهنمای مردم از تاریکی های جهالت و نادانی و گمراهی به سوی اطاعت و پیروی و خوشبختی در دو جهان است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای اهل کتاب، رسول ما به سوی شما آمده است که بسیاری از آنچه از کتاب [آسمانی] را که نهان می‌داشتید، برای شما روشن می‌سازد و از [کوتاهی‌های] بسیاری در می‌گذرد. به راستی از [جانب] خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است } [سوره مائده آیه ۱۵]

و خدای فرماید: {در [کار] دین اجباری [روا] نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، [بداند] که به دستاویزی [بس] محکم چنگ زده است [که] آن گسستنی ندارد. و خداوند شنوای داناست (۲۵۶) خداوند کار ساز مؤمنان است، آنان را از تاریکیها به سوی نور بیرون می‌آورد و کسانی که کفر ورزیده‌اند، کار سازانشان طاغوت‌اند که آنان را از نور به سوی تاریکیها به در می‌برند. اینان دوزخی‌اند. آنان در آنجا جاودانه خواهند بود (۲۵۷)} [سوره بقره آیه ۲۵۷-۲۵۶]

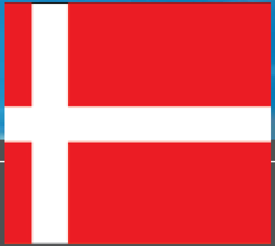

واقع گرا باش

"نگاه واقعی به زندگی و مشورت راستین و دعوت به نیکویی و احسان و رحمت و گرایش عمیق انسان گرایانه – این عوامل – و دیگر عوامل برای من بزرگترین دلیل بر راستی دین اسلام است".

پول

شرق سناش دانمارکی

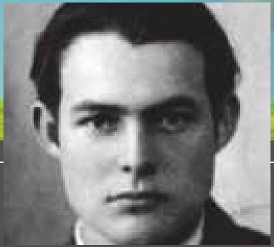

اخلاق سبب راحتی است

"آن چه من می دانم آن است که امر اخلاقی آن است که انسان بعد از آن احساس راحتی می کند و کار غیر اخلاقی آن است که انسان بعد از آن احساس ناخوشی و ناراحتی می کند"

ارنست همنگویی

نویسنده امریکایی

بهترین میراث

"از مهمترین چیزهایی که اسلام برای دنیای متمدن بر جای گذاشته قانون دینی او است که شریعت نامیده می شود. شریعت اسلامی در جای خود امری بی نظیر است.آن عبارت است از مجموعه ای از دستورها و نواهی که زندگی هر مسلمان را در تمام زمینه ها منظم می سازد و آن شامل احکام خاص مربوط به عبادت و پرستش و مراسم دینی است همان گونه که شامل قواعد اساسی و قانونی نیز می باشد".

ژوزف شاخت

شرق شناس امریکایی

www.path2-happiness.com

از خداوند یاری بخواه

"شاید محتمل باشد تا هزاران نفر را که در بیمارستان های بیماری های روانی از درد و رنج به فریاد در آمده اند، نجات داد. اگر آنان بجای اینکه به تنهایی و بدون یاور به معرکه زندگی وارد شوند از خداوند یاری می خواستند".

دیل کارنگی
نویسنده امریکایی

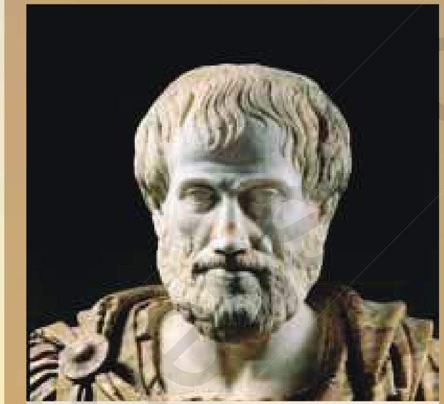

بی عدالتی

"بدترین شکل نبود مساوات تلاش برای ایجاد مساوات میان چیزهای نامتساوی است".

ارسطو
فیلسوف یونانی

ما به کدامین دین نیاز داریم؟

کدامین دین با معیارهای دین حق که ذکر شدند منطبق است؟

می توان ادیان را بر اساس مصدر آنها بر دو نوع تقسیم کرد:

ادیان زمینی و بشری و نه آسمانی که بشر آن ها را توسعه می دهد و به پیش می برد، این ادیان از جانب خداوند فرستاده نشده اند، مانند بودائیسم، هندوئیسم، مجوسیت و دوگانه پرستی، این ادیان از دین حق بسیار دوراند، اما این ادیان برابر با میل آنان اصلاح می شود: {آیا دیده‌ای کسی را که خواسته [های نفسانی] اش را معبود خود گرفت و خداوند با وجود دانش او را بیراه گذارد و بر گوش و دل او مهر نهاد و بر دیده‌اش پرده قرار داد! پس چه کسی پس از خدا او را هدایت کند! آیا پند نمی گیرید! ۳} [سوره جاثیه آیه ۲۳]،

این یک دین ربانی و از جانب الله نیست بلکه دین خواهشات بشری است به همین سبب این ادیان پر از خرافه، فریب، نظام طبقاتی و تناقض هستند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار، می‌یافتند } [سوره نساء آیه ۸۲]،

ادیان آسمانی که از سوی خداوند فرستاده شده اند مانند یهودیت و مسیحیت و اسلام: این ادیان را خداوند فرستاده است و آن را برای انسان رضایت داده است،

اما خداوند یکتاست

"پژوهشگران از شمارش تعداد خدایان در ادیان زمینی درمانده اند؛ تعداد خدایان قدیم مصری بیش از ۸۰۰ خدا بود و تعداد خدایان در نزد هندوان بیش از ده هزار است و مانند این شرک را در یونانیان قدیم و در نزد بودایان و دیگر مذاهب زمینی نیز مشاهده می کنیم".

www.2-happiness.com

خدای بلند مرتبه می فرماید: {از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بود و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرّر داشت [با این مضمون] که: دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نورزید. بر مشرکان آنچه که آنان را به آن فرا می‌خوانی دشوار آمد. خداوند به سوی [حقیقت] خویش هر کس را که بخواهد بر می‌گزیند و هر کس را که رو به سوی او می‌نهد، به سوی خویش هدایت می کند } [سوره شوری آیه ۱۳]

بدون تردید ادیان زمینی مجموعه ای از افکار و تجربیات جوامع بزرگ بشری هستند که اصول آن ها برابر با خواسته و دانش سازندگانش تنظیم شده است اما بشر بعد از مدتی دریافته است که آن مجموعه شایسته بشر نیست. پس سعی کردند تا آنها را تغیر بدهند، اما این سبب شد تا در سرگردانی و سرگشتگی بیشتری فرو روند، این ادیان زمینی داری چند ویژگی هستند از آن جمله:

شرک: هر روز برای مردم، خدا و معبود تازه ای درست می کنند. معبودان ساخته خودشان هستند، آنان به آن فکر نمی کنند که وجود یک معبود دیگر به غیر از خداوند متعال محال است زیرا اگر چنین بود آنان باهم درمی افتادند و هستی میدان درگیری و نابودی می گشت، خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوند هیچ فرزندی بر نگرفته است و هیچ معبود [دیگری] با او نیست. [اگر باشد] آن گاه هر معبودی آنچه را که آفریده بود، می‌برد و قطعا برخی بر برخی [دیگر] چیره می‌شدند. خداوند از آنچه وصف می‌کنند پاک [و منزه] است (۹۱) داننده پنهان و پیدا، که از آنچه شرک می‌آورند برتر است ۹۲}[سوره مومنون آیات۹۲-۹۱].

نظام طبقاتی: ادیان غیر آسمانی براساس نظام طبقاتی و بهره کشی استوار شده اند، زیرا سازندگان آنها برای خود و طبقه شان و برای کسانی که می خواهند، حق ویژه اختصاص می دهند، تا به امتیازات خاص برسند، تا به هدف و مقصد خود برسند و بقیه مردم را به بندگی بگیرند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترینتان در نزد خداوند پرهیزگارترینتان است. بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است ۱۳} [سوره حجرات آیه ۱۳]،

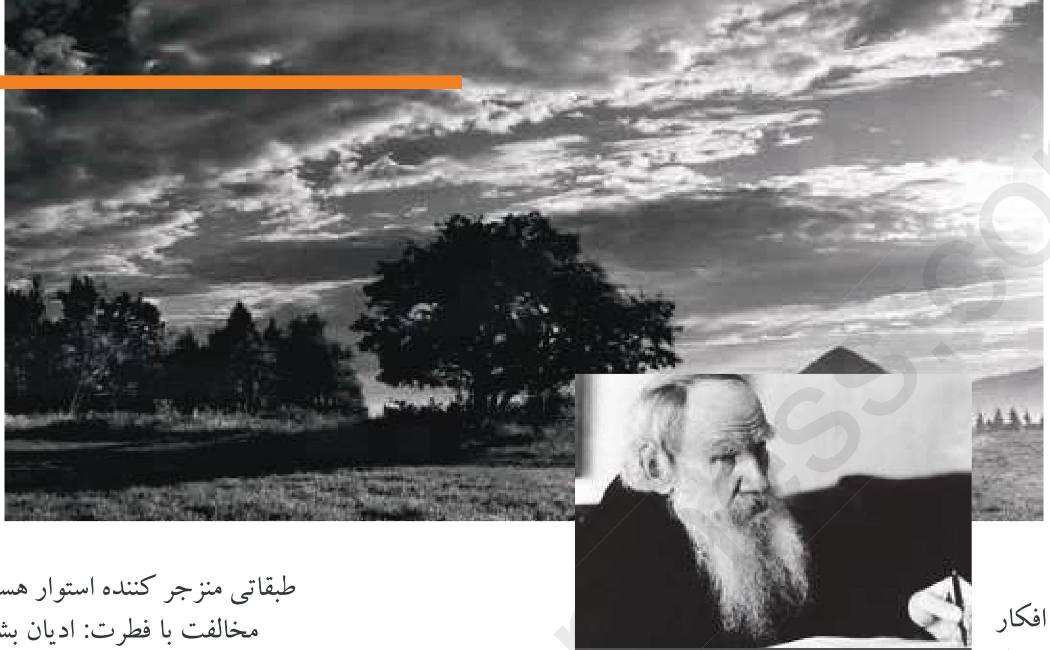

شریعت راستین

"همانا فهمیدم.. همانا درک کردم.. آن چه را بشر نیاز دارد یک شریعت و قانون آسمانی است که حق را اثبات و باطل را زایل کرده و از بین ببرد."

تولستوی
ادیب روسی

و خداوند متعال از نگاه تحقیر آمیز و استهزاء به دیگران بازداشته است: {ای مؤمنان، گروهی، گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد، چه بسا که [آنان] از اینان بهتر باشند} [سوره حجرات آیه ۱۱]

و به همین سبب نزد خداوند سفید بر سیاه و یک نژاد بر نژاد دیگر و یک قوم بر قوم دیگر هیچ گونه برتری و ارجحیتی ندارد، در حالی که بسیاری از این ادیان بر نظام طبقاتی منزجر کننده استوار هستند.

مخالفت با فطرت: ادیان بشری با فطرت مخالف هستند و انسان را به چیزی وا می دارند که در توان او نیست و بر اساس ضدیت و مخالفت با طبیعت بشری و عقل صحیح استوار است و معتقدان به آن ادیان گاهی از راه راست بسیار دور افتاده و کاملا همه چیز را تغییر داده اند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {پس روی [دل] ات را با حق‌ّگرایی تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی‌پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند ۳۰} [سوره روم آیه ۳۰].

خرافه: عبارت است از باور یا اندیشه ای که فقط بر اساس تخیلات و بدون هر گونه دلیل عقلی یا منطقی و یا علمی استوار باشد؛ و ادیان زمینی پر از خرافاتی هستند که هیچ گونه دلیل و حجتی بر آنها نیست و فقط خرافه بر خرافه استوار می شود و چه راست گفته است خداوند راستگو: {بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. ۶۴} [سوره نمل آیه ۶۴]

تناقض: ادیانی هستند که پر از تناقض اند هر دسته ای بر ضد و بطلان دیگری استوار است، با

طبقه ستمکار

"تقسیم بندی طبقاتی در نزد هندوان به شکل زیر است: طبقه سفید پوستان؛ رجال دینی و علماء به این طبقه تعلق دارند و طبقه سرخ؛ شامل امیران و جنگجویان؛ طبقه زرد؛ شامل زارعین و تجار، طبقه سیاه؛ شامل هنرمندانی و صنعت گرانی که با دست خود کار می کنند؛ اما طبقه پنجم؛ شامل کسانی است که حرفه های پست دارند. طبقات بالا از طبقات پایین بهره کشی می کنند و آنان را به بندگی می گیرند، و طبقات پایین در خدمت طبقات بالا هستند."

www.path2-happiness.com

آن مخالف است و گونه دیگری است و چه راست گفت خداوند راستگو: {و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار، می‌یافتند ۸۲} [سوره نساء آیه ۸۲]

اما ادیان آسمانی نعمتی از جانب خداوند هستند که بر بشر منت و احسان نموده است، تا او را هدایت کند و راه او را روشن سازد و حجت را بر او اقامه نماید و او را از سرگردانی در بیابان خرافات و شرک و مخالفت با عقل و فطرت رهایی بخشد. و این هدف با فرستادن پیغمبران برای رسانیدن کلام خداوند محقق شده است: {رسولانی مژده آور و بیم کننده تا برای مردم پس از [ارسال] رسولان بر خداوند حجّتی [در میان] نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است ۱۶۵} [سوره نساء آیه ۱۶۵].

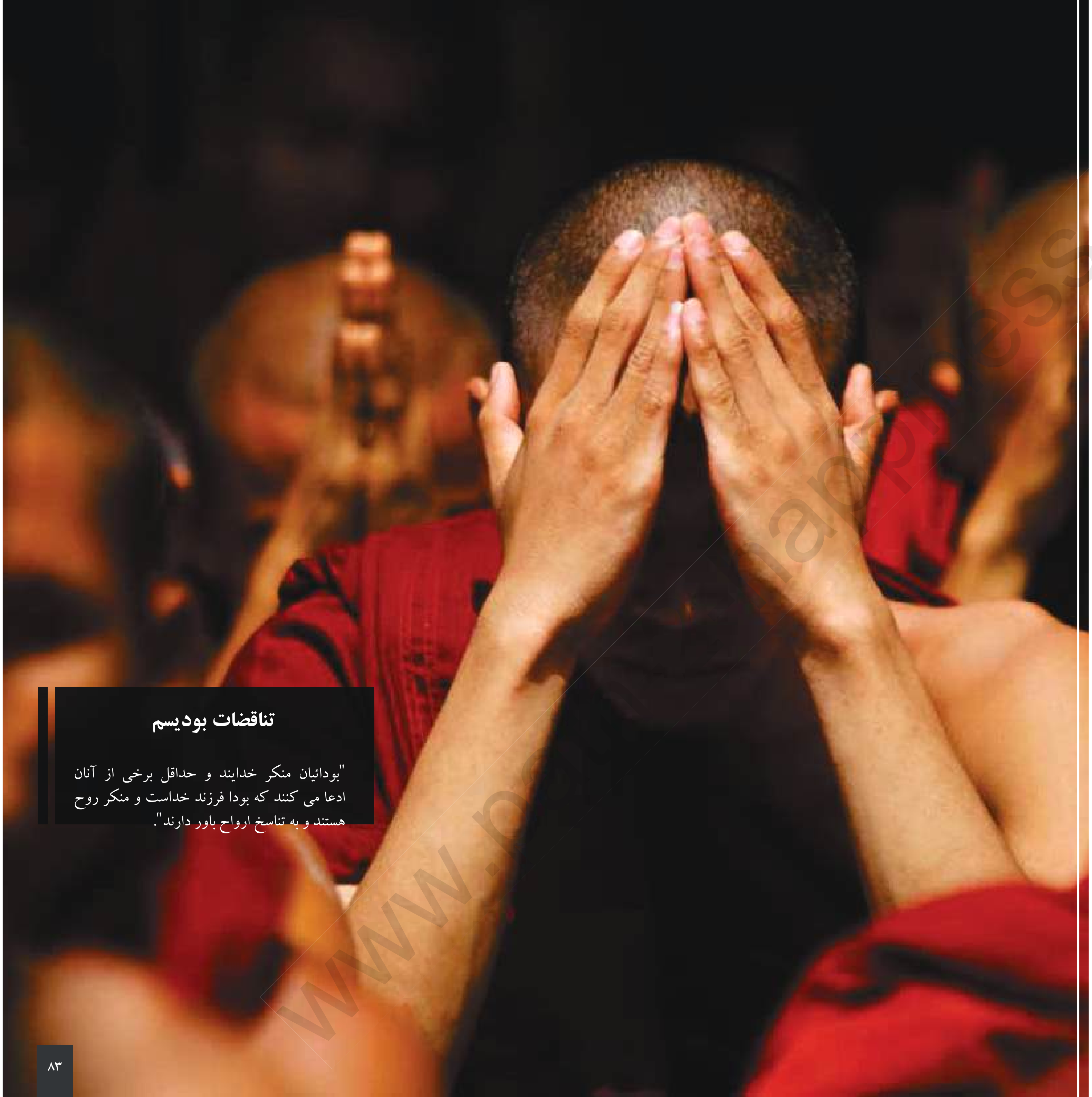

تناقضات بودیسم

"بودائیان منکر خدایند و حداقل برخی از آنان ادعا می کنند که بودا فرزند خداست و منکر روح هستند و به تناسخ ارواح باور دارند".

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

مطالب

- آیا مردم نیازی به رسولان دارند؟
- حقیقت نبوت و رسالت:
- دلایل نبوت:
- اصول دعوت پیامبران:
- قسمتی از تاریخ پیغمبران اولی العزم:

پیغمبران و رسولان

www.path-2-happiness.com

پیغمبران و رسولان

آیا مردم نیازی به رسولان دارند؟

خداوند متعال آدمی را با فطرت سالمی آفریده و نزد او عقل را به ودیعه نهاده، تا حق را از باطل بازشناسند، اما عقل آدمی تحت تاثیر کمبودها، کوتاهی ها، امیال و مصلحت جویی ها قرار می گیرد و البته بیشتر از آن اختلافات و تناقضات او را از خود متاثر می کنند و آن چه را که برخی نیکو می بینند برخی دیگر نادرست و اشتباه تلقی می کنند و حتی یک انسان در زمان و مکان متفاوت دارای نظر متفاوتی می شود و وقتی که این عقل از درک رویدادهای پنهان و علوم ناشناخته ناتوان بوده و اهداف خفیه و پنهان مردم را درک نمی کند، پس از درک و شناخت خالق وقصد او و اوامر و نواهی او عاجزتر و ناتوان تر است و البته این را هم باید افزود که آدمی نمی تواند مستقیما از خداوند پیام را دریافت کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {برای هیچ بشری ممکن نیست که خداوند با او سخن گوید مگر به الهام یا از پس پرده یا [اینکه] رسولی بفرستد و [آن رسول] به حکم او (خداوند) هر چه را [خداوند] بخواهد، نازل کند. که او بلند مرتبه فرزانه است} [سوره شوری آیه ۵۱]

به همین سبب خداوند عز و جل بهترین بندگانش را برای رسالت و رساندن پیامش برگزید تا بهترین سفیران میان او و بندگانش باشند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوند از فرشتگان و [نیز] از مردمان رسولانی بر می گزیند. خداوند شنوای بیناست }[سوره حج آیه ۷۵]

پس بندگان را به سوی خالق شان هدایت می کنند و آنان را از تاریکی ها به سوی نور رهنمون می شوند، تا برای بندگان بعد از رسولان هیچ حجت و دلیلی نباشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {رسولانی مژده آور و بیم کننده تا برای مردم پس از [ارسال] رسولان بر خداوند حجّتی [در میان] نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره نساء آیه ۱۶۵]

پس فرستادن رسولان از بزرگترین الطاف خداوند بر بندگانش می باشد؛ تا آنان را از آن چه برای آنان شایسته تر است آگاه ساخته و آنان را پاک و تزکیه کند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی که خداوند بر مؤمنان منّت نهاد، آن گاه که در میان آنان از خودشان رسولی برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و بی گمان پیش از [آن] در گمراهی‌ای آشکار بودند } [سوره آل عمران آیه ۱۶۴]

احسان و لطف بسیار بزرگی است که خداوند در میان مردمان پیغمبری برانگیزد و اینکه این رسول از { از خودشان}، باشد و این منت و احسان با فرستادن رسولی از طرف خداوند آشکار می شود، آنگاه انسان را با کلام خداوند مورد خطاب قرار میدهد، او را مورد خطاب قرار می دهد تا با او در باره ذات جلیل باری تعالی و صفات او سخن گفته واو را به حقیقت الوهیت و بندگی و ویژگی های آن آشنا سازد و سپس در باره او – انسان– بنده کوچک و ناچیز سخن گوید و از زندگی و حرکات و سکنات اش او را مورد خطاب قرار می دهد تا او را به آن چه سبب حیات و زندگی او می شود فرا خواند و او را به آنچه قلب و اوضاع آن را بهبود می بخشد راهنمایی کرده و او را به بهشتی که پهنای آن به اندازه پهنای آسمان و زمین است فراخواند، آیا این جز لطف جوشان اوست که این احسان و منت را سبب می شود؟ این برتری، بخشش و عطاء را، و بالاتر از آن پاک کردن و به مقام رفیع رساندن آنان است، پاک کردن قلب، افکار و احساسات آنان و تطهیر خانه آنان از هر نوع ناپاکی، پلیدی و فراهم کردن زمینه پاکی حیثیت، آبرو و سلامتی رابطه میان آنان و وپاکیزه کردن جامعه و نظام آنان از پلیدیهای شرک و دوگانه

ساده باش

"محمد حتی در اوج عظمتش سادگی خود را حفظ کرد، ناپسند می دانست وقت ورود به اتاق برایش برخیزند و در بزرگداشت او مبالغه شود."

واشنگتن ایرفنگ

دیپلمات و ادیب امریکایی

پرستی، خرافه، افسانه وهمچنین دور نگه داشتن آنان ازآداب و رسوم و عادات و سنت های تحقیر کننده انسانیت و آنان را از پلیدی زندگی جاهلانه و آلودگی پاک می سازد، آلودگی که بر احساسات، مراسم، سنت ها، ارزش ها و مفاهیم آورده اند، همه این ها از جمله لطف و احسان باری تعالی هستند. هر جاهلیت زشتی ها و پلشتی های خاص خود را داشته و این ربطی به جایگاه مکانی و زمانی آن ندارد، هرگاه قلوب مردم از عقیده الهی که بر اندیشه آنان حاکم باشد خالی شد و از شریعت خداوند که از این عقیده و باور می جوشد – شریعتی که بر زندگی مردم حاکم باشد – تهی گشت. در این میان تنها چیزی که باقی می ماند یکی از گونه های مختلف جاهلیت می باشد و باید بشریت را از این جاهلیت رهانید، فرقی نمی کند این جاهلیت از نوع قدیم آن بوده و یا از نوع جدید که تمام ویژگی های جاهلیت قدیم در قسمت های مختلف اخلاقی، اجتماعی، شیوه نگرش به زندگی انسانی و اهداف آن، در آن نمایان است، و این با وجود اکتشافات دانش مادی؛ تولیدات صنعتی و آسایش زندگی مدنی صورت می پذیرد: {به راستی پیش از این در گمراهی آشکار بودند }[سوره جمعه آیه ۲]

گمراهی در اندیشه و باور، گمراهی در مفاهیم زندگی، گمراهی در هدف و سمت و سو، گمراهی در عادات و رفتار، گمراهی در نظام ها و اوضاع و احوال، گمراهی در مجتمع و اخلاق..

آدم ها وحشی اند تا زمانی که دین جلوی آنان را سد نکند!

" در یک تحقیق آماری در یکی از دانشگاههای امریکا که در کتاب(امریکا نماز می گذاری یا نمی گذاری) آمده است نویسنده آن دیوید بارتون می نویسد:

۸۰٪ از زنان امریکایی دست کم یک بار در عمرشان مورد تجاوز قرار می گیرند.

– تعداد زنانی که روزانه مورد تجاوز قرار می گیرند از ۱۹۰۰ دختر تجاوز می کند و در نتیجه آن ۳۰٪ از دختران امریکایی در معرض بارداری و سقط جنین در چهارده سالگی قرار دارند.

– ۶۱٪ از تجاوزات به دختران کمتر از هیجده سال صورت می گیرد.

– ۲۹٪ از حالت های تجاوز به بچه های کمتر از یازده سال صورت گرفته است

دیوید بارتون
نویسنده امریکایی

حقیقت نبوت و رسالت:

از حکمت خداوند این بوده است که هر رسول از جنس کسانی بوده که به سوی آنان فرستاده شده است، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و پیش از تو جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم، بر نیانگیختیم، پس اگر نمی‌دانید از [دانایان] اهل کتاب بپرسید}[سوره نحل آیه ۴۳] و هم زبان قومش باشد تا کلام او را بفهمند و معانی سخن او را درک کنند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را مگر به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خداوند هر کس را که بخواهد بیراه می‌گذارد و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند و او پیروزمند فرزانه است }[سوره ابراهیم آیه ۴]

و پیامبران را به کمال عقل، سلامت فطرت، راستگویی، امانت داری و پاکی از هر آن چه که رفتار بشری را خدشه دار کند توصیف می کند و از سلامتی جسم آنان از هر آن چه که نگاه بشری از آن گریزان است و ذوق سلیم از آن متنفر است سخن می گوید، خداوند متعال

www.path2-happiness.com

آنان را در روان و اخلاق پاک و پاکیزه نمود. آنان کامل ترین مردم در اخلاق و پاک ترین آنها در روان و پاک دست ترین مردم بوده اند. خداوند متعال تمام اخلاق نیکو و صفات پاکیزه را در آنان گرد آورده است. همانگونه که بردباری، دانش، گذشت، نیکو کاری، کرم، جود، سخاوت، شجاعت و عدل را در آنان جمع کرده است. تا آنان با این اخلاق در میان قوم خودشان نمایان گردند. پیغمبران برگزیدگان خلق خدایند. آنان را گلچین نمود و برگزید تا پیام او را حمل کرده و امانت او را برسانند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد. }[سوره انعام آیه ۱۲۴]

و می فرماید: {به راستی خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید } [سوره آل عمران آیه ۳۳]

و عیسی علیه السلام می فرماید: {آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را به فیضی از [جانب] خود نوید می‌دهد [که] نامش مسیح، عیسی بن مریم است. که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان است (۴۵) و با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] سخن می گوید و از شایستگان است(۴۶) }[سوره آل عمران آیه ۴۶-۴۵]

و همانا محمد صلی الله علیه و سلم در میان قومش به لقب" صادق امین" معروف شده بود و این پیش از نزول رسالت بر او بود و خداوند او را چنین وصف می کند: {تو بر خوردار از خلقی بزرگ هستی }[سوره قلم آیه ۴]

پیامبران و رسولان با وجود توصیف آنان با صفات برتر، بشر بودند و دارای صفات بشری، آنان گرسنه و بیمار می شدند، می خوابیدند، می خورند و ازدواج می کردند و سرانجام با مرگ از این دنیامی رفتند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی پیش از تو رسولانی فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندانی قرار دادیم و هیچ رسولی را نرسد که جز به اراده [و اجازه] خداوند معجزه‌ای در میان آورد. هر اجلی [سر آمدی] معیّن دارد } [سوره رعد آیه ۳۸]

و خدای متعال می فرماید: {[ای پیامبر] بی گمان تو خواهی مرد و به یقین آنان نیز خواهند مرد } [سوره زمر آیه ۳۰]

و به پیغمبر و رسولش محمد صلی الله علیه و سلم فرموده است: { و در دل خود آنچه را که خداوند پدیدار کننده‌اش است، نهان می‌ساختی } [سوره احزاب آیه ۳۷]

و به همین سبب مورد شکنجه قرار گرفتند و کشته شدند و از سرزمین خودشان اخراج

شدند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن گاه که کافران در [باره] تو مکر می‌ورزیدند تا تو را بند کشند یا تو را بکشند یا [از وطن] بیرون کنند. و مکر می‌ورزیدند و خداوند [هم در قبال مکرشان] تدبیر می کرد و خداوند بهترین تدبیرکنندگان است }[سوره انفال آیه ۳۰]

اما سرانجام نیکو ؛ پیروزی و پابرجایی وتمکین در دنیا و آخرت از آن آنان است.

دلایل نبوت:

پیغمبران و رسولانی که خداوند برای بندگانش فرستاده است باید با دلایل و براهین آشکاری همراه باشند که درستی ادعای آنان را تایید کند تا بر این تاکید شود که آنها از رسولان و فرستادگان الله هستند؛ تا حجت بر مردم اقامه شود و آنان را هیچ عذری در نپذیرفتن و اطاعت نکردن از آنها نباشد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی که رسولانمان را با دلایل روشن فرستادیم } [سوره حدید آیه ۲۵]

دلایلی که بر راستی رسولان تاکید می کنند فراوانند و مهمترین آنها عبارتند از:

۱-خداوند پیغمبران و رسولان را با آیات و معجزات تایید می کند که آنها عبارتند از: امور خارق العاده ای که بر خلاف قوانین و سنت های عادی هستی روی می دهند، اموری که بشر نمی تواند مانند آنها را بیاورد و از این نمونه معجزه موسی علیه السلام است وقتی که عصای او به اژدها بدل شد. خدای متعال می فرماید: {و ای موسی، چیست این [که] به دست راست

www.path-2-happiness.com

توست! (۱۷)گفت: این چوبدست من است. بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم [برگ] می‌ریزم و من به آن حاجات دیگر نیز دارم. (۱۸)فرمود: ای موسی، آن را بیفکن. (۱۹)آن گاه آن را انداخت که ناگهان آن ماری شد که می‌شتافت (۲۰)فرمود: آن را بگیر و مترس. آن را به هیئت نخستینش بر خواهیم گرداند (۲۱)و دستت را به پهلویت پیوسته بدار، تا به عنوان نشانه‌ای دیگر سفید [و] بی عیب بیرون آید (۲۲)[می‌خواهیم] که از آیات بزرگ خود به تو بنمایانیم (۲۳) } [سوره طه آیه ۲۳-۱۷]

و معجزه عیسی علیه السلام شفا دادن کور و بیماری پیسی به دستور خداوند بود، خدای بلند مرتبه از زبان مریم بتول وقتی که به او مژده آمدن عیسی علیه السلام را داد، عنوان می کند: {گفت: پروردگارا، چگونه برای من فرزندی [خواهد] بود، حال آنکه هیچ بشری به من دست نرسانده است. فرمود: بدینسان. خدا هر چه بخواهد، می‌آفریند. چون اراده انجام کاری کند، فقط به او می‌گوید موجود شو، و [بی‌درنگ] موجود می‌شود (۴۷) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد (۴۸) و او را فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل [قرار] می‌دهد. با این دعوت] که: من از [جانب] پروردگارتان نشانه‌ای برای شما آورده‌ام. [تا آنجا که] من برای شما از گل چون شکل پرنده می‌سازم، آن گاه در آن می‌دمم، و به حکم الهی پرنده می‌شود و به حکم خدا کور مادر زاد و پیس را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می کنم. و به شما از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، خبر می‌دهم و اگر مؤمن باشید در این [کار] برای شما نشانه‌ای است (۴۹) و تصدیق کننده تواراتی که پیش از من است [فرستاده شده‌ام] و [نیز آمده‌ام] تا برخی از آنچه را که بر شما حرام شده بود، حلال گردانم و نشانه‌ای از [جانب] پروردگارتان برای شما آورده‌ام. پس از خدا پروا بدارید و از من فرمان برید (۵۰)بی گمان خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را

پرستش کنید. این است راه راست (۵۱) } [سوره آل عمران آیه ۵۱-۴۷]

و معجزه بزرگ محمد صلی الله علیه و سلم قرآن بزرگ است. با وجود اینکه او درس ناخوانده بوده و قادر به خواندن و نوشتن نبود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مانند این قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مانندش آورند و اگر چه برخی از آنان یاور برخی [دیگر] باشند (۸۸) و به راستی در این قرآن از هر مثلی برای مردم گونه گون بیان کردیم که بیشتر مردم جز ناسپاسی را نپذیرفتند (۸۹) } [سوره اسراء آیه ۸۶-۸۸]

و دیگر معجزات پیغمبران و رسولان، با مطالعه آیات و معجزاتی که خداوند به پیامبران داده است مشاهده می کنیم که زیر سه بحث می گنجند: دانش، قدرت، غنا و بی نیازی و ثروت، خبر دادن از اخبار غیب گذشته و آینده، مانند آن چه عیسی علیه السلام خبر می داد به آن چه قومش می خورند و در خانه ذخیره می کنند و خبر دادن رسول ما به اخبار امت های گذشته و اخبار فتنه ها و علایم روز قیامت که در آینده ظاهر خواهند شد. تمام این موارد زیر عنوان علم و دانش گرد می آیند، بدل شدن عصا به اژدها، علاج کور مادر زاد و مرض پیسی، زنده کردن مردگان و حفاظت خداوند متعال از رسولش محمد صلی الله علیه و سلم، زیر عنوان قدرت قرار می گیرند و همچنین حمایت از او در برابر کسانی که به او قصد بدی را نموده اند ، خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای رسول، برسان آنچه را که از [جانب] پروردگارت به سوی تو فرو فرستاده شده است و اگر [این کار را] نکنی، رسالتش را نرسانده‌ای. و خداوند تو را از [شرّ] مردم حفظ می‌کند. خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند } [سوره مائده آیه ۶۷]

معجزه جاوید

" معجزات پیامبران پیش از محمد؛ در حقیقت معجزاتی وقت دار بودند در حالی که می توانیم قرآن را یک معجزه جاوید بنامیم؛ زیرا تاثیر آن همیشه و مستمر است و برای هر مومن آسان است که در هر جا و هر زمان با خواندن آن، اعجازش را مشاهده کند و در بررسی این معجزه سبب انتشار گسترده اسلام را می توانیم بیابیم. انتشاری که اروپائیان سبب آن را درک نمی کنند زیرا آنان قرآن را درک نمی کنند و یا اینکه فقط قرآن را به واسطه ترجمه های بی روح درک کرده اند، ترجمه هایی که دقیق هم نیستند".

ابتین دینه

نقاش و اندیشمند فرانسوی

www.path-2-happiness.com

این امور سه گانه: یعنی علم، قدرت و غنا که مرجع معجزات هستند، به شکل کمال یافته فقط می تواند از طرف خداوند باشد.

۲–بشارت و مژده پیامبران گذشته به پیغمبرانی که بعد می آیند:

از جمله صدق نبوت، بشارت پیغمبران گذشته به پیغمبران بعد از خود است . خداوند از تمام پیامبران عهد و پیمان گرفته است که اگر محمد در زمان شما ظهور کرد به او ایمان بیاورید. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن گاه که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که چون کتاب و حکمت به شما دادم، و پیامبری تصدیق کننده آنچه [از کتابهای آسمانی که] با شماست به سویتان آید. باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. فرمود: آیا اقرار کردید و عهد مرا بر این امر پذیرفتید! گفتند: اقرار کردیم. فرمود: گواه باشید و من [نیز] با شما از گواهانم } [سوره آل عمران آیه ۸۱]

۳– نگاهی به اوضاع پیغمبران:

پیغمبران و رسولان با مردم قوم خود همزیستی کرده و با آنان معاشرت داشتند و به این ترتیب برای مردم ممکن می شد که اخلاق و رفتار آنان را بشناسند و راستی آنها را درک کنند، آن گاه که مریم پاک دامن و پیغمبر خدا عیسی علیهما السلام را تهمت زدند، خداوند متعال راستی کردار آنها را ظاهر ساخت. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آن گاه او را بر داشته، به نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم به راستی کاری [بس] زشت در میان آورده‌ای (۲۷)ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] نابکار نبود (۲۸)آن گاه [مریم] به آن [کودک] اشاره کرد. گفتند: با کسی که کودکی است در گهواره، چگونه سخن بگوییم! (۲۹)[عیسی] گفت: من بنده خدا هستم. به من کتاب [آسمانی] داده و مرا پیامبر گردانیده است (۳۰) و مرا هر جا که باشم خجسته داشته است و مرا تا آن گاه که زنده باشم به نماز و زکات سفارش کرده است (۳۱) و [مرا] به مادرم نیکوکار [ساخته] و مرا گردنکش [و] نگون بخت قرار نداده است (۳۲) و روزی که به دنیا آمدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده بر انگیخته شوم، بر من درود باد (۳۳)} [سوره مریم آیه ۳۳-۲۷]،

و این چنین عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت. قریش پیش از رسالت به محمد صلی الله علیه و سلم صادق امین لقب می دادند و این به خاطر راستگویی و امانتداری او بود و قرآن کریم به این موضوع اشاره داشته است؛ تا برای صدق و راستی او دلیل بیاورد زیرا شخصیت و رفتار عملی او بزرگترین دلیل بر آن است. خدای بلند مرتبه

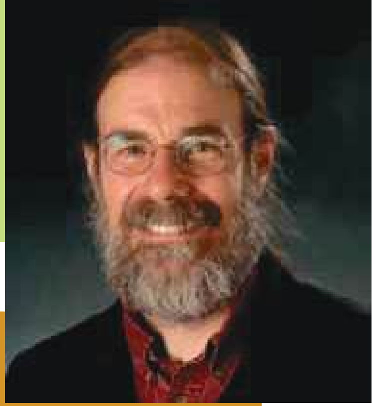

مسیحیت راستین

"آئین مسیحیت که محمد خواست آن را به سرچشمه پاکش برگرداند. همان گونه که مسیح بشارت داده بود با تعالیم سری که پولس انتشار داده بود و با سایر انحرافاتی که پیروان مسیحیت منتشر ساخته اند؛ مخالف است، امید و آرزوی محمد آن بود که آئین ابراهیم خاص به یک قوم نباشد بلکه برکت و خیر آن به تمام بشریت برسد. و دین محمد واسطه ارشاد و راهنمایی ملیون ها انسان شد انسان هایی که اگر این آئین نمی بود در وحشی گری و بی فرهنگی غرق بوده و هرگز به این برادری که در دین محمد است نمی رسیدند."

لایتنر

شرق شناس انگلیسی

می فرماید: {بگو: اگر خداوند می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و خداوند شما را از آن آگاه نمی‌نمود. به راستی که پیش از آن عمری در میان شما مانده‌ام. آیا خرد نمی‌ورزید! } [سوره یونس آیه ۱۶].

۴– نگاهی به دعوت رسولان:

از جمله دلایل نبوت آن است که دعوت رسول در اصول خود با اصول دعوت دیگر پیامبران یکی باشد، دعوت پیامبران به سوی توحید و یکتا پرستی بوده است . زیرا این هدفی است که خداوند برای آن بشر را آفریده و پیغمبران نیز به همین سبب فرستاده شده اند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید } [سوره انبیاء آیه ۲۵]،

و می فرماید: {و از [وضع و] حال کسانی از رسولانمان بپرس که پیش از تو فرستادیم. آیا جز [خداوند] رحمان معبودانی قرار دادیم که پرستش شوند! }[سوره زخرف آیه ۴۵]،

و می فرماید: {و به یقین در [میان] هر امتی رسولی را بر انگیختیم، [با این دعوت] که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید. از ایشان کسی بود که خداوند [او را] هدایت کرد و از آنان کسی بود که گمراهی بر او محقق گشت. پس در زمین بگردید، آن گاه بنگرید، سرانجام تکذیب کنندگان چگونه شد } [سوره نحل آیه ۳۶]

و محمد صلی الله علیه و سلم به این امر دعوت نمود. رسول به مانند دیگر مردم انسان و بشر است و فقط با وحی برتری داده شده است.

www.path-2-happiness.com

خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: من فقط بشری مانند شما هستم که به من وحی می‌شود که معبودتان، معبودی یکتاست. پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد }[سوره کهف آیه ۱۱۰]

او به پادشاهی یا ریاست خود، فرا نمی خواند، خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: نمی‌گویم که خزائن خدا نزد من است و [نمی‌گویم] که غیب می‌دانم و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام، جز از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم. و بگو: آیا نابینا و بینا یکسان می‌شود! آیا اندیشه نمی‌کنید! } [سوره انعام آیه ۵۰]،

و از مردم برای دعوتش پاداشی درخواست نمی کند. خدای بلند مرتبه از پیغمبرانش "نوح و هود و صالح و لوط و شعیب " خبر می دهد که آنان خطاب به قوم شان گفتند: {و بر [تبلیغ] آن [رسالت] مزدی از شما نمی‌طلبم و پاداش من جز بر [عهده] پروردگار جهانیان نیست }[سوره شعراء آیات ۱۰۶،۱۲۷،۱۴۵،۱۶۴،۱۸۰]

و محمد صلی الله علیه و سلم خطاب به قومش فرمود: {[ای پیامبر] بگو: بر [رساندن] قرآن مزدی از شما درخواست نمی‌کنم و از متکلّفان [نیز] نیستم }[سوره ص آیه ۸۶]

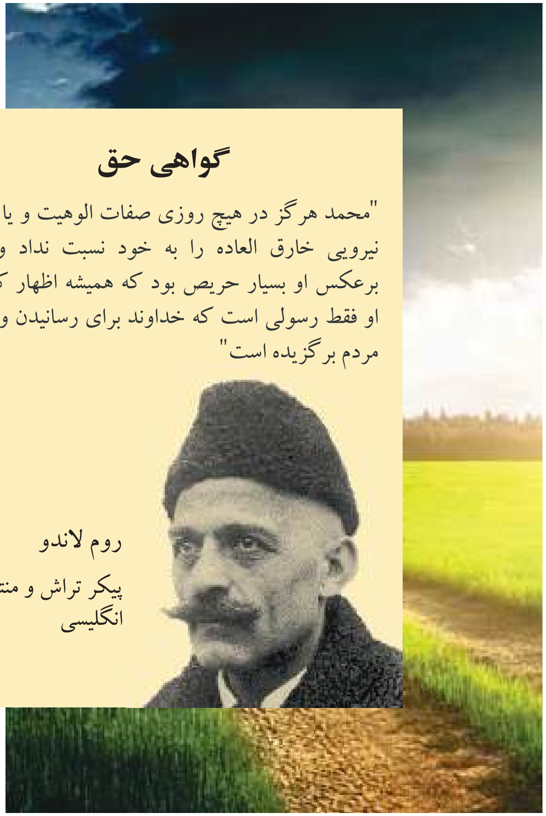

گواهی حق

"محمد هرگز در هیچ روزی صفات الوهیت و یا داشتن نیرویی خارق العاده را به خود نسبت نداد و حتی برعکس او بسیار حریص بود که همیشه اظهار کند که او فقط رسولی است که خداوند برای رسانیدن وحی به مردم برگزیده است"

روم لاندو

پیکر تراش و منتقد انگلیسی

۵- یاری و تایید خداوند به آنان:

همچنین از دلایل راستی پیغمبران و رسولان یاری خداوند به آنان و حفاظت از آنان است؛ چطور می توان ادعا کرد که کسی پیغمبر و یا رسول است در حالی که او در ادعایش دروغگو باشد اما خداوند یاری او را بر عهده بگیرد و او را حفظ و تایید کند و دعوتش را گسترش دهد و بالاتر از این عذابش را بر او نازل نکند!! خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چیزی را که زبانتان به دروغ بیان می‌کند، مگویید این حلال و آن حرام است تا بر خداوند دروغ ببندید. بی گمان آنان که بر خداوند دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند }[سوره نحل آیه ۱۱۶]

و خدای فرماید: {و اگر سخنانی بر ما بر می‌بست (۴۴)بی گمان از او به سختی انتقام می گرفتیم (۴۵)سپس بند دلش را می گسستیم }[سوره حاقه ۴۶-۴۴]؛

اخلاص برای خداوند

"با وجو اینکه محمد سرور و آقای جزیرة العرب بود اما هرگز به القاب دل نبسته و به استفاده از آنها فکر نکرد بلکه همیشه به این اکتفا می کرد که او فرستاده خدا و خدمتگذار مسلمانان است، او خودش خانه اش را تمیز نموده و کفشش را تعمیر می کرد، به مانند باد روان ؛ بخشنده و بزرگوار بود و هرگز آدم فقیر و درمانده ای از او تقاضای چیزی نمی کرد مگر اینکه او را بهرمند می ساخت. اگر چه در بیشتر اوقات چیز کافی نداشت"

ایولن کوبولد

اشراف زاده انگلیسی

www.path-2-happiness.com

من انسانی مانند شما هستم

"واقعا محمد یک شخصیت تاریخی است، اگر او نمی بود اسلام گسترش نمی یافت، او لحظه ای در این درنگ نکرد که او انسانی مانند دیگران بوده و سرانجام او مرگ است و او از خداوند درخواست گذشت و مغفرت را دارد و پیش از وفات خواست تا وجدان خود را از هر لغزش و اشتباهی که احتمالا مرتکب شده است پاک کند، پس بر منبر بالا رفته و مسلمانان را مورد خطاب قرار داد: ای مردم اگر من کسی را زده ام بیاید و قصاص خود را از من بگیرد و یا اگر مال کسی را برداشته ام بیاید و مال خود را پس بگیرد"

هنری سیرویا

مستشرق فرانسوی

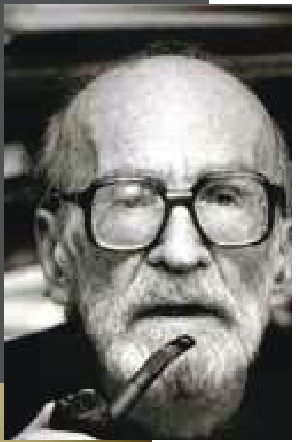

اصول دعوت پیامبران:

دعوت تمام پیغمبران و رسولان بر یک سری اصول استوار است. اصول دعوت پیغمبران یکسان است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بود و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرّر داشت [با این مضمون] که: دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نورزید. }[شوری آیه ۱۳]؛

و به همین سبب دین پیغمبران یکی است. همان گونه که خداوند متعال می فرماید:

{[گفتیم:] ای رسولان، از [خوراکیهای] پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید. به راستی که من به آنچه می‌کنید دانا هستم (۵۱) و این است امّتتان که امّتی یگانه است و من پروردگارتان هستم، پس از من پروا بدارید (۵۲)}[سوره مومنون آیه۵۲-۵۱]

اگر چه قوانین و شریعت آنها متفاوت باشد. خدای فرماید: { برای هر یک از شما شریعت و راهی قرار داده‌ایم. }[سوره مائده آیه ۴۸]

اگر آن قوانین و شریعت بر خلاف اصول باشد از حکمت و مصلحت و رحمت بیرون است. بلکه محال است که یکی بر خلاف اصول خود قانونی بیاورد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اگر حق‌ّ از خواسته‌هایشان پیروی می‌کرد، آسمانها و زمین و هر آن کس که در آنهاست، تباه می‌شدند.}[سوره مومنون آیه ۷۱]

و از جمله امور یکسان در میان رسولان و رسالت آنها:

ایمان به خداوند متعال و فرشتگان و کتاب های او و پیامبران او و روز بازپسین و تقدیر خوب وبد است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا نیندیشیده‌ای به [حال] کسی که با ابراهیم درباره پروردگارش، [از غرور] آنکه خدا به او فرمانروایی داد، مخاصمه کرد! آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که زنده می کند و می‌میراند، گفت: من [نیز] زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: به راستی خدا آفتاب را از مشرق [بر] می‌آورد، پس [اگر راست می گویی] تو آن را از مغرب [بر] آور. در نتیجه کسی که کفر ورزیده بود، مبهوت شد و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند }[سوره بقره آیه ۲۸۵]

www.path2-happiness.com

دستور به پرستش خدای یکتای بی شریک و تنزیه و بیان پاکی او از همسر و فرزند و شریک و مانند و شبیه و از پرستش بت ها و مجسمه ها، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید }[سوره انبیاء آیه ۲۵]

و همچنین است پیروی از راه او و پیروی نکردن از راههای مخالف آن و دستور وفای به عهد و رعایت کیل و وزن، نیکی به پدر و مادر، عدل در میان مردم، راستی در قول و عمل، حرام بودن کارهای زشت پنهان و آشکار، گناه و تجاوز ظالمانه، حرام بودن کشتن فرزندان و حرام بودن کشتن هر کس مگر به حق و نهی از ربا و خوردن مال یتیم و نهی از ریخت و پاش و تکبر و خوردن اموال مردم به باطل.

ایمان به روز بازپسین: هر انسان به طور قطعی می داند که روزی خواهد مرد. اما سرانجام او بعد از مرگ چه خواهد شد؟ آیا او آنجا رستگار و خوشبخت خواهد شد و یا اینکه نگون سار و بدبخت می شود؟ تمام پیغمبران و رسولان به قوم خود این پیام را رسانده اند که آن ها بعد از مرگ برانگیخته می شوند و پاداش یا سزای کارهای خود را دریافت خواهند کرد. اگر نتیجه کارهای آنان خوب باشد پاداش نیک و الا سزای کارهای بد خود را خواهند دید و این موضوع یعنی برانگیخته شدن و حساب گرفتن را عقل های سالم اثبات و ادیان الهی آن را تایید می کنند، همانا خالق، قادر، علیم و حکیم پاک و منزه است از آن که بندگان را بیهوده بیافریند و آنان را بی هدف بگذارد. خدای والا مقام می فرماید: {و آسمان و زمین و آنچه را در بین آنهاست بیهوده نیافریدیم. این پندار کافران است. پس وای به حال کافران از آتش [دوزخ] } [سوره ص آیه ۲۷]

او مخلوقات را برای حکمتی بزرگ و هدفی عظیم آفریده است، {و جنّ و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام }[سوره ذاریات آیه ۵۶]

این خدای حکیم را نشاید که نزد او اطاعت کنندگان و نافرمانان یکسان باشند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند مانند تباهی کنندگان در زمین می گردانیم! آیا پرهیزگاران را مانند بدکاران قرار می‌دهیم! } [سوره ص آیه ۲۸]

به همین خاطر لازمه حکمت و قدرت عظیم او آن است که بندگان را در روز قیامت برانگیزد تا هر انسان را پاداش کردارش بدهد نیکوکار پاداش نیکی ها و گنه کار سزای بدی های خود را دریافت کند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بازگشت همگی شما به سوی اوست. خداوند به وعده راستین [وعده نموده است]. او آفرینش [هستی] را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند تا آنان را که ایمان آورده‌اند و کردار شایسته کرده‌اند به داد، پاداش دهد. و آنان که کافر شده‌اند به [سزای] آنکه کفر می‌ورزیدند، نوشیدنی‌ای از آب گرم و عذابی دردناک

[در پیش] دارند} [سوره یونس آیه ۴]

زنده کردن بشر و حساب گرفتن از او بعد از مرگ بسیار ساده است آیا او کسی نیست که آسمان ها و زمین را آفریده است؟ وقتی که او هستی را بی نقشه قبلی آفریده است آیا او براعاده آفرینش توانا نیست؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا نیندیشیده‌اند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده است و در آفرینش آنها درمانده نشده، تواناست بر آنکه مردگان را زنده کند! آری [درست است] او بر هر کاری تواناست. } [سوره احقاف آیه ۳۳]

و خدای فرماید: {آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است توانا نیست بر آنکه مانند آنها بیافریند! چرا. و هموست آفریننده دانا } [سوره یس آیه ۸۱]

آن که توانست آفرینش را آغاز کند بر اعاده و باز آفرینی آن تواناتر است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اوست کسی که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند و آن [باز گرداندن] بر او آسانتر است و وصف والاتر در آسمانها و زمین از آن اوست. و او پیروزمند فرزانه است }[سوره روم آیه ۲۷]

بلکه زنده کردن مردگان در همین دنیا به امر خداوند در جلوی ابراهیم علیه السلام روی داد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من بنما چگونه مردگان را زنده می کنی! [خداوند] فرمود: آیا ایمان نیاورده‌ای! گفت: چرا. ولی [می‌خواهم] تا دلم آرام گیرد. [خداوند] فرمود: پس چهار [مرغ] از پرندگان برگیر، آن گاه آنها را در نزد خود [ریزه ریزه کن و] به هم آمیز، سپس بر [بلندای] هر کوهی بخشی از آنها را بگذار، آن گاه آنها را فراخوان، تا شتابان به سوی تو آیند. و بدانکه خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره بقره آیه ۲۶۰]

و همچنین به دست عیسی علیه السلام و به دستور خداوند این امر انجام پذیرفت. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آن گاه که خداوند می‌فرماید: ای عیسی فرزند مریم، نعمت مرا بر خویش

اصل پرهیزگاری

"اسلام دین تازه ای نیست که ساخته محمد باشد، وقتی که این دین بعد از ششصد سال از گذشت مسیحیت و عروج عیسی به آسمان در زمین منتشر شد، آن فقط نزول دوباره وحیی بود که در ادیان آسمانی پیشین متجسم بود و آن را به اصل پاك و صاف خودش بازگرداند. تمام پیغمبرانی که خداوند آنها را فرستاده بود مسلمان بودند و رسالت آنها همیشه یك چیز بوده است".

دیبورا پوتر

روزنامه نگار امریکایی

و بر مادرت، یاد کن. آن گاه که تو را به روح القدس توان دادم. با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] سخن می‌گفتی و آن گاه که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم. و آن گاه که به حکم من از گل مانند شکل پرنده می‌ساختی، سپس در آن می‌دمیدی، آن گاه به حکم من [به] پرنده‌ای [تبدیل] می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به حکم من شفا می‌دادی. و آن گاه که مردگان را به حکم من [زنده از گور] بیرون می‌آوردی، و چون [شرّ] بنی اسرائیل را هنگامی که برایشان معجزه‌ها آوردی از تو باز داشتم. پس کافرانشان گفتند: اینکه جز سحری آشکار [چیزی دیگر] نیست } [سوره مائده آیه ۱۱۰].

توحید راستین

"محمد آن رسول عربی با صدایی که نشانه ارتباط عمیق به خدایش بود دعوت را آغاز کرد بت پرستان و پیروان مسیحیت و یهودیت تحریف شده را به خالص ترین عقیده توحید فراخواند و به این رضایت داد تا با برخی از گرایش های عقب مانده بشری که به شرک به پروردگار باور داشتند، وارد کارزار آشکار شود"

لورا فیشیا فاگلیری
شرق شناس ایتالیایی

قسمتی از تاریخ پیغمبران اولی العزم:

در آغاز مردم بر هدایت بودند اما اختلاف کردند پس خداوند پیغمبران را فرستاد؛ تا مردم را آگاه سازند و به آنان هشدار دهند. { اوست کسی که در میان درس ناخواندگان رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را پاک می‌دارد. و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و به راستی پیش از این در گمراهی آشکار بودند } [سوره جمعه آیه ۲]

اما مردم در برابر دعوت پیغمبران دو گروه شدند؛ دسته ای آنان را تصدیق کردند و به آنان ایمان آوردند و دسته دیگر پیغمبران را تکذیب کرده و به آنان و به آن چه آورده بودند کفر ورزیدند و آنان را سرکشانه تکذیب کردند: {مردم یک امّت (گروه) بودند، آن گاه خدا پیامبران را مژده آور و بیم‌دهنده بر انگیخت و با آنان کتاب [آسمانی] را به راستی فرو فرستاد تا در آنچه در آن اختلاف دارند میان مردم حکم کند و جز کسانی که آن [کتاب] به آنان داده شد، پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنان رسید- [آن هم] از روی رشک در بین خود- در آن اختلاف نکردند. پس خداوند به حکم خود مؤمنان را به حقی که در آن اختلاف کردند، رهنمون شد و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند } [سوره بقره آیه ۲۱۳]

و متکبرانه با پیروی از خواهشات نفسانی آنان را تکذیب کردند: {و حقّا که به موسی کتاب [آسمانی] دادیم. و بعد از او «رسولان» را در پی آوردیم و به عیسی، فرزند مریم معجزات آشکار دادیم و او را به «روح القدوس» [جبرئیل] یاری کردیم. پس چرا هر گاه رسولی چیزی برایتان آورد که دلهایتان خوش نداشت، سرکشی کردید! آن گاه گروهی را دروغزن انگاشتید و گروهی را کشتید }[سوره بقره] آیه ۸۷]

خداوند متعال به ایمان آوردن به تمام رسولان دستور داده است: {بگویید: به خدا و آنچه که به ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و [نیز] آنچه که به [دیگر] پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است، ایمان آورده‌ایم. بین هیچ کس از آنان تفاوتی نمی گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم }[سوره بقره آیه ۱۳۶]

www.path-2-happiness.com

و آنانی را که به رسولان ایمان می آورند وعده خوشبختی و رستگاری در دنیا و آخرت و کسانی را که کفر می ورزند و روی گردانی اختیار می کنند به بدبختی در دنیا پیش از آخرت هشدار داده است. خدای متعال در باره کسانی که ایمان آورده اند می فرماید: {و هر کس خداوند و رسولش و مؤمنان را دوست بدارد، [بداند که] حزب خداست که پیروزند } [سوره مائده آیه ۵۶]

و همچنین می فرماید: {(همان) کسانی که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید، دلها به نام خدا آرام می‌گیرند (۲۸) آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان و آنان نیک سرانجامی دارند (۲۹)} [سوره رعد آیه ۲۹-۲۸]

و در باره کسانی که به رسولان کافر شده اند می فرماید: {کافران را در این سرزمین به ستوه آورنده مپندار و جایگاهشان آتش است و بد بازگشتی است }[سوره نور آیه ۵۷]

و هر پیغمبری را دشمنانی بوده است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و بدینسان برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم که شیطانهای انس و جن‌اند. برخی از آنان سخن به ظاهر آراسته را برای فریب به برخی [دیگر] القا می کنند. و اگر پروردگارت می‌خواست، این کار را نمی‌کردند، پس آنان را با افترایشان واگذار} [سوره انعام آیه ۱۱۲]

سپس تکذیب کنندگان بر پیغمبران درازدستی کرده و بر آنان ظلم نمودند و آنان را به ریشخند گرفتند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ فرستاده‌ای [به نزد] آنان نمی‌آمد مگر آنکه او را به ریشخند می‌گرفتند } [سوره حجر آیه ۱۱]

و می فرماید: { و به [سوی] آنان هیچ پیامبری نمی‌آمد مگر آنکه او را به ریشخند می گرفتند }[سوره زخرف آیه ۷]؛

و می فرماید: {و به راستی فرستادگانی پیش از تو مورد ریشخند قرار گرفته‌اند، پس [سزای] آنچه ریشخندش می کردند بر سر ریشخند- کنندگانشان فرود آمد }[سوره انعام آیه ۱۰]

و آنان را به بیرون کردن از سرزمین شان و یا بازگشت از دین شان، تهدید کردند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و کافران به رسولانشان گفتند: البته شما را از سرزمین خودمان بیرون کنیم یا [اینکه باید] به دین ما باز آیید. پروردگارشان به آنان وحی کرد که ستمکاران را نابود خواهیم کرد}[سوره ابراهیم آیه ۱۳]

تا جایی که این تهدید به تلاش برای کشتن رسید: {و هر گروهی آهنگ پیامبر خود کرد تا او را بگیرند}[سوره غافر آیه ۵]

یعنی تا او را بکشند، حتی برخی از آنان پیغمبران خود را کشتند: {پس چرا هر گاه رسولی چیزی برایتان آورد که دلهایتان خوش نداشت، سرکشی کردید! آن گاه گروهی را دروغزن انگاشتید و گروهی را کشتید }[سوره بقره آیه ۸۷]

بعد از آن خداوند تکذیب کنندگان را هلاک و نابود ساخت و دین رسولان غالب گشت. همان گونه که خدای بلند مرتبه می فرماید: {خداوند مقرّر داشته است که به یقین من و رسولانم پیروز می‌شویم. بی گمان خداوند توانای پیروزمند است }[سوره مجادله آیه ۲۱]

وخدای فرماید: {و به راستی وعده ما در حق‌ّ بندگان رسالت یافته ما از پیش صدور یافته است (۱۷۱) آنانند که یاری خواهند شد (۱۷۲)}[سوره صافات آیه ۱۷۲-۱۷۱]

و خداوند رسولان و پیغمبران صلوات الله و سلامه علیهم را نجات داد. همان سان که خدای بلند مرتبه می فر ماید: {و مؤمنان و پرهیزگاران را رهایی بخشیدیم }[سوره نمل آیه ۵۳]

و همچنین می فرماید: {و مؤمنان و پرهیزگاران را نجات دادیم }[سوره فصلت آیه ۱۸]

هر پیغمبری برای قوم خود آمده است و آنان را به آن چه مناسب و شایسته زندگی آنان بوده امر کرده و آنان را پاک و تزکیه نموده اند. هر کس که پیغمبری را تکذیب کرد مانند کسی است که تمامی پیغمبران را تکذیب کرده باشد. کسی که به عیسی علیه السلام ایمان نیاورد او در حقیقت به موسی هم ایمان نیاورده است و محمد صلی الله علیه و سلم رسالت عیسی علیه السلام را نسخ نمود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و [این] کتاب را به راستی [و] تصدیق کننده

مارسل بوازار
اندیشمند فرانسوی

از یک سرچشمه

"رسالت محمد باطل کردن پیام پیغمبران پیش از خودش نبود، بلکه آن تصدیق این مطلب بود که بر کتاب هاب آسمانی دیگر تحریف وارد شده است. و به پاک کردن رسالت دیگر پیغمبران پیشین از هر گونه مخالفت و زیادتی و افزایش در آن، امر شد تا مناسب برای تمام بشریت در تمام زمان و مکان باشد"

www.path-2-happiness.com

کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم است به تو نازل کردیم. پس در میان آنان به آنچه خداوند نازل کرده است، حکم کن و از خواسته‌های [نفسانی] آنان [به جای] آنچه از حقّ که به تو رسیده است، پیروی مکن} [سوره مائده آیه ۴۸]

هر آن کس که به محمد صلی الله علیه و سلم ایمان نیاورد در حقیقت به عیسی علیه السلام هم ایمان نیاورده است.

و لازم بود تا خاتم پیغمبران و رسولان برای تمام اقوام و زمان ها باشد و نه برای زمانی خاص و یا برای قومی خاص و الا بشریت بدون یاری وحی خالق زمین و آسمان ضایع می شد. پس محمد صلی الله علیه و سلم خاتم پیغمبران و رسولان است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {محمّد (ص) پدر هیچ کس از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند به همه چیز داناست} [سوره احزاب آیه ۴۰]

در میان هیچ یک از آنان تفاوتی قائل نمی شویم

"قران کریم تنها کتابی است که تمام کتاب های آسمانی دیگر را می پذیرد . در حالی که بقیه یکدیگر را رد می کنند"

بشیر شاد
مبشر هندی

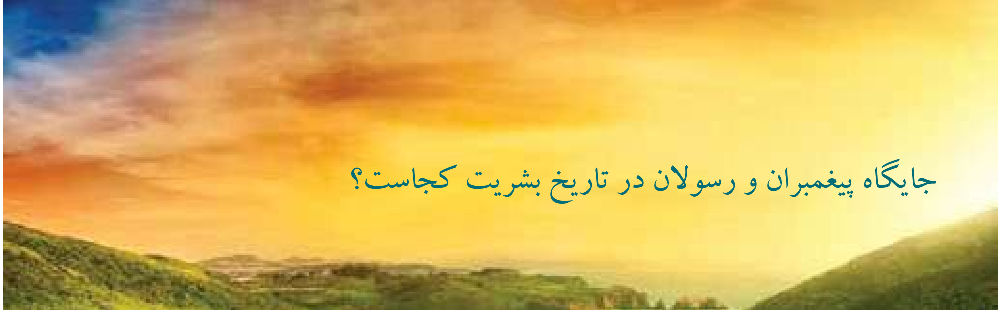

جایگاه پیغمبران و رسولان در تاریخ بشریت کجاست؟

از زمانی آغاز می کنیم که خداوند خواست تا بشر را بیافریند تا بیرون شدن او از بهشت و فرود آمدن بر زمین: {و چون پروردگارت به فرشتگان فرمود: به راستی من جانشینی در زمین خواهم گمارد، گفتند: آیا کسی را در آنجا می‌گماری که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، حال آنکه ما با ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را پاک می‌شماریم! فرمود: به یقین من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (۳۰)و [خداوند] همه نامها [ی آفریدگان] را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه داشت، آن گاه فرمود: اگر راستگویید، مرا به نامهای اینها خبر دهید (۳۱)گفتند: تو را به پاکی یاد می‌کنیم: ما دانشی جز آنچه به ما آموخته‌ای، نداریم. تویی که دانای فرزانه‌ای (۳۲)فرمود: ای آدم، اینان را به نامهای آنها خبر ده، پس چون [آدم] آنان را از نامهای آنها خبر داد، [خداوند] فرمود: آیا به شما نگفته بودم که به راستی من غیب آسمانها و زمین را می‌دانم و می‌دانم آنچه را که آشکار می کنید و آنچه را که نهفته می‌داشتید (۳۳)و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس [همه] سجده کردند مگر «ابلیس» که نپذیرفت و کبر ورزید و از کافران شد (۳۴)و فرمودیم: ای آدم، تو و همسرت در بهشت سکنا گزینید. و از [میوه‌های] آن هر جا که خواهید به فراوانی بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد (۳۵)پس شیطان آن دو را از آنجا به لغزش افکند. سپس آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و گفتیم: در حالی که دشمن همدیگر خواهید بود [به زمین] فرود آیید و شما در زمین تا مدتی قرارگاه و بهره‌مندی دارید (۳۶)آن گاه آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت، سپس خداوند از او در گذشت. بی گمان او توبه پذیر مهربان است (۳۷) گفتیم: همه از آنجا فرود آیید، آن گاه اگر از [جانب] من هدایتی به شما رسد کسانی که از هدایت من پیروی کنند، بیمی بر آنان نیست و آنان اندوهگین نشوند (۳۸)و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ انگاشتند، اینان دوزخی‌اند. آنان در آنجا جاودانه‌اند (۳۹)} [سوره بقره آیه ۳۹-۳۰]

سپس آن گاه که مردم با هم اختلاف ورزیدند و از هدایت و حق منحرف شدند، خداوند پیغمبرانش را فرستاد. و پیغمبران با آئین های خود پی درپی آمدند: {از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بود و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی

www.path-2-happiness.com

را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرّر داشت [با این مضمون] که: دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نورزید. }[سوره شوری آیه ۱۳]

و فرستادن پیغمبران ادامه یافت از ادریس تا نوح و ابراهیم و اسماعیل وموسی و عیسی و محمد صلوات الله و سلامه علیهم .

خداوند متعال حال آنان را برای ما حکایت نموده و ما را از اخبار آنها با خبر ساخته است و در اینجا چیزی از حکایت آنها را می آوریم زیرا داستان های آنان پر از عبرت برای صاحبان خرد و عقل است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی که در داستانشان عبرتی برای خردمندان است. [قرآن] سخنی نبود که [به دروغ] بربافته شده باشد. بلکه تصدیق کننده کتابی است که پیش از آن است و بیانگر هر چیزی و برای گروهی که ایمان می‌آورند [مایه] هدایت و رحمت است. }[سوره یوسف آیه ۱۱۱]

و از آن نمونه است:

۱- نوح علیه السلام:

قوم او پیش ار این مومن بودند و خدای یکتا را می پرستیدند و به روز بازپسین باور داشتند و کارهای نیک انجام می دادند. آن مردم درگذشتند. قومشان از مرگ آنان ناراحت شدند زیرا آنان بسیار نیکوکار و دارای اخلاق پسندیده بودند، پس مجسمه هایی برای آنها ساختند و به نام آن بزرگان نامگذاری کردند: ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر، مردم به این مجسمه ها الفت گرفتند وآنها را رمز و نشانه ای برای آن بزرگان که وفات کرده بودند، قرار دادند مردم آن شهر این مجسمه ها و عکس ها را مورد احترام قرار می دادند. و هدف آنان احترام به آن بزرگان بود. و زمان سپری شد تا اینکه پدران مردند و فرزندان بزرگ شدند، آنان به احترام به این مجسمه ها افزودند و پیش روی آنها کمر خم می کردند، آن مجسمه ها در قلوب آن افراد جایگاه بسیار بزرگی پیدا کردند و ناگهان در نسل بعدی شروع به عبادت این مجسمه ها نمودند و چنین ابراز می داشتند که این ها معبودان هستند و باید مورد سجده و پرستش قرارگرفته و در برابر آنها باید کمر خم نمود. پس پرستش

آنها را آغاز کرده و از آنان خلقی عظیم از راه بدر شدند.

در این زمان خداوند برای آن قوم نوح علیه السلام را فرستاد؛ تا آنان را به راه راست هدایت کند و از پرستش بت ها باز دارد و به پرستش الله تعالی ره نماید و نوح به سوی قومش آمد..:

{ و گفت: ای قوم من، خداوند را بپرستید. شما هیچ معبود [راستینی] جز او ندارید، آیا پروا نمی‌دارید! }[سوره مومنون آیه ۲۳]

او را تکذیب کردند و پیام او را نپذیرفتند، آنان را هشدار داده و از عذاب خداوند بر حذر داشت و گفت: {به راستی من از عذاب روزی سهمگین بر شما اندیشناکم }[سوره شعراء آیه ۱۳۵]

گفتند: {اشراف قومش گفتند: بی گمان تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم }[سوره اعراف آیه ۶۰]

نوح به آنان پاسخ داد: {گفت: ای قوم من، گمراهی‌ای در من نیست بلکه من فرستاده‌ای از [جانب] پروردگار جهانیان هستم (۶۱) پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و خیر شما را می‌خواهم و از [حکم] خداوند چیزی می‌دانم که [شما] نمی‌دانید (۶۲) [سوره اعراف آیه ۶۲-۶۱]

قوم از کلام شگفت زده شدند و گفتند: تو آدمی مانند ما هستی، چطور می توانی فرستاده ای از جانب خدا باشی؟ و کسانی که از تو پیروی کرده اند دسته ای از اراذل و اوباش و افراد کمینه هستند..، و آنگهی شما بر ما هیچ برتری ندارید، شما از ما مال دارتر و دارای جایگاه بالاتری نیستید و ما گمان می کنیم که شما در این ادعا ها دروغ می گویید و برخی از مردم به برخی دیگر گفتند: { او جز بشری مانند شما نیست که می‌خواهد بر شما برتری یابد و اگر خداوند می‌خواست فرشتگانی می‌فرستاد. ما در [میان] نیاکان پیشینمان چنین چیزی نشنیده‌ایم (۲۴) او جز شخصی نیست که در خود جنونی دارد.}[سوره مومنون آیه ۲۵-۲۴]

و برخی از مردم برخی دیگر را برای پرستش بت ها تشویق کردند: {و گفتند: معبودانتان را رها نکنید و «ودّ» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را وا مگذارید }[سوره نوح آیه ۲۳]

نوح علیه السلام به آنان گفت: {آیا شگفت زده شدید که پندی از سوی پروردگارتان بر [زبان] مردی از خودتان برای شما آمد! تا شما را بیم دهد }[سوره اعراف آیه ۶۳]

نوح با نرمی و لطافت با آنان برخورد کرد. اما سرکشی و لجاجت قوم افزایش یافت، نوح همیشه و در هر حال آنان را دعوت می نمود. تا اینکه گفت: {گفت: پروردگارا، به راستی که من قوم خویش را شب و روز [به سوی فرمان تو] فرا خواندم (۵)ولی دعوت من در حقّ آنان جز گریز نیفزود (۶)و هر گاه که من آنان را فراخواندم تا آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوشهاشان نهادند و جامه‌هاشان را [به خود] پیچیدند و پای فشردند و سخت کبر ورزیدند (۷)} [سوره نوح آیه ۷-۵]

و آنان را با هر اسلوب و روش ممکنی دعوت می نمود: {سپس [دعوتم را] برای آنان آشکار ساختم و [آن را] نهانی با آنان به راز نهادم (۹)سپس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید. بی گمان او بس آمرزنده است (۱۰)}[سوره نوح آیه ۱۰-۹]

برخی عذرهای بسیار بی ارزشی مطرح می کردند و می گفتند: {گفتند: آیا به تو بگرویم حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند }[سوره شعراء آیه ۱۱۱]

و نوح آنان را با کمال لطف و مهربانی و جهت یادآوری مورد خطاب قرار می داد: {[نوح] گفت: من از [باطن] کرده آنان چه آگاهی دارم! }[سوره شعراء آیه ۱۱۲]

و به آنان گفت: {اگر بدانید، حسابشان جز با پروردگارم نیست. }[سوره شعراء آیه ۱۱۳]

و نوح همچنین گفت: {و من مؤنان را طرد نخواهم کرد }[سوره شعراء آیه ۱۱۴] {و من مؤمنان را طرد نمی کنم}[سوره هود آیه ۲۹].

چطور جماعتی را برانم که به من ایمان آورده اند و مرا در گسترش دعوت یاری و کمک کرده اند؟ و به آنان گفت: {و ای قوم من، اگر آنان را طرد کنم، چه کسی در برابر خداوند مرا یاری می کند! آیا پند نمی‌پذیرید! }[سوره هود آیه ۳۰] {من جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم} [سوره شعراء آیه ۱۱۵]

رسالت پایانی

" محمد آن فرستاده ای است که اسلام را آورد و او آخرین حلقه از سلسله پیغمبرانی است که رسالت بزرگ را حمل نمودند"

ولف باورن اهر نظیر
استاد دانشگاه اتریش

همه مردم را به یکسان مورد هشدار قرار داد و هیچ تفاوتی بین مردم بر اساس جایگاه اجتماعی یا فقر و غنا و بزرگ و کوچك و سیاه و سفید قایل نشد..، وقتی که قوم از آوردن دلیل ناتوان شدند و نتوانستند دلایل نوح علیه السلام را رد کنند، شروع به تهدید او نمودند که تو را سنگسار خواهیم کرد: {گفتند: ای نوح، اگر دست برنداری سنگسار خواهی شد }[سوره شعراء آیه ۱۱۶]

و چون نوح به این یقین رسید که آنان هیچ منطقی را نمی پذیرند، پیش خداوند تضرع و زاری کرد تا او را از دست این افراد سرکش و معاند نجات دهد: {[نوح] گفت: پروردگارا، قومم مرا دروغزن انگاشتند }[سوره شعراء آیه ۱۱۷]

{پس [کار] بین من و آنان را چنان که باید یکسره کن. و من و کسانی از مؤنان را که با منند، رهایی بخش }[سوره شعراء آیه ۱۱۸]

وقتی که نوح در اثر اصرار آنها بر کفر، قومش را از عذاب خداوند ترساند برخی با ریشخند گفتند: { پس اگر از راستگویانی آنچه را که به ما وعده می‌دهی برای ما [پیش] آر. }[سوره هود آیه ۳۲]

و نوح به آنان پاسخ داد: این موضوع به دست من نیست: { گفت: خداوند- اگر بخواهد- آن را برای شما [پیش] می‌آورد }[سوره هود آیه ۳۳] {و اگر بخواهم که برایتان خیر خواهی کنم، خیر خواهی من- اگر خداوند بخواهد شما را بیراه بگذارد- به شما سود نمی‌بخشد. } [سوره هود آیه ۳۴]

پس خداوند بلند مرتبه به او وحی کرد: {و به نوح وحی شد که از قومت [کسی]- جز آنان که ایمان آورده‌اند- ایمان نخواهد آورد. پس بر آنچه می کردند، دریغ مخور }[سوره هود آیه ۳۶]

حجت بر آنان اقامه شد و هیچ بهانه و عذری نماند. و این دعوت نزدیك ده قرن ادامه یافت و نوح کاملا از آنان ناامید و مایوس شد. پس خداوند را خواند و گفت: {و نوح گفت: پروردگارا، بر روی زمین از کافران هیچ کسی را باقی مگذار

www.path-2-happiness.com

(۲۶) چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه سازند و جز بدکار ناسپاس به بار نخواهند آورد (۲۷)}[سوره نوح آیه ۲۷-۲۶].

پس خداوند به او وحی کرد که کشتی بساز: {پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و به فرمان ما [آن] کشتی را بساز.}[سوره مومنون آیه ۲۷]

پس او شروع به ساختن کشتی نمود: {و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هر گاه که گروهی از قومش بر او می‌گذشتند، او را به ریشخند می‌گرفتند }[سوره هود آیه ۳۸]

و نوح با مهربانی و ادب به آنان پاسخ می داد: {اگر ما را به ریشخند می‌گیرید ما [هم] شما را چنان که شما به ریشخند می‌گیرید، به ریشخند خواهیم گرفت }[سوره هود آیه ۳۸]

و سپس آنان را تهدید می نمود و از خدا بر حذر می داشت: {آن گاه خواهید دانست چه کسی است که به او عذابی می‌رسد که رسوایش کند و بر او عذابی پاینده فرود آید }[سوره هود آیه ۳۹]

و او با جدیت مشغول ساختن شد تا اینکه ساختن کشتی پایان یافت.

و خداوند به نوح دستور داد تا مومنان را بر کشتی سوار کرده و از هر حیوان هم یک جفت را بر کشتی سوار کند: {[حکایت چنین بود] تا هنگامی که حکم ما در رسید و [آب از] تنور فوران کرد، گفتیم: در آن [کشتی] از هر جنسی دو تن [نر و ماده] و خانوادهات- مگر کسی که قضای [الهی] بر او از پیش مقرر گشته است- و مؤمنان را برگیر. و جز اندکی با او ایمان نیاوردند }[سوره هود آیه ۴۰]

پس نوح چنین کرد. تمام مومنان و از هر حیوان یک جفت را بر کشتی سوار کرد: {و گفت: در آن [کشتی] سوار شوید. روان شدنش و لنگر انداختنش به نام خداست. بی گمان پروردگارم آمرزنده مهربان است }[سوره هود آیه ۴۱]

تکبر و مسخ تاریخ

"در قرون وسطی مسیحیان به این اقناع رسیدند که تقسیم بندی نژادی را که در سفر تکوین آمده است در کتابهایشان بیاورند و البته به آن یک توزیع طبقاتی را نیز افزودند. آنها بر این باور بودند که رجال دین و قدیسان به نسل سام می رسند . و جنگجویان به نسل یافث و فقیر و فقراء به نسل حام از فرزندان نوح علیه السلام می رسند و وضع به جایی رسید که در سال ۱۹۶۴ سناتور امریکایی روبرت برد از ویرجینایی غربی خواست از آن برای تبعیض نژادی در ایالت متحده استفاده کند"

و چون نوح با مومنان بر کشتی سوار شدند و حیوانات را هم با خود برداشته وهر دسته بر جای خود قرار گرفتند، آسمان شروع به بارش نمود . - بارشی بی نظیر- و چشمه های زمین جوشیدند و آب فراوان جاری گشت: {سپس درهای آسمان را به آبی فرو ریزنده گشودیم (۱۱)و از زمین چشمه‌ها جوشاندیم. سپس [آن] آب بر کاری که مقدر شده بود، فراهم آمد. (۱۲)و او را بر [کشتی] ساخته شده از تخته و میخ سوار کردیم (۱۳)زیر نظر ما روان بود. برای انتقام به خاطر کسی بود که انکارش کرده بودند (۱۴)}[سوره قمر آیه ۱۴-۱۱]

نوح پسرش را که ایمان نیاورده بود، دید که می خواهد از غرق شدن بگریزد. او را ندا داد: {پسر جان، با ما سوار شو و با کافران مباش }[سوره هود آیه ۴۲]

اما پسر از ایمان آوردن اعراض نمود و نصیحت پدر را نپذیرفته و به نوح پاسخ داد: {گفت: به کوهی پناه خواهم گرفت که مرا از آب در امان دارد.}[سوره هود آیه ۴۳]

نوح به او با نگاه دلسوزانه ای انداخت و گفت: {گفت: امروز هیچ نگاه دارنده‌ای از عذاب خدا نیست، بلکه کسی [حفظ می‌شود که خداوند به او] رحمت آورده باشد}[سوره هود آیه ۴۳]

و همین که: {و موج بین آنان حایل آمد، و [او] از غرق شدگان گردید }[سوره هود ایه ۴۳]

نوح برای پسرش دلسوزی نموده و به خداوند تضرع نمود تا پسرش را نجات دهد . خداوند بلند مرتبه وعده نجات اهل او را داده بود، نوح علیه السلام گفت: {و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا، پسرم از خاندان من است و البته وعده‌ات راستین است و تو بهترین داورانی }[سوره هود آیه ۴۵]

پس خدایی که به او وعده نجات اهلش را داده بود پاسخ داد که آن وعده برای اهل و خانواده صالح و نیکوکار بوده است. و فرمود: {گفت: ای نوح، او از خاندانت نیست، به راستی او [مرتکب] کار ناشایست است، }[سوره هود آیه ۴۶]

در دین واسطه ایی نیست او از جمله خانواده تو محسوب نمی شود پدری تو به او سودی نمی رساند تا زمانی که به خداوند یکتا ایمان نیاورد.

و بعد از آن آب تمام زمین را فراگرفت و تمام کافران هلاک شدند: {و گفته شد: ای زمین، آبت را فروبر}[سوره هود آیه ۴۴]

پس آبی که از زمین جوشیده بود در زمین فرو رفت. و خداوند به آسمان وحی کرد: {و ای آسمان [بارانت را] باز دار} [سوره هود آیه ۴۴]

بارش بس است پس باریدن پایان یافت: {و [کشتی] بر [کوه] جودیّ پهلو گرفت} [سوره هود آیه ۴۴]

و آن کوهی است که کشتی بر آن قرار گرفت و خداوند به نوح وحی نمود: {گفته شد: ای نوح، به سلامتی از [سوی] ما و [همراه با] برکتهای [فرود آمده] بر تو و بر امتهایی از [نسل] آنان که با تواند، فرود آی} [سوره هود آیه ۴۸]

www.path-2-happiness.com

پس نوح از کشتی فرود آمد و مومنان همراه او نیز فرود آمدند و شروع به ساختن شهر نمودند و درخت کاشتند و حیواناتی را که با آنان بودند رها کردند و آبادانی زمین شروع شد و مردم شروع به زاد و ولد کردند.

تحقیر پیغمبران

" نوح به زراعت پرداخت و در میان چیزهایی که کاشت انگور هم بود پس انگور ثمره داد و از آن شراب مست کننده ساخت و آن را نوشید پس پسر کوچکش حام او را ریشخند نموده و عورتش را آشکار کرد. اما دو برادر حام پوشش بر پدر گذاشتند، آن گاه که نوح به هوش آمد و دانست حام چه کار کرده است کنعان پسر حام را نفرین کرد و گفت که او بنده دو برادرش خواهد شد و به سام و یافث برکت داد"(سفر تکوین اصحاح دهم) و در تفسیر این عبارت تلمود بابلی در کتاب سنهدرین صفحه (۷۰) آورده است که کنعان یا حام نوح را اخته کرد و با او کار فاحشگی انجام داد"!! پیغمبر بزرگوار خداوند از این اتهام پاك و مبرا است"

۲-ابراهیم علیه السلام:

ابراهیم علیه السلام پیغمبر توحید و یکتاپرستی است. و این موضوع در تمام سیره و زندگی او آشکار است. و به همین سبب خداوند متعال او را وصف نموده و فرموده است: {به راستی ابراهیم امّتی نیایشگر برای خداوند [و] پاکدین بود. و از مشرکان نبود }[سوره نحل آیه ۱۲۰]

ابراهیم علیه السلام در میان قومی مشرك متولد و پرورش یافت. پدر او یکی از بت پرستان و ازجمله بت تراشان و خدمت کاران به آنها بود. ابراهیم با پدر و قومش گفتگو کرد: {و چون ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بتانی را معبود می گیری! بی گمان من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم }[سوره انعام آیه ۷۴]

او با دلایل قوی شرك قومش را رد کرد. او به آیات خداوند متعال می نگریست: {پس وقتی شب بر او پرده انداخت، ستاره‌ای دید. گفت: این پروردگار من است. پس چون افول کرد، گفت افول کنندگان را دوست ندارم. }[سوره انعام آیه ۷۴]

یعنی: ستاره غروب کرد: {گفت افول کنندگان را دوست ندارم (۷۶) آن گاه چون ماه را بر آمده دید}[سوره انعام آیه ۷۷]

یعنی:در حالی که در افق طلوع می کرد و دید که برخی از مردم آن را می پرستند: {گفت این پروردگار من است.} [سوره انعام آیه ۷۷]

و این از جهت شگفتی او از پرستش آنان بود و دنبال فرصت می گشت تا نظر خود را اظهار کند: {پس چون فرونشست}،[سوره انعام آیه ۷۷]

یعنی: در افق ناپدید شد، به سوی قوم رفت و گفت: {گفت: اگر پروردگارم مرا راه ننماید، البته از گمراهان خواهم شد (۷۷) آن گاه چون آفتاب را برآمده دید}[سوره انعام آیه-۷۸ ۷۷]

و دید که قوم در پیش آنها کرنش می کنند: { گفت: این پروردگار من است. این بزرگتر است،}[سوره انعام آیه ۷۸]

www.path-2-happiness.com

کار آنها را بسیار ناشایست و زشت شمرد!! و از آنان تعجب کرد که چطور خورشید را به خدایی می گیرید؟! {پس چون فرو نشست}[سوره انعام آیه ۷۸]

و از دیده ها پنهان شد. به نزد آنانی رفت که آن را می پرستیدند و به آنان گفت: {گفت: ای قوم من، من از آنچه [برای خداوند] شریک قایل می‌شوید، بیزارم (۷۸) من پاکدینانه روی [دل] خویش را به سوی کسی می‌نهم که آسمانها و زمین را آفریده است، و من از مشرکان نیستم (۷۹)} [سوره انعام آیه۷۹ –۷۸]

او پدرش را بسیار موعظه نموده و با نرمی و لطافت و ادب و منطق او را از شرک بازداشت: {چون به پدرش گفت: پدرجان، چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و چیزی را از تو دفع نمی کند. (۴۲) پدرجان، بی گمان از علم، چیزی به من رسیده است که به تو نرسیده است، پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمون شوم (۴۳)پدرجان، شیطان را مپرست. به راستی که شیطان نافرمان [خداوند] رحمان است (۴۴)پدرجان، من از آن بیمناکم که از [خداوند] رحمان عذابی به تو برسد، آن گاه قرین شیطان شوی. (۴۵)}[سوره مریم آیه ۴۵-۴۲]

اما متاسفانه پاسخ پدرش بسیار سنگ دلانه بود: {[پدرش] گفت: آیا تو، ای ابراهیم از معبودانم رویگردانی! اگر باز نیایی، قطعا تو را سنگسار خواهم کرد و دیری از من دوری گزین } [سوره مریم آیه ۴۶]

اما پاسخ ابراهیم در اوج ادب و مهربانی و نرمی بود: {گفت: سلام بر تو. از پرورد گارم برایت آمرزش خواهم خواست، که او در حقّ من مهربان است (۴۷)و از شما و آنچه به جای خداوند می‌پرستید، کناره می گیرم و پرورد گارم را [به نیایش] می‌خوانم، امید می‌رود که در پرستش پرورد گارم ناامید نباشم (۴۸)} [سوره مریم آیه ۴۸-۴۷]

ابراهیم دعوت پدر و قومش به سوی توحید و رها کردن شرک را ادامه داد. اما قوم به دعوت ابراهیم لبیک نگفته و بر شرک پافشاری کردند: {و قومش با او احتجاج ورزیدند. گفت: آیا در [باره] خدا با من احتجاج می‌ورزید، حال آنکه در حقیقت مرا هدایت کرده است! و از آنچه با او شریک مقرر می کنید، نمی‌ترسم، بلکه [از آن می‌ترسم] که خداوند [از عذاب] چیزی را بخواهد. و پرورد گارم از روی دانش [به] همه چیز احاطه دارد. آیا پند نمی گیرید! (۸۰)و چگونه از آنچه شریک قایل شدید بترسم، حال آنکه شما نمی‌ترسید از آنکه با خداوند چیزی را که دلیلی [دال] آن بر شما نفرستاده است، شریک مقرر می کنید! پس اگر می‌دانید، کدام یک از [این] دو گروه به امن [و امنیت] سزاوارتر است (۸۱)} [سوره انعام آیه ۸۰-۸۱]

و بار دیگر به آنان گفت: {چون به پدرش و قومش گفت: چه می‌پرستید! } [شعراء آیه ۷۰]

پاسخ دادند: {گفتند: بتانی را می‌پرستیم و برای [عبادت] آنها معتکفیم} [سوره شعراء آیه ۷۱] {[ابراهیم] گفت: چون [آنان را] می خوانید، آیا [ندای] شما را می‌شنوند! (۷۲) یا به شما سود می‌بخشند یا زیان می‌رسانند! (۷۳)} [سوره شعراء آیه ۷۳-۷۲]

پاسخ نشانه تعطیل بودن عقل و منطق بوده و به تقلید محض اشاره داشت: {گفتند: نه. امّا نیاکانمان را بر چنین شیوه‌ای یافته‌ایم } [سوره شعراء آیه۷۴]

پس با توحید خالص و با دلایل، آگاهی، بصیرت و عقل به آنان پاسخ داد: {گفت: آیا اندیشیده‌اید در آنچه می‌پرستیدید (۷۵) شما و نیاکان پیشینتان! (۷۶)[بدانید] که آنها دشمن من‌اند. بر خلاف پرورد گار جهانیان. (۷۷) کسی که مرا آفریده است همو مرا هدایت می کند (۷۸)و کسی که او به من غذا می دهد و به من [آشامیدنی] می نوشاند (۷۹)و چون بیمار شوم همو مرا شفا می‌دهد (۸۰)و کسی که مرا می‌میراند آن گاه زنده‌ام می گرداند (۸۱)و کسی که امیدوارم گناهانم را در روز جزا برایم بیامرزد (۸۲) پرورد گارا، به من حکمت ببخش و مرا به شایستگان پیوسته‌دار (۸۳) و برایم در پسینیان آوازه نیک بگذار (۸۴)و مرا از وارثان بهشت پر ناز و نعمت قرار ده (۸۵) و پدرم را بیامرز. بی گمان او از گمراهان بود (۸۶)} [سوره شعراء آیه ۸۶-۷۵]

2-happiness.com

و آن گاه که عید قوم او فرارسید و پادشاه با مردم شهر به صحراء بیرون شدند تا مراسم عید را بر جای آورند. ابراهیم با آنان خارج نشد و چون آن ها رفتند: {آن گاه [در نهان] رو به معبودانشان نهاد و گفت: آیا نمی‌خورید! (۹۱)شما را چه شده است که سخن نمی‌گویید! (۹۲)آن گاه در حالی که سخت [به آنان] ضربه می‌زد، رو به سوی آنان آورد (۹۳) [سوره صافات آیه ۹۳-۹۰]

آن گاه که بازگشتند، دیدند که خدایان آنها شکسته شده اند. چگونه امکان دارد آن ها خدایان باشند در حالی که توان دفاع از خود را ندارند! به شتاب آمدند: {گفت: حق این است که پروردگارتان پروردگار آسمانها و زمین است. همو که آنها را آفرید. و من بر این [سخن] گواهم (۵۶)و [سوگند] به خداوند [در حق] بتانتان پس از آنکه پشت‌کنان روی بگردانید، تدبیری خواهم اندیشید. (۵۷) آن گاه آنها را خرد و ریز کرد. مگر بزرگترشان را، باشد که به سوی او باز گردند (۵۸) گفتند: چه کسی با معبودان ما چنین کرده است! بی گمان او از ستمکاران است (۵۹)[گروهی] گفتند: شنیدیم جوانی که به او ابراهیم گفته می‌شد از آنها [به بدی] یاد می کرد (۶۰) گفتند: او را به حضور مردم بیاورید باشد که آنان گواهی دهند [که چه کسی چنین کرده است!] (۶۱ گفتند: ای ابراهیم، آیا تو با معبودانمان چنین کرده‌ای! (۶۲)} [سوره انبیاء آیه ۶۲-۵۹]

با دلیلی بسیار رسا به آنان پاسخ داد: {گفت: بلکه این [بت] بزرگشان آن [کار] را کرده است، که اگر سخن می‌گویند از آنان بپرسید } [سوره انبیاء آیه ۶۳]

در برابر دلیل کوچک شدند: {پس به خود آمدند، آن گاه گفتند: بی گمان شما ستمگرید (۶۴) آن گاه سرافکنده شدند [و گفتند:] بی شک تو می‌دانی که آنها سخن نمی گویند (۶۵) [سوره انبیاء آیه ۶۴-۶۵]

با دلیل و حجتی رسا و قوی پاسخ آنان را داد: {گفت: آیا به جای خداوند چیزی را می‌پرستید که هیچ نفعی و زیانی به شما نمی‌رساند! (۶۶) افّ بر شما و بر آنچه به جای خداوند می‌پرستید. آیا خرد نمی‌ورزید! (۶۷)} [سوره انبیاء آیه ۶۷-۶۶]

و آن گاه که عقل و دلیل و منطق را از دست دادند خواستند تا از او انتقام بگیرند: {[در نهایت] گفتند: او را بسوزانید و اگر کننده [کاری] هستید به معبودانتان یاری رسانید } [سوره انبیاء آیه ۶۸]

پس خداوند او را نجات داد: {گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت شو (۶۹) و خواستند [در حقّ] او نیرنگ ورزند. پس آنان را زیانکارتر گردانیدیم (۷۰) } [سوره انبیاء آیه ۶۹-۷۰]

و بعد از اینکه خداوند او را نجات داد، بازگشته و با پادشاه آنان گفتگو کرد: {آیا نیندیشیده‌ای به [حال] کسی که با ابراهیم درباره پروردگارش، [از غرور] آنکه خدا به او فرمانروایی داد، مخاصمه کرد! آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که زنده می کند و می‌میراند، }[سوره بقره آیه۲۵۸]

وجواب او در برابر این حجت آشکار و روشن یک پاسخ ابلهانه بود: {گفت: من [نیز] زنده می کنم و می‌میرانم}[سوره بقره آیه۲۵۸]

ابراهیم با او در این حرف پوچ به مناقشه نپرداخت . چرا که او احمقانه برای برون رفت از مناظره ادعا کرد که او هم می تواند کسی را بکشد و کسی را زنده رها سازد: {ابراهیم گفت: به راستی خدا آفتاب را از مشرق [بر] می‌آورد، پس [اگر راست می گویی] تو آن را از مغرب [بر] آور. در نتیجه کسی که کفر ورزیده بود، مبهوت شد و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند } [سوره بقره آیه۲۵۸]

و ضعف دلیل و منطق و دلایل آنان در برابر او آشکار شد. پس بعد از مناظره خواست تا با چشم خود آفرینش خدا و زنده کردن مردگان را ببیند: {و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من بنما چگونه مردگان را زنده می کنی! [خداوند] فرمود: آیا ایمان نیاورده‌ای! گفت: چرا. ولی [می‌خواهم] تا دلم آرام گیرد. [خداوند] فرمود: پس چهار [مرغ] از پرندگان برگیر، آن گاه آنها را در نزد خود [ریزه ریزه کن و] به هم آمیز، سپس بر [بلندای] هر کوهی بخشی از آنها را بگذار، آن گاه آنها را فراخوان، تا شتابان به سوی تو آیند. و بدانکه خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره بقره آیه ۲۶۰]

و خداوند به ابراهیم و فرزندش اسماعیل دستور داد تا خانه او در مکه را از شرک و بت ها پاک سازند: {و هنگامی که خانه [کعبه] را مرجع مردم و [حرم] امن قرار دادیم. و از «مقام ابراهیم» نمازگاه برگزینید. و به ابراهیم و اسماعیل وحی کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان سجده گزار پاکیزه گردانید (۱۲۵)و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان و به مردمش، هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد، از فرآورده‌ها روزی ده. [خداوند] فرمود: کسی که کفر ورزد او را اندکی بهره‌مند می‌سازم آن گاه او را [به ناچار] به سوی عذاب آتش می‌کشانم و [آن] بد جایگاهی است (۱۲۶) و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [و گفتند:] پروردگارا، از ما بپذیر. همانا که تویی شنوای دانا (۱۲۷)پروردگارا، ما را فرمانبردارت بگردان و از فرزندانمان [نیز] امّتی فرمانبردار خود [قرار ده] و شیوه پرستشمان را به ما بنما و ما را ببخشای. حقّا تویی که توبه پذیر مهربانی (۱۲۸)} [سوره بقره آیه۱۲۸-۱۲۵]

مسجد ابراهیم خلیل در مسجد ابراهیمی در شهر الخلیل در فلسطین.

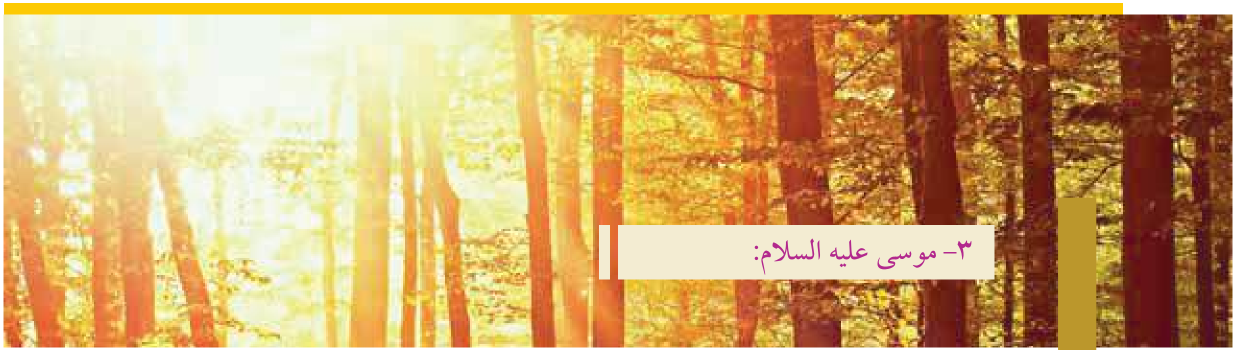

۳- موسی علیه السلام:

بنی اسرائیل آن چه را از ابراهیم علیه السلام به آنان رسیده بود، مورد بررسی قرار می دادند مبنی بر اینکه از آنان فرزندی به دنیا می آید که نابودی پادشاه مصر به دست او خواهد بود. این مژده و بشارت در میان بنی اسرائیل مشهور بود و برخی از امیران فرعون این سخن را به فرعون رساندند. پس دستور داد تا پسران بنی اسرائیلی را بکشند تا آن پسر هم در میان آنان کشته شود. پس بنی اسرائل دربستی و خفت و ظلم و ستم فرعون زندگی حقیرانه خود را می گذراند: {بی گمان فرعون در آن سرزمین تکبر ورزید و مردمانش را گروه گروه کرد، گروهی از آنان را به استضعاف می کشید، پسرانشان را سر می‌برید و دخترانشان را زنده نگاه می‌داشت، بی گمان او از فسادکاران بود } [سوره قصص آیه۴]

خداوند خواست تا بر بنی اسرائیل تحقیر شده و خوار نگه داشته شده؛ احسان کند و منت بنهد: {و می‌خواهیم بر آنان که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند، منّت نهیم و آنان را پیشوا سازیم و آنان را وارث [زمین] گردانیم (۵) و در زمین به آنان تمکّن دهیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن دو از [دست] آن [به استضعاف گرفته شدگان] آنچه [را که از آن] می‌ترسیدند، بنمایانیم (۶)} [سوره قصص آیه۵-۶]

با وجود اینکه فرعون سعی زیادی کرد تا موسی به وجود نیاید و برای این هدف مردان و زنان قابله او زنان حامله را زیر نظر داشتند و زمان وضع حمل را منتظر بودند و هرگاه زنی پسری به دنیا می آورد آن قصاب ها او را در جا سر می بریدند، اما خداوند خواست تا به فرعون و هامان نشان بدهد آن چه را از آن می ترسیدند .

و آن گاه که مادر موسی وضع حمل نمود: {و به مادر موسی الهام کردیم که به او شیر بده. پس چون بر او بیمناک شدی، او را به دریا بینداز و مترس و اندوه مخور، به یقین ما او را به نزد تو باز خواهیم آورد و او را از رسالت یافتگان خواهیم گرداند } [سوره قصص آیه۷]

بر زندگی او ترسید پس او را در گهواره ای گذاشت و او را در رود انداخت: {آن گاه خانواده فرعون او را بر گرفتند تا سرانجام برایشان دشمن و [مایه] اندوه شود. بی گمان فرعون و هامان و لشکریانشان خطا کار بودند } [سوره قصص آیه۸]

www.path2-happiness.com

و دوستی موسی در دل زن فرعون انداخته شد: {و زن فرعون گفت: [او] برای من و برای تو چشم روشنی است. او را نکشید، باشد که به ما سود بخشد و یا او را به فرزندی گیریم و آنان [حقیقت را] نمی‌دانستند } [سوره قصص آیه۹]

اما مادر موسی: {و دل مادر موسی [از امید و صبر] تهی شد. به یقین نزدیک بود که آن [حکایت] را- اگر دلش را استوار نمی‌ساختیم تا از باور دارندگان باشد- آشکار سازد (۱۰) و به خواهرش گفت: به دنبالش برو، آن گاه [خواهرش] او را از دور دید، در حالی که آنان نمی‌دانستند. (۱۱)} [سوره قصص آیه۱۱-۱۰] { و پیش از [آمدن] خواهر موسی شیر همه دایگان را بر او حرام ساختیم. آن گاه [خواهرش] گفت: آیا شما را به خانواده‌ای رهنمون شوم که برایتان عهده‌دار سرپرستی او گردند در حالی که خیر خواه او باشند! (۱۲)[در نهایت] او را به مادرش باز گرداندیم تا چشمش روشن گردد و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خداوند حق‌ّاست ولی بیشترشان نمی‌دانند (۱۳)} [سوره قصص آیه۱۳-۱۲]

موسی علیه السلام در خانه فرعون سرکش رشد کرد و بزرگ شد: {و چون به [کمال] رشد خود رسید و [اندامش] سامان یافت به او حکمت و دانش دادیم. و این گونه به نیکوکاران پاداش می‌دهیم (۱۴)و هنگامی به شهر در آمد که مردمانش غافل بودند، آن گاه در آنجا دو کس را دید که پیکار می‌کنند. یکی از قوم او و آن دیگر از دشمنانش بود، آن گاه کسی که از قومش بود بر [علیه] کسی که از دشمنانش بود از او یاری خواست، و [موسی] به او مشت زد و او را کشت. گفت: این از کار شیطان است. بی گمان او دشمن گمراه کننده آشکاری است (۱۵)گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم، مرا بیامرز. آن گاه [خداوند] او را آمرزید. حقّا که او آمرزنده مهربان است (۱۶)گفت: پروردگارا، به خاطر انعامت در حق‌ّمن [از این پس] هرگز هم پشت گناهکاران نخواهم بود (۱۷)} [سوره قصص آیه۱۷-۱۴]

اما بعد از اینکه او دشمنش و دشمن اسرائیلی را کشت: {پس بیمناک [شب را] در شهر- چشم به راه- به بامداد رساند که ناگهان [دید] همان کسی که دیروز از او یاری خواسته بود،

او را به فریاد می‌خواند. موسی به او گفت: بی گمان تو گمراهی آشکاری (۱۸)پس چون [موسی] خواست به شخصی که دشمن هر دوی آنان بود، حمله برد. [او] گفت: ای موسی، آیا می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز کسی را کشتی! نمی‌خواهی مگر آنکه در اینکه سرزمین ستمگر باشی و نمی‌خواهی که از نیکوکاران باشی (۱۹)و کسی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد. گفت: ای موسی، سران در [باره] تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند. [از شهر] بیرون شو. من از خیر خواهان تو هستم (۲۰)پس بیمناک [و] در حالی که [به هر سو] می‌نگریست از آنجا بیرون شد. گفت: پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش (۲۱)} [سوره قصص آیه۲۱-۱۸]

از مصر به سمت مدین بیرون شد: {و هنگامی که به شهر مدین روی نهاد، گفت: از پروردگارم امیدوارم که مرا به راه راست هدایت کند (۲۲)و چون به آب مدین رسید بر آن [آب] گروهی از مردم را دید که [به حیوانات] آب می‌نوشاندند و پایین‌تر از آنان دو زن را یافت که [حیواناتشان را] باز می‌دارند، گفت: کار و بار شما چیست! گفتند: [به حیواناتمان] آب نمی‌دهیم تا آنکه چوپانان [حیوانات خود را] باز گردانند. و پدرمان پیر کهنسالی است (۲۳)آن گاه [حیواناتشان] را برایشان آب داد، سپس به سایه روی آورد و گفت: پروردگارا، من به هر خیری که بر من بفرستی [سخت] نیازمندم (۲۴)} [سوره قصص آیه۲۴-۲۲]

دو دختر به پدرشان- شعیب پیغمبر- موضوع را خبر دادند، پس پیغمبر خدا شعیب یکی از دو دخترش را برای صدا کردن موسی فرستاد: {آن گاه یکی از [آن] دو در حالی که آزرمگین راه می‌رفت، به نزد او آمد. گفت: پدرم تو را دعوت می‌کند تا مزد آنکه [حیواناتمان را] برایمان آب دادی به تو بدهد.} [سوره قصص آیه۲۵]

و موسی به نزد شعیب علیهما السلام رسید: {پس چون به نزد او آمد و داستان را بر او حکایت کرد. گفت: مترس، از گروه ستمکاران رهایی یافتی } [سوره قصص آیه۲۵]

www.2-happiness.com

و چون دخترش امانتداری موسی علیه السلام را دید: {یکی از آن دو زن گفت: پدرجان، او را اجیر کن. بی گمان بهترین کسی را که به اجرت گیری [باید چنین شخصی] توانای امین باشد } [سوره قصص آیه۲۶]

پس شعیب از موسی علیهما السلام خواست تا: {[شعیب] گفت: من می‌خواهم که یکی از این دو دخترم را در برابر آنکه هشت سال برای من کار کنی به ازدواج تو در آورم. آن گاه اگر ده سال را تمام کنی، آن از سوی تو [تبرّع] است و نمی‌خواهم که بر تو سخت گیرم. اگر خداوند بخواهد مرا از شایستگان خواهی یافت (۲۷)[موسی] گفت: این [پیمان] میان من و تو باشد. هر یک از این دو مدّت را که بگزارم، نباید تجاوز در حقّ من صورت پذیرد. و خداوند بر آنچه می‌گوییم گواه است (۲۸)} [سوره قصص آیه۲۸-۲۷]

و آن گاه که موسی مدت زمان مورد توافق را به پایان برد، به همراه همسرش به قصد مصر خارج شد: {پس چون موسی [آن] وقت معین را به پایان رساند و خانواده‌اش را [همراه] برد از سوی [کوه] طور آتشی دید. به خانواده‌اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیده‌ام، امیدوارم از آنجا خبری یا شعله‌ای از آتش برایتان بیاورم، باشد که گرم شوید } [سوره قصص آیه۲۹]

و در این هنگام خداوند بر او وحی نمود: {پس چون [به نزدیکی] آن رسید از کرانه راست وادی در جایگاه خجسته از [میان] درخت آواز داده شد که: ای موسی، من خداوند، پروردگار جهانیانم. (۳۰)و اینکه چوبدستی‌ات را بیفکن. چون آن را دید که

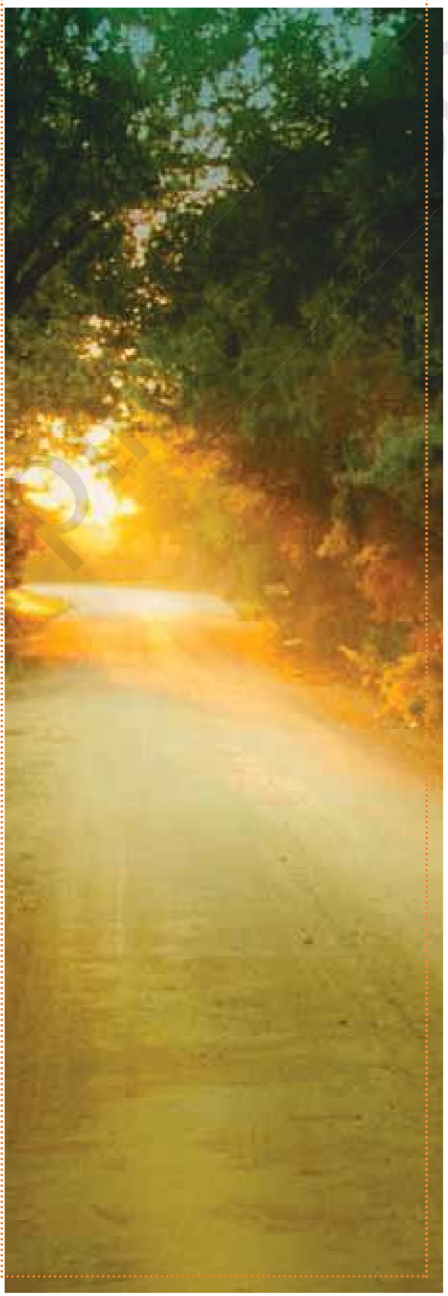

می‌جنبد که گویی ماری است، به پشت روی گرداند و باز نگشت. [گفتیم:] ای موسی، پیش آی و مترس. حقّا که در امانی (۳۱)دستت را به گریبانت در آر تا سفید بی عیب بیرون آید و بازویت را [برای حذر] از ترس به سوی خود به هم آر. این دو [پدیده شگرف] دو برهان از سوی پروردگارت به فرعون و اشراف [قوم] اوست که آنان گروهی بدکار بودند. (۳۲)} [سوره قصص آیه۳۲-۳۰]

اما موسی علیه السلام از فرعون ترسید زیرا پیش از این کسی از آنان را کشته بود و همچنین به سبب گرهی که در زبانش بود: {گفت: پروردگارا، من کسی از آنان را کشته‌ام، پس می‌ترسم که مرا بکشند (۳۳)و برادرم هارون از من زبان آورتر است، پس او را با من [به عنوان امدادگری بفرست که مرا تصدیق کند. من می‌ترسم از آنکه مرا دروغزن انگارند (۳۴)} [سوره قصص آیه۳۴-۳۳]

از خداوند درخواست نمود تا برادرش هارون را وزیر و یاور او قرار بدهد: {و از خانواده‌ام دستیاری برای من بگمار. (۲۹)هارون، برادرم را. (۳۰)توانایی‌ام را با او استوار دار. (۳۱)و او را در کار من شریک ساز. (۳۲)تا تو را بسیار تسبیح گوییم (۳۳)و بسیار تو را یاد کنیم (۳۴)بی گمان تو به [حال] ما بینایی (۳۵)گفت: ای موسی، بی شک خواسته‌ات بر آورده شد (۳۶)} [سوره طه آیه۳۶-۲۹]

آن گاه به سوی فرعون رفتند و پیام توحید و یکتا پرستی و فقط پرستش خدای یکتا را به او ابلاغ کردند و به او ابلاغ کردند که بنی اسرائیل را از اسارت خود و سیطره و ظلم و ستم آزاد کند و آنان را بگذارد تا هر جا که می خواهند به پرستش خدایشان پرداخته و به توحید و دعا و فروتنی برای او بپردازند. اما فرعون تکبر اختیار کرده و سرکشی و طغیان نمود. و به موسی به دیده تحقیر نگریسته و او را کوچک و ناچیز شمرده و به او گفت: {[فرعون] گفت: [ای موسی] آیا تو را در کودکی میان خود پرورش ندادیم! و سالها از عمرت را در [میان] ما نماندی! (۱۸)و از تو سر زد آن کاری که انجام دادی، و تو از ناسپاسگزارانی (۱۹)} [سوره شعراء آیه۱۹-۱۸]

موسی به او پاسخ داد: {[موسی] گفت: آن را آن گاه مرتکب شدم که از سرگشتگان بودم} [سوره شعراء آیه ۲۰]

یعنی: پیش از آن که بر من وحی شود و پیامی بر من بیاید: {پس چون از [کیفر] تان ترسیدم، از شما گریختم، آن گاه پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از رسالت یافتگان گرداند } [سوره شعراء آیه۲۱]

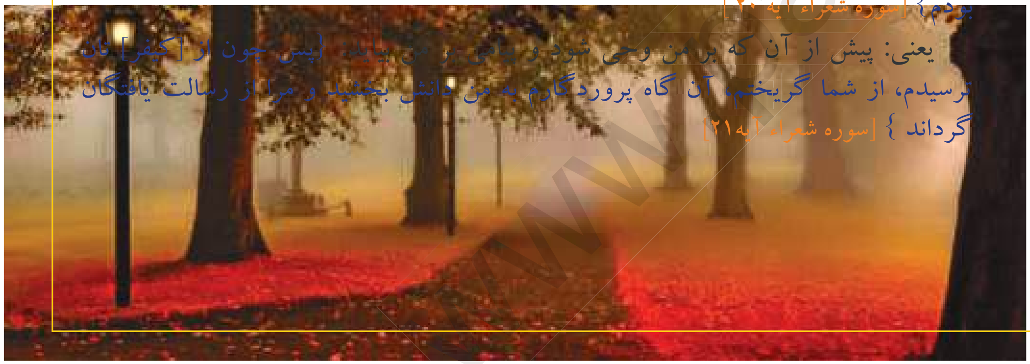

سپس در برابر ذکر نیکی های فرعون به او در تربیت کردنش در ایام کودکی و جوانی، پاسخ داد: {و آیا این نعمتی است که بر من منّت می‌نهی که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته‌ای! } [سوره شعراء آیه۲۲]

یعنی: این نعمتی که تو یاد کردی مبنی بر اینکه بر من لطف و احسان نموده ای در حالی که من فردی از بنی اسرائیل هستم در برابر آنچه تو با تمام مردم بنی اسرائیل انجام می دهی و آنان را به بندگی گرفته ای و از آنان بیگاری کشیده و آنان را مجبور به خدمتگذاری و دیگر کارهای خودت کرده ای، چیزی نیست. بعد فرعون از خدایی پرسید که موسی به سوی او دعوت می کند: {فرعون گفت: و پروردگار جهانیان [دیگر] چیست!} [سوره شعراء آیه۲۳]

پاسخ قانع کنند آن بود: {[موسی] گفت: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در بین آن دو است، اگر اهل یقین‌اید } [سوره شعراء آیه۲۴]

فرعون شروع به ریشخند کرد: {[فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند گفت: آیا نمی‌شنوید! } [سوره شعراء آیه۲۵]

موسی دعوت خود را ادامه داد و به هیچ کس اعتنایی ننمود: {[موسی] گفت: پروردگار شما و پروردگار نیاکان پیشینتان است } [سوره شعراء آیه۲۶]

سرکشی فرعون افزایش یافت: {[فرعون] گفت: بی گمان رسولتان که به نزد شما فرستاده شده دیوانه است } [سوره شعراء آیه۲۷]

اما موسی از هدف و موضع خود کوتاه نیامد: {[موسی] گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه بین آن دو است، اگر در می‌یابید } [سوره شعراء آیه۲۸]

پس آن دیکتاتور متکبر که حجت و دلیلی نداشت و فاقد عقل و منطق بود شروع به استفاده از ابزار تهدید کرد: {[فرعون] گفت: اگر غیر از من معبودی برگزینی، البته تو را زندانی خواهم کرد } [سوره شعراء آیه۲۹]

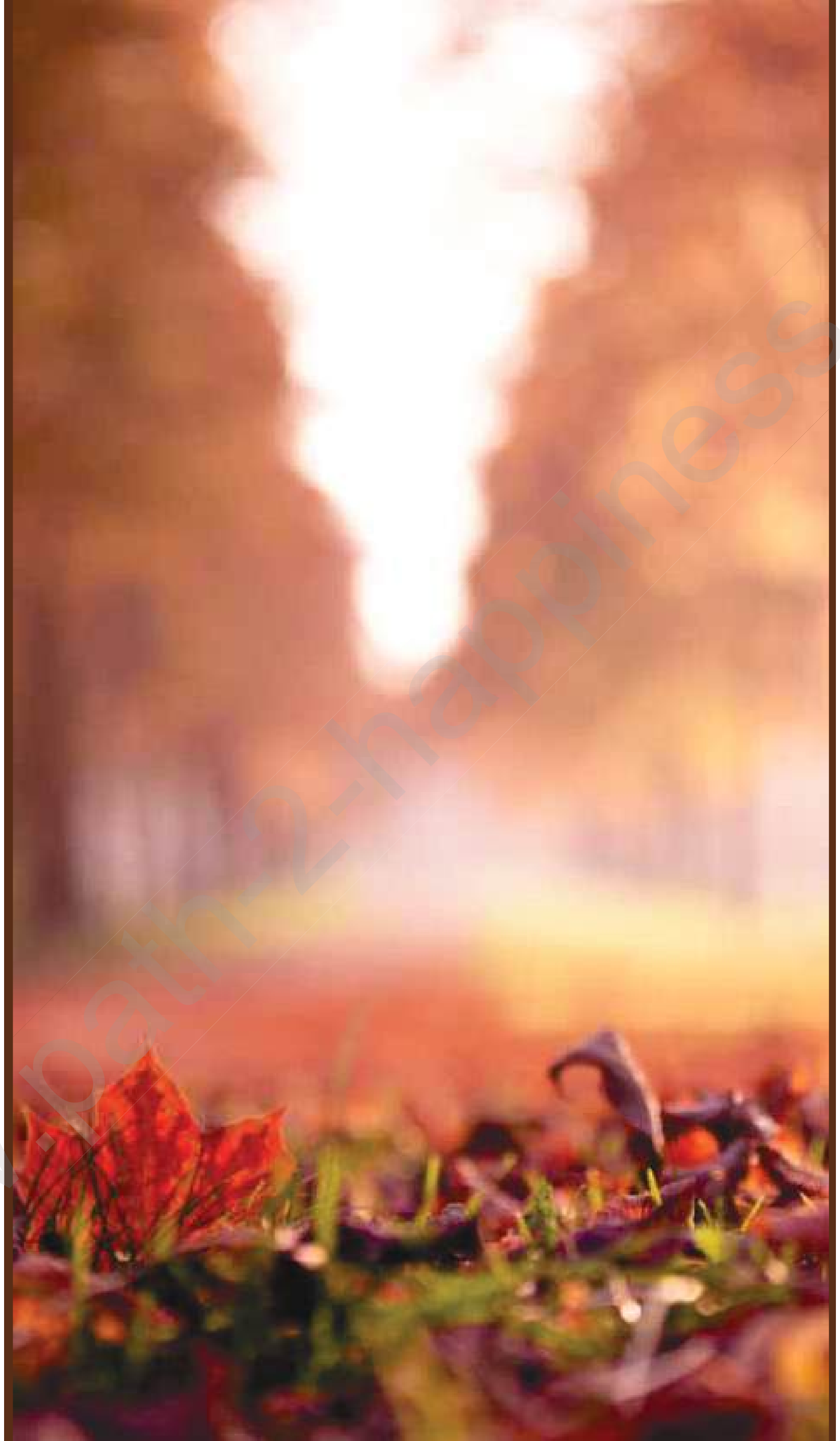

www.path-2-happiness.com

اما همان گونه که ریشخند و استهزاء موسی را از دعوتش منصرف نمی کرد تهدید نیز کاری از پیش نبرد، و به او پاسخ داد: {[موسی] گفت: آیا اگر هم برایت معجزه‌ای آشکار بیاورم [باز مرا زندانی خواهی کرد!] (۳۰) [فرعون] گفت: اگر از راست گویانی آن را بیاور (۳۱)آن گاه چوبدستی‌اش را افکند، که ناگهان آن اژدهایی آشکار شد (۳۲)و دستش را [نیز] بر آورد، که ناگهان آن [نیز] در دیده تماشاگران سپید پدیدار شد (۳۳)[فرعون] به اشرافی که پیرامونش بودند، گفت: بی گمان این [مرد] جادوگری داناست (۳۴)} [سوره شعراء آیه۳۴-۳۰]

فرعون ترسید که مردم به او ایمان بیاورند: {[فرعون] به اشرافی که پیرامونش بودند، گفت: بی گمان این [مرد] جادوگری داناست (۳۴)می‌خواهد که شما را با جادویش از سرزمینتان بیرون کند، پس به من چه نظری می‌دهید (۳۵)گفتند: او و برادرش را مهلت بده و گرد آورندگان [جادوگران] را به شهرها بفرست (۳۶)تا هر جادوگر دانایی را به [نزد] تو آورند (۳۷)} [سوره شعراء آیه۳۷-۳۴]

بعد از آن فرعون تمام دلایل را دید، اما تکبر ورزید و سرکشی اختیار کرد: {و بی شک همه آیات خود را به او (فرعون) نمودیم، ولی دروغ انگاشت و نپذیرفت (۵۶) گفت: ای موسی، آیا به نزد ما آمده‌ای تا با جادویت ما را از سرزمینمان بیرون کنی! (۵۷)البته [ما نیز] جادویی مانند آن برای تو در میان می‌آوریم، پس بین ما و خودت در مکانی مقبول [هر دو طرف] وعده‌ای بگذار که نه ما و نه تو خلافش نکنیم (۵۸)گفت: وعده‌گاهتان روز جشن باشد و آنکه به وقت چاشت مردمان گرد آورده شوند (۵۹)فرعون باز گشت، و [همه] حیله‌اش را به کار بست، سپس آمد (۶۰)} [سوره طه آیه ۶۰-۵۶]

موسی ترسید بر آنان عذاب نازل شود: {موسی به آنان گفت: وای بر شما، بر خداوند دروغ نبندید. آن گاه شما را به عذابی نابود سازد. و کسی که افترا بندد، ناکام گردد } [سوره طه آیه۶۱]

پس اختلاف نظر پیدا کرده و برخی به برخی دیگر گفتند: این سخن ساحر و جادوگر نیست: {پس در [باره] کارشان در میان خود اختلاف کردند و راز [شان] را پنهان داشتند } [سوره طه آیه۶۲]

اما از نظر خود برگشتند و اکثرشان گفتند: {گفتند: بی گمان این دو کس دو جادوگرند، می‌خواهند که شما را با جادوشان از سرزمینتان بیرون کنند و آیین شایسته شما را از میان بردارند (۶۳)پس [همه] حیله‌تان را به کاربندید، آن گاه صف بسته باز آیید. و بی گمان امروز هر کس که چیره گردد، کامیاب شده است (۶۴)} [سوره طه آیه۶۴-۶۳]{گفتند: ای موسی، یا [آن است] که تو [عصا را] بیفکنی یا آنکه ما نخستین کسی باشیم که افکند (۶۵)[موسی] گفت: [شما] بیفکنید، پس ناگهان ریسمانهایشان و عصاهایشان از سحر آنان در [نظر] موسی چنان نمودار شد که جنب و جوش دارد (۶۶)} [سوره طه آیه۶۶-۶۶]

ترسید که جادوگران مردم را به فتنه بیندازند: {آن گاه موسی در دل خود ترسی احساس کرد } [سوره طه آیه۶۷]

و دستور از جانب خداوند آمد: {گفتیم: مترس. به راستی که تو چیره [و برتر] ی. (۶۸) و آنچه را در دست خود داری بیفکن تا چیزی را که بر ساخته‌اند، فرو بلعد. بی شک آنچه بر ساخته‌اند، نیرنگ جادوگر است و جادوگر هر جا که رود رستگار نمی‌شود (۶۹)} [سوره طه آیه۶۹-۶۸] {و به موسی وحی کردیم که عصایت را بیفکن، پس ناگهان آن [عصا] آنچه را که به دروغ بر می‌ساختند فرو می‌بلعید(۱۱۷)آن گاه حق ثابت و آنچه آنان می کردند باطل شد (۱۱۸)} [سوره اعراف آیه۱۱۸-۱۱۷]

و آن امری ناگهانی و غیر قابل انتظار بود: {و [فرعونیان] در آنجا مغلوب شدند و خوار گشتند (۱۱۹)و جادوگران به سجده در آمدند (۱۲۰) گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱)پروردگار موسی و هارون (۱۲۲)} [سوره اعراف آیه۱۲۲-۱۱۹] {آن گاه جادوگران سجده‌کنان در افتادند، گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آورده‌ایم } [سوره طه آیه ۷۰]

عکس العمل فرعون یک تهدید ابلهانه بود: {[فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید. بی گمان او بزرگتان است که به شما جادو آموخته است. پس [بدانید] که دستانتان و پاهایتان را بر خلاف همدیگر می‌بُرّم و شما را بر تنه‌های [درخت] خرما به دار کشم و بی شک خواهید دانست کدام یک از ما سخت کیفرتر و پاینده‌تر است } [سوره طه آیه۷۱]

پاسخ آنان نیز غیر قابل انتظار بوده و نشان داد که ایمان با صاحبان خود چه کار می کند: {گفتند: چه باک، ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم (۵۰)ما امیدواریم که پروردگارمان گناهانمان را از آن روی که نخستین ایمان آورندگان بوده‌ایم بیامرزد (۵۱)} [سوره شعراء آیه۵۱-۵۰]

فرعون آزار و اذیت مومنان را ادامه داد. پس خداوند متعال او و همراهان او را به نتیجه اعمالشان رساند: {و به راستی فرعونیان را به قحط سالی و کاهش فرآورده‌ها گرفتار کردیم باشد که آنان پند پذیرند (۱۳۰) پس چون خوشی به آنان روی می‌آورد، می‌گفتند: اینکه سزاوار ماست و اگر گزندی به آنان می‌رسید، به موسی و کسانی که با او بودند فال بد می‌زدند. بدان که فال بدشان فقط به نزد خداوند است ولی بیشترشان نمی‌دانند (۱۳۱)} [سوره اعراف آیه۱۳۱-۱۳۰]

اما آنان ایمان نیاوردند و توبه نکردند: {و گفتند: هر چه را که از نشانه‌ها در میان آری تا با آن ما را جادو کنی، [بدان که] ما به تو ایمان نمی‌آوریم (۱۳۲)پس طوفان و ملخ و کنه و غوکها و خون را به عنوان نشانه‌های روشن بر آنها فرو فرستادیم. باز کبر ورزیدند و گروهی گناهکار بودند (۱۳۳)} [سوره اعراف آیه۱۳۲-۱۳۳]

و چون صبر و تحمل آنان تمام شد: {و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: ای موسی، پروردگارت را با آنچه به تو وحی [و عهد] کرده است، برای ما بخوان. اگر عذاب را از ما بگردانی، قطعا به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو می‌فرستیم (۱۳۴)پس چون عذاب را تا مدّتی که آنان به آن خواهند رسید، از آن برداشتیم، ناگهان پیمان شکنی کردند (۱۳۵)} [سوره اعراف آیه۱۳۵-۱۳۴]

به هیچ عهد و قولی که داده بودند وفا نکردند بلکه عهد خود را شکستند و گفتند: {پس از آنان انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق کردیم چرا که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و از آن غافل بودند } [سوره اعراف آیه۱۳۶]

و آن گاه که اهل مصر در کفر و سرکشی و عناد شان فرورفتند و به شدت از پادشاهشان فرعون حمایت کرده و با پیغمبرشان کلیم الله موسی بن عمران علیه السلام به مخالفت پرداختند،

خداوند متعال برای مصریان دلایل فراوان و معجزات عظیمی نشان داد . و امور خارق العاده ای بسیار چشمگیر و حیرت آوری برای آنان به ظهور رساند. اما آنان با وجود این از عقاید خود دست نکشیدند و رفتار خود را عوض نکرده و به سوی خدا بازنگشتند و جز تعداد کمی از قوم فرعون و البته جادوگران و بنی اسرائیل کس دیگری ایمان نیاورد و ایمان آنان به خاطر ترس از فرعون و قهر و غضب او پنهانی بود. پس خداوند بلند مرتبه به موسی و برادرش هارون علیهما السلام وحی کرد که خانه های مجزایی از خانه های فرعونیان برای خود بگیرند تا هر گاه امر شدند برای کوچ حرکت کنند. تا خانه های یکدیگر را بدانند و در آن جا خدایشان را بپرستند: {و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قومتان در مصر خانه‌ها [یی] را مسکن گزینید و خانه‌هایتان را رو به قبله قرار دهید و نماز بر پای دارید. و به مؤمنان بشارت ده } [سوره یونس آیه۸۷]

و خداوند به بنده اش موسی وحی کرد: {و به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه ببر، بی گمان شما تعقیب می‌شوید } [سوره شعراء آیه۵۲]

و عکس العمل فرعون چنین بود: {آن گاه فرعون گرد آورندگان را به شهرها فرستاد (۵۳)که [جار زدند] اینان گروهی اندک‌اند (۵۴)و حقّا که آنان ما را به خشم آورده‌اند (۵۵) و ما انبوهی مسلّح هستیم (۵۶) [سوره شعراء آیه۵۶-۵۳]

و خداوند خواست: {[خداوند می‌فرماید:] پس آنان را از باغها و چشمه‌ها (۵۷)و گنجها و منزلگاهی نیک بیرون راندیم (۵۸)چنین [کردیم] و آنها را به بنی اسرائیل به میراث دادیم (۵۹)} [سوره شعراء آیه۵۹-۵۷]

پس آنان به بنی اسرائیل رسیدند: {آن گاه به هنگام بر آمدن خورشید آنان را تعقیب کردند } [سوره شعراء آیه ۶۰]

و آن گاه که به بنی اسرائیل رسیدند: {سپس چون دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: بی گمان به ما رسیدند } [سوره شعراء آیه۶۱]

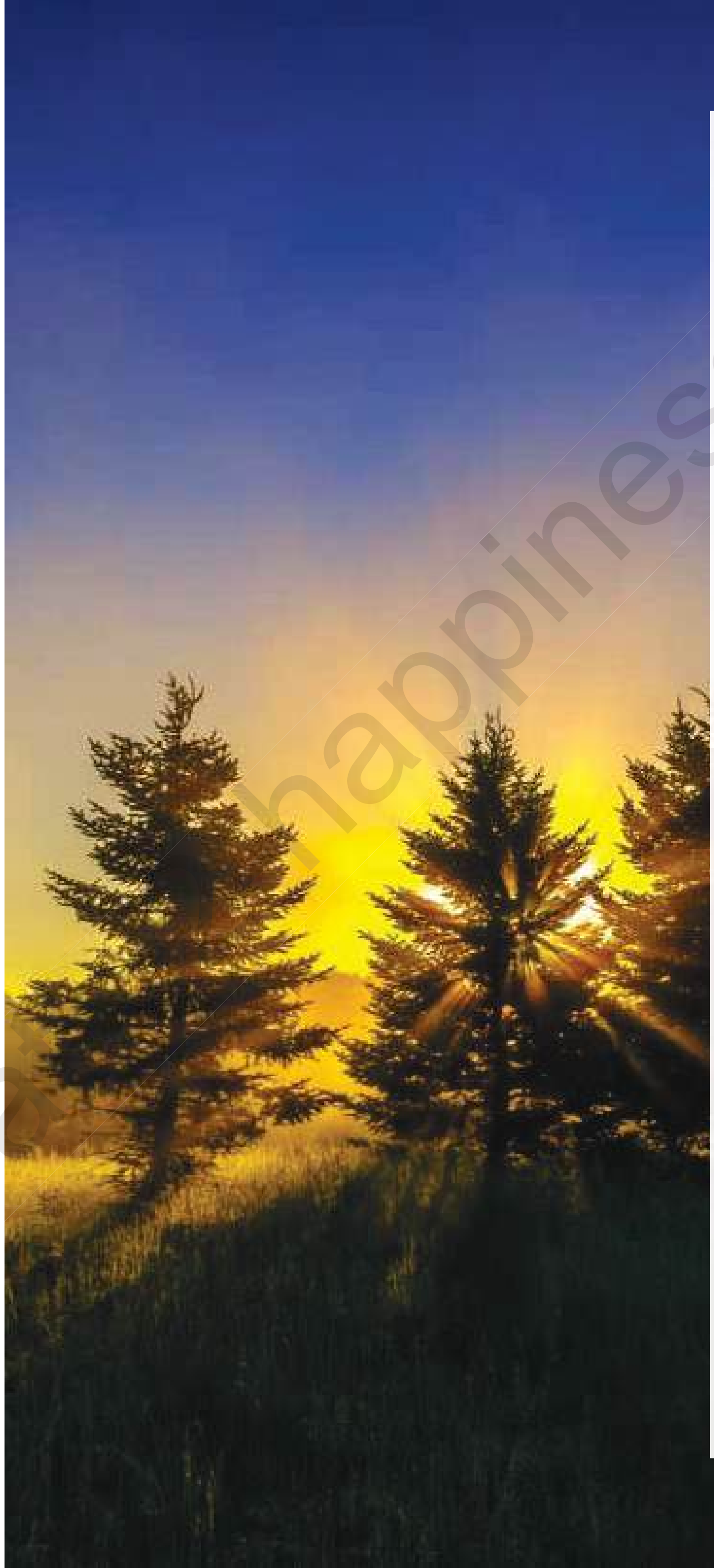

و پاسخ فرستاده خدا موسی علیه السلام انباشته از اعتماد و شناخت به خداوند سبحان و توکل به او بود: {[موسی] گفت: چنین نیست. البته پروردگارم با من است که به من راه خواهد نمود } [سوره شعراء آیه۶۲]

و هدایت و رحمت خداوند آمد: {پس به موسی وحی کردیم که چوبدستی‌ات را به دریا بزن. آن گاه [دریا] شکافت آن گاه هر پاره‌ای [از آن] مانند کوهی بزرگ شد (۶۳)و دیگران را [نیز] آنجا نزدیک آوردیم (۶۴)و موسی و همراهانش را همگی نجات دادیم (۶۵)سپس دیگران را غرق ساختیم (۶۶)بی گمان در این [ماجرا] نشانه‌ای است و بیشترشان مؤمن نبودند (۶۷)و بی گمان پروردگارت پیروزمند مهربان است (۶۸)} [سوره شعراء آیه۶۸-۶۳]

و در این لحظه ترسناک: {و بنی اسراییل را از دریا گذراندیم. آن گاه فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوزکاری در تعقیب آنان شدند.)} [سوره یونس آیه ۹۰]

و اینجا بود که فرعون به مرگ و غرق شدن خودش یقین کرد: {تا هنگامی که [درد] غرق شدن به او رسید، گفت: ایمان آوردم که معبود [راستینی] نیست مگر کسی که بنی اسراییل به او ایمان آورده‌اند. و من از تسلیم شدگانم } [سوره یونس آیه ۹۰]

اما دیگر خیلی تاخیر کرده بود و مرگ او را دربرگرفت: {آیا اکنون! حال آنکه پیش از این نافرمانی کردی و از تباهکاران بودی } [سوره یونس آیه ۹۱]

خداوند متعال با غرق کردن دشمن؛ نعمت خود بر بنی اسرائیل را تکمیل کرد و چون از دریا عبور کردند: {و بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، آن گاه بر گروهی وارد شدند که بر پرستش بتانی که داشتند، ملتزم بودند. گفتند: ای موسی، برای ما [نیز] معبودی قرار بده چنان که آنان معبودانی دارند. } [سوره اعراف آیه ۱۳۸]

یک در خواست بی منتها جاهلانه بود. بعد ازآنکه خداوند آنان را از دست فرعون و لشکریانش نجات داد: {[موسی] گفت: به راستی شما گروهی هستید که نادانی می کنید (۱۳۸) بی گمان اینان، بنیاد کارشان بر باد رفته و آنچه می‌کردند باطل است (۱۳۹)} [سوره اعراف آیه ۱۳۹-۱۳۸]

و سپس موسی برای دیدن خدایش رفت: {و با موسی سی شب وعده کردیم و آن [میعاد] را به ده شب [دیگر] کامل ساختیم، پس میعاد

پروردگارش چهل شب کامل شد و موسی به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و درستکاری کن و از راه مفسدان پیروی مکن } [سوره اعراف آیه ۱۴۲

و خداوند با موسی سخن گفته و او را با سخن و رسالت اش به خود نزدیک ساخت و عزیز گرداند): {گفت: ای موسی، بی‌گمان من با پیام هایم و با کلام خود تو را بر [دیگر] مردمان برگزیدم. پس آنچه را که به تو عطا کردم، بگیر و از سپاسگزاران باش } [سوره اعراف آیه ۱۴۴]

و او را با موعظه و توراتی که احکام خداوند در آن بودند؛ نعمت داد: {و در لوحها از هر چیزی برای پند و بیان همه چیز، برای او نوشتیم. آن گاه [گفتیم:] آن را به جدّ [و جهد] بگیر و به قومت فرمان ده تا به بهترین آن عمل کنند. سرای نافرمانان را به شما خواهم نمایاند } [سوره اعراف آیه ۱۴۵]

آن گاه که ملاقات پایان یافت، خداوند تورات را به او داد و موسی به سوی قومش بازگشت و دید که: {و قوم موسی پس از [رفتن] او از زیورشان گوساله‌ای، پیکری را که بانگی [همچون بانگ گاو] داشت، ساختند. آیا ندیدند که آن با آنان سخن نمی گوید و راهی به آنان نمی‌نمایاند! او را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند (۱۴۸)و چون پشیمان شدند و دیدند که به راستی گمراه شده‌اند، گفتند: اگر پروردگارمان بر ما رحمت نیاورد و ما را نیامرزد، البته از زیانکاران خواهیم بود (۱۴۹)} [سوره اعراف آیه ۱۴۹-۱۴۸]

خبر این رویداد تاثیر بسیار بزرگی بر موسی گذاشت: {و چون موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قومش باز آمد، گفت: پس از من برایم چه جانشین بدی بودید. آیا [با پرستش گوساله] از حکم پروردگارتان پیشی گرفتید. و لوحها را [بر زمین] انداخت و [موی] سر برادرش را در حالی که آن را به سوی خویش می کشید، گرفت. [هارون] گفت: ای پسر مادر من، به راستی این قوم مرا ناتوان شمردند و نزدیک بودند که مرا بکشند، پس با [خوار داشتن] من دشمنان [من و تو] شاد مکن. و مرا با گروه ستمکاران قرار مده (۱۵۰)گفت: پروردگارا، مرا و برادرم را بیامرز و ما را مشمول رحمت خویش گردان. و تو بخشاینده‌ترین بخشایندگانی. (۱۵۱) [سوره اعراف آیه ۱۵۱-۱۵۰

و سپس سامری، سازنده گوساله را مورد خطاب قرار داد و به او گفت: {[آن گاه] گفت: ای سامری، کار و بار تو چیست! } [سوره طه آیه ۹۵

پاسخ داد: {گفت: به چیزی آگاه شدم که [مردم] به آن آگاهی نیافتند. که مشتی خاک از نقش پای فرستاده [خداوند] بر گرفتم آن گاه آن را افکندم و بدینسان نفسم [این کار را] برایم آراسته جلوه داد } [سوره طه آیه ۹۶

پاسخ موسی در برابر هر گونه شرک به خداوند؛ قوی و قاطع بود: {گفت: پس برو. بی گمان در زندگانی دنیا [این کیفر را] داری که خواهی گفت: [به من] دست نزنید و به راستی وعده‌ای [دیگر] داری که هرگز در حقّ تو خلاف [آن رفتار] نشود و به آن معبودت بنگر

که بر [پرستش] آن قرین شده بودی. آن را خواهیم سوزاند، آن گاه در دریا پخش و پراکنده‌اش سازیم (۹۷)فقط معبودتان خداوندی است که معبود [راستینی] جز او نیست. در دانش فراگیر همه چیز است (۹۸)} [سوره طه آیه۹۸-۹۷

سپس موسی بعد از گرفت الواح، آنان را به سوی سرزمین مقدس برد: {و چون خشم از [خاطر] موسی فرو نشست، لوحها را بر گرفت و در نسخه آن برای کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، هدایت و رحمت بود } [سوره اعراف آیه ۱۵۴]

برخی از بنی اسرائیل نمی خواستند به دستورهای تورات عمل کنند. پس خداوند کوه را بر بالای آنان برافراشت: {و چنین بود که کوه را چنان که گویی سایبانی است، بر فرازشان برافراشتیم و گمان بردند که آن بر آنان فرو خواهد افتاد. آنچه را که به شما دادیم به جدّ [و جهد] بگیرید و آنچه را که در آن است یاد کنید، باشد که شما پروا پیشه کنید } [سوره اعراف آیه ۱۷۱]

پس با وجود اینکه آن سبب هدایت و رحمت بود اما آنان به سبب ترس افتادن کوه آن را پذیرفتند.

بهانه گیری بنی اسرائیل با موسی علیه السلام ادامه یافت. تا این که شخصی ثروتمند از بنی اسرائیل را کشتند. برادر زاده اش در شب او را به قتل رساند و سرش را برید! و در باره قاتل اختلاف کردند و یکدیگر را متهم کردند و هرکس این تهمت را از خود دور می کرد. پس دعوا را به نزد پیغمبر خدا موسی علیه السلام بردند و با بی ادبی و بی نزاکتی گفتند: ای موسی اگر تو فرستاده خدا هستی پس از خدا بپرس! خداوند به موسی دستور داد تا به بنی اسرائیل بگو گاوی را بکشند و سپس عضوی از آن را بر بدن مقتول بزنند. او به دستور خداوند زنده می شود و قاتل را نام خواهد برد. خدای بلند مرتبه می فرماید:
{و هنگامی که کسی را کشتید، آن گاه در [باره] اش به نزاع پرداختید. حال آنکه خداوند آشکار کننده چیزی است که پنهان می‌کردید (۷۲) پس گفتیم آن [شخص] را به عضوی از آن [گاو] بزنید. خداوند مردگان را بدینسان زنده می کند و نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند تا مگر خرد ورزید(۷۳)}[سوره بقره آیه ۷۳-۷۲]

www.path2happiness.com

موسی گفت: گاوی بکشید و اگر هر گاوی می کشتند کافی بود اما بهانه گیری کردند.

پس خداوند بر زبان پیغمبرش موسی گفت: {و هنگامی که موسی به قومش گفت: خداوند شما را به سر بریدن گاوی فرمان می‌دهد. گفتند: آیا ما را به ریشخند می گیری! گفت: به خدا پناه می‌برم از آنکه از نادانان باشم } [سوره بقره آیه ۶۷]

قوم گفتند: {گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا برایمان روشن سازد که آن چگونه [گاوی] است! } [سوره بقره آیه ۶۸]

سخت گرفتند و خداوند هم بر آنان سخت گرفت: {[موسی] گفت: او (خداوند) می‌فرماید که آن گاوی نه پیر و نه جوان است. } [سوره بقره آیه ۶۸]

نه بزرگ و پیر و نه کم سن و سال و بکر و دست نخورده: {او (خداوند) می‌فرماید که آن گاوی نه پیر و نه جوان است. میانسالی بین این [و آن] است. پس آنچه را که فرمان می‌یابید، انجام دهید } [سوره بقره آیه ۶۸]

دایره را بر خود تنگ گرفتند: {گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا برایمان روشن سازد که رنگش چگونه است. } [سوره بقره آیه ۶۹]

و گرنه خداوند درباره رنگ از آنان چیزی نپرسیده و رنگ خاصی را هم بر آنان شرط نکرده بود: {[موسی] گفت: او (خداوند) می‌فرماید: آن گاوی زردگون است که رنگش زرد ناب است، بینندگان را شاد می کند } [سوره بقره آیه ۶۹]

در جلسه ای دربسته گرد آمدند و سپس به سوی موسی برگشتند: {گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا برایمان روشن سازد که آن چگونه [گاوی] است! گاوها بر ما مشتبه شده‌اند. و به یقین اگر خدا خواسته باشد ما [به حقیقت امر] راه خواهیم برد } [سوره بقره آیه ۷۰]

به آنان پاسخ داد: {[موسی] گفت: او (خداوند) می‌فرماید: آن گاوی است نه رام تا زمین را شیار کند و نه کشتزار را آبیاری کند، سالم است. [جز زردی] خالی [از رنگهای دیگر] در آن نیست. گفتند: اینک [سخنی] درست آوردی. پس آن را سر بریدند. حال آنکه به انجام آن [کار] نزدیک نبودند } [سوره بقره آیه ۷۱]

پس به دنبال این گاو در شهرها و روستاهای بنی اسرائیل گشتند و با سختی بسیار زیاد و با هزینه کلان آن را به دست آوردند و آن را کشتند و البته نزدیک بود از انجام آن سرباز زنند. و عضوی از آن را بر بدن مقتول زدند؛ پس به دستور خدا از قبر خود برخاست و ایستاد. موسی گفت: چه کسی تو را کشته است؟ گفت: این فرد: {پس گفتیم آن [شخص] را به عضوی از آن [گاو] بزنید. خداوند مردگان را بدینسان زنده می کند و نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند تا مگر خرد ورزید } [سوره بقره آیه ۷۳]

آن گاه که به سرزمین مقدس رسیدند، در آن جا قومی سرکش را یافتند: {و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت خداوند را بر خود یاد کنید، چون در میان شما پیامبران قرار داد و شما را فرمانروا ساخت. و چیزی به شما داد که به هیچ کس از جهانیان نداده بود (۲۰)ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر نموده است، در آیید و پشت مگردانید که زیانکار خواهید شد (۲۱) گفتند: ای موسی، بی گمان در آنجا گروهی زورمند هستند و ما هرگز به آنجا در نمی‌آییم تا آنکه [آنان] از آنجا بیرون روند، پس اگر از آنجا خارج شوند، ما در خواهیم آمد (۲۲)} [سوره مائده آیه ۲۲-۲۰] {گفتند: ای موسی، تا هنگامی که در آنجا هستند، هرگز ما به آنجا در نمی‌آییم، پس تو و پروردگارت برو [ید] و جنگ کنید، که ما همین جا می‌مانیم } [سوره مائده آیه ۲۴]

خداوند متعال بزدلی آنان را نکوهش کرده و به سزای ترک جهاد و مخالفت با رسول؛ آنان را در بیابان سرگردان رها کرد. موسی گفت: {[موسی] گفت: پروردگارا، من جز اختیار خودم و برادرم را ندارم. پس بین ما و گروه نافرمان جدایی بینداز } [سوره مائده آیه ۲۵]

خداوند دعای او را اجابت کرد: {[خداوند] فرمود: آن [سرزمین] چهل سال بر آنان حرام شده است. در زمین سرگشته می‌شوند، پس بر گروه نافرمانان اندوهگین مباش } [سوره مائده آیه ۲۶]

آنان در زمین بدون مقصد روان بودند و شب و روز در حرکت بودند.

سامری سازنده گوساله

" امکان ندارد که هارون پیغمبر خدا سازنده گوساله و دعوت دهنده به سوی شرک باشد؛ تمام پیغمبران و رسولان دعوتگران به سوی توحید و یکتاپرستی خداوند بوده اند و هرکس چیزی غیر از این بگوید حقیقت را تحریف کرده است و از این نمونه است آن چه در اینجا آمده است:" هارون به آنان گفت: گوشواره هایی را که در گوش های زنان و دختران و پسرانتان است را بیرون کرده و آنان را برای من بیاورید و او طلاها را از آنان گرفته و با قالبی آن را به گوساله ای بدل کرد. و گفتند ای اسرائیل این خدای توست که تو را از سرزمین مصر بیرون کرد" (الخروج ۴/۲/۳۲)

۴- عیسی پسر مریم علیه السلام:

پدر مریم؛ عمران علیهما السلام از جمله عابدان بنی اسرائیل بود. او از نسل پیغمبر خدا داود از خانواده ای پاک و پاکیزه بود و مادرش- مادر مریم_ حامله نمی شد. آرزوی فرزند نمود و نذر کرد اگر حامله بشود بچه اش را به بیت المقدس اختصاص خواهد داد: {آن گاه که زن عمران گفت: پروردگارا، من آنچه را که در شکم خود دارم- آزاد [از هر شرطی]- برای تو نذر کرده‌ام، پس از من بپذیر. تویی که شنوای دانایی (۳۵)آن گاه چون او را بزاد، گفت: پروردگارا، من او را دختر زاده‌ام.- حال آنکه خدا به آنچه زایید داناتر است- و پسر چون دختر نیست و من او را مریم نامیده‌ام و من او و نسل او را از [شرّ] شیطان رانده شده در پناه تو در می‌آورم } [سوره آل عمران آیه ۳۶]

خداوند این نذر را از مادر مریم پذیرفت: {آن گاه پروردگارش او (مریم) را به پذیرشی نیک پذیرفت و به پرورشی نیک او را پروراند و زکریا را سرپرست او گرداند. هر گاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد به نزد او رزقی می‌یافت. می گفت: ای مریم، این روزی برایت از کجا آمده است! [مریم] می گفت: آن از نزد خداست. خداوند هر کس را که بخواهد بی شمار روزی می‌دهد. } [سوره آل عمران آیه ۳۷]

مریم زیبا و ملیح بود و در مسیر نیکان خوشبخت قرار داشت. به همین سبب خداوند فرمود: {و زکریا را سرپرست او گرداند.} [سوره آل عمران آیه ۳۷]

خداوند بر او احسان نمود و کفالت کننده او هم یک پیغمبر بود. برخی گفته اند که او همسر خاله اش، یا همسر خواهرش بوده است: {هر گاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد به نزد او رزقی می‌یافت. می‌گفت: ای مریم، این روزی برایت از کجا آمده است! [مریم]

می گفت: آن از نزد خداست. خداوند هر کس را که بخواهد بی شمار روزی می‌دهد. } [سوره آل عمران آیه ۳۷]

این عزت و احترامی از جانب خداوند بر او بود. خداوند به او عزت و احترام داد و او را برگزید و پاک کرد و به کمال رساند و او را به پرستش خود امر نمود: {و آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و تو را پاک داشته و بر زنان جهانیان برگزیده است (۴۲)ای مریم، برای پروردگارت فرمانبردار باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن (۴۳)} [سوره آل عمران آیه ۴۳-۴۲]

سپس آن گاه که خداوند تولد عیسی را اراده نمود، مریم از اهل خود فاصله گرفت: {و در [این] کتاب مریم را یاد کن. چون از کسانش به گوشه‌ای شرقی از [بیت المقدس] کناره گرفت (۱۶)} و در برابر آنان پوششی بر گرفت. آن گاه روح خود را به سوی او فرستادیم، که برایش به هیئت انسانی کامل در آمد (۱۷) [سوره مریم آیه ۱۷-۱۶]

مریم ترسید و گمان برد که او قصد بدی به او دارد: {[مریم] گفت: اگر پرهیزگار باشی من از [دست] تو به [خداوند] رحمان پناه می‌جویم (۱۸)[جبرئیل] گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگارت هستم. تا کودکی پاکنهاد به تو ببخشم (۱۹)} [سوره مریم آیه ۱۹-۱۸]

مریم باکره از این موضوع تعجب کرد: {گفت: چگونه برای من کودکی پدید آید حال آنکه بشری به من دست نزده است و هرگز نابکار [نیز] نبوده‌ام } [سوره مریم آیه ۲۰]

رسول به او خبر داد که این حکم و تقدیر خداوند است و خداوند آن را آیه و معجزه ای قرار می دهد و البته این برای خداوند ساده است: {گفت: بدینسان است پروردگارت فرموده است که: این [کار] بر من آسان است. و [می‌خواهیم] که او (عیسی (ع)) را برای مردم نشانه‌ای و از سوی خویش رحمتی قرار دهیم. و [این تصمیم] کاری انجام یافتنی است } [سوره مریم آیه ۲۱]

پس آن چه خداوند اراده نمود روی داد و عیسی علیه السلام از مادری پاک و بدون پدر متولد شد. مادری که مرتکب زنا و هیچ گونه کار زشت نشده بود و این رحمتی از جانب خداوند بلند مرتبه بود تا آن چه خداوند مقدر ساخته است، محقق شود. تولد او یک معجزه و آیه ای از آیات خدایی بود. مانند او در این قضیه مانند آفرینش آدم بود که خداوند او را بدون پدر آفرید: {به راستی شأن عیسی در نزد خداوند مانند شأن آدم است. [که خداوند] او را از خاک آفرید، آن گاه به او فرمود: موجود شو و [بی درنگ] موجود شد. (۵۹)[این سخن] از [جانب] پروردگار تو حق ّاست، پس هرگز از شک آورندگان مباش (۶۰)} [سوره آل عمران آیه ۵۹-۶۰].

آن گاه که باردار شد از قومش فاصله گرفت:

{پس به او بارور گشت، سپس با او به جایی دور [از مردم] کناره گرفت } [سوره مریم آیه ۲۲]

و وقت وضع حمل فرا رسید: {آن گاه درد زایمان او را به پناه تنه [درخت] خرما کشاند. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و فراموش شده از یاد رفته. } [سوره مریم آیه ۲۳]

و در این هنگام معجزه دیگری برای پیغمبر خدا عیسی علیه السلام روی داد: {آن گاه از فرو دستش او را ندا داد که اندوهگین مباش. به راستی پروردگارت از فرو دستت جویباری قرار داده است (۲۴)و تنه [درخت] خرما را به سوی خویش بتکان تا بر تو رطب تازه چین فرو ریزد (۲۵) که [از آن] بخور و بنوش و دیده روشن دار. و اگر از آدمیان کسی را ببینی، بگو: به راستی که من برای [خداوند] رحمان روزه نذر کرده‌ام. و بنا بر این، امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت (۲۶)} [سوره مریم آیه ۲۶-۲۴]

پیامبران برگزیدگان بشرند

"برخی از تحریفات در باره پیغمبران آن است که آنان مست شده و مرتکب کار زشت شده اند، یا به کشتن مردم امر کرده اند.. و تمام این موارد تحریفاتی هستند که شایسته انسان های با اخلاق نیستند؛ پیغمبران که جای خود دارند چرا که آنان بهترین مردم بوده اند. آنان پیغمبران خداوند بوده اند و از این نمونه است آن چه که در تورات از داوود علیه السلام آمده است(صموئیل (۲) ۱۱/۲-۲۶) و از یوشع بن نون علیه السلام (یشوع۶؟۲۴)- و در باره موسی علیه السلام(العدد۱۴/۳۱-۱۶)- و و موارد دیگری که شایسته پیامبران نیست"

و چون به سوی قومش بازگشت، برخورد آن ها با او که زنی پاک دامن و عفیفه بود. بسیار سخت بود: {آن گاه او را بر داشته، به نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم به راستی کاری [بس] زشت در میان آورده‌ای (۲۷)ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] نابکار نبود (۲۸)} [سوره مریم آیه ۲۸-۲۷]

به آنان پاسخ نداد بلکه: {آن گاه [مریم] به آن [کودک] اشاره کرد}[سوره مریم آیه ۲۹]

مردم خیلی تعجب کردند و گفتند: {گفتند: با کسی که کودکی است در گهواره، چگونه سخن بگوییم! (۲۹) [عیسی] گفت: من بنده خدا هستم. به من کتاب [آسمانی] داده و مرا پیامبر گردانیده است (۳۰)و مرا هر جا که باشم خجسته داشته است و مرا تا آن گاه که زنده باشم به نماز و زکات سفارش کرده است (۳۱)و [مرا] به مادرم نیکوکار [ساخته] و مرا گردنکش [و] نگون بخت قرار نداده است (۳۲) و روزی که به دنیا آمدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده بر انگیخته شوم، بر من درود باد (۳۳)} [سوره مریم آیه ۳۳-۳۰]

اما دسته ای از یهود او را تصدیق نکردند و مریم پاک را به بهتان بزرگ متهم نمودند: {و [نیز] به سزای کفرشان و بهتانی بزرگ که به مریم زدند } [سوره نساء آیه ۱۵۶]

مریم پاک را به زنا متهم کردند. اما خداوند او را تبرئه نمود و در باره او گفت: {و مادرش بسیار راست کردار بود.}[سوره مائده ایه ۷۵]

او به نبوت و رسالت عیسی علیه السلام ایمان داشت و تصدیق کننده او بود.

و خداوند متعال بر بنده و فرستاده اش عیسی علیه السلام و مادرش احسان نمود: {آن گاه که خداوند می‌فرماید: ای عیسی فرزند مریم، نعمت مرا بر خویش و بر مادرت، یاد کن. آن گاه که تو را به روح القدس توان دادم. با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] سخن می گفتی و آن گاه که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم.} . [سوره مائده ایه ۱۱۰]

و او را با آیات و معجزات تایید نمود: {و آن گاه که به حکم من از گل مانند شکل پرنده می‌ساختی، سپس در آن می‌دمیدی، آن گاه به حکم من [به] پرنده‌ای [تبدیل] می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به حکم من شفا می‌دادی. و آن گاه که مردگان را به حکم من [زنده از گور] بیرون می‌آوردی، و چون [شرّ] بنی اسرائیل را هنگامی که برایشان معجزه‌ها آوردی از تو باز داشتم. پس کافرانشان گفتند: این جز سحری آشکار [چیزی دیگر] نیست (۱۱۰)و چون به حواریان الهام کردم که به من و به رسول من ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش به آنکه ما تسلیم شده‌ایم (۱۱۱)} [سوره مائده ایه ۱۱۱-۱۱۰]

www.path-2-happiness.com

و حواریون از عیسی علیه السلام درخواست کردند تا برای آنان سفره ای از غذا، از آسمان بفرستد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {چون حواریان گفتند: ای عیسی فرزند مریم، آیا پروردگارت می‌تواند، سفره‌ای از آسمان بر ما فرو بفرستد! } [سوره مائده آیه ۱۱۲]

و عیسی ترسید، مبادا آنان شکر گذاری نکنند: {گفت: اگر مؤمنید از خداوند پروا بدارید (۱۱۲) گفتند: می‌خواهیم از آن بخوریم و دلهایمان آرام گیرد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و بر [نزول] آن از گواهان باشیم (۱۱۳)} [سوره مائده آیه ۱۱۳-۱۱۲]

پس خدایش را به دعا خواند: {عیسی بن مریم گفت: خداوندا، ای پروردگار ما، سفره‌ای از آسمان بر ما فرو فرست که عیدی برای ما- برای اوّل و آخر ما- و معجزه‌ای از [جانب] تو باشد و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی (۱۱۴) خداوند فرمود: من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد آن گاه کسی از شما که پس از آن کفر ورزد، من او را به عذابی گرفتار کنم که کسی از جهانیان را به آن عذاب نمی‌کنم (۱۱۵)} [سوره مائده آیه ۱۱۵-۱۱۴]

پس برخی از کسانی که سفره بر آنان نازل شد، کفر ورزیدند.

اما یهود بنی اسرائیلی که به عیسی علیه السلام کفر ورزیده بودند، تا هنوز کفر و تکذیب و مکر آنان نسبت به عیسی علیه السلام ادامه دارد: {و مکر ورزیدند و خداوند [نیز در برابر مکر آنان] مکر ورزید و خداوند بهترین مکرانگیزان است } [سوره آل عمران آیه ۵۴]

عیسی در انجیل تاکید می کند که خدا یکتاست

"یکی از نویسندگان به سوی او آمد شنیده بود که آنان با هم بحث و مناقشه می کنند. از او پرسید:" کدامین سفارش بهترین سفارش است؟" عیسی پاسخ داد: بهترین و برترین سفارش آن است : گوش کن ای اسرائیل رب و پروردگار ما یکتاست. پس معبود و پروردگارت را با تمام قلب و روح و روان و اندیشه و با تمام نیرو دوست بدار. این نخستین سفارش است"(مرقص ۲۸/۱-۳۵)

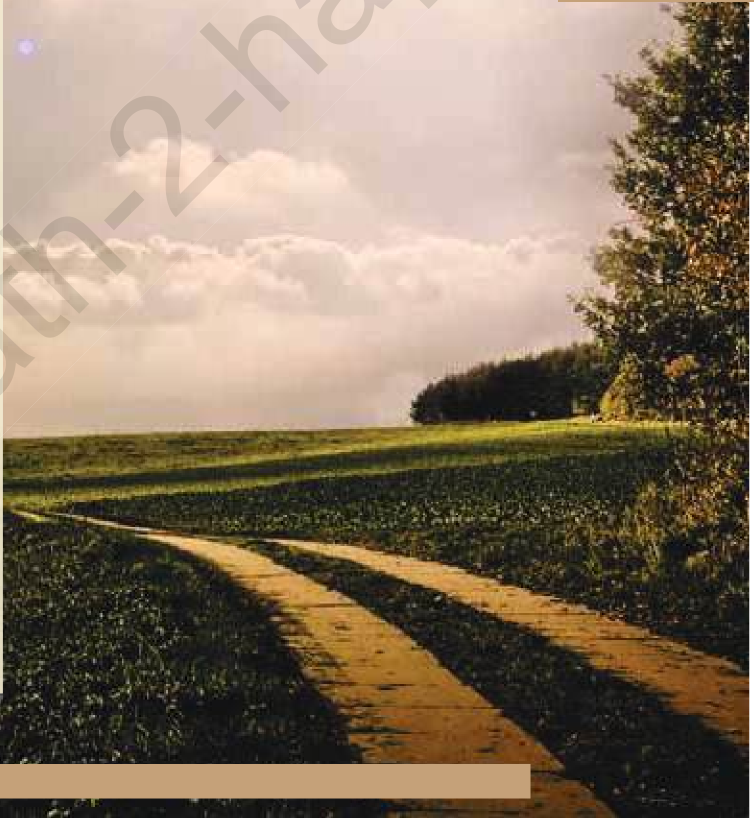

خداوند بلند مرتبه مکر آنان را به او خبر داد و اینکه چگونه خداوند بلند مرتبه او را از آنان نجات خواهد داد: {آن گاه که خداوند فرمود: ای عیسی، بی‌گمان من برگیرنده توام و بردارنده‌ات به سوی خویش و پاک دارنده‌ات از [تهمت] کسانی که کفر ورزیده‌اند، و برتر قرار دهنده پیروانت- تا روز قیامت- بر کافران هستم. آن گاه بازگشت شما به سوی من است و در آنچه در آن اختلاف می‌ورزیدید، بین شما داوری می‌کنم } [سوره آل عمران آیه ۵۵]

و چون رفتار خود را در عهد شکنی و نقض پیمان ها و مکر بازی و کفر ورزی و کشتن پیغمبران خدا و اتهام آنان به مریم پاک به زنا ادامه دادند، خدای بلند مرتبه فرمود: {پس به [سزای] پیمان شکنی‌شان و انکارشان [نسبت] به آیات خدا و به ناحق کشتن پیامبران از سوی آنان و [این] گفته‌شان که دلهایمان در پرده است. [آنان را از نظر انداختیم] بلکه خداوند به سبب کفرشان بر [دلهای] آنان مهر نهاد، پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند (۱۵۵)و [نیز] به سزای کفرشان و بهتانی بزرگ که به مریم زدند (۱۵۶) و [نیز] به خاطر این گفته‌شان که مسیح، عیسی بن مریم، رسول خدا را ما کشتیم (۱۵۷)}[سوره نساء آیه ۱۵۷-۱۵۵]

اما خداوند بلند مرتبه او را از دست آنان نجات داد: {و او را نکشته‌اند و او را بر دار [نیز] نکرده‌اند} [سوره نساء آیه ۱۵۷]

اما فردی مانند و شبیه او را کشتند: {بلکه [حقیقت امر] برای آنان مشتبه شد و آنان که در [باره] او اختلاف کردند، قطعا از [حال] او در شکّند. و به [حال] او یقین ندارند بلکه از [حدس و] گمان پیروی می‌کنند و به یقین او را نکشته‌اند (۱۵۷)بلکه خداوند او را به سوی خویش فرا برد و خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۵۸)} [سوره نساء آیه ۱۵۸-۱۵۷]

و خداوند متعال بنده و فرستاده خودش عیسی علیه السلام را نجات داد و او را به سوی خود بالا برد: {و [کسی] از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و [عیسی] روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود } [سوره نساء آیه ۱۵۹]

www.path-2-happiness.com

عیسی در اسلام

"وقتی اسلام را مورد بررسی قرار دادم صورتی دیگر و متفاوت از عیسی مسیح علیه السلام یافتم چیزی که در روان من تاثیر ژرفی برجای گذاشت"

فردریک دو لامارک
رئیس اسقف های ژوهانسبورگ

و حقیقت داستان عیسی پسر مریم علیه السلام این است: {[حقیقت] عیسی بن مریم این است. سخن درستی که در آن اختلاف می‌ورزند (۳۴) خداوند را نسزد که هیچ فرزندی برگیرد، او پاک [و منزه] است. چون [اراده] انجام کاری نماید، فقط به آن می گوید که موجود شو، آن گاه [بی درنگ] موجود می‌شود (۳۵)} [سوره مریم آیه ۳۵-۳۴]

خداوند متعال بیان نمود که او را فرزندی نشاید، زیرا او آفریننده و مالك همه چیز است و هر چیز به او نیاز دارد و در نزد او فروتن و خوار است و تمام کسانی که در آسمان و زمین قرار دارند بندگان او هستند و او پروردگار همگی است و جز او رب و پروردگاری وجود ندارد.

انجیل بر دار شدن مسیح را نفی کرده و بالا رفتن اش به آسمان را اثبات می کند

"سنگ ها را بالا بردند تا او را سنگباران کنند اما عیسی پنهان شد و از میان آنان از داخل معبد خارج شد و این چنین رفت"(یوحنا (۸:۵۹)

"همچنین خواستند تا او را نگه دارند اما از دست آنان بیرون شد"(یوحنا ۱۰:۳۹)

" و این روی داد تا آن چه در کتاب آمده است تکمیل شود: از او استخوانی هم نشکست" (یوحنا ۱۹:۳۶

" همانا عیسی کسی بود که از میان شما به سوی آسمان بالا رفت" (سفر اعمال الرسل ۱:۱۱)

۵- محمد صلی الله علیه و سلم:

پیغمبر خدا محمد صلی الله علیه و سلم خاتم انبیاء و رسولان، عیسی علیه السلام آخرین پیغمبر بنی اسرائیل به آمدن او بشارت داده بود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چنین بود که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، من فرستاده خداوند به سوی شما هستم، تصدیق کننده آنچه از تورات که پیشاروی من است و مژده دهنده به رسولی که پس از من می‌آید که نامش «احمد» است. پس چون با معجزه‌ها به سوی آنان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است } [سوره صف آیه ۶]

بشارت او صلی الله علیه و سلم در تورات و انجیل موجود است. خدای متعال می فرماید: {کسانی که از رسولی پیروی می کنند که پیامبر درس ناخوانده‌ای است که نام او را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. آنان را به [کارهای] پسندیده فرمان می‌دهد و آنان را از [کارهای] ناپسند باز می‌دارد. و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال می گرداند و ناپاکیزه‌ها را بر آنان حرام می‌شمارد و بار گرانشان و قید [و بند] هایی را که بر [عهده] آنان بود، از [دوش] شان بر می‌دارد. پس آنان که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و او را یاری دادند و از نوری که با او فرو فرستاده شده است پیروی کردند، آنانند که رستگارند } [سوره اعراف آیه ۱۵۷]

حتی خداوند بلند مرتبه از پیغمبران پیشین عهد و پیمان گرفته بود تا به محمد صلی الله علیه و سلم ایمان بیاورند و او را یاری کنند. آن گاه که او بر انگیخته شد و آنان زنده بودند و قوم خود را به این موضوع خبر دهند تا خبر او در میان تمامی امت ها پراکنده شود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن گاه که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که چون کتاب و حکمت به شما

www.path-2-happiness.com

دادم، و پیامبری تصدیق کننده آنچه [از کتابهای آسمانی که] با شماست به سویتان آید. باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. فرمود: آیا اقرار کردید و عهد مرا بر این امر پذیرفتید! گفتند: اقرار کردیم. فرمود: گواه باشید و من [نیز] با شما از گواهانم } [سوره آل عمران آیه ۸۱].

قرآن کریم به این بشارت ها اشاره نموده است و از آن ها به درستی و صدق محمد صلی الله علیه و سلم دلالت گرفته است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و کافران می گویند: تو رسول [خدا] نیستی. بگو: خداوند [به عنوان] گواه میان من و شما کافی است. و کسی که علم الکتاب به نزد اوست [بس است] } [سوره رعد آیه ۴۳]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {و [خبر] او در صحیفه‌های پیشینیان [مرقوم] است (۱۹۶)آیا برایشان نشانه‌ای نیست که عالمان بنی اسرائیل آن را بدانند!(۱۹۷)}[سوره شعراء آیه ۱۹۶-۱۹۷]

و در باره موضعگیری اهل کتاب می فرماید: کسانی که گمان می رفت نخستین ایمان آورندگان به او باشند زیرا به او شناخت کامل داشتند؛ همان سان که بچه های خود را می شناختند: {کسانی که به آنان کتاب داده‌ایم او (رسول خدا (ص)) را می‌شناسند، چنان که فرزندانشان را می‌شناسند و بی گمان

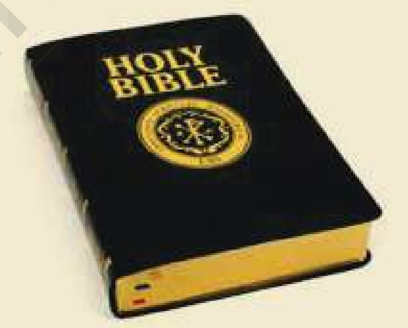

محمد پیغمبر خاتم است

"آن گاه که خداوند مرا از زمین بالا برد خداوند شکل و منظره خائن را عوض خواهد کرد تا همه گمان برند که او من هستم اما با وجود این او به بدترین شکل خواهد مرد و من مدتی طولانی در دنیا در آن عار باقی خواهم ماند و اما آن گاه که محمد رسول پاک خدا آمد این لکه را از من می زداید."

انجیل برنابا

گروهی از آنان آگاهانه حقّ‌را پوشیده می دارند}[سوره بقره آیه ۱۴۶]

و خدای فرماید: {و هر گاه از نزد خدا رسولی- تصدیق کننده آنچه با خود داشتند- به [سوی] آنان آمد، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر خویش افکندند، گویی آنان [حقیقت را] نمی‌دانند } [سوره بقره آیه ۱۰۱]

بشارات بر محمد صلی الله علیه و سلم تطبیق یافت و این که او همان رسولی است که خداوند آمدن او را خبر داده بود. اما گروهی از آنان حق را می پوشانند در حالی که می دانند و آن چه در کتاب های مقدس آمده است را پشت سر می اندازند. گویی نمی دانند. پیام او صلی الله علیه و سلم شامل توحید و یکتاپرستی خداوند بود. همان گونه که پیام و رسالت تمامی پیغمبران این بوده است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید } [سوره انبیاء آیه ۲۵]

و همان گونه که تصدیق کننده تمامی پیغمبران و رسولان پیش از خود بود و در ایمان به آنان هیچ تفاوتی قایل نمی شد: {بین هیچ کس از آنان تفاوتی نمی گذاریم}[سوره بقره آیه ۱۳۶] و حتی اگر کسی به محمد صلی الله علیه و سلم ایمان آورد، اما به دیگر پیامبران که در قرآن نام برده شده اند، ایمان نیاورد او به محمد صلی الله علیه و سلم ایمان نیاورده و او را تصدیق نکرده: است {از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بود و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرّر داشت

[با این مضمون] که: دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نورزید.} [سوره شوری آیه ۱۳]

و تاکید نمود که او بنده خداست: {بگو: من فقط بشری مانند شما هستم که به من وحی می‌شود که معبودتان، معبودی یکتاست. پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد } [سوره کهف آیه ۱۱۰].

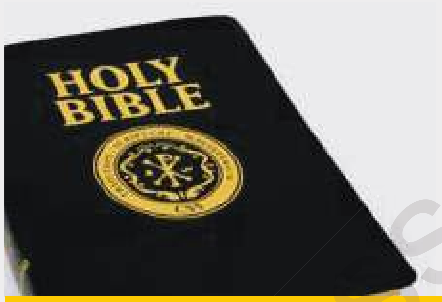

و رسول خدا محمد صلی الله علیه و سلم درس ناخوانده بود و چیزی ننوشته بود. و صفات او در کتاب های پیشین آمده بود تا اهل کتاب او را بشناسند آنانی که صفاتش در کتاب های آنان آمده است. همان سان که خدای بلند مرتبه می فرماید: {کسانی که از رسولی پیروی می‌کنند که پیامبر درس ناخوانده‌ای است که نام او را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. آنان را به [کارهای] پسندیده فرمان می‌دهد و آنان را از [کارهای] ناپسند باز می‌دارد. و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال می‌گرداند و ناپاکیزه‌ها را بر آنان حرام می‌شمارد و بار گرانشان و قید [و بند] هایی را که بر [عهده] آنان بود، از [دوش] شان بر می‌دارد. پس آنان که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و او را یاری دادند و از نوری که با او فرو فرستاده شده است پیروی کردند، آنانند که رستگارند } [سوره اعراف آیه ۱۵۷]

انجیل به آمدن محمد بشارت می دهد

"و این باقی خواهد ماند تا زمانی که محمد رسول خدا بیاید و هرگاه او بیاید این فریب را برای کسانی که به قانون خدا ایمان بیاورند آشکار خواهد کرد. در سفر اشعیاء آمده است: من نام تو را محمد قرار دادم ای پاک شده خدا، نام تو تا ابد خواهد بود و در سفر حبقوق آمده است: همانا خداوند از تیمان و قدوس و از کوه فاران آمد. همانا آسمان از روشنایی محمد روشن شد و زمین از ستایش او پر شد. همانگونه که در سفر اشعیائ آمده است: آن چه را به او می دهم به کسی دیگر نداده ام خدای را می ستایم به ستایش او، سخنی که از بهترین جای زمین می آید پس مخلوقات به او شادمان می شوند و توحید خدای را در هر پستی و بلندی اعلام می دارند"

انجیل برنابا

خداوند متعال به دست او به مانند پیغمبران پیشین معجزات حسی زیادی به ظهور رساند. اما معجزه بزرگ او قرآن عظیم است کتابی که اخبار پیشینیان از نخستین تا آخرین آنها؛ در آن بوده و آن هدایت و رحمت و مژده است: {و روزی که در [میان] هر امّتی گواهی از خودشان بر آنان بر انگیزیم و تو را بر این [کافران] گواه آریم. و بر تو کتاب [آسمانی] برای روشن ساختن هر چیزی و راه نمودن و رحمت و مژده دادن مسلمانان نازل کردیم } [سوره نحل آیه ۸۹]

و روشنگری برای مومنان است: {این [قرآن] برای مردم دلایل روشن و برای گروهی که یقین می‌کنند هدایت و رحمت است } [سوره جاثیه آیه ۲۰]

پیغمبر درس ناخوانده بوسیله قرآن موارد اختلافشان را برای مردم بیان نمود. {و کتاب را بر تو فرو نفرستادیم مگر [از آن روی] تا آنچه را که در آن اختلاف ورزیدند،روشن کنی} [سوره نحل آیه ۶۴].

و با وجود آن که قریشیان کافر؛ راستی و امانتداری او را می دانستند و او را صادق وامین می نامیدند، اما او را تکذیب کردند. خداوند بلند مرتبه آنان را به چالش ومبارزه طلبید. تا تمامی آنها و به همراه جنیان مانند این قرآن را بیاورند: {بگو: اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مانند این قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مانندش آورند و اگر چه برخی از آنان یاور برخی [دیگر] باشند. } [سوره اسراء آیه ۸۸]

آن را تکذیب کردند وبا وجود توان زبانی و مهارتشان ناتوان ماندند. پس آنان را به مبارزه طلبید تا به همراهی هرکس که می خواهند ده سوره از آن را بیاورند: {آیا می گویند: آن را بر ساخته است! بگو: اگر راستگو هستید، ده سوره بر ساخته مانند آن بیاورید و هر کس را که بتوانید در برابر خداوند [به یاری] فرا خوانید .} [سوره هود آیه ۱۳]

اما ناتوان ماندند. پس آنان را به مبارزه طلبید تا یک سوره به مانند آن بیاورند: {و اگر از آنچه که بر بنده خود نازل کرده‌ایم، در شک‌اید، اگر راستگویید یک سوره مانند آن بیاورید و گواهانتان را- در برابر خداوند- [به یاری] بخوانید، } [سوره بقره آیه ۲۳]

الگو و نمونه برتر

"در تاریخ دنبال نمونه ومثال برتر برای انسان گشتم و آن را در محمد نبی عربی یافتم"

گوته
شاعر آلمانی

به پرس و قرآن به تو پاسخ می دهد

" قرآن را مورد بررسی قرار دادم ؛پاسخ همه پرسش های زندگی را در آن یافتم"

مایکل هارت
نویسنده امریکایی

www.path-2-happiness.com

اما از آن نیز عاجز و ناتوان ماندند در حالی که آنان صاحبان بلاغت و فصاحت بودند.

کفار قریش، تکذیب خود را ادامه دادند. خداوند به پیغمبر خود دستور داد تا صبر و شکیبایی پیشه کند. همان سان که پیغمبران صاحب عزم و اراده در پیش از او: ابراهیم، نوح، موسی و عیسی شکیبایی پیشه کرده بودند: {پس چنان که پیامبران اولو العزم شکیبایی ورزیدند، شکیبا باش}[سوره احقاف آیه ۳۵]

پس شکیبایی پیشه کرد و دعوتش را ادامه داد. آنان را دعوت می داد و با سخنان و رفتار خود آنان را آموزش می داد. پس خداوند متعال او را کفایت نمود و از او حمایت کرد: {ای پیامبر، خداوند تو را و کسانی از مؤمنان را که از تو پیروی کرده‌اند کافی است .} [سوره انفال آیه ۶۴] {آیا خداوند برای بنده‌اش بس نیست!} [سوره زمر آیه ۳۶]

و او را بر آنان یاری داد. همان سان که پیغمبران و رسولانش را یاری ونصرت داده بود: {خداوند مقرّر داشته است که به یقین من و رسولانم پیروز می‌شویم. بی گمان خداوند توانای پیروزمند است } [سوره مجادله آیه ۲۱]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی وعده ما در حقّ بندگان رسالت یافته ما از پیش صدور یافته است (۱۷۱)آنانند که یاری خواهند شد (۱۷۲)بی گمان سپاهیان ما هستند که پیروزند (۱۷۳)} [سوره صافات آیه ۱۷۱-۱۷۳] {به یقین ما رسولانمان و کسانی را

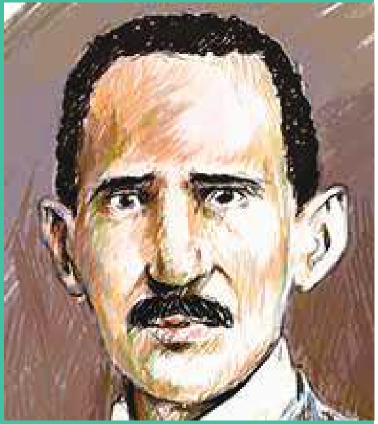

و برای مردم می ستایم

"عبارتی که در میان مسیحیان مشهور است این است: عظمت در بالا از آن خداست و در زمین صلح و برای مردم شادمانی.. در حالی که این سخن این چنین نبوده است بلکه چنین بوده است: عظمت در بالا از آن خداست و در زمین از آن اسلام و در میان مردم از آن احمد"

دیوید بنجامین کلدانی

اسقف پیشین موصل

که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی دادن] برخیزند، یاری می‌دهیم [سوره غافر آیه ۵۱].

کافران خواستند تا جلوی دعوت او را بگیرند و نور آن را خاموش سازند. اما خداوند نور خود را به کمال رساند: {می‌خواهند با سخنان خود نور خدا را فرونشانند و خداوند کامل کننده نور خود است و هر چند کافران ناخوش ندارند (۸)اوست کسی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان چیره گرداند. و هر چند مشرکان ناخوش دارند } [سوره صف آیه ۹]

پس نعمت خود را به کمال رساند و اسلام را پیروز گرداند و در تمام ادیان بر توحید خداوندی تاکید کرد و با این رسالت و یا این دین نعمت خودش را بر بشریت به اتمام رساند: {امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین برای شما پسندیدم.} [سوره مائده آیه ۳]

و دین را حفظ کرد و این رسالت را تا به روز قیامت باقی گذاشت: {بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم } [سوره حجر آیه ۹]

و این پایان بخش رسالت تمامی پیغمبران است: {محمّد (ص) پدر هیچ کس از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند به همه چیز داناست } [سوره احزاب آیه ۴۰]

و این رسالت پابرجاست تا زمانی که خداوند زمین و زمینیان را به ارث ببرد.

رسالت پابرجا در حفظ و حراست خداوند، تا به روز قیامت کدامین است...؟!

قرآن معجزه است

"قرآن بر اندیشه ها چیره می شود و تمامی قلب را می پوشاند و این دلیل راستی محمد صلی الله علیه و سلم است که بر او نازل شده است"

هنری دی کاستری

سرگرد پیشین ارتش فرانسه

www.path-2-happiness.com

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

پیام جاویدان

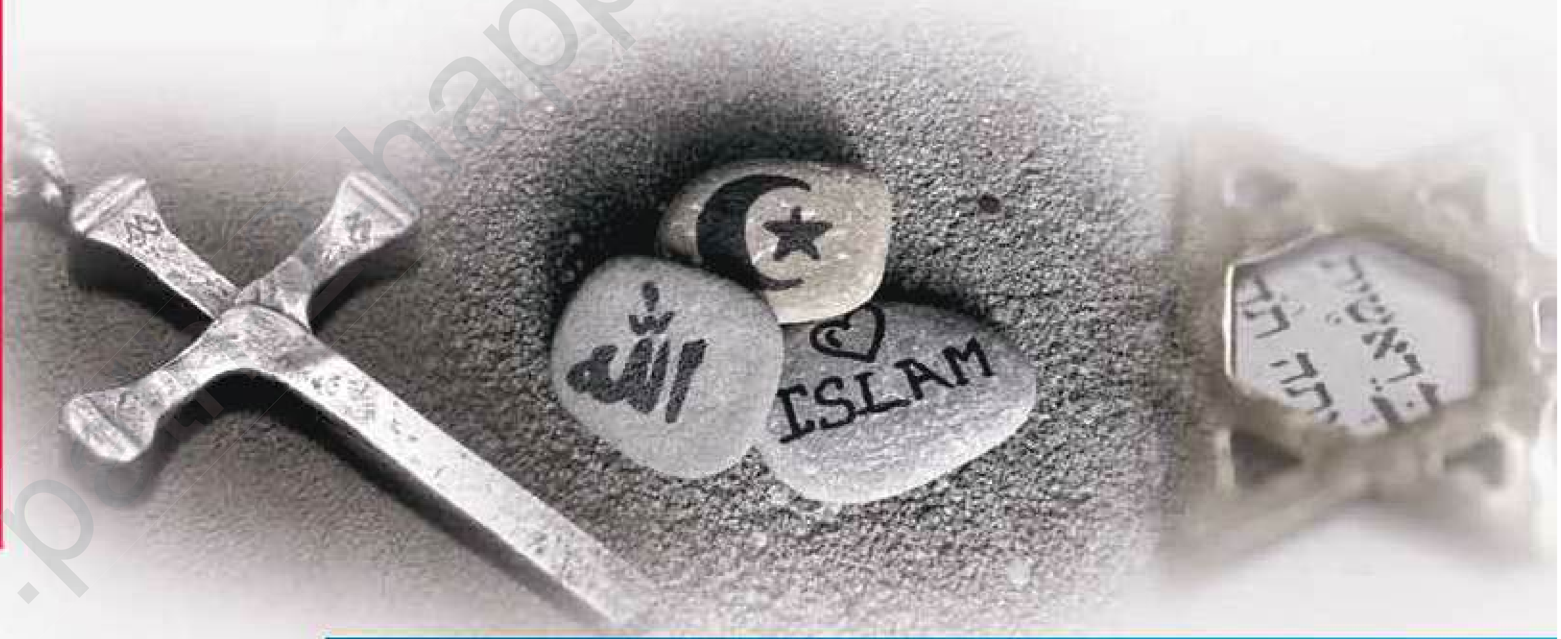

مطالب

از جمله دلائل نبــوت محمد صلی الله علیه و سلم:

ختم نبوت:

رحمتی برای جهانیان است:

سعادت بشــر با مبعوث شدن او صلی الله عیله و سلم:

رسالت جاویدان چیست؟

رســالت و پیام جاویدان بر همه هســتی چیره گشته است:

رســالت و پیام جاویــدان، دین همــه انبیاء و پیغمبران است:

کمال رسالت جاودانی:

اصول تشریع و قانونگذاری:

ویژگی های قانونگذاری اسلامی:

شریعت اســلام و قوانین وضعی.. تفاوت ها و اختلاف ها:

مصادر اسلام:

www.path-2-happiness.com

پیام جاویدان

هرچه بشریت از هدایت آسمان و پیام پیامبران فاصله می گرفت ؛ بدبختی و تاریکی فراگیر شده و خداوند متعال پیامبران را پشت سر هم می فرستاد: {رسولانی مژده آور وبیم کننده تا برای مردم پس از [ارسال] رسولان برخداوند حجّتی [درمیان] نباشد وخداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره نساء آیه ۱۶۵]

خداوند متعال هرگز بدون فرستادن پیغمبر ملتی را عذاب نمی دهد: {و ماعذاب کننده نیستیم تا آنکه رسولی فرستیم }[سوره اسراء آیه ۱۵]

بعد از اینکه عیسی علیه السلام مبعوث شد وبعد از اینکه خداوند او را عروج داد بشریت به جاهلیت و نادانی و ظلم و ستم و تاریکی مبتلا شده و آئین های آسمانی به وسیله برخی از پیروان باطل خود به تحریف و تبدیل دچار شدند؛ آنها با تبدیل عقیده خالص توحید و یکتا پرستی با دوگانه پرستی و شرک به خداوند جسارت ورزیده و به ناحق به او سخنانی را نسبت دادند و تفاوت میان زندگی و عبادات اهل کتاب و بت پرستان از بین رفت و نور توحید در میان انباشت این همه بت پرستی و الحاد و تغییر و تبدیل کلام خداوند متعال مخفی شده بود. اهل کتاب عهد و پیمان های خود با خداوند را پشت سر انداخته و به آنها بی اعتنا شدند و حق را پوشانده و باطل را آشکار کردند و به انجام محرمات و نبایدهای خداوند جرات یافتند و نسبت

به حق خداوند و حق مردم سهل انگار شدند و در برابر آن کتمان و مخفی کردن حق چیز کمی از مال و ریاست را خریدند و این بدست رهبران آنها که در پی خواهشات و اموال دنیا بودند حاصل شد. کسانی که خواهشات خود را بر حق ترجیح می دادند. پس جنگ های خونین فراگیر شده و استبداد و خود رایی آشکار شد و بشریت در تاریکی مطلق فرو رفت و به سبب آن کفر و جهالت، دل ها تاریک گشته و اخلاق پایمال شده و حیثیت ها بر باد رفت و حقوق ضایع گشت و در خشکی و دریا فساد آشکار شد. که اگر عاقلی در این وضع تامل می کرد پی می برد که آدمی به حال احتضار بسر می برد و به نابودی رسیده است. اگر خداوند با فرستادن مصلحی بزرگ به داد او نمی رسید تا مشعل نبوت را حمل کند و راه بشریت را روشن ساخته و او را به راه راست هدایت کند.

پس خداوند متعال پیغمبرش محمد صلی الله علیه و سلم را در میان این وضعیت اسفبار زندگی بشر فرستاد. پیغمبرش محمد صلی الله علیه و سلم را برگزید تا: {رسول خدا و خاتم پیامبران است} [سوره احزاب آیه ۴۰]

و به همراه او نور هدایت گر را فرستاد تا بشریت را از بدبختی و گمراهی برهاند و خداوند این دین را برای بشریت تکمیل کرده وبا آن نعمت را بر او به اتمام رساند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم در این راه و برای رسانیدن حق به تمام مردم جهان کوشش فراوانی را مبذول داشت: {و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم } [سوره انبیاء آیه ۱۰۷]

تا راه خوشبختی و سعادت را بچشند، و آن را لمس کنند. او در تمام جهاد خود در پی بهره ای از دنیا نبود و از مردم نیز پاداشی نمی خواست. خدای بلند مرتبه می فرماید:

رویدادی بزرگ

"ظهور اسلام یکی از پربارترین رویدادهای تاریخ انسانیت است."

جورج سارتون

سخنران در دانشگاه واشنگتن و هاروارد

www.path-2-happiness.com

{[ای پیامبر] بگو: بر [رساندن] قرآن مزدی از شما در خواست نمی کنم و از متکلّفان [نیز] نیستم } [سوره ص آیه ۸۶]

حتی خداوند او را اختیار داد تا میان بندگی و پادشاهی یکی را انتخاب کند و او ترجیح داد تا بنده ای پیغمبر باشد تا پادشاهی پیغمبر. رسول خدا صلی الله علیه و سلم انسانی بود که مانند دیگر انسانها زندگی می کرد و به مانند یارانش گرسنگی می کشید و به مانند آنان زخمی می شد و به همراه آنان کار می کرد و به این افتخار می کرد که او بنده خداست و چون خداوند خواست تا او را بزرگ بدارد او را به بنده بودن وصف می نمود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {ستایش خداوندی راست که بر بنداش کتاب [آسمانی] فرو فرستاد و در آن کجی ننهاد} [سوره کهف آیه ۱]

و از زیاده روی و غلو در مورد خودش هشدار داد و فرمود: (صلی الله علیه و سلم): "در حق من غلو و زیاده روی نکنید آن گونه که مسیحیان در حق عیسی پسر مریم زیاده روی کردند؛ من بنده خدایم پس بگویید بنده و فرستاده خدا" (روایت از بخاری است) هر کس که او را می دید و او را می شناخت، راستی او برایش آشکار می شد و از رفتار و اخلاق او شگفت زده می گشت. چطور چنین نشود؛ در حالی که پیش از دوستان

پیش بینی شگفت انگیز

" خبر آغاز اسلام یکی از شگفت انگیز ترین اخبار تاریخ انسان است. اسلام در میان ملتی ظاهر شد که ارکانش از هم پاشیده بود و جایگاهی در دنیای آن روز نداشت. اما از ظهور آن یک سده سپری نشده بود که اسلام در نصف آباد زمین منتشر شد و کشورهای گسترده در اطراف خود را در نوردید و ادیان پیشین را که زمان زیادی بر آنها سپری شده بود منهدم ساخت و به این اقوام و ملتها هجوم آورد و جهانی جدید با بنیادی محکم بنا نمود و آن جهان اسلام بود".

لوتروب ستودارد

نویسنده امریکایی

دشمنان و پیش از مسلمانان کافران به این گواهی داده بودند، و گواهی خدایش او را بس است که فرموده است: {تو برخوردار ازخلقی بزرگ هستی } [سوره قلم آیه ۴]

و او را بس است که خداوند او را برگزید تا خاتم پیغمبران و رسولان باشد. و چون وظیفه او به پایان رسد خداوند او را با مرگ از این جهان برد و رسالت و پیام او را تا به روز قیامت جاویدان بر جای گذاشت.

رحمتی برای جهانیان

" همانا زندگی به مانند زندگی محمد و توانی به مانند توان تفکر او و اندیشه و جهاد و هجوم او بر خرافات امتش و جاهلیت ملت و مردمش و مقاومت شدید او در برابر آن چه از بت پرستان به او رسید و بالا رفتن نام او و خون سردی و آرامش او ارکان عقیده اسلامی را تثبیت و محکم نمود و تمام این ها دلیل بر آن است که او هیچ فریبی را در وجود خود مخفی نمی داشت و بر باطل زندگی نمی کرد. او یک فیلسوف، خطیب، رسول، قانونگذار و راهنمای انسانیت به سوی تفکر و اندیشیدن و موسس یک دین بود. در کار او هیچ گونه افتراء و جعلی نبود او بیست دولت بوجود آورد. و فاتح یک دولت روحی در آسمان است. کدامین انسان به عظمتی که او در جایگاه مقام انسانیت دارد رسیده است!! و کدامین انسان به مانند او به درجه کمال دست یافته است"!!

لامارتین

شاعر فرانسویی

از بزرگان بشریت

"محمد تنها مردی در تاریخ است که در دو سطح دینی و دنیایی به شکل واضح و روشن موفق شد. همانا این اتحاد بی نظیر که در دین و دنیا با هم تاثیر برجای گذاشته است بر اثر تاثیر بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت بوده است:.

مایکل هارت

نویسنده امریکایی

www.path2-happiness.com

از جمله دلائل نبوت محمد صلی الله علیه و سلم:

۱. او به پرستش خدای یکتا و رها کردن پرستش غیر او فراخواند و این موافق با رسالت تمام پیامبران است. هر کس میان آن چه موسی و عیسی علیهما السلام آورده و میان آنچه محمد صلی الله علیه و سلم آورده است از قوانین و علوم سودمند، مقایسه کند پی خواهد برد که همگی از یک سرچشمه بوده و آن سرچشمه نبوت است.

۲. او معجزات و آیات روشنی آورد که فقط از دست پیامبران خدا آشکار می شوند. سنت و قانون خداوند چنین بوده است که بر دست پیامبران پیشین کارهای خارق العاده و معجزاتی پدیدار گشته تا حجت و دلیل راستگویی آنان و راهی برای اقامه حجت و دلیل بر قومشان باشد و معجزه هر پیغمبری در آن زمینه ای بود که قوم او در آن ماهر و خبره گشته بودند. پس معجزه موسی علیه السلام با مهارت قومش – که سحر بود – هماهنگ بود. و خداوند سحر آنان را به دست او باطل ساخت و با وجود مهارت و خبره بودن آنها نتوانستند در برابر او پیروزشوند. و قوم سیدنا عیسی علیه السلام در دانش پزشکی و معالجه بیماری ها مهارت یافته بودند پس خداوند متعال انواع بیماری های صعب العلاج را که به دست آنها معالجه نمی شد به دست او شفا می داد تا جایی که خداوند به دست او مردگان را زنده ساخت و این یک معجزه حسی بود همان گونه که معجزه ای برای زمان و مکانی مشخص بود و ویژگی خلود و جاودانگی نداشت.

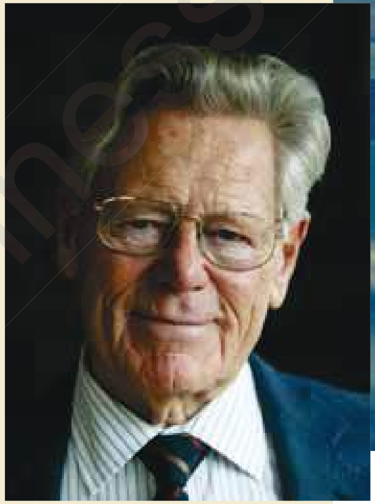

جز فرد منکر او را انکار نمی کند

"محمد به معنی واقعی کلمه یک پیغمبر است و هرگز ما نمی توانیم انکار کنیم که محمد راهنما و رهبر به سوی راه رهایی و نجات است".

هانز کونج
دانشمند الهیات سویسی

برخی از معجزات محمد صلی الله علیه و سلم معجزاتی حسی بودند از آن جمله جوشیدن آب از میان انگشتانش و زیاد شدن غذای کم در پیش او تا جایی که همه مسلمانان حاضر از آن می خوردند و حتی چیزی از آن بر جای می ماند و زیاد شدن آب به طوری که تمام سپاه اسلام از آن می نوشیدند و وضوء می گرفتند وناله تنه ی درختی که به عنوان منبر از آن استفاده می کرد آن گاه که آن را ترک کرد. و سلام دادن سنگ ها به او در زمان اقامتشان در مکه و فرمان پذیری درخت از او و تسبیح گفتن سنگ ریزه ها در دست او و شفاء دادن بیماران به امر خداوند و غیره.

کلام خداوند

"هنگامی که خواندن قرآن را به اتمام رساندم یک احساس مرا فرا گرفت، مبنی بر اینکه این حق است و در برگیرنده پاسخ های کامل و قانع کننده در باره موضوع آفرینش و بقیه موضوعات است و رویدادها را به شکل منطقی برای ما ارایه می کند چیزی که در دیگر کتابهای آسمانی ضد و نقیض می بینیم. اما قرآن با اسلوبی قاطع و شگفت انگیز در باره آنها سخن می گوید که هیچ گونه جای شک و تردیدی بر جای نمی گذارد که این حق است و این کلام بدون شک از طرف خداوند است".

دیبورابوتر
روزنامه نویس امریکایی

www.path-2-happiness.com

قرآن کریم از آن معجزات اسراء و معراج را ثبت نموده است. وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از مسجد حرام تا مسجد اقصی یک شبه برده شده و از آن جا به آسمانها عروج داده شد. تا جایی که از آسمان های هفت گانه بالاتر رفت. خدای بلند مرتبه می فرماید: {پاک [ومنزه] است کسی که شبی بنده‌اش را ازمسجد الحرام به مسجد الاقصی‌ای که درپیرامونش برکت نهاده‌ایم، برد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، اوست که او شنوای بیناست} [سوره اسراء آیه ۱]

و همچنین معجزه شکاف برداشتن و دو تکه شدن ماه؛ که خدای سبحان می فرماید: {قیامت نزدیک شد و ماه شکافت } [سوره قمر آیه ۱]
مشرکان از او معجزه ای روشن درخواست کردند تا دلیل راستی او باشد و دقیقا درخواست شکافتن ماه را برای خود نمودند و به او وعده دادند که اگر چنین کند به او ایمان می آورند و ماه شب چهارده بود. کاملا واضح و روشن. پس رسول خدا صلی الله علیه و سلم از خدایش خواست تا این درخواست آنها را اجابت کند. پس ماه دو تکه شده و نیمه ای از آن بر کوه صفا و نیمه ی دیگر در برابر آن بر کوه قیعان قرار گرفت و بعد از این معجزه بزرگ مشرکان باز هم او را تصدیق نکردند و آن را جادو شمردند و این روش مخالفان دین خداست. آن گاه که خداوند دلایل آن ها را نابود می کند و نور او تاریکی آن ها را فرا می گیرد. در این هنگام شروع به حیله گری می کنند تا با تخریب اصول و تغییر حقائق در برابر حق بایستند و چنین گمان می برند که این کار ضامن نابودی آنهاست. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اگر [کافران] نشانه‌ای [ازنشانه‌های‌خداوند] را ببینند

متفاوت است..

"هیچ دینی به مانند اسلام پیغمبران و رسولان پیشین را مورد احترام قرار نداده است، اسلام بر مومنان لازم می گرداند تا به آنان ایمان بیاورند و به آنها احترام بگذارند و هیچ دینی به مانند اسلام دیگر ادیان وحی شده پیشین را مورد احترام قرار نمی دهد".

نصری سلهب

ادیب لبنانی

به زبان عربی گویا

"آیاتی را که محمد رسول، در سوره های بزرگ تکرار نمود از سخن بلغا و فصحای بشر بسیار فراترند. همانطور که می توان آن ها را در میان نصوص موضوعی که به ما رسیده اند، یافت".

بلاچیرریگچ

شرق شناس فرانسویی

روی گردانند وگویند: جادویی مؤثّر است (۲) و دروغ انگاشتند و از خواسته‌های [نفسانی] خود پیروی کردند و هرکاری به غایتی [همخوان با خود] می‌انجامد (۳)} [سوره قمر آیه ۳-۲]

۳. قرآن: بزرگترین معجزه و پابرجاترین همه در گذشت زمان است. معجزه ای معنویی و عقلی و نشانه و آیه ای از آیات نبوت است زیرا آن رساترین کتاب است که خداوند بر مردی درس ناخوانده فرستاده. کسی که نمی خوانده و نمی نوشته، فصحای عرب را به مبارزه طلبیده است تا مانند سوره ای از آن را، بیاورند. کسی منکر اعجاز و مبارزه طلبی قرآن نیست، مگر شخص بی دلیل بی انصاف. قرآن درتمام مباحثی چون فصاحت و بلاغت، نظم و روش و اسلوب و محتوایش، اخبار گذشته کهن و آینده دور، بعلاوه احکام دقیق و محکم و آداب بزرگ منشانه، هدایت، نور و برکتی که در آن هست، معجزه است.
همان گونه که اعجاز علمی کشف نموده است.
اخبار وحی در باره حقائق هستی با حقائق علمی برابر و مطابق هستند. حقائقی که پیش از این کشف نشده بودند، این ها از آشکار ترین دلایل بر راستی و صدق محمد صلی الله علیه و سلم هستند. همان گونه که دانش جدید مراحل رشد جنین را در شکم مادر کشف نموده وبه وجود پرده و مانعی از آب در میان آب شور و شیرین پی برده است. همچنین به دیگر موارد اعجاز علمی قرآن که امروزه به وسیله دانش بشری آشکار شده اند، پی برده اند. از جمله مهمترین دلایل نزول آن از سوی خداوند آن است که با گذشت چهارده قرن از هرگونه تغیر و تبدیل و

www.path-2-happiness.com

تحریف محفوظ مانده و هیچ تحریف و تغییری در آن صورت نگرفته و خوانندگان هر چند که تلاوت آن را تکرار کنند از خواندن آن خسته نمی شوند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به راستی ما نگهبان آن‌هستیم } [سوره حجر آیه ۹]

و با قرآن عقیده صحیح را حفظ نموده و کامل ترین شریعت و قانونش را در قرآن قرار داد و با آن برترین امت را بوجود آورد و به این ترتیب برای ما آشکار می شود که معجزه محمد صلی الله علیه و سلم متفاوت از معجزات دیگر پیغمبران برادر او است. چرا که آن بزرگ و پابرجا و جهانی است و تا هنوز آن مبارزه طلبی برای همگی پابرجاست و تا روز قیامت ناتوانی آوردن مانند قرآن برای همه برجای خواهد ماند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: اگرانس وجن گرد آیند برآنکه مانند قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مانندش آورند و اگر چه برخی از آنان یاور برخی [دیگر] باشند } [سوره اسراء آیه ۸۸]

قران و دانش جدید پهلوی هم

"من به تحقیق و بررسی قرآن کریم بدون هیچ گونه پیش داوری و بر اساس بررسی موضوعی مبادرت کردم. در باره مقدار هماهنگی نص قرآن با داده های دانش جدید دقت کردم و به این نتیجه رسیدم که قرآن حتی در یک آیه، از جهت دانش جدید قابل نقد و رد نمی باشد"

موریس بوکای

دانشمند و پزشک فرانسوی

۴. رسول خدا صلی الله علیه و سلم حوادث بزرگی را در دنیا و کشورهای آن پیش بینی نمود. همان گونه که او خبر داده بود آن حوادث روی دادند. مانند فتح شام و عراق و قسطنطنیه. همان گونه که از امت های گذشته و پیغمبران و رسولان آن ها خبر داد. از آدم تا سرورمان نوح و ابراهیم وموسی و عیسی علیهم السلام. همان گونه که به رویدادهای آینده خبر داد و آن حوادث مطابق با پیشگویی او روی دادند از آن جمله پیروزی روم بر فارس بعد از شکست خوردن از آن بود. خداوند متعال خبر دادند که بعد از چند سال روم بر فارس پیروز خواهد شد. خدای بلند مرتبه می فرماید:

{الم (الف. لام. میم) (۱) رومیان شکست خوردند (۲)در نزدیکترین سرزمین. وآنان پس از شکستشان پیروز خواهند شد (۳)درعرض چند سال. پیش از این و پس از این حکم از آن خداست و آن روز مؤمنان به یاری خدا شادمان شوند (۴)هر که را خواهد یاری می کند و او پیروزمند مهربان است (۵) [خداوند] به وعده‌ای راستین [وعده کرده است]. خداوند وعده‌اش راخلاف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (۶)از [تدبیر] زندگانی دنیا [تنها] ظاهر را می‌دانند وآنان ازآخرت غافلند (۷)} [سوره روم آیه ۷-۱]

و این حادثه مطابق با خبر خداوند روی داد.

۵. پیغمبران آمدن او را پیش از این در زمان گذشته بسیار دور خبر داده و زمان بعثت و محل مبعوث شدن او را توصیف کرده بودند و خبر داده بودند که شاهان و امت های دیگر تحت فرمان آن ها قرار می گیرند و از انتشار دین او گفته بودند.

۶. او خاتم پیغمبران است و اگر او مبعوث نمی شد پیش بینی های پیامبران پیشین که مبعوث شدن او را خبر داده بودند باطل می شد.

۷. راستی رسول خدا صلی الله علیه و سلم و ثبوت امر او در تورات و انجیل به وسیله برخی از اهل کتاب که تعصب، دیدگان آنان را کور نکرده بود گواهی داده شد. افرادی همچون بحیرای راهب و ورقه بن نوفل و سلمان فارسی و عبدالله بن سلام و زید بن سعنه.

۸. پیروزی او در برابر امت هایی که با اوجنگیدند نشانه ای از نشانه های نبوت بود. زیرا محال است کسی ادعا کند که او فرستاده خداست - در حالی که چنین نباشد و او دروغگو باشد - و سپس خداوند او را یاری دهد و پیروز گرداند و بر دشمنانش چیره گردانیده و دعوت او را منتشر ساخته و پیروانش را فراوان گرداند. این امر فقط بر دست پیامبری راستین محقق می شود.

همانا آن سخن خداوند است

"من لحظه ای در رسالت محمد تردید نکرده ام و بر این باورم که او پایان بخش و خاتم پیغمبران و رسولان است . او برای تمام بشریت مبعوث شده است. رسالت او برای پایان بخشیدن به وحیی است که تورات و انجیل را آورده است و زیباترین دلیل برای آن، معجزه قرآن است و من تمام نظرات باسکال دانشمند کینه توز اروپایی در باره اسلام و مسلمانان را -به جز یک نظر- رد می کنم و آن این است که گفته بود: قرآن تالیف محمد نیست همان گونه که انجیل متی تالیف متی نیست"

فنسای مونتای

اندیشمند و جهانگرد فرانسوی

ساخت خدا!!

"در زمان انحطاط ژرف در سرزمین هایی که پیش از این از جمله مناطق امپراطوری کهن دقیانوس به شمار می رفتند، ناگهان در دل صحرای عربی دشمنی تازه سر برآورد که آن امپراتوری لرزان را در پی خود کشاند. همانگونه که از سخت ترین دشمنان دولت های تازه غربی بود. عظمت این دشمن روز به روز بزرگتر شد. گویی توجه همیشگی خداوند، ارتش مخلص او را در جهاد و پیروزی آشکار به پیش می برد تا اینکه بعد از فتح سوریه، مصر را نیز گشودند و بعد از مدتی، کار امپراطوری ساسانی را تمام کرده و بازماندگان کنستنتاین نیز به چنین سرانجامی تهدید شدند"

الدومییلی

شرق شناس فرانسویی

۹. رفتار رسول خدا در عبادت و پاکدامنی و راستی و درستکاری و رفتار پسندیده وقوانین و سنت های نیکو و اخلاق شایسته همگی بر نبوت او دلالت می کنند. خداوند او را به بهترین اخلاق پسندیده مزین نموده بود: {تو برخوردار ازخلقی بزرگ هستی } [سوره قلم آیه ۴]

این چنین مواردی در هیچ کس جز در پیغمبری راستین گرد نمی آیند.

۱۰. نبوت و معجزات محمد صلی الله علیه و سلم به شکل متواتر نقل شده اند. کسی که تاریخ پیامبران را مورد بررسی قرار می دهد دقیقا پی خواهد برد که هیچ راهی نیست که نبوت سایر پیامبران با آن ثابت شده باشد، مگر اینکه به همان راه و روش نبوت محمد (ص) نیز اثبات شده است. اگر به چگونگی انتقال نبوت موسی و عیسی علیهما السلام نگاه کنی پی خواهی برد که آن به شکل متواتر نقل شده است. و تواتر نقل نبوت محمد صلی الله علیه و سلم بیشتر و محکم تر بوده و زمان آن نیز نزدیک تر است. همچنین تواتر نقل معجزات و دلایل او نیز این چنین است. حتی در حق ایشان بزرگتراست. زیرا آیات او بزرگتر هستند و بزرگترین آیه و نشانه او قرآن عظیم است که تا هموز به شکل متواتر با صوت و نوشتارنقل می شود.

۱۱.درس ناخوانددگی محمد صلی الله علیه و سلم از جمله دلایل معجزات اوست. خداوند متعال پیغمبرش محمد را درس ناخوانده مبعوث کرد. نمی توانست بخواند و نمی توانست بنویسد. درس ناخوانده بودن او بزرگترین دلیل است که قرآن از طرف خداوند بر او نازل شده است. بخصوص که او سالهای زیادی در میان قومش زندگی کرد و اگر او خواننده و نویسنده بود قوم مشرک او ادعا می کردند که آن ساخته خودش بوده و ننتجه افکار خودش می باشد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {وبدینسان به توکتاب [آسمانی] نازل کردیم. پس کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] بخشیدیم به آن ایمان می آورند و ازهمینان

[نیز] کسی هست که به آن‌ایمان می‌آورد. وآیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند (۴۷) وپیش از [نزول] آن نمی‌توانستی هیچ کتابی رابخوانی و آن [کتاب] را به دست خویش بنویسی،چه آن گاه بداندیشان درشک می‌افتادند (۴۸) } [سوره عنکبوت آیه ۴۸-۴۷]

همان طور که تاکید می کند که آن چه محمد صلی الله علیه و سلم آورده است از طرف خداوند است و نه از طرف خودش. خدای بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که درمیان درس ناخواندگان رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند وآنان را پاک می‌دارد. و به آنان کتاب وحکمت می‌آموزد و به راستی پیش از این در گمراهی آشکار بودند}[سوره جمعه آیه۲]

در توصیف پیغمبر درس ناخوانده آمده است که او آیات خداوند یعنی وحی الهی را بر قوم درس ناخوانده می خواند و آنان را تزکیه و پاک گردانده و به آنان کتاب را آموزش می دهد. یعنی آنان را تلقین می کند همان گونه که رسولان امت ها را با کتابت و نوشتن تلقین می کردند و به آنان حکمت را آموزش می دهد آن حکمتی که رسولان پیشین به امتهای خود تعلیم می دادند و در تمام این ویژگی ها به بی سوادی و درس ناخواندگی رسول خدا استدلال شده است. ایشان با وجود اینکه درس ناخوانده بود، اما تمام کارهایی را که پیغمبران درس خوانده انجام داده اند به نحواحسن انجام داده و چیزی از آن اهداف را ناقص نگذاشته است. پس درس ناخواندگی به شکل ویژه در او پررنگ شد تا ثابت شود که انجام این کارها معجزه ی او بوده است. چرا که این کار را بهتر از پیامبران درس خوانده ای چون موسی علیه السلام انجام داده است.

اخلاق نبوت

"من محمد را دوست دارم زیرا طبیعت او پاک از خودبزرگ بینی و ظاهر سازی بود. او فرزند صحرا بود و مردی مستقل. جز برخود تکیه ننمود. آن چه را در او نبود ادعا نمی کرد. متکبر نبود اما خوار و ذلیل هم نبود. او در لباس پینه شده خودش برمی خواست همانگونه که خداوند او را بوجود آورده و از او خواسته بود و با سخن آزاد و روشن خود قیصر و کسری را مورد خطاب قرار می داد و آنان را به آنچه بر آنان لازم بود راهنمایی می کرد. او ارزش نفس خود را می دانست. او مردی با اراده قوی بود و کار امروز را به فردا موکول نمی کرد"

توماس کارلایل

نویسنده و مورخ اسکاتلندی

www.path-2-happiness.com

ختم نبوت:

حکمت خداوند متعال چنین اقتضا نمود که محمد صلی الله علیه و سلم را با رسالتی عمومی برای تمام اهل زمین بفرستد. رسالتی که برای تمام زمان ها و مکان ها مطابقت داشته باشد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {وتو را برای همه مردمان جزمژده‌آور وهشداردهنده نفرستاده‌ایم. ولی‌بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره سباء آیه ۲۸]

و آن را از تغییر و تبدیل حفظ کرده تا رسالت و پیام او زنده باشد و مردم با آن؛ به دور از هرگونه احتمال تحریف و تبدیل، زنده بمانند. به همین سبب خداوند آن را پایان بخش تمامی نبوت و رسالت قرار داد. خداوند بلند مرتبه محمد صلی الله علیه و سلم را برگزید تا او خاتم پیغمبران باشد و بعد از او هیچ پیغمبری نیاید. زیرا خداوند با او رسالت آسمانی را تکمیل نموده و شریعت و قوانین را با او پایان بخشید و ساختمان نبوت را با او تکمیل کرد.

یگانه دین

"دین تمام پیغمبران یکی بوده است مذهب آنان از آدم تا محمد یکسان است. سه کتاب آسمانی نازل شد که عبارتند از : زبور، تورات و قرآن. نسبت قرآن به تورات به مانند نسبت تورات به زبور است. نگاه محمد به عیسی به مانند نگاه عیسی به موسی است اما موضوعی که توجه به آن لازم است، آن است که قرآن آخرین کتاب آسمانی است که بر مردم نازل شده و صاحب آن خاتم رسولان بوده و بعد از قرآن دیگر کتاب آسمانی نمی آید و بعد از محمد پیغمبری نخواهد آمد".

هنری دی کاستری

سرگرد پیشین در ارتش فرانسه

به همین سبب خداوند سبحان کتاب او را حافظ و نگهبان کتابهای سایر پیغمبران ساخته و آن را ناسخ آن کتاب ها قرار داده است. همان گونه که شریعت او را ناسخ تمام شریعت های گذشته قرار داده است و خداوند متعال حفظ رسالت او را ضمانت نموده و این پیام به شکل متواتر نقل شده است و قرآن به خوانش و نوشتار به شکل متواتر نقل شده است و تطبیق عملی قوانین این دین و عبادات و سنت ها و احکام آن به صورت نقل شده اند.

کسی که به نوشته های سیره و سنت آگاهی داشته باشد پی خواهد برد که صحابه و یاران او تمام اقوال و افعال و حالت های او را برای تمام بشریت حفظ نموده اند. در این راستا عبادت و ذکر او خداوند سبحان را و استغفار، جهاد، جود، کرم، شجاعت و همزیستی او با یاران و با مهمانان و نمایندگانی که از اقوام دیگر می آمدند، را روایت کرده اند همان گونه که شادی و غم و سفر و اقامت او را نقل کرده و به طور کامل خورد ونوش و لباس وبیداری و خواب او را نقل کرده اند.

وقتی به این پی بردی متوجه خواهی شد که این دین به حفظ و حراست خداوند محفوظ است.

و در آن هنگام خواهی دانست که او خاتم پیغمبران و رسولان است. زیرا خداوند بلند مرتبه به ما خبر داده که او خاتم انبیاء است. خداوند پاک می فرماید: {محمّد (ص) پدرهیچ کس ازمردان شما نیست، بلکه رسول خدا وخاتم پیامبران است و خداوند به همه چیز داناست } [سوره احزاب آیه ۴۰]

پایان بخش کتاب های آسمانی

"روزی بود که تورات راهنمای انسان بود و اساس رفتار او بر اصول آن استوار بود. تا اینکه عیسی ظهور کرد آنگاه مسیحیان از انجیل پیروی کردند. سپس قرآن جای آنها را گرفت. قرآن بیش از دو کتاب پیشین فراگیر بوده و تفاصیل بیشتری دارد. همان گونه که قرآن آن دو کتاب پیشین را تصحیح نموده و تغییر و تبدیل آنها را اصلاح کرد قرآن همه چیز دارد و شامل تمام قوانین است: زیرا آن خاتم کتاب های آسمانی است:.

واشنگتن ایرفنج

شرق شناس امریکایی

www.path-2-happiness.com

آموزگار بشریت

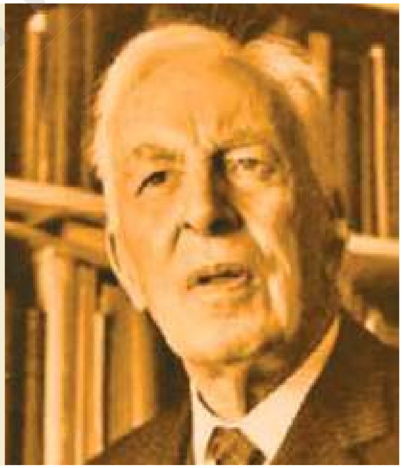

" سیره رسول عربی عقول پیروانش را در برگرفته و شخصیت او در نزد آنان به بالاترین جایگاه دست یافته است. پس به رسالت او چنان ایمانی آورده اند که هر چه را که وحی می شد می پذیرفتند. همانگونه که کردار او – همانسان که سنت آنها را ثبت نموده است– مصدر قانون شدند و این تنها بر سامان دادن جامعه مسلمان منحصر نبود، بلکه رابطه مسلمانان فاتح را با غیر مسلمانان تنظیم می کرد".

آرنولد توینبی

مورخ بریتانیایی

آخرینِ فرستادگان

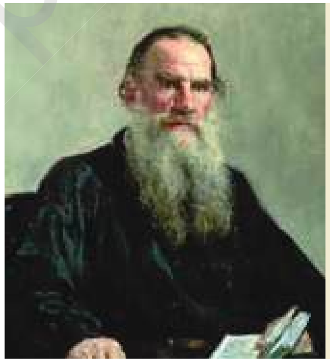

"من یکی از کسانی هستم که در برابر عظمت محمد پیغمبر حیران شده ام. آن که خداوند او را اختیار نمود تا آخرین رسالت به دست او باشد و خودش هم آخرین پیغمبر باشد".

تولستوی

ادیب روسی

خداوند را بپرستید

"محمد خاتم پیغمبران بود و او بزرگترین رسولی است که خداوند فرستاده تا مردم را برای پرستش الله دعوت کند".

واشنگتن ایرفنگ

شرق شناس امریکایی

رحمتی برای جهانیان است:

خداوند پیامبرش محمد صلی الله علیه و سلم را فرستاد تا رحمتی برای جهانیان باشد. برای همگی مرد و زن، بزرگ و کوچک، حتی برای کسانی که به او ایمان نمی آورند. این رحمت در طول زندگی رسول خدا صلی الله علیه و سلم نمایانگر بود و از بارزترین نمونه های این رحمت دعوت از قومش بود. اما آنان او را دروغگو انگاشته و او را از شهرش مکه طرد کردند و خواستند او را بکشند. اما خداوند متعال او را حفظ کرده و مکر و حیله آنان را به خودشان بازگرداند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آن گاه که کافران در [باره] تومکرمی‌ورزیدند تا تو را به بند کشند یا تو را بکشند یا [ازوطن] بیرون کنند. ومکر می ورزیدند وخداوند [هم دربال مکرشان] تدبیرمی کرد وخداوند بهترین تدبیرکنندگان است } [سوره انفال آیه ۳۰]

اما تمام این برخوردها چیزی جز مهربانی و میل او برای هدایت آنها را نمی افزود، خدای بلند مرتبه می فرماید: {بی‌گمان رسولی ازخودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص [و] به مؤمنان رئوف مهربان است } [سوره توبه آیه ۱۲۸]

و آن گاه که در روز فتح مکه بر آنان چیره شد، از آنان درگذشت و آن گاه که خداوند فرشته ای برای او فرستاد تا دو کوه را بهم آورد و همه کفار

جهانی بودن اسلام

" آیه قرآنی که به جهانی بودن اسلام اشاره می کند (رحمتی برای جهانیان) است، که اشاره می کند این دین برای همه بشریت فرستاده شده و این فریادی برای تمام جهان است و گویای آن است که رسول به یقین دانست که مقدر است تا رسالت او از حدود سرزمین عربی تجاوز کند و بر او لازم است تا این پیام را به دیگر ملت ها و نژادها برساند. ملت هایی که با زبان های گوناگون سخن می گویند"

لورا فیشیا فاگلیری

شرق شناس ایتالیایی

www.path-2-happiness.com

را در میان آن دو نابود سازد.
فرمود: نه بلکه صبر می کنم باشد که خداوند از پشت اینان کسانی را پدید آورد که خدای یکتا را به تنهایی بپرستند.
خدای بلند مرتبه می فرماید: {وتو را جزمایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم } [سوره انبیاء آیه ۱۰۷]

او رحمتی برای جهانیان است. برای تمام انسانیت و برای تمام بشریت با رنگ های و زبان های متفاوت و با تمام افکار و اندیشه ها و باورهای گوناگون.

رحمت او تنها بر بشریت منحصر نمی شود، بلکه به حیوانات و جمادات نیز رسیده است. یکی از انصار شترش را با گرسنگی شکنجه می کرد، رسول خدا برا او رحم نمود و به صاحبش دستور داد تا با آن به خوبی رفتار کند و او را گرسنه نگه ندارد و بیش از توان بار نکند و آن گاه که دید کسی جوجه های یک کبوتر را برداشته است بر کبوتر رحم نمود و دستور داد تا جوجه هایش را به لانه او برگرداند. او کسی است که فرمود:" ان گاه که سربریدید به خوبی سربربرید" (روایت از مسلم است) و این رحمت او به جمادات نیز رسیده

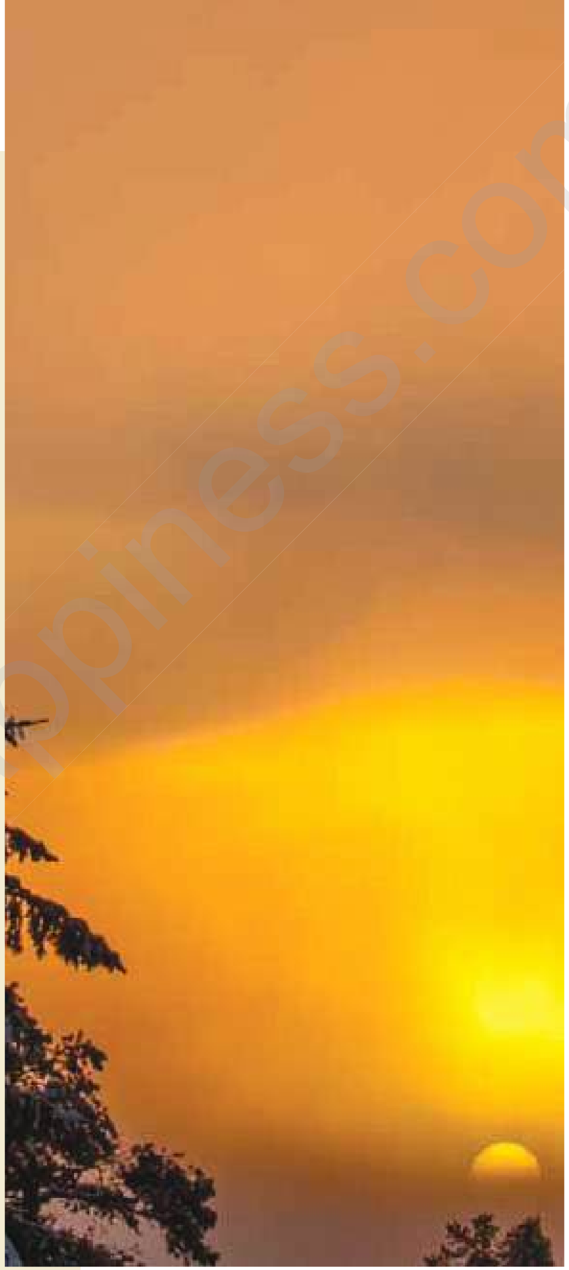

است. او بود که بر تنه درختی که برایش ناله می کرد دل می سوزاند و به او رحم نمود و به نزد او رفت و او را در آغوش گرفت تا آرام گرفت.
مهربانی و لطف او فقط یک مجموعه از موضع گیری ها نبود بلکه آن را قانون و یک منهج و اخلاق نموده و به مهربانی و نرم خویی با مردم تشویق نمودند و از تند خویی و سخت گیری بر آنان هشدار دادند و فرمودند:" بارالها هر کس مسئولیتی ار امت مرا عهده دار شد و بر آنان سختگیری و تند خویی نمود تو بر او سختگیری کن و هر کس مسئولیتی از امت مرا عهده دار شد و بر آنان مهربانی نمود تو هم بر او مهربانی و کن"(روایت از مسلم است) مهربانی از اخلاق بلند اوست و اصلی بزرگ و اساسی در دین اسلام دین رحمت و صلح است.

رحمت هدایتگر

"حیات تاریخی محمد را نمی توان بهتر از آن چه خداوند وصف کرده است توصیف نمود. آنجا که می گوید" ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده ایم" همانا این یتیم بزرگوار ثابت نمود که او بزرگترین رحمت برای هر ضعیف و یاور هر نیازمند است. همانا محمد یک رحمت واقعی برای همه یتیمان و در راه ماندگان و شکست خوردگان و تمامی فقراء و کارگران زحمت کش و رنجبر بود"

جان لیک
شرق شناس اسپانیایی

www.path-2-happiness.com

سعادت بشر با مبعوث شدن او صلی الله عیله و سلم:

زمان مبعوث شدن محمد صلی الله علیه و سلم فرارسید. و خداوند مردم را به لطف و برکت نبوت محمد و به آن چه از دلایل و هدایت آورده بود، به راه هدایت نمود. هدایتی که بیرون از توصیف و از شناخت است. پس دانش سودمند، عمل نیکو، اخلاق والا و سنت های پابرجا را برای بشریت ارمغان آورد. اگر مقایسه شوند آن چه را سایر امت ها دارند از علم، عمل وحکمت تفاوت بزرگی میان آنها آشکار می شود. سپاس خدای را به همان سان که ذاتش می پسندد و خشنود می گردد.

از ناحیه عقیده؛ شرک به خداوند وپرستش غیر از او بر بشریت چیره شده بود، حتی در نزد بسیاری از صاحبان کتاب های آسمانی پیشین. پس رسول خدا صلی الله علیه و سلم به توحید خالص و عبادت و پرستش تنها خدای یکتا بدون هیچ گونه شریکی فرخواند و مردم را از پرستش بندگان، به سوی پرستش پروردگار بندگان بیرون برد و با توحید خالص آنها را از شرک و پرستش غیر او پاک نمود. خداوند او را با همان پیامی فرستاد که دیگر انبیاء و رسولان را فرستاده بود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {وهیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگرآنکه به او وحی می‌کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا بپرستید } [سوره انبیاء آیه ۲۵]

بیرون کننده بشریت از تاریکی ها به سوی نور

محمد پیغمبر، با سرعت هرچه تمامتر مردم را به بالاترین مراتب سعادت و خوشبختی رسانید. و هرکس از یک سو آگاهانه به وضع مردم پیش از آمدن او و گمراهیهایی که در آن غوطه ور بودند، و از سوی دیگر به وضعیت آنها بعد از آن وپیشرفت های بزرگی که در زمان خودش برای آنها کسب کرد بنگرد، متوجه می شود که تفاوت این دو دوره تفاوت بین زمین و آسمان است".

کویلیام

اندیشمند انگلیسی

و خدای بلند مرتبه همچنین می فرماید: {ومعبودتان، معبود یگانه است. معبود [راستینی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است }[سوره بقره آیه ۱۶۳]

و از ناحیه اجتماعی: رسول خدا صلی الله علیه و سلم زمانی مبعوث شد که ستم وبردگی گرفتن مردم بر جهان چیره شده بود. نظام طبقاتی بشریت را تقسیم نموده و برخی، برخی دیگر را به بردگی گرفته بودند و بر یکدیگر ستم می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیام برابری و مساوات در میان تمامی مردم را آورده و اعلان نمود که تمام بشر، عرب و غیر عرب، سیاه و سفید همگی برابر هستند و هیچ کس بر دیگری هیچ برتری ندارد، مگر با تقوا و عمل صالح. خدای بلند مرتبه می فرماید: {گرامی ترینتان درنزد خداوند پرهیزگارترینتان است}[سوره حجرات آیه ۱۳]

و به عدل، احسان و تکافل اجتماعی دستور داده و از ستم و کارهای زشت و منکر و تجاوز بر یکدیگر بازداشته است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {به راستی خداوند به داد و نیکوکاری و بخشیدن به خویشان فرمان می‌دهد و از ناشایستی و کار ناپسند و تجاوز باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد باشد که پند پذیرید } [سوره نحل آیه ۹۰]

و حقوق مردم حتی حقوق معنوی مردم را حفظ کرد و از ریشخند گرفتن قومی توسط قوم دیگر بازداشت. خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای مؤمنان، گروهی، گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد، چه بسا که [آنان] از اینان بهتر باشند و نه زنانی، زنانی دیگر را به ریشخند گیرند، چه بسا که [آنان] از اینان بهتر باشند و عیب همدیگر را مجویید و همدیگر را به لقبهای زشت مخوانید. فسق بعد از ایمان بد رسمی است. و کسانی که توبه نکردند، ایناننند که ستمکارند } [سوره حجرات آیه ۱۱]

دینی برای همه آدمیان

" دو آیه (هما ن دین به نزد خداوند اسلام است) [سوره آل عمران ۱۹]، (و ما تو را نفرستادیم مگر برای تمامی انسانها مژده دهنده و ترساننده باشی)[سوره سباء آیه ۲۸] این دو آیه تاثیر فراوانی بر من بر جای گذاشت زیرا در آن دو، دلیلی بر سرشت جهانی بودن اسلام وجود دارد. امری که خاص اسلام است. علاوه از نظام و قوانین دیگری که دارد و توضیحات کامل آن در باره سیدنا عیسی علیه السلام بی نظیر است. آیا قوی تر و صادقانه تر از این آموزه ها یافت می شود؟ آموزه هایی که ما را به احترام به تمام آن چه دیگر پیغمبران آورده اند سفارش می کند؟ بدون تردید دین اسلام دین حق و درست و به همراه دلیل است".

واگنر

محقق هلندی

www.path-2-happiness.com

و در ناحیه اخلاق: خدای متعال پیغمبرش را فرستاد در حالی که اخلاق بشری در انتهای سقوط بود نه از ادب و نه از اخلاق و نه از بزرگواری خبری بود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد تا مردم را به اخلاق پسندیده و ادب بزرگوارانه بازگرداند تا زندگی آنان با رفتار نیک و پاک از شقاوت و بدبختی به سعادت و خوشبختی بدل گردد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:" من برای تکمیل کردن اخلاق پسندیده مبعوث شده ام"(روایت از بیهقی است) و خداوند اخلاق او را ستود و آن را عظیم شمرد، خدای بلند مرتبه می فرماید: {تو برخوردار از خلقی بزرگ هستی} [سوره قلم آیه ۴]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم یک نمونه برتر و بی مانند در اخلاق و ادب بود. نمونه ای کامل، زیبا و بی مانند در زهد، پرهیزکاری، همزیستی نیکو، رفتار پسندیده و سخن شایسته. او یک الگوی نیکو در همه امور بود. خدای بلند مرتبه می فرماید: { به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست } [سوره احزاب آیه ۲۱]

اما در باره حقوق زن: زن پیش از بعثت رسول خدا از چند چیز رنج می برد آن گاه که رسول خدا به پیامبری برانگیخته شد مردم در باره انسانیت زن اختلاف داشتند که آیا او انسان است یا نه؟ و آیا او حق زندگی دارد یا نه باید او را در کوچکی کشت و دفن کرد؟! آنان برابر با این وصف خدای بلند مرتبه بودند: { و هر گاه به کسی از آنان به [به دنیا آمدن] دختر خبر داده شود، در حالی که [بس] اندوهگین است، چهره‌اش سیاه گردد. (۵۸)از ناگواری خبری که به او داده‌اند از قوم پنهان شود [می‌اندیشد که] آیا با خواری

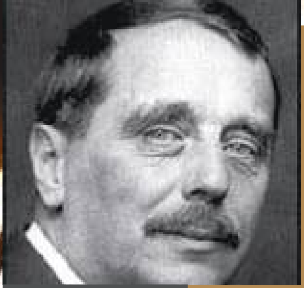

درس های از آخرین حج

"محمد یک سال پیش از وفاتش از مدینه به قصد گذاردن حج به مکه رفت و در آن جا برای مردمش سخنانی عظیم القاء کرد که نخستین فقره در آن عبارت بود: تمام خونریزی ها و غارت ها در میان مسلمانان پایان پذیرفته و خونخواهی ها به اتمام رسیده است و در فقره آخری یک مومن سیاه پوست را شایسته خلیفه بودن قرار می دهد. بدون تردید او در جهان، سنت های بزرگی برای برخورد عادلانه و بزرگوارانه تاسیس نمود"

هربرت جورج ولز

نویسنده و ادیب انگلیسی

او را نگه دارد یا او را [به دل] خاک در آورد. بدانید آنچه که حکم می کنند، بد [حکمی] است } [سوره نحل آیه ۵۹-۵۸]
زن فقط یک اسباب بازی بود، که با او بازی می کردند و وسیله ای برای تجارت بود و موجودی بسیار حقیر به شمار می رفت.

اخلاق پیغمبر خدا محمد

"محمد در اوج اخلاق بزرگوارانه و شریف و در اوج حیا و آزرم و شدت احساسات بود. او دارای نیروی فهم شگفت انگیز و سرشار از هوش و ذکاوت و احساسات لطیف و شریف بود. او دارای اخلاقی بزرگ و رفتاری بسیار پسندیده بود."

عبدالله کویلیام

اندیشمند انگلیسی

www.pars-2-happiness.com

راه جهان

"من زندگی رسول اسلام را بارها و بارها به خوبی مطالعه کرده ام. من در آن جز اخلاق چیزی نیافتم چیزی دقیقا همان چیزی که باید می بود و چقدر دوست می داشتم اگر اسلام راه تمام مردم جهان می بود".

برنارد شاو

نویسنده انگلیسی

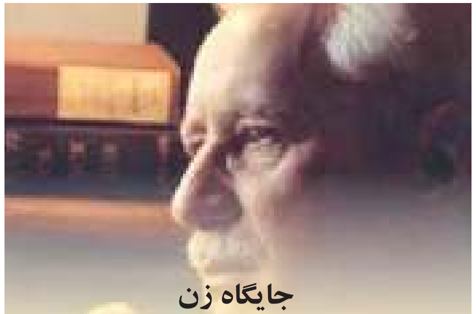

جایگاه زن

"اسلام جایگاه و مقام زن را درسرزمین عرب بالا برده و رسم زنده به گور کردن دختران را از میان برداشت و در میان مرد و زن در امور قضایی و مالی برابری ایجاد کرد و انجام هر گونه عمل حلال را حق او قرار داد و به او حق داد که مال و درآمد خود را حفظ کرده و ارث ببرد و در مال خود به هر شکل که خواست تصرف کند و عادت انتقال زن از پدر به پسر به مانند یک کالا را که در میان عرب ها رواج داشت، از بین برده و بهره زن را در میراث نصف بهره مرد قرار داد و از شوهر دادن آنان بدون رضایتشان بازداشت."

ویل دورانت

نویسنده امریکایی

خداوند متعال رسول اش را برای عزت و احترام زن فرستاد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و از نشانه‌هایش آن است که برایتان از [جنس] خودتان همسرانی آفرید تا به آنها آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی مقرر داشت. بی گمان در این [کار] برای گروهی که می‌اندیشند مایه‌های عبرتی است } [سوره روم آیه ۲۱]

و به نیکی با او به عنوان مادر امر کرد. خدای فرماید: {و پروردگارت [چنین] حکم کرد که جز او را میرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.} [سوره اسراء آیه ۲۳]

و نیکی بر او را بر نیکی بر مرد برتر دانست. آن گاه که مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و از او پرسید: ای رسول خدا چه کسی بیش از همه مستحق رفتار پسندیده ه من است؟ فرمود: مادرت. گفت: پس از او؟ فرمود: مادرت. گفت: پس از او؟ گفت: مادرت. گفت: پس از او؟ فرمود پدرت.(روایت از بخاری است) و دستور داد به زن هنگامی که دختر است احترام بگذارید. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود:" هر کس سه دختر داشته باشد و به آنها برسد و با آنها مهربانی کند وامور آنها را به عهده بگیرد بهشت برایش واجب می شود. می گوید : کسی گفت: ای رسول خدا اگر دو دختر بودند چه؟ فرمود : حتی اگر دو دختر باشند.(روایت از احمد است). و دستور داد تا با زن به عنوان همسر احترام بگذارید و این احترام را با افضلیت و بهتر بودن مرتبط ساخت و فرمود: "بهترین شما کسی است که با همسرش بهتر باشد و من بهترین رفتار را با همسرم دارم"(روایت از ابن ماجه است).

ظلم و ستم

"مجالس فلاسفه در اروپا برای این منعقد می شد تا بررسی کنند که آیا زن به مانند مرد داری روح است؟ آیا او دارای روح انسانی است یا دارای روح حیوانی؟ و در بحثشان به این نتیجه رسیدند که زن روح دارد اما روح او، به درجات از روح مرد پست تر است".

رسالت جاویدان چیست؟

تمامی ادیان بر اساس نامی معین نام گذاری شده اند که این نام موسس، یا یک قوم است که آن آئین درمیان آنها نازل شده است. زردشتی به زردشت و بودایی به بودا نسبت داده شده اند و چون یهودیت در قبیله یهودا نازل شد به این نام معروف گشت و نصرانیت از نصارا اقتباس شده است و همه این موارد بر خلاف اسلام است.

اسلام به یک شخص یا به یک امت مرتبط نیست بلکه به یک باور و رفتار اطلاق می شود: هر کس که تسلیم خدای شود و دستورهای او را گردن نهد و از منهیات او دوری کرده و تنها در برابر او گردن نهاد او مسلمان است، چون خود را تسلیم خداوند متعال نموده است و آن گاه که او از خاتم پیغمبران محمد صلی الله علیه و سلم پیروی نمود و از دین حق و راستینی که او آورده است پیروی نمود و به او ایمان آورد و از او پیروی نمود او مسلمان واقعی است در هر زمان و هر مکانی و از هر رنگ و نژادی که باشد.

خداوند را هیچ شریک وهماوردی نیست

"نیست معبود راستینی جز خدای یکتا او را هیچ شریکی نیست او حق و هر چیز غیر از او باطل است. او مارا آفریده و ما را روزی می دهد. اسلام عبارت است از تسلیم شدن در برابر دستورات خداوند متعال و گردن نهادن در برابر او و توکل کردن بر او، تمامی نیروها در هستی برابر با تقدیر او عمل می کنند. و به تقسیم بندی او خشنود باشیم هر چه در دنیا و در آخرت روی دهد و هر چه که به ما می رسد از طرف خداوند است. حتی اگر مرگ باشد. آن را با روی گشاده و روانی خشنود و راضی دریافت کنیم. و بدانیم که تقدیر او تماما خیر و خوبی است. و هیچ خیری جز او نیست. اندیشه بسیار سخیفی است که انسان مغز و فکر خود را میزان و ترازوی تمام هستی اطراف خود ببیند، بلکه او باید بر این باور باشد که هستی قانون عادلانه ای دارد اگر چه از درک و فهم او بیرون باشد و خیر اساس هستی و صلاح و شایستگی روح وجود است. او باید این موضوع را بداند و بر این باور باشد و در آرامش و تقوی آن را در پی بگیرد"

توماس کارلایل

نویسنده و مورخ اسکاتلندی

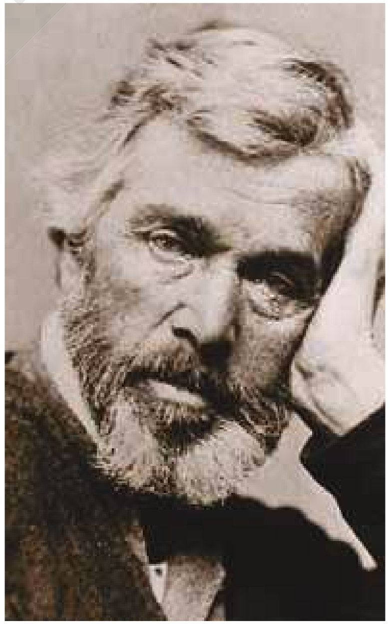

تفاوتی میان عرب و غیر عرب وجود ندارد

"مسلمانان با وجود تفاوت در ملیت در نگاه هم بیگانه محسوب نمی شوند. تفاوتی در بهره بردن از تمام حقوق در میان یک مسلمان چینی با یک مسلمان عربی نیست. بر این اساس حقوق اسلامی با حقوق اروپایی اختلاف فاحش دارد"

گوستاو لوبون

مورخ فرانسوی

رسالت و پیام جاویدان بر همه هستی چیره گشته است:

رسالت و پیام جاویدان بر همه هستی چیره گشته است: {آیا [کافران دینی] جز دین خدا را می‌جویند، حال آنکه، کسانی که در آسمانها و زمین هستند، خواه و ناخواه فرمانبردار او شده‌اند و به سوی او برگردانده می‌شوند } [سوره آل عمران آیه ۸۳]،

مشخص است که هر چیز در این هستی از قاعده ای معین و سنتی ثابت پیروی می کند، خورشید، ماه، ستارگان و زمین همگی از یک قاعده فراگیر پیروی می کنند. آنها نمی توانند به اندازه یک سر سوزن از آن خارج شوند یا با آن اختلاف ورزند. حتی این انسان وقتی به امور خود دقت کند پی خواهد برد که او هم زیر قوانین ثابت خداوند متعال زندگی می کند و تنفس او و نیاز به آب، غذا، نور و حرارت برابر با تقدیر منظم الهی در زندگی است و تمام اعضای بدن او تحت امر این تقدیر الهی هستند. وظایفی که این اعضاء انجام می دهند برابر با دستوری است که خداوند به آنها داده است. این تقدیر و تدبیر که تمام این هستی از آن پیروی می کند و هیچ ذره ای در این هستی نه در آسمانها و نه در زمین از حکم آن خارج نیست، تقدیر پروردگار بزرگوار و مسلط الله است. وقتی که مشخص شد که تمامی آن چه در آسمان و زمین است از او پیروی می کنند پس معلوم شد که اسلام دین و آئین تمام هستی است. زیرا اسلام به معنی

www.path-2-happiness.com

پیروی کردن و پذیرش دستور وامر و دوری از نواهی بدون هیچ اعتراض است، خورشید، ماه و زمین تسلیم هستند، هواء، نور، تاریکی و حرارت تسلیم هستند، درختان و چهارپایان تسلیم هستند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است همگی را برایتان از [لطف و آفرینش خود] مسخّر گرداند. بی گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است } [سوره جاثیه آیه ۱۳]

حتی انسانی که خدایش را نمی شناسد و منکر اوست و آیات او را انکار می کند و یا غیر او را می پرستد و کس دیگر را با او شریک می کند بنا به فطرتی که بر آن آفریده شده است او نیز تسلیم است.

اما انسان در میان دو امر است:

موضوع نخست: فطرتی که خداوند او را برآن آفریده است از جهت تسلیم شدن و فرمان پذیری و محبت پرستش خداوند و نزدیکی به او و دوستی آن چه که خداوند دوست می دارد از حق و خیر و راستی؛ و دشمنی با آنچه خداوند با آن دشمن است از باطل و شر و ستم و حق کشی و آن چه از انگیزه های فطری دارد از دوستی مال و فرزندان و همسر و میل به خورد و نوش وازدواج و آن چه لازمه آن است از قیام اعضای بدن به وظایفی که در راستای این وظایف لازم است.

موضوع دوم: خواست و اراده انسان، خداوند رسولان را به سوی او فرستاده است و برای او کتاب فرستاده تا تفاوت میان حق و باطل و هدایت و تاریکی و خوبی و بدی را بشناسد و او را به عقل و فهم یاری داد تا وضع خود را به خوبی درک کند و اگر خواست راه خیر را بپیماید تا به حق و هدایت برسد و اگر نه راه شر و بدی را می پیماید که به نابودی و هلاکت

می رسد: { و بگو: حق ّاز [سوی] پروردگارتان است، پس هر کس که بخواهد ایمان بیاورد و هر کس که بخواهد کافر شود. به راستی که ما برای ستمکاران آتشی را که سراپرده‌هایش آنان را فرا گیرد، فراهم دیده‌ایم. و اگر فریاد خواهند با آبی همانند مس گداخته که چهره‌ها را بریان کند به دادشان رسند. بد شرابی است و [جهنّم] بد آرامگاهی است } [سوره کهف آیه ۲۹]

اگر با توجه به موضوع نخست به آدمی بنگری پی می بری که او مجبور است تسلیم شود و بر پذیرش امر آفریده شده است و او هیچ راه فراری از آن ندارد و وضعیت او در این موضوع مانند سائر مخلوقات است.

و اگر به او با توجه به موضوع دوم بنگری متوجه می شوی که او مختار است و هر کار که بخواهد انجام می دهد یا مسلمانی اختیار می کند و یا کافر می شود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {ما او را به راه آوردیم. خواه سپاسگزار یا ناسپاس باشد } [سوره انسان آیه ۳]

و به همین سبب مردم را در دو گروه می بینی:

انسانی که خالقش را می شناسد و به او ایمان دارد که او پروردگار و صاحب و تنها معبود اوست و از دستورهای او در زندگی به اختیار پیروی می کند، همان سان که او بر اساس تسلیم شدن برای خدایش آفریده شده است و او را راه گریزی از آن نیست و او تابع تقدیر اوست و این آن مسلمان کاملی است که اسلام او تکمیل شده است و دانش او در راه درست قرار گرفته است، زیرا او دانسته است که الله خالق و سازنده اوست همان که رسولان را به سوی او فرستاده است و به او نیروی دانش و توان آموزش داده و عقل او در راه درست به کار افتاده و نظر او محکم شده است. زیرا او فکرش را به کار گرفته و سپس تصمیم گرفته است تا نپرستد جز خدایی را که او را به موهبت فهم و نظر در

www.path-2-happiness.com

امورعزت داده است و زبان او به حق گویا گشته است زیرا او جز به یک خدا که توان گویایی و نطق را به او داده است اعتراف نمی کند. پس تمام زندگی او راستی است زیرا او فرمان بردار قانون خداست و او را دراین امر هیچ اختیاری نیست و میان او و سائر مخلوقات در هستی رابطه دوستی و شناخت و الفت حاکم شده است. زیرا او جز خدای حکیم علیم را نمی پرستد، آن خدایی که دیگر مخلوقات او را می پرستند و از او فرمان می پذیرند و خداوند آن ها را برای تو، ای انسان رام ساخته است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هر کس نیکوکارانه روی [دل] خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی استوار چنگ زده است و سرانجام کارها به سوی خداوند است } [سوره لقمان آیه ۲۲]

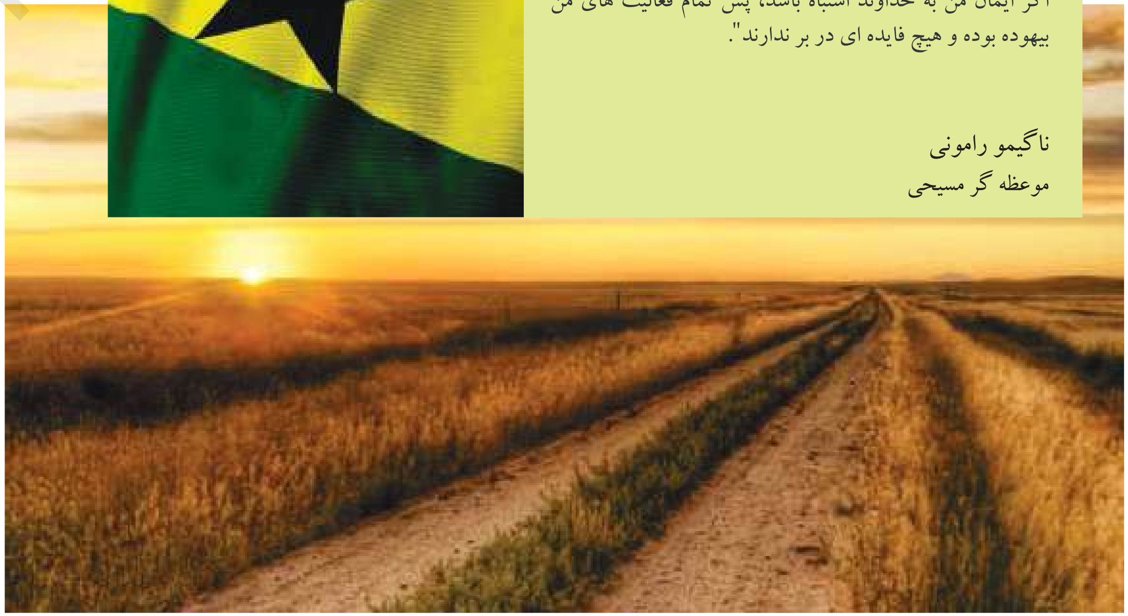

این کجا و آن کجا

"من هیچ گونه اختیاری در مقایسه میان توحید الله در اندیشه اسلامی و سه گانه پرستی مسیحی نداشتم. پی بردم که دیدگاه اخیر بسیار پست تر از اصل توحید اسلامی است. و دقیقا از همین نکته اعتماد خود را به دیانت مسیحی از دست دادم. براین اعتبار که ایمان به خداوند نخستین و مهمترین اصل در هر دین است و اگر ایمان من به خداوند اشتباه باشد، پس تمام فعالیت های من بیهوده بوده و هیچ فایده ای در بر ندارند."

ناگیمو رامونی
موعظه گر مسیحی

رسالت و پیام جاویدان، دین همه انبیاء و پیغمبران است:

رسالت و پیام جاویدان، دین همه انبیاء و پیغمبران است: { معبودتان، معبود یگانه است، برای او تسلیم شوید. و به فروتنان نوید ده. } [سوره حج آیه ۳۴]

و آن دین تمامی پیغمبران و رسولان است. خدای بلند مرتبه می فرماید: { بگویید: به خدا و آنچه که به ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و [نیز] آنچه که به [دیگر] پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است، ایمان آورده‌ایم. بین هیچ کس از آنان تفاوتی نمی‌گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم } [سوره بقره آیه ۱۳۶]

پیغمبران خدا به او ایمان آورده اند و تسلیم شدن خود را در برابر خداوند اعلان داشته و به سوی آن دعوت کرده اند. خدای بلند مرتبه از نوح علیه السلام چنین خبر می دهد: { و خبر نوح را بر آنان بخوان، چون به قومش گفت: ای قوم من، اگر قیام من و پند دادنم به آیات خدا بر شما گران می‌آید، [بدانید] که بر خداوند توکّل کرده‌ام، پس همراه با شریکانتان در کارتان مصمم شوید آن گاه کارتان نباید بر شما پوشیده باشد. سپس [هدفی را که دارید] در حقّ من اعمال کنید و به من مهلت مدهید (۷۱)آن گاه اگر [از دعوت من] روی گرداندید [چه باک؟] که از شما پاداشی نخواسته بودم. پاداش من جز بر [عهده] خداوند نیست. و فرمان یافته‌ام که از تسلیم شدگان باشم (۷۲)} [سوره یونس آیه ۷۲-۷۱]

و در باره ابراهیم علیه السلام چنین می گوید: {آن گاه که پروردگارش به او فرمود: فرمان پذیر. عرض کرد: برای پروردگار جهانیان فرمانپذیرم} [سوره بقره آیه ۱۳۱]

www.path-2-happiness.com

و ابراهیم به فرزندان بعد از خودش سفارش نمود. خدای بلند مرتبه در این زمینه می فرماید: {و ابراهیم فرزندانش را به آن (فرمانپذیری پروردگار) سفارش کرد. همچنین یعقوب [نیز فرزندانش را به آن سفارش کرد]: ای فرزندان من، خداوند این دین را برایتان برگزیده است. پس جز در مسلمانی نمیرید (۱۳۲)آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرارسید، حاضر بودید! آن گاه که به فرزندانش گفت: پس از من چه می‌پرستید! گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، آن معبود یگانه را می‌پرستیم و ما فرمانبردار او هستیم } [سوره بقره آیه ۱۳۳-۱۳۲]

و خداوند از موسی علیه السلام چنین نقل می کند: {و موسی گفت: ای قوم من، اگر به خداوند ایمان آورده‌اید، بر او توکّل کنید اگر اهل تسلیم هستی} [سوره یونس آیه ۸۴]

و از مسیح علیه السلام نقل می کند: { و چون به حواریان الهام کردم که به من و به رسول من ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش به آنکه ما تسلیم شده‌ایم } [سوره مائده آیه ۱۱۱]

و اسلام آخرین پیام آسمانی برای بشریت است که خداوند پیغمبرش محمد صلی الله علیه و سلم را با آن برای تمام مردم فرستاده است. آئینی که خداوند آن را تکمیل کرد و آن را به عنوان دین برای بندگانش رضایت داد. خدای بلند مرتبه می فرماید: { امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین برای شما پسندیدم. }[سوره مائده آیه ۳]

در این آیه کریمه خداوند متعال خبر می دهد که او اسلام را برای بشریت اختیار نموده و به آن رضایت داده و هرگز از اسلام برنمی گردد و اعلان نموده که آن دین حق است و از هیچ کس دین دیگری را نمی پذیرد. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بی‌گمان دین [حقّ] به نزد خداوند، اسلام است.} [سوره آل عمران آیه ۱۹]

و همچنین فرمود: {و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است } [سوره آل عمران آیه ۸۵]

در آیه نخست خداوند تاکید نمود که دین پذیرفته شده در نزد او فقط اسلام است و در آیه دوم خبر داد که او از هیچ کس در دنیا آئینی جز اسلام را نمی پذیرد و رستگاران بعد از مرگ فقط مسلمانان هستند و کسانی که بر آئینی جز اسلام می میرند، در سرای دیگر زیانکار بوده و در عذاب خواهند بود. به همین سبب تمام پیغمبران اسلام خود را اعلان کرده اند و بیزاری خود

را از کسانی که فرمان پذیر نمی شوند و اسلام نمی آورند اعلان داشته اند. هر کس از یهود و نصارا که خواستار رهایی و نجات است باید به اسلام وارد شود و از رسول اسلام محمد صلی الله علیه و سلم پیروی کند، تا پیروی واقعی موسی یا عیسی علیهما السلام باشد زیرا موسی و عیسی و محمد و تمام پیغمبران مسلمان بوده اند و همگی به سوی اسلام دعوت کرده اند زیرا آن دین خداوند بوده است که آنان بر اساس آن مبعوث شده اند و برای هیچ کس که بعد از بعثت او تا به انتهای دنیا بیاید جایز نیست خود را بدون ایمان به محمد مسلمان بنامد و خداوند این ادعا را از او نمی پذیرد مگر این که او به نبوت محمد صلی الله علیه و سلم ایمان بیاورد و از او پیروی کند و به قرآنی که آورده است، عمل کند. رسوا خدا صلی الله عیه و سلم فرموده است:" سوگند به آن که جان محمد به دست اوست هیچ فرد یهودی و یا مسیحی از وجود من و پیامم با خبر نمی شود و سپس بدون ایمان آوردن به من از دنیا می رود مگر اینکه او از یاران آتش است"(روایت از مسلم است).

اسلام اسان است

"آسانی اسلام بزرگ، از توحید خالص گرفته شده است. و راز قوت و نیروی اسلام در همین آسانی است. شناخت اسلام بسیار آسان بوده و از آن چه در دیگر ادیان مشاهده می کنیم خالی است".

گوستاولوبن

مورخ فرانسوی

کمال رسالت جاودانی:

این اسلام که خداوند رسولش محمد صلی الله علیه و سلم را با آن فرستاد آئین ایمان به خداوند و یکتا پرستی اوست. خدای بلند مرتبه می فرماید: { اوست زنده. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، پس او را- با پرستشی خالص برای او- پرستش کنید. ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان (۶۵)بگو: من منع شده‌ام از آنکه- وقتی نشانه‌های روشنگر از سوی پروردگارم برای من آمده است- کسانی را بپرستم که شما [به نیایش] می‌خوانید و فرمان یافته‌ام که برای پروردگار جهانیان فرمانبردار شوم (۶۶)} [سوره غافر آیه ۶۶-۶۵]

آن دین خالص کردن پرستش برای خدای یکتاست. خدای بلند مرتبه می فرماید: { ای دو همزندان من، آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند یکتای قهّار! (۳۹)به جای او نمی‌پرستید مگر نامهایی را که خود و نیاکانتان نهاده‌اید که خداوند هیچ دلیلی بر [حقّانیّت] آنها نفرستاده است. فرمانروایی جز خداوند را نیست. فرمان داده است که: جز او را بندگی نکنید، دین استوار این است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (۴۰)} [سوره یوسف آیه ۴۰-۳۹]

آن دین عقل های سالم است. دینی که اگر بر حقیقت و صفایش عرضه شود نفوس برای آن فرمان پذیر و تسلیم می شوند. خدای متعال می فرماید: {دین استوار این است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره یوسف آیه ۴۰]

آئین دلیل و برهان و حجت است: { بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. } [سوره نمل آیه ۶۴]

دین رحمت و سعادت و آرامش است: {هر کس در حالی که مؤمن است کار

هیچ پرستشی برای غیر خدا جایز نیست پرستش فقط خاص خداوند است

"نظام توحید در اسلام مرا بسیار شگفت زده کرده است. توحید از مهمترین علائم اسلام است. توحید مرا فقط بنده خداوند می سازد من بنده هیچ کسی نیستم. توحید در اسلام انسان را خالص ساخته، و سبب آزادی او در برابر هر انسانی می گردد و این همان آزادی واقعی است. هیچ پرستشی برای غیر خدا نیست."

ابراهیم خلیل

کشیش موعظه گر مصری

شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم } [سوره نحل آیه ۹۷]

در دین اسلام که خداوند بر محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده است خداوند چیزهای پاک و سودمند را حلال ساخته و چیزهای ناپاک و مضر را حرام کرده است. و به هر کار معروف امر کرده و از هر کار زشت بازداشته است و آن دین آسان گیری است که در آن هیچ گونه مشقت و سختی نبوده و در آن تکلیف ها و وظایفی نیست که بشر نتواند آن ها را انجام بدهد. خدای بلند مرتبه می فرماید: { کسانی که از رسولی پیروی می‌کنند که پیامبر درس ناخوانده‌ای است که نام او را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. آنان را به [کارهای] پسندیده فرمان می‌دهد و آنان را از [کارهای] ناپسند باز می‌دارد. و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال می گرداند و ناپاکیزه‌ها را بر آنان حرام می‌شمارد و بار گرانشان و قید [و بند] هایی را که بر [عهده] آنان بود، از [دوش] شان بر می‌دارد. پس آنان که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و او را یاری دادند و از نوری که با او فرو فرستاده شده است پیروی کردند، آنانند که رستگارند } [سوره اعراف آیه ۱۵۷]

و آن دینی شامل و کامل است که برای هر زمان و مکان شایستگی دارد تا زمانی که حیات بر زمین برچیده شود و خداوند زمین و زمینیان را به ارث برد. این دین تمام نیازهای بشر در دین و دنیا را آورده است.

آن راه سعادت و آرامش، دانش و تمدن، عدل و نیکوکاری، عزت و آزادی وهر عمل نیک و خوب است. این دین چقدر بزرگ وکامل است!! خدای بلند مرتبه می فرماید: { و چه کسی نیک آیین‌تر است از کسی که نیکوکارانه روی خویشتن به سوی خدا نهاد و از آیین ابراهیم که پاک دین بود پیروی کرد. و خداوند ابراهیم را دوست گرفت } [سوره نساء آیه ۱۲۵]

دین و دنیا با هم

"این اتحاد بی نظیر در دین و دنیا محمد را بزرگترین شخصیت فرید و تاثیر گذار در طول تاریخ بشریت قرار می دهد".

مایکل هارت

نویسنده امریکایی

و چرا نه!؟

"اگر اسلام این است پس چرا همگی ما مسلمان نشویم"!؟

گوته

ادیب المانی

www.path-2-happiness.com

آن ندایی از خالق توست– آن که از تو به خودت مهربان تر است– تو را ندا می دهد تا از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیایی. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: ای اهل کتاب به سوی سخنی آیید که برابر بین ما و شماست: که جز خدا را بندگی نکنیم و چیزی را با او شریک نیاوریم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند پروردگار برنگیرد. اگر روی برتافتند، بگویید: به آنکه ما مسلمانیم گواه باشید} [سوره آل عمران آیه ۶۴]

و در برابر آن بنده ای که خود را تسلیم خدای بلند مرتبه نموده است، انسان دیگری وجود دارد، او نپذیرفت مگر اینکه فطرت خود، آن فطرتی را که خداوند او را بر اساس آن ساخته است، با پرده انکار و نپذیرفتن بپوشاند. با وجود فراوانی آیات و معجزات که دلیل راستی و درستی او در این دین هستند. او برای خود شرک را اختیار نمود که بر خلاف توحید خدای یکتاست. او تاریکی، خرافات، خیالات و افسانه ها را به جای نور، حق، یقین و هدایت اختیار کرده است.

و برای خود راضی شد تا بنده انسانی مانند خود از احبار یا راهبان باشد بجای اینکه بنده خدای یکتا باشد. پس فطرت خود را پوشاند و عقل خود را تعطیل کرده و پیرو شهوات و شبهات شد. و فطرتی را که خداوند او را بر آن آفریده است واگذاشت. زیرا هر نوزاد بر اساس فطرت اسلام از مادر متولد می شود: {از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی‌پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره روم آیه ۳۰]

تو الان می توانی مقدار سقوط کافر در گمراهی و انحراف را تشخیص بدهی. خدای فرماید: {او کسی است که شما را در زمین جانشینان [خود] گرداند. پس هر کس که کفر ورزد [پی آمد] کفرش به زیان اوست. و در حقّ کافران، کفرشان در نزد خدا جز خشم نمی‌افزاید. و در حقّ کافران کفرشان جز زیان افزون نمی‌سازد } [سوره فاطرآیه ۳۹].

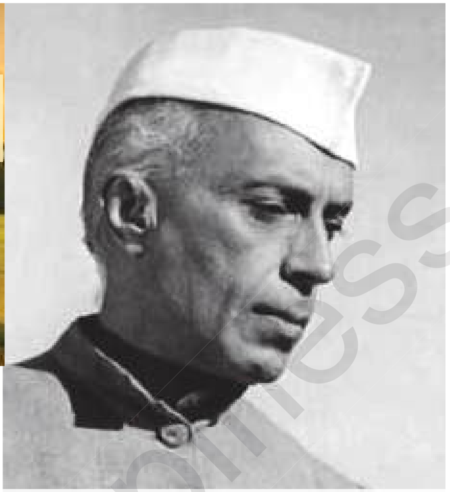

یقین محمد به رسالتش

"گاهی حالت آن شاهان و حاکمان را تصور می کنم که از این مرد ساده نامه هایی را دریافت داشته و او آنها را به اطاعت خود فراخوانده بود. اما ارسال این نامه ها مقدار اعتماد و یقین محمد به خود و به رسالتش را نشان می دهد. با این یقین و با این ایمان برای امتش اسباب توان و عزت و قدرت را آماده ساخته و آنان را از صحرا نشینان به رهبران نصف دنیا بدل ساخت. محمد زمانی درگذشت که از قبائل ناسازگار و ناهمخوان یک امت واحده ایجاد کرده بود، امتی با نیرو و حرارت و احساسات فراوان."

جواهر لعل نهرو
نخستین نخست وزیر هند

اصول ، مصادر و ویژگی های این پیام ورسالت کدام اند؟

اصول تشریع و قانونگذاری:

تشریع و قانونگذاری اسلامی بر اصول و پایه های بی نظیری استوار است که به آن صلاحیتی می دهد تا هر فرد در هر زمان به آن ها عمل کند. مهمترین این اصول عبارتند از:

نخست: آسان گیری:

هیچ تکلیف و وظیفه شرعی اسلامی از توان افراد مکلف بیرون نیست و انجام آن ها بیش از کارهای عادی سبب رنج و خستگی نمی شوند؛ زیرا دین آسان است. خدای فرماید:{ خداوند در حقّ شما آسانی می‌خواهد و در حقّ شما دشواری نمی‌خواهد}[سوره بقره آیه ۱۸۵]

و خدای فرماید: {خداوند می‌خواهد، از [مسئولیت] شما بکاهد و انسان ناتوان آفریده شده است } [سوره نساء آیه ۲۸]

و خدای فرماید: {خداوند هیچ کس را جز [به اندازه] توانش مکلّف نمی‌سازد.} [سوره بقره آیه ۲۸۶]

عائشه رضی الله عنها می گوید:" هرگز رسول خدا صلی الله علیه و سلم در میان دو امر اختیار داده نشد مگر اینکه آسان ترین را اختیار نمود تا زمانی که گناهی در آن نبود و اگر در آن گناهی بود او دورترین مردم از آن بود و هرگز برای خود از کسی

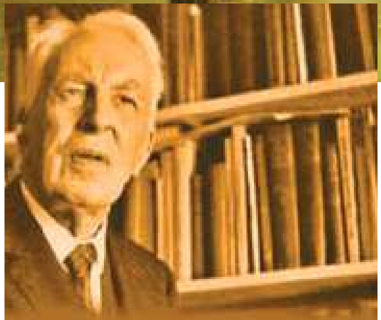

پیغام نبوت محمد

" محمد زندگی خود را وقف کرد تا پیام خود را در محیط اجتماعی عرب در دو شکل محقق سازد: و این دو شکل عبارتند از: وحدانیت در اندیشه دینی و قانون و نظام حکومت و این به فضل اسلام فراگیر و کاملا تکمیل شد. اسلامی که در آن وحدانیت و سلطه اجرایی با هم آشکار شدند و اسلام به فضل این، تبدیل به یک نیروی دافعه قوی گشت که عرب را از یک امت جاهل به یک امت متمدن بدل ساخت"

ارنولد توینبی
مورخ انگلیسی

www.path-2-happiness.com

انتقام نگرفت اما اگر حریم خداوند شکسته می شد برای خداوند انتقام می گرفت"(روایت از بخاری است).

از جمله برداشتن سختی در شریعت اسلام کمی تکالیف است. به طوری که مکلف بدون سختی و به رنج افتادن قادر به انجام آن ها می باشد؛ زیرا در رنج افتادن سختی است و سختی از این دین برداشته شده است. خدای فرماید: {و در دین برای شما هیچ محظوری قرار نداده است.} [سوره حج آیه ۷۸]

همان گونه که هدف از تکالیف و وظایف؛ خوشبختی مکلف در دنیا و آخرت است و تشریع به اندازه ای است که آدمی توان انجام آن را داشته باشد. خدای فرماید: { ای مؤمنان، از چیزهایی میرسید که اگر برای شما آشکار شود، شما را اندوهگین کند، و اگر وقتی که قرآن فرو فرستاده می‌شود، از آن بپرسید، [سختی آن] برایتان آشکار خواهد شد. خداوند از آنها (سؤالات) در گذشت، و خداوند آمرزنده بردبار است (۱۰۱)به راستی گروهی پیش از شما از [همانند] آن پرسیده بودند. آن گاه به [سبب] آن کافر شدند } [سوره مائده ۱۰۲-۱۰۱ آیه ۱۳]

دوم: رعایت مصالح مردم:

کسی که احکام شرعی را مورد بررسی قرار می دهد در می

عقیده محکم

در ارکان پنج گانه اسلام چیزی که سبب نفرت و فرار غیر مسلمان شود وجود ندارد و با وجود سادگی این تکالیف و کمی تعداد آنها نیازی به وارد کردن اصلاح بر آنها نیست، تا در دل مسلمان اثبات شوند. ارزش عملی عقیده اسلامی دلیل ذاتی توان ، نیرو، محکمی و انتشار آن است.

جورج سارتن

سخنران در دانشگاه واشنگتن و هاروارد

نخست دین

"اصول مسلمانان اخلاقی و شریعت و حکومت آنان بر اساس دین و اسلام استوار بود. اسلام ساده ترین و واضح ترین تمامی ادیان است. و اساس آن بر گواهی لا اله الله و محمد رسول الله استوار است."

ویل دورانت

نویسنده امریکایی

یابد که هدف از احکام محقق ساختن مصالح مردم است، تا برای مردم خیر و خوبی محقق شده و از آنان شر و فساد در دنیا و آخرت دور شود. خدای فرماید: {و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم } [سوره انبیاء آیه ۱۰۷]

رحمت برای محقق شدن مصالح است و الا اگر رحمت هدف نبود رسول اخدا به رسول رحمت توصیف نمی شد. تکالیف برای حفظ مصالح بندگان در دنیا و آخرت است. زیرا خداوند از تمام بندگانش بی نیاز است و هیچ عبادتی به او سودی نمی رساند و هیچ گناه و معصیتی به او زیان نمی رساند و تمام شریعت عدل، رحمت، مصلحت و حکمت است. و هر مسئله ای که از عدل به ستم و از رحمت به ضد آن و از مصلحت به مفسدت و از حکمت به بیهودگی بدل شد، از شریعت نیست.

سوم: محقق ساختن عدل در تمام جنبه های آن:

نصوصی که عدل را به عنوان یک روش و منهج اثبات می کنند بسیار زیادند. بسیاری از نصوص به برپاداشتن عدل و بر حذر داشتن از ظلم فرا می خوانند. حتی این مورد با مخالف نیز صدق می کند. خدای فرماید: { ای مؤنان، برای [گزاردن حق] خدا [که مفاد عهد پیش گفته

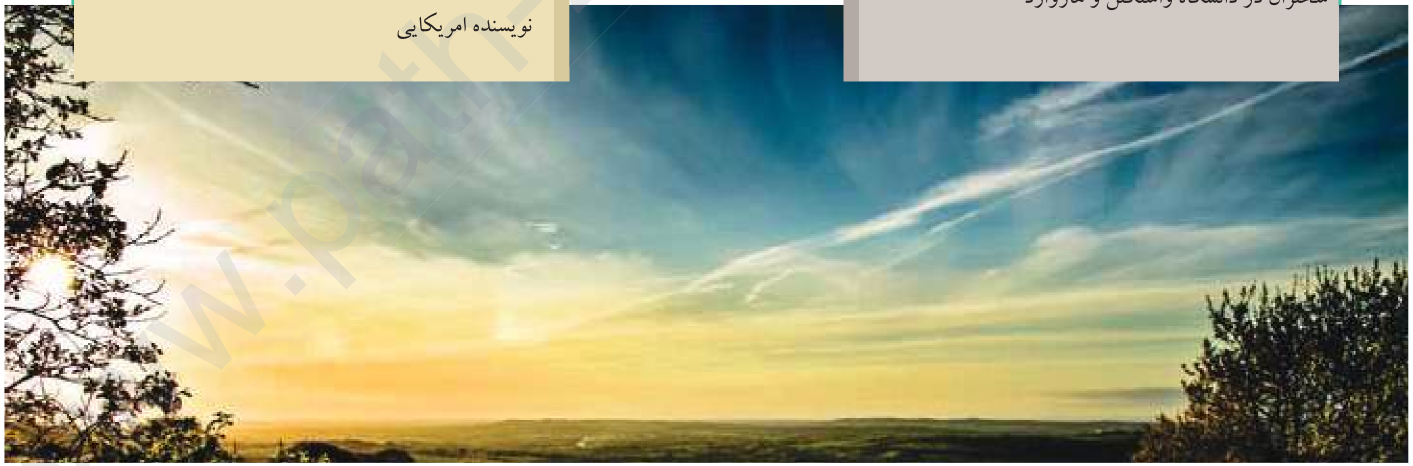

www.path-2-happiness.com

است] برخیزید [و] گواهان به عدل باشید. و دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که به عدالت رفتار نکنید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوی نزدیکتر است و از خداوند پروا بدارید، که خداوند به آنچه می کنید آگاه است } [سوره مائده آیه ۸]

چهارم: فراگیری وتکامل:

از مهمترین دلایل صحت و درستی دین و رسالت آن متمایز بودن آن به ویژگی فراگیری و تکامل است، خدای فرماید: {هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فرو گذار نکرده‌ایم}. [سوره انعام آیه ۳۸]

وهمچنین خدای فرماید: {و بر تو کتاب [آسمانی] برای روشن ساختن هر چیزی و راه نمودن و رحمت و مژده دادن مسلمانان نازل کردیم } [سوره نحل آیه ۸۹]

و این فراگیری در عقیده و باور و نگاه آدمی و در عبادت و تقرب و در اخلاق و فضائل و در تشریع و قانونگذاری و تنظیم و احکام و بلکه در تمام زندگی، متجلی می شود.

اسلام .. امنیت و امان یافتن

"یهود زیر پرچم اسلام به امنیت و عدالت دست یافته و از شکنجه و تجاوز رهایی یافتند. بر آنان قرن های متمادی سپری شد، در حالی که در رفاه وثروت بسر می بردند."

نسیم سوسه
سخنران یهودی عراقی

پنجم: توازن و میانه روی و اعتدال:

دین اسلام دین توازن و میانه روی و اعتدال است:{و همچنین شما را امتی میانه [برگزیده] گردانده‌ایم }[سوره بقره آیه ۱۴۳]

هر چیز در احکام و شریعت او به میزان دقیق آماده شده است. {و آسمان را برافراشت و ترازو را مقرر داشت } [سوره رحمن آیه ۷]

و مسلمانان را به توازن در همه چیز دستور داده است. واز این نمونه است کلام خداوند: {و آنان که چون انفاق کنند، زیاده روی نمی کنند و بخل نمی‌ورزند و [شیوه‌شان] بین این [دو حدّ] معتدل است } [سوره فرقان آیه ۶۷]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم از زیاده روی برحذر داشته است و فرموده است: "از زیاده روی در دین بپرهیزید زیرا زیاده روی کسانی را که پیش از شما بوده اند نابود ساخته است" و به توازن و دادن حق هر کس به خودش امر کرده است و فرموده است"خدایت بر تو حقی دارد و نفست بر تو حقی دارد و همسرت بر تو حقی دارد پس حق هر صاحب حقی را بده"

ویژگی های قانونگذاری اسلامی:

نخست: مصدر آن ربانی است:

مصدر دین اسلام خالق عظیم است. کسی که آدمی و هستی را با آن چه در آن است، آفریده است. و مصدر الهی بودن به آن، مزایای فراوانی می دهد از آن جمله: الله خالق و رازق است و فقط او حق قانونگذاری دارد و پیغمبران و پیروان آنان قانون را به خداوند یکتا نسبت می داده اند و تمام قوانین دیگر را باطل می کردند. خداوند متعال از خاتم پیغمبران نقل می کند، آن چه را او در نسبت به شرع خود گفته است: { بگو: من از میان پیامبران [پدیده‌ای] نو ظهور نیستم و نمی‌دانم که با من و شما چگونه رفتار خواهد شد. جز از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی نمی کنم و من جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم } [سوره احقاف آیه ۹]

رسول خدا با وجود منزلت بزرگ و جایگاه عظیم در نزد خداوند پیروی قانونی است که از طرف او وحی شده است. رسول خودش واضع قانون نیست و از قانون و منهج خدایش پیروی می کند و مخالف قانون او عمل نمی کند. آفریننده بودن الله سبب می شود که او نسبت به آفریده ها داناتر باشد. خدای فرماید: { آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملک آیه ۱۴]

او به فطرت بندگانش آگاه تر است و به مصلحت و مفسدت آنان داناست. او داناتر است به آنچه برای آنان سودمند است و به

www.path2-happiness.com

آن چه برایشان زیان دارد و هیچ کس غیر از سازنده، به ساخته و صنعت خود داناتر نیست. خدای فرماید: {بگو: شما داناترید یا خدا!} [سوره بقره آیه ۱۴۰]

و قانونگذار بودن خداوند، به قانون او ویژگی عدل و درستی می دهد. خداوند پاک است از اینکه بر بنده ای به حساب بنده دیگر ستم روا دارد. هماطور که کیفر ها در اسلام کیفر های دنیایی و اخروی هستند، هر کس که در دنیا به هر سبب به پاداش خود یا به کیفر کارهای بد خود نرسید سزای خود را در سرای دیگر خواهد یافت.

دوم: ارتباط تشریع اسلامی با اخلاق:

از امور ثابت است که هدف قانونگذاری به محض طرح آن محقق نمی شود، بلکه به پذیرش مردم در اجرای آن با رضایت و قناعت قلبی، متوقف می شود. همانگونه که هدف از قانون فقط با ساختار نیکو و محکم کردن آن نیزمحقق نمی شود، بلکه با اجرای آن توسط افرادی که برای آنها وضع شده است محقق می گردد. این اجرا باید با انگیزه درونی از سوی خودشان باشد و این انگیزه از ایمان آنان به منصفانه بودن قانون و رضایت آنها نسبت به آن و باور آنان نسبت به پاداشی است که از قانونگذار دریافت می کنند. اگر به قانون و احکام او رضایت داشته باشند. قوانین اسلام بر اساس رضایت و اقناع قلبی اقامه شده اند. خداوند در آموزش اسلام به

این مهم امر کرده است: { و با آنان سخنی مؤثر در دلهایشان بگو. } [سوره نساء آیه ۶۳] {پس پند ده که تو تنها پند دهنده‌ای (۲۱)بر آنان چیره نیستی (۲۲)} [سوره غاشیه آیه ۲۲-۲۱]

و خداوند بعثت رسول اش را منحصربه این دلیل، نموده است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:" من برای تکمیل کردن اخلاق نیکو برانگیخته شده ام".

سوم: ارتباط میان دنیا و آخرت:

از مواردی که قوانین اسلام را از دیگر قوانین وضعی بشری متمایز می کند آن است که اسلام در دنیا و در آخرت کیفر و پاداش می دهد و همیشه پاداش اخروی از پاداش دنیوی بزرگتر است به همین سبب مومن انگیزه قوی داخلی برای انجام اعمال و پیروی از اوامر واجتناب از نواهی دارد. و اگر مکلف در دنیا به کیفر خود نرسید، می داند که خداوند از او غافل نمی شود و مردم به آن چه در دنیا انجام می دهند در برابر خداوند پاسخگو هستند. خدای بلند مرتبه می فرماید: { آیا می‌پندارد که کسی بر او توان نیابد! } [سوره بلد آیه ۵]

و همچنین می فرماید: {آیا می‌پندارد که کسی او را ندیده است!} [سوره بلد آیه ۷]

چهارم: تاثیر اجتماعی احکام الهی:

تشریع و قانون اسلامی مصلحت یک شخص را بر شخص دیگر ترجیح نمی دهد و به نفع یک شخص و به ضرر شخص دیگر عمل نمی کند. اسلام مشکل بزرگ جوامع بشری، را حل کرده است، مشکل درگیری میان مصالح فردی و مصالح اجتماعی، در نظام سرمایه داری مصلحت فرد بر مصلحت جامعه غالب شده است و در نظالم سوسیالیستی مصلحت جمع بر مصلحت فرد غالب گشته و مصلحت فرد از بین رفته است و اموری فطری او چون حق تملک و استقلال و امور خصوصی او از بین رفته و به همین سبب شخصیت او پژمرده گشته و استعدادهای او روز به روز ضعیف می شوند. اما اسلام نظام قانونگذاری خود را بر اساس توازن

دین آرامش

"من برای نخستین بار در زندگی خود احساس آرامش و آسایش کردم و دانستم که زندگی من ارزش دارد. فهمیدم که خدایی را که نمی بینی و او تو را در هر جا می بیند به چه معنی است و کارهای تو را زیر نظر دارد و آنها را با میزان عادلانه می سنجد. تا پاداش کارهایت را در روز قیامت بدهد".

اناتولی اندربوش
ژنرال روسی

www.path-2-happiness.com

در میان این دوحق قرار داده است. حقوق اجتماعی جامعه ای را که در آن زندگی می کند، رعایت کرده است. اما در همین وقت از خواسته های فرد مسلمان نیز غافل نمانده است. در بحث قضایای سیاسی می یابیم که از حق حاکم و صاحب امر است که مردم مطیع حکم و دستور او باشند و از او پیروی و حرف شنوی داشته باشند، اما این اطاعت مشروط بر آن است که او در دستورهای خود مصلحت عمومی را رعایت کند. گرنه اسلام این حق را از او سلب می کند. لازم است تا از ولی امر در غیر معصیت خداوند اطاعت شود.

پنجم:ثبات در قواعد و نرمش در اجرا:

اسلام بر اصولی ثابت و لایتغیر استوار است، اصولی که از مصادر نخستین برگرفته شده اند: قرآن که خداوند آن را محفوظ نگه داشته است: {بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم } [سوره حجر آیه ۹]
آن که هیچ باطلی در آن وارد نمی شود: {باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمی‌یابد از [سوی] فرزانه ستوده فروفرستاده شده است } [سوره فصلت آیه ۴۲]
و سنت نبوی از دیگر مصادر تشریع اسلامی است، سنتی که توسط علمای نقاد حفظ و تدوین شده است. و غالبا نصوص آن در برگیرنده احکام عمومی تشریع و قانونگذاری، بدون توجه به تفاصیل مربوط به تطبیق است . اجرای این احکام برای گذاشتن سلطه مجتهد برای رعایت اوضاع واحوال اجرای احکام است، اجرای این قوانین را با مقداری نرمش در برابر واقعیت های جوامع قرار داده است. زیرا آن چه مهم است محقق شدن اهداف بدون توجه به شکل ظاهری وسایلی که ما را به آن اهداف می رسانند می باشد. تا زمانی که آن کار مخالف نصی شرعی یا اصلی از اصول شرع نباشد به همین سبب اجرای

عمومی شریعت تا حد زیادی با نرمش و توانایی تغییر همراه است. به همین سبب اشکالی ندارد که با توجه به موضوعات و مسائل جدید احکام جدیدی بوجود بیاید، احکامی که درخور این اوضاع و احوال جدید باشند.

دین عزت و کرامت

اسلام دین صلح، مساوات، آزادی، برادری، کرامت و عزت است. این به خوبی در احکام ، اصول و آدابش برای ما آشکار می شود. مثلا روزه در اسلام مانند روزه در دیگر ادیان نیست. زیرا مشکل آدمی این نیست که خواسته های جسم خود را سرکوب کند به مانند آن چه که راهبان انجام می دهند، تا اینکه یکی از آنان تبدیل به یک جسد استخوانی متحرک می شود. اسلام خواسته های جسم را تهذیب و پاک نموده و آنها را سرکوب ننموده است. روزه دراسلام برای آموزش صبر، شکیبایی و جهاد بر ضد شهوات گناه آلود و حرام می باشد و توجه به خداوند در هر حالت آشکار و پنهان وچشیدن طعم محرومیت و گرسنگی تا نسبت به محرومان دلسوزی کند. همانگونه که روزه فرصتی برای جسم می باشد تا از پرخوری راحت شود. پس روزه برای صحت و سلامتی و برای روح و عقل و برای جامعه در ایجاد نزدیکی و همکاری و اتحاد مفید است".

بریشما بنکمرت

استاد تربیت تایلندی که از بودایسم به اسلام گرایید

www.path-2-happiness.com

شریعت اسلام و قوانین وضعی.. تفاوت ها و اختلاف ها:

در میان تشریع اسلامی و قوانین وضعی تفاوت های فراوانی وجود دارد. از جهت:

تفاوت نگاه روانی به قوانین و جایگاه آنها در قلوب مردم:

تشریع اسلامی دارای جایگاه بلندی در دل های مردم بوده و از قداستی خاص برخوردار است و این به سبب صفت دینی است که به آن متصل شده است. زیرا سازنده این قانون خداوند است و او کسی است که در دل ها از قداست بلند مرتبه ای برخوردار بوده و از او به شکل مطلق فرمانپذیری می شود.

هماهنگی شریعت اسلامی با فطرت بشری و شایستگی اجرای آن در هر زمان و مکان:

شریعت اسلامی با همه ملت ها و اقوام هماهنگی دارد. با توجه به اختلاف طبیعت، نژاد و زبان آنها، زیرا سازنده و قانونگذار آن خداوند پاک است و او به هر آن چه شده و خواهد شد آگاه است. او به فطرت و غرائز بشری و طبیعت او و به هر آن چه مربوط به اوست، آگاهی کامل دارد و از پیروی شهوات و خواهشات نفسانی پاک و منزه است. خدای بلند مرتبه می فرماید: { پس روی [دل]ات را با حق‌گرایی تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی‌پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره روم آیه ۳۰]

اما قوانین وضعی را بشر ساخته است و بشر هر چندان که به دانش دست یابد باز هم از درک تمام حقایق قاصر است. اگر آنان بدانند دیروز و امروز چه روی داده است از درک آن چه فردا روی خواهد داد ناتوان هستند و ممکن است قسمتی از طبیعت بشری را درک کنند اما از درک کامل آن درمانده و ناتوان اند و به همین جهت این قوانین با فطرت بشری و تمام جوامع هماهنگ نیستند. این قوانین اگر برای یک قوم شایستگی داشته باشند برای قوم دیگر شایستگی ندارند.

شریعت اسلامی با حق و عدل و درستی همگام است:

تشریع اسلامی موافق با نظر درست و در مسیر حق و عدل است و این به سبب عدم ورود خطا و اشتباه یا ستم و ظلم یا پیروی از خواهشات و شهوات در تشریع اسلامی است. خدای بلند مرتبه می فرماید: { و وعده پروردگارت از روی راستی و انصاف کامل است. برای سخنانش تغییر دهنده‌ای نیست. و او شنوای داناست } [سوره انعام آیه ۱۱۵]

خداوند متعال از غرض ورزی پاک است. او تمام امور پنهانی و آشکار را می داند و به کارهای بندگان احاطه دارد به چیزی دستور می دهد که مصلحت بندگان در آن است و فقط از چیزی باز می دارد که برای آن ها ضرر دارد. اما قوانین وضعی در معرض اشتباه و غلط و فراموشی و پیروی از خواهشات نفسانی هستند و به همین سبب از اشتباه، کوتاهی، باطل شدن و تغیر و تبدیل مصون نیستند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار، می‌یافتند } [سوره نساء آیه ۸۲]

www.islamhappiness.com

شریعت اسلامی جانب انسانی را رعایت کرده است:

شریعت اسلامی فقط یک مجموعه قوانین نیستند که مردم با فکر خود آن ها را ساخته باشند بلکه آن ها را خداوند ساخته است با توجه به آن چه برای انسان و طبیعت و آفرینش او مناسب است. آن که آدمی را آفریده است بهتر می داند چه چیزهایی برای آنها مناسب است: { آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملک آیه ۱۴]
و او بهتر می داند چه چیزی بار آنها را سبک می کند: }خداوند می‌خواهد، از [مسئولیت] شما بکاهد و انسان ناتوان آفریده شده است } [سوره نساء آیه ۲۸]
اما قوانین وضعی برابر با خواهشات سازندگان و برابر با توجه و مزاج و طبیعت جامعه آنان درست شده اند.

مرتبط بودن تشریع اسلامی با جانب روحی:

تشریع اسلامی به ظاهر و باطن اعمال توجه می کند. خدای بلند مرتبه می فرماید: }و بدانید که خداوند آنچه را که در دلهای شماست، می‌داند، پس از او بر حذر باشید و بدانید که خداوند آمرزنده بردبار است} [سوره بقره آیه ۲۳۵]
بر خلاف قوانین وضعی که به ظاهر قضیه می پردازند و کاری به قسمت روحی یا اخروی آن ندارند. کیفر در قوانین وضعی فقط دنیایی است.

جامعه ای تمیز و خوشبخت

"جامعه اسلامی که به احکام و آداب اسلامی پایبند است، جامعه ای تمیز و خوشبخت بوده و تمام انواع جرایم در آن از بین رفته اند".

بریشا بنکمرت

استاد تربیت تایلندی که از بودایسم به اسلام گرایید

مصادر اسلام:

تشریع اسلامی و عقاید و احکام آن از وحی الهی– قرآن و سنت – برگرفته شده است. اینها دو مصدر اسلام هستند و قوانین و عقاید و احکام اسلامی از این دو برگرفته شده اند. بطور مختصر این دو اصل تعریف می شوند:

الف: قرآن عظیم:

خداوند متعال قرآن را بر بنده اش محمد صلی الله علیه و سلم فرستاد تا سبب هدایت پرهیزکاران و قانونی برای مسلمانان باشد وشفای دل کسانی باشد که خداوند قصد هدایت آنان را دارد و چراغی برای کسانی باشد که خداوند به آنان رستگاری و نور را اراده نموده است و آن شامل آن اصولی است که خداوند برای آن پیغمبران را فرستاده است. قرآن نخستین کتاب فرستاده شده نبود:

همانگونه که محمد صلی الله علیه و سلم نخستین رسول و فرستاده نبود. پیش از این بر ابراهیم صحیفه هایی فرستاده شد و خداوند موسی را با دادن تورات عزت داد ومسیح انجیل را آورد و این کتاب ها وحی خداوند متعال بودند که بر پیغمبرانش وحی نموده بود و آن چه که ثابت می کند که این قرآن وحیی از طرف خداست آن است که او ایمان به تمام پیغمبران را اثبات

قرآن آخرین کتاب آسمانی است

"هنگامی که من به توحید ایمان آوردم، به دنبال دلیل و حجت گشتم تا ثابت شود که قرآن کتاب خداوند است و آن آخرین کتاب آسمانی و پایان بخش همه آن ها است. من خداوند را سپاس می گویم چرا که به من توان حل این مسئله را داد. قرآن کریم تنها کتابی است که به تمامی کتاب های آسمانی اعتراف می کند، در حالی که می بینیم آنها یکدیگر را رد می کنند. این در حقیقت یکی از ویژگی های قرآن است".

بشیر شاد

موعظه گر هندی

جایگاه قرآن و فضیلت آن

"قرآن چهارده قرن در حافظه مسلمانان پابرجا مانده و سبب بهره وری ذهن و خیال آنها گشته است. اخلاق آنان را شکل داده و استعداد میلیون ها نفر از آنها را تقویت کرده است. قرآن آسان ترین عقاید و بی ابهام ترین و دورترین آنها از شکلیات و مراسم را در وجود انسان ایجاد می کند و بیش از تمام باورها از دوگانه پرستی و غیبگویی به دور است. اسلام بزرگترین نقش را در بالا بردن جایگاه اخلاقی و فرهنگی مسلمانان دارد. اسلام بود که در میان آنان اصول نظام اجتماعی و وحدت اجتماعی را بوجود آورد و آنان را بر پیروی از قواعد سلامتی تشویق نمود و عقل آنان را از بسیاری از خرافات و توهمات و از ستم و سخت دلی آزاد کرد و وضعیت بردگان را اصلاح و نیکو کرده و در دل افراد پست و تحقیر شده کرامت و عزت را بوجود آورد".

ویل دورانت

نویسنده امریکایی

می کند و در میان هیچ کدام تفاوتی قایل نمی شود. خدای فرماید:
{به راستی آنان که به خدا و فرستادگانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند در میان خدا و فرستادگانش جدایی بیندازند و می گویند به برخی ایمان می‌آوریم و برخی [دیگر] را انکار می‌کنیم و می‌خواهند بین این [و آن] راهی برگزینند (۱۵۰)این گروه در حقیقت کافرند و برای کافران عذابی خوار کننده آماده ساخته‌ایم (۱۵۱) و کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند و بین کسی از آنان فرق نگذاردند، اینان، خداوند پاداششان را به آنان خواهد داد و خداوند آمرزنده مهربان است ۱۵۲}[سوره نساء آیه ۱۵۲-۱۵۰]

اما مقدار زیادی از کتابهای پیشین مفقود شده بود و اکثر آنان کهنه گشته و در معرض تحریف و تبدیل قرار گرفته بودند.

اما خداوند متعال حفظ قرآن را بر عهده گرفته بود. خدای متعال فرماید: {بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم} [سوره حجر آیه ۹]

و آن را نگهبان پیام دیگر کتب و ناسخ آنها قرار داده است. خدای فرماید: {و [این] کتاب را به راستی [و] تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم است به تو نازل کردیم}[سوره مائده آیه ۴۸]،

و خداوند آن را به بیان کننده همه چیز توصیف می کند. خدای فرماید: {و بر تو کتاب [آسمانی] برای روشن ساختن هر چیزی و راه نمودن و رحمت و مژده دادن مسلمانان نازل کردیم} [سوره نحل آیه ۸۹]

و آن هدایت و رحمت است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بی گمان دلیلی از [جانب] پروردگارتان و هدایت و بخشایشی برایتان آمده است.} [سوره انعام آیه ۱۵۷]

و آن به بهترین راه هدایت می کند. خدای فرماید: {این قرآن به راهی هدایت می‌کند که آن استوارتر

www.path-2-happiness

است و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند بشارت می‌دهد که آنان پاداشی بزرگ دارند} [سوره اسراء آیه ۹]

قرآن بشریت را در تمام قضایای زندگی به بهترین راه راهنمایی می کند.
وقرآن تمام نیازهای بشر را در بر دارد آن شامل اصول، عقاید، احکام، معاملات، آداب و دیگر چیزها است. خدای فرماید: {هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فرو گذار نکرده‌ایم.}[سوره انعام آیه ۳۸] (۴۴)

کتاب فراگیر

"قرآن کتاب تربیت و فرهنگ سازی است و تمام آن چه در آن است، درباره واجبات و فرائض نیست. فضایلی که مسلمانان بر آن تشویق می شوند، از جمله زیباترین فضائل و برترین آنها در میزان اخلاق هستند و هدایت کتاب در نواهی آن آشکار می شود همان گونه که در اوامرش نیز آشکار می شود."

سدنی فیچر
استاد دانشگاه اوهایو در امریکا

ب: سنت نبوی:

خداوند بلند مرتبه قرآن را بر رسول خدا نازل کرد و سنت نبوی را به او الهام نمود. خدای فرماید: {آن (قرآن) جز وحی نیست که [بر پیامبر] فرستاده می‌شود} [سوره نجم آیه ۴]
و این به مانند قرآن است.
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:"همانا به من کتاب و مانند آن داده شده است، همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است" (روایت از احمد است) سنت یک نوع وحی و الهام از طرف خداوند به رسولش محمد است. زیرا نبی خدا صلی الله علیه و سلم از هوی نفس سخن نمی گوید بلکه چیزی را می گوید که از جانب خداوند به ابلاغ آن به مردم، امر شده است. خداوند می فرماید: {جز از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم و من جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم} [سوره احقاف آیه ۹]
سنت مصدر دوم از مصادر اسلام است و آن تمام آن چیزی است که از رسول خدا صلی الله علیه و سلم با سند صحیح و متصل به او روایت شده است از سخن و کردار و تقریر به معنی پذیرش یا توصیف .
سنت شرح دهنده وبیان کننده قرآن است به او اجازه داده شده است

سنت بی مانند و بزرگوار

" سنت بی مانند محمد تا به امروز پابرجا مانده است . آن نشانه بزرگترین اخلاص دینی است که در روان ملیونها انسان پیرو سنت در روی کره زمین برانگیخته شده است."

ایتین دینیه
نقاش و اندیشمند فرانسوی

تا عموم، خصوص، اجمال و مختصر قرآن را تبین کند. خداوند می فرماید: {[آنان را] با دلایل و کتابها [فرستادیم] و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فرو فرستاده شده است و باشد که اندیشه کنند} [سوره نحل آیه ۴۴]

پس سنت شارح قرآن است و آیات آن را تفسیر کرده و احکام مختصر آن را به تفصیل بیان می کند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم گاهی با سخن و گاهی با عمل و کردار و گاهی با هر دو، آیاتی را که بر او نازل شده بود، شرح می داد و سنت در بیان برخی از احکام و قوانین مستقل وارد شده است.

سنت مطهر رسول خدا تطبیق عملی احکام و عقاید و عادات و معاملات و آداب اسلامی است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن چه را به او دستور داده شده بود اجرا می کرد و به مسلمانان دستور می داد تا به مانند او عمل کنند و خداوند به مومنان دستور داده است تا از سخنان و کردار او پیروی کنند تا ایمانشان تکمیل شود. خداوند می فرماید: {به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست} [سوره احزاب آیه ۲۱]

صحابه کرام رضوان الله علیهم سخنان و افعال رسول خدا صلی الله علیه و سلم را برای نسل های بعد از خود نقل کرده اند.

قرآن و حدیث کنار به کنار

"قرآن به وسیله حدیث تکمیل می شود. آن مجموعه ای از سخنان هستند که به کارها و دستورات محمد مرتبط می شوند و در حدیث عنصر اساسی را که در ذهن محمد در برابر اوضاع متغیر شکل می گرفته است مشاهده می کنید. سنت بیان کننده و مفسر قرآن است و از آن بی نیازی حاصل نمی شود."

جاك رايسلر

شرق شناس فرانسوی

و هر نسل آن ها را برای نسل بعدی نقل کرده است و سپس آنها را تدوین کردند. ناقلان سنت در نقل آن بسیار سخت گیری می کردند و شرایط سختی برای پذیرش روایت قایل بودند و شرط پذیرش را هم عصر بودن راوی با کسی قرار داده بودند که از او روایت کرده است تا سند کاملا درست و مشخص به رسول خدا صلی الله علیه و سلم برسد و تمام کسانی که این روایت از آنان نقل شده است باید قابل اعتماد، ثقه، عادل، راستگو و امانتدار بوده باشند.

واجب است به قرآن و سنت به عنوان دو مصدر اساسی در دین اسلام ایمان داشته باشیم و از آنان پیروی و به آنها مراجعه کنیم و از اوامر آنها پیروی و از نواهی آنان دوری کنیم و اخبار وارده در آنان را تصدیق کرده و به چه در آنها از نام ها، صفات و افعال خداوند آمده است ایمان بیاوریم و به آن چه به دوستان مومن اش وعده داده و به آن چه به دشمنان کافرش تهدید کرده است باور داشته باشیم. خدای بلند مرتبه می فرماید: {سوگند به پروردگارت، [در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آن گاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملا گردن نهند} [سوره نساء آیه ۶۵]

سنت هدایت گر

" همانا عمل به سنت محمد سبب حفظ کیان اسلام و رشد آن می شود. و ترک سنت سبب از هم پاشیدن اسلام می گردد. سنت مانند ستون فقرات آدمی است، که ساختمان اسلام بر آن استوار ایستاده است و اگر آن ستون را برداری، این ساختمان از هم می پاشد گویی که آن از کاغذ ساخته شده است"

لیوپولد فایس

اندیشمند دانمارکی

www.path-2-happiness.com

و خداوند پاک می فرماید: {و آنچه که رسول [خدا] به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد، بازآیید} [سوره حشر آیه ۷]

چقدر خوشبخت است کسی که این راه را، که راه سعادت و خوشبختی است بپیماید.

گرد آوردن سنت نبوی

" این احادیث که مجموعه آن سنت را بوجود می آورند، با دقت فراوان در نقل و نقد از صحابه روایت شده اند. به این ترتیب مجموعه بزرگی از احادیث تدوین شده اند"

جاک رایسلر

شرق شناس فرانسوی

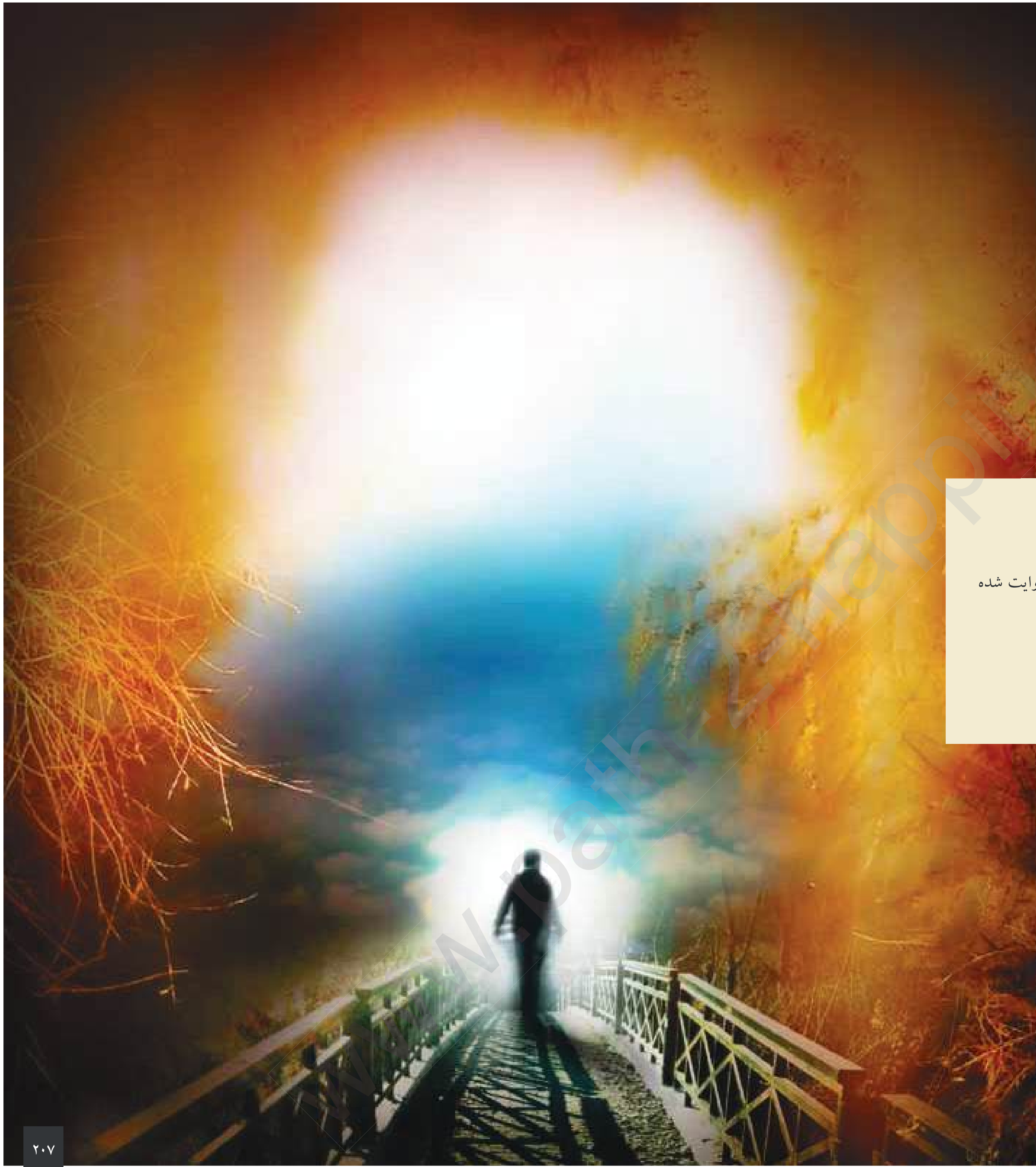

مطالب

مفهوم خوشبختی و حقیقت آن

سعادت با لذت متفاوت است:

هرگز.. خوشبختی در راحتی نیست.

راه خوشبختی.. صلح انسان با خودش و با زندگی و با هستی است:

نشانه های راه سعادت و خوشبختی:

اسباب سعادت زندگی دنیا در اسلام

بدبختـــی و تیـــره روزی دوری از راه سعادت است:

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

راه خوشبختی

www.path-2-happiness.com

راه خوشبختی

مفهوم خوشبختی و حقیقت آن

کلمه سعادت و خوشبختی از جمله کلماتی است که مردم در باره آن اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را متصل به لذت یا راحتی یا مال یا پست و منصب یا شهرت و غیره می دانند. بر همین اساس مردم عمر خود را پی یافتن سعادت در میادین متفاوتی سپری می کنند. آری.. سعادت و خوشبختی احساسی است که از درون آدمی می جوشد آن گاه که احساس خشنودی و رضایت و آرامش و آسایش و شادمانی نمود. اما نظرات مردم در باره سعادت بر اساس اختلاف طبیعت آنها و امور مورد توجه و آرزوهای آنان و حتی جامعه آنان متفاوت است. برخی آن را در مال می جویند و برخی در مسکن، برخی در پست و مقام یا صحت و سلامتی، دیگران در همسر یا فرزندان یا کار یا تحصیل و شاید برخی آن را در نزدیکی به حبیب و معشوق و یا رهایی یافتن از یک اضطراب روحی و یا یاری رساندن به یک مسکین یا فقیر بدانند. اما شگفت آن است که هرگاه از یکی از آنان می پرسی آیا تو واقعا خوشبخت هستی؟ پاسخ می دهد: نه !!!

پس متوجه می شوی که تعریف سعادت از یک نفر تا نفر دیگر و از یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است. حتی برخی از سازمان های بین المللی نردبانی به نام نردبان سعادت در میان ملت ها، وضع کرده اند، تا بدانند کدامین ملت بیشتراحساس خوشبختی می

دین سعادت و آرامش

روژه دوباکیه

اندیشمند و روزنامه نگار سویسی

"من از خود می پرسیدم: چرا مسلمانان با وجود فقر و عقب ماندگی احساس سعادت و خوشبختی می کنند و این احساس زندگی آنان را پر کرده است؟ و چرا اهل سویس با وجود رفاه و پیشرفت احساس تیره روزی و بدبختی و تنگی می کنند؟ وضعیت کشور من سویس نیز این چنین بود و من همین احساس را در آن جا داشتم با وجو این که آن کشوری با درجه رفاه بالاست!! در برابر این وضع خود را نیازمند آن دیدم تا ادیان مشرق زمین را مورد تحقیق قرار بدهم، پس از دین هندویسم آغاز کردم اما از آن خیلی قانع نشدم. سپس به تحقق دین اسلام رو آوردم مخالف نبودن آن با ادیان دیگر مرا به شدت بسوی خود جذب کرد و اینکه تمام زندگی را در بر می گیرد آن پایان بخش ادیان است و این حقیقتی است که در دل من جای گرفت تا بیشتر در باره این دین خواندم و تحقیقات و من بیشتر و عمیق تر شد"

خوشبختی بشریت

نسیم سوسه

سخنران یهودی عراقی

"نباید از نگاه پنهان بماند که تمدن جدید غرب از ارضاء نفوس ناتوان مانده است و از ایجاد سعادت برای بشریت در مانده گشته است و مردم را در دره هلاکت و بدبختی و شک و تردید انداخته است؛ زیرا تلاش دانش جدید به سمت نابودی است و آن بسیار دور است و وضعیت آن چه به کمال وصف می شود این چنین است و یا اینکه واسطه خدمت برای انسانیت باشد همان گونه که در اسلام است"

کند و برای این نردبان درجه هایی قرار داده اند. در این زمینه تحقیقات مختلفی صورت پذیرفته است، اما نتیجه برای همگی غیر قابل انتظار بود، مردم امریکا بسیار احساس بدبختی وسیه روزی می کنند و از خوشبختی فاصله دارند و در پله های پایین نردبان خوشبختی قرار دارند، با وجود اینکه مقدار رفاه فرد امریکایی بسیار بالاست. عجیب آن است که مردم نیجریه در بالاترین پله های نردبان خوشبختی قرار گرفتند. برابر با این معیار آنها خوشبخت ترین مردم دنیا به حساب آمدند. با وجود فقرفراوان در میان آنها!!(!)

این نتیجه بررسی مجله نیوزویک امریکایی در باره خوشبخت ترین ملت های دنیا است. ملت فقیر و با اکثریت مسلمان نیجریه در بالای این تحقیق قرار گرفت تحقیقی که شصت و پنج کشور را شامل شده بود بعد ازنیجریه مردم کشورهای زیر قرار گرفته اند: مکزیک، ونزویلا، السالوادور، در حالی که کشورهای پیشرفته جایگاه پستی در نردبان سعادت به دست آوردند. ما در برابر پاسخ اکثر مردم امریکا بیشتر دقت می کنیم. پاسخی که اظهار می دارد: خوشبختی ربطی به ثروت ندارد(۱). این پاسخ در جامعه عمل گرایی چون امریکا بسیار عجیب است، جامعه ای که در تاسیس آن اشکال مختلف و افراطی سرمایه داری دست به دست هم دادند. موضوعی که مجله را واداشت تا بعد از این به پدیده بازگشت دین در ایالات متحده بپردازد (۲) تا دوباره پرسش های پیرامون سعادت و خوشبختی در نزد امریکایی ها را از خلال تامل گذرا مورد بررسی قرار دهد چیزی که به عنوان جرعه ای برای علاج روان های خسته مورد استفاده می شود.

شاید شما اشکال را پیرامون ماهیت سعادت و چگونگی به دست آوردن آن، بدانید. افلاطون بر این نظر بوده است که سعادت و خوشبختی همان فضایل نفس است (حکمت،

(۱) مجله نیوزویک چاپ عربی ۲۰۰۴/۸/۳ ص ۵۸
(۲) مجله نیوزویک چاپ عربی ۲۰۰۵/۹/۶م

شجاعت، پاکدامنی و عدالت) و اظهار داشته است که انسان به سعادت کامل نمی رسد مگر با بازگشت روحش به عالم دیگر. اما ارسطو سعادت را یک بخشش از طرف خداوند می داند که از پنج چیز زیر تشکیل یافته : سلامتی بدن و حواس، ثروت و استفاده نیکو از آن، موفقیت در کار و محقق شدن آرزوها، سلامتی عقل و درستی باور، شهرت خوب در میان مردم و نیکی با آنها. در دانش روانشناسی آمده است که خوشبختی یک انعکاس از خشنودی از زندگی است یا انعکاس روی دادن حوادث مسرت بخش می باشد.[۱] اما پاسخ پیرامون مفهوم سعادت و خوشبختی همچنان باقی می ماند، خوشبختی چیست؟ و چگونه می توان به آن رسید؟ و آیا خوشبختی همان به دست آوردن لذت است؟

(۱) روانشناسی سعادت: مایکل ارجایل، ترجمه فیصل عبدالقادر.

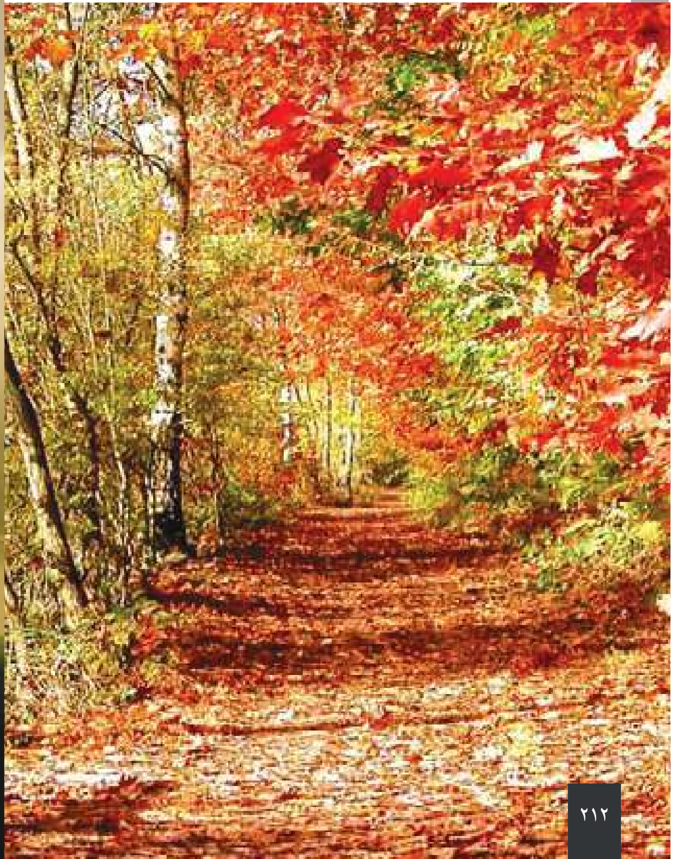

سعادت با لذت متفاوت است:

بسیاری از مواقع فرد دنبال رسیدن به لذایذ مختلف، راه می افتد و ازهیچ لذتی فرو گذار نمی کند مگر آن را تجربه کند و بر این گمان است که اگر به تمامی لذت ها برسد به سعادت و خوشبختی دست یافته اما بعد از تجربه همه لذت ها، ناگهان با این دست آورد غافلگیر می شود که او و دورترین فرد از خوشبختی و سعادت است. لذت های دنیا بسیار متنوع و متعدد و در اشکال و اوصاف متفاوت ظهور می کنند. اما در هر لذتی سعادت و خوشبختی وجود ندارد. به همین سبب در میان مفهوم سعادت و خوشبختی با مفهوم لذت خلط شده است و صحیح آن است که آن دو از یک جهت با هم جمع و از جهت دیگر از هم فاصله می گیرند. از این جهت با هم جمع می شوند که سبب شادی و شادمانی می گردند و از هم دور می شوند و دوری از این جهت است که لذت لحظه ای به وجود می آید و به سرعت از بین می رود و چه بسا پشیمانی و احساس بدبختی جایگزین آن گردد. سعادت باید مدتی طولانی با فرد همراه باشد تا او را سعادتمند نامید.

اختلاط میان مفهوم سعادت و لذت احیانا از طرف خود شخص صورت می گیرد و هر لذت را سعادت گمان می کند. برای نمونه مشهور شدن لذتی دارد که با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه نیست. اینکه در میان مردم معروف باشی و مردم در مجالس تو را مقدم بدارند و مدح تو را بگویند.. تمام این ها نوعی از لذت اند . اما چقدر افراد صاحب نام و شهرت، مال و منصب بوده اند که با وجود همه این ها احساس بدبختی و بی نوای کرده اند و ایام را با انتهای بدحالی سپری نموده اند، تا به این تصمیم رسیده اند که با خودکشی خود را از این وضع رهای بخشند!!.. و بسیار یافت می شود کسانی که خود را در لذت جویی جنسی غرق کرده اند و از کام جویی یک زن به زن دیگر دیگر منتقل می شوند و پیامد کار او یا ایدز و یا انواع بیماریی های صعب العلاج و یا بیماریی های روانی است.!! روابط حرام لذیذ اند اما نابودی خانه، خانواده، جامعه و در آمیخته شدن نسب ها را در پی دارد. مشاهده فیلم های جنسی یک نوع لذت را در پی دارد اما سبب شکسته شدن روان بیننده و از بین رفتن قداست روابط در نزد او می گردد و این یک تجاوز صریح بر پاکی و عفت جامعه است. از جمله لذت های دیگر غذا است. برخی به مانند عبادت و شاید بیش از آن بر غذا حریص اند و با انواع گوشت و شیرینی خود را چاق و فربه کرده است ودر نتیجه آن، جایگاهش مطب پزشکان و بیمارستان ها است!!

گاهی اشتباه میان مفهوم لذت و سعادت از جهات مختلفی بوجود می آید، بسیاری برای لذات چنین بازاریابی می کنند که آنها ذات و اصل سعادت هستند. هدف آنان چیره شدن بر عقل و افکار مردم و بردن آنها به سمت مورد نظر خودشان است. جوانی که شروع به استعمال

www.path-2-happiness.com

مواد مخدر می کند در آغاز برای لذتی که در آن است این کار را انجام می دهد و سپس بازیچه کسی می شود که او را تامین و مواد را برای او تهیه می کند و او را به هر طرف می گرداند.

تبلیغات یک کالا سبب رغبت مردم به خرید آن می شود و چه بسا به مانند تاثیر سحر و جادو آنان را در پی خرید آن کالا به بازارها بکشاند.

پس سعادت و خوشبختی در آن نیست که همه نیازهای انسان فراهم شود و اگر چنین بود خوشبخت ترین مردم ثروتمندترین آنها و روساء بودند. در حالی که تحقیقات و مشاهده واقعیت، خلاف این را نشان می دهد و شاید این از انتهای عدل خداوند باشد، بسیاری از فقراء و گمنامان خوشبخت و سعادتمند هستند و بسیاری از ثروتمندان به انجام کارهای معنوی خوشبخت اند، کارهایی که فقراء بیش از آنها انجام می دهند.

شاید سعادت در راحتی باشد؟.

هرگز.. خوشبختی در راحتی نیست.

بسیاری از مردم گمان می کنند که راحتی به معنی خوشبختی است و در پی راحتی هستند و در این مسیر به انواع غم، اندوه، تنهایی و بدبختی دچار می شوند و از یاد می برند که بسیاری از مواقع او در عین سختی و خستگی احساس سعادت کرده است و چه بسا آن سختی عین خوشبختی بوده باشد. بسیاری از مواقع اگر مجبور شود برای نجات طفلی که در چاه افتاده است خود را به چاه بیندازد، با وجود سختی و مشقت و زخم برداشتن به سبب پایین رفتن در چاه باز هم احساس سعادت و خوشبختی می کند. آیا نمی بینی سختی ومشقتی را که دانشمندان و دانشجویان در مسیر کسب دانش تحمل می کنند؟ این سختی باعث سعادت و خوشبختی آنان می شود و سبب می گردد که با وجود رنجی که می برند از احساس سرحالی نتیجه سعادت به وجد آیند؟!! نمی بینی که ورزشکار با وجود خستگی و ریزش عرق به تداوم ورزش شادمان است، به مانند کسی که به فقراء و نیازمندان خدمت می کند و با وجود خرج، هزینه و خستگی این کار، احساس شادی و شادمانی می کند و به مانند کسی که مال خود را با میل و رضا صرف فقراء و نیازمندان می کند، انسان راحتی خود و چیزی را که دوست دارد خرج می کند تا سعادت را در درون خود بیابد.

نتیجه این در هم آمیختگی و نظرات متفاوت و تعریف های گوناگون برای سعادت حیرت شخص است، که او را حیران و سرگردان برای یافتن سعادت حقیقی بر جای می گذارد.

زندگی غیر قابل تحمل است!!

" پیش از این که دست به خود کشی بزند آخرین نوشته خود را نوشت و در آن گفت: زندگی غیر قابل تحمل است!! مرا ببخشید"

دالیدا

خواننده مشهور جهانی

www.path2happiness.com

۱- انسان

از چه چیز آفریده شده است؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که شما را از خاک، سپس از نطفه، آن گاه از خون بسته آفرید. آن گاه شما را کودکی [کامل شده از شکم مادر] بیرون می‌آورد، سپس [بزرگ می‌شوید] تا به توانمندیتان برسید. باز [به شما زندگی می‌بخشد] تا پیر [و فرتوت] شوید و از شما کسی است که پیش از این [سپری کردن دورانها] جانش گرفته می‌شود و [مهلت می‌دهد] تا به مدّتی معیّن برسید و باشد که خرد ورزید} [سوره غافر آیه ۶۷]

آری اصل او از خاک و آبی بی مقدار است و سرانجام او جسدی بی توان است و در این میان حامل نجاست در شکم است و هر چه ازبدنش خارج می شود پلید است و بعد از همه اینان دشمن سخت خدایش است. چه چیز سبب کفر او شده است؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {نفرین باد انسان، چه ناسپاس است (۱۷)[خداوند] او را از چه چیزی آفریده است! (۱۸)از نطفه‌ای. او را آفریده است، آن گاه او را به سامان ساخته است (۱۹)سپس [سلوک] راه [خیر و شرّ] را بر او آسان گرداند (۲۰)سپس او را میراند. آن گاه او را در گور کرد (۲۱)باز وقتی که خواهد، زنده‌اش می‌سازد (۲۲)} [سوره عبس آیه ۲۲-۱۷]

با وجود این او نسبت به دیگر مخلوقات عزت و احترام دارد. خداود به فرشتگان دستور داد تا بر نیایی او آدم سجده کنند و زمین و چارپایان را برای او رام ساخت و او را با عقل که یکی از معجزات خداوند است عزت داد. خدای متعال می فرماید: {و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در بیابان و دریا آنان را [بر مرکب و غیر آن] سوار کردیم و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش چنان که باید برتری دادیم } [سوره اسراء آیه ۷۰]

پس جوهر و واقعیت انسان را نمی توان بدون تصور این دو حقیقت درک کرد و با این تصور توازن برقرار می شود، توازنی که بر این استوار شده است که هر آنچه را که انسان محقق می سازد از عظمت، عزت، مال، دانش و دیگر چیزها همگی از بخشش و فیض خداوند متعال هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و از نعمت هر آنچه دارید، از [جانب] خداوند است سپس چون رنجی به شما رسد، آن گاه به [درگاه] او می‌نالید } [سوره نحل آیه ۵۳]،

اما انسان به تنهایی جز یک توده گوشت و استخوان نیست او نفسی را که باید پاک و تهذیب می کرد از ادعا انباشته است. می بایست آن را با دانش سودمند و کار

شایسته عادت می داد. خداوند با وجود ناتوانی و ضعفش او را به صفاتی مجهز کرده که او را شایسته حمل امانتی نموده است که دیگر موجودات در اطراف او از برداشت آن ناتوان بوده اند . خدای بلند مرتبه می فرماید: {ما امانت [خویش] را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم که نپذیرفتند آن را بردارند، و از آن ترسیدند. و انسان آن را برداشت. بی گمان او ستمگر نادان است } [سوره احزاب آیه ۷۲]

و اگر انسان درایجاد توازن در باور خود نسبت به این دو حقیقت عاجز باشد یا به سمت حقیقت نخست می رود و چنین گمان می کند که انسان فقط یک جسم شهوانی است و هیچ هدف و مقصدی ندارد و در نتیجه به مانند حیوانات فقط به دنبال لذاید می گردد و نفس خود را در رسیدن به آنها خوار و ذلیل می سازد. خداوند متعال می فرماید: {و کافران [در دنیا] بهره‌مند می‌شوند و می خورند چنان که چارپایان می خورند و آتش [دوزخ] جایگاه آنان است } [سوره محمد آیه ۱۲]

و یا اینکه حقیقت دوم بر فکرش چیره می شود و به تکبر، طغیان و خود را خدا دیدن منجر می شود و از این غافل می گردد که بازگشتش به سوی خداست. خداوند می فرماید: {حقّا که انسان سر به طغیان بر می‌دارد (۶)هنگامی که خود را بی نیاز می‌بیند (۷)به یقین باز گشت به سوی پروردگار توست (۸)} [سوره علق آیه ۸-۶]

انسان باید ارزش خود را بداند و با نفس خود سازش کند. از مهمترین اسباب بدبختی آن است که انسان خود را نمی یابد و نمی داند که جایگاه او در جامعه کجاست و نمی داند که او کیست و جایگاه او کجاست و چه چیزی می تواند تقدیم کند.

پاسخ قانع کننده

" در انجام تعالیم دین اسلام انسان طبیعت بشری و شخصیت واقعی خود را خواهد یافت و ذات خود را خواهد شناخت، اسلام تنها دینی بود که پاسخ پرسش های حیرت زای مرا به من تقدیم کرد"

روز ماری هاو

روزنامه نگار انگلیسی

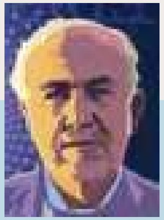

توانایی های خودت را بشناس

"حتی اگر جایگاهش بی اهمیت و کارهایش در نظر مردم کم و محدود باشد اما او خود را_ در زمانی که از مدرسه اخراج شده بود- در میان اختراعاتش کشف کرد: مقام او در نزد بشریت بسیار بلند است. مهم آن است که با خودت صلح کنی و جایگاه خود را بشناسی و توان و نیروی خود را قدر بدانی"

ادیسون

و چرا آفریده شده است؟

خداوند متعال همه موجودات را آفریده است و آفرینش او بیهوده نیست. خدای متعال می فرماید: {آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید! (۱۱۵)خداوند، فرمانروای راستین، [بسی] برتر است. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، که پروردگار عرش گرانقدر است. (۱۱۶)} [سوره مومنون آیه ۱۱۶-۱۱۵]

خداوند مخلوقات را برای عبادت به مفهوم فراگیرش آفریده، مفهومی که تمام زندگی را در بر می گیرد، کار، بازی، سرگرمی و بلاخره تمام زندگی و نه فقط مراسم تعبدی را. خدای متعال می فرماید: {و جنّ و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام } [سوره ذاریات آیه ۵۶]

اما کسی که این را نمی داند همیشه در عذاب و در شک، تردید و حیرت به سر می برد و از زندگی اش بهره لازم را نمی برد و ناکام مانده است. در زندگی او عبادت از سعادت جدا و بی ربط به آن است و عبادت از زندگی دنیوی او و زندگی دنیوی او از آخرتش بیگانه است. در حالی که خداوند متعال تمام آنچه را که در زمین و آسمان ها قرار داده است برای او رام و مسخر ساخته است. خداوند می فرماید: {و آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است همگی را برایتان از [لطف و آفرینش خود] مسخّر گرداند. بی گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است } [سوره جاثیه آیه ۱۳]

انسان باید بداند که او در این زمین از طرف صاحب و مالک واقعی که همان صاحب و مالک انسان است، جانشین شده تا او را بیازماید. خداوند می فرماید: {و او کسی است که شما را فرمانروایان زمین گرداند. و برخی از شما را به مراتبی بر برخی دیگر برتری بخشید تا در آنچه به شما داده است شما را بیازماید. به راستی که پروردگارت زود کیفر است و او آمرزنده مهربان است } [سوره انعام آیه ۱۶۵]

۲- زندگی:

بعد از اینکه انسان حقیقت وجودش را درک کرد به سوی درک واقعیت زندگی روی می آورد. این زندگی پایه تمام لذات و شادی های است ودر آن می توان به یافتن آن چه نفس به آن میل دارد امید بست. هدف و منظور از این زندگی چیست؟ به درستی هدف از آفرینش زندگی و مرگ آزمودن انسانها است کدامیک کردار بهتری خواهند داشت؟ خدای متعال می فرماید: {کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکوکارتر است! و او پیروزمند آمرزگار است } [سوره ملک آیه ۲]

حقیقت این است اما بیشتر مردم نمی دانند. آری حکمت دنیا این چنین است. خداوند متعال می فرماید: {جز این نیست که وصف زندگانی دنیا چون آبی است که آن را از آسمان فرو فرستیم، آن گاه به آن رستنی زمین- از آنچه مردم و چهارپایان می‌خورند- در هم آمیخت [و انبوه شد] تا وقتی که زمین پیرایه‌اش را به دست آورد و آراسته شد و اهلش گمان بردند که بر [بهره‌گیری از] آن توانا هستند. [آن گاه] فرمان ما در شب یا روز به آن در رسید. و آن را [چون کشت] درو شده گردانیدیم که گویی دیروز هیچ نبوده است. آیات [خود] را بدینسان برای گروهی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم } [سوره یونس آیه ۲۴]

و خداوند می فرماید: {مثل زندگانی دنیا را برای آنان مانند آبی بیان کن که از آسمان آن را فرو فرستادیم، آن گاه رستنی زمین به [وسیله] آن در هم آمیخت [و انبوه شد] سرانجام درهم شکسته شد که بادها آن را پراکنده می‌ساختند و خداوند بر هر کاری توانمند است } [سوره کهف آیه ۴۵]

زندگی ما محل عبور است و جای استقرار نیست. پلی است که ما را به جهان دیگر می رساند و زندگی واقعی با پایان یافتن این زندگی، تمام نمی شود. زندگی حقیقی بعد از پایان این زندگی دنیا آغاز می شود. زندگی دنیا فقط یک بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی است. همان سان که خداوند پاک می فرماید: {بدانید که زندگانی دنیا بازیچه و بیهودگی و آرایش و فخر فروشی در میانتان و افزونخواهی در اموال و اولاد است. چون وصف بارانی

که رستنی‌اش زارعان را به شگفت آورد، سپس خشک شود و آن را زرد بینی، سپس خرد و ریز گردد. و در آخرت [هم] عذابی سخت و [هم] آمرزش و خشنودی از سوی خدا خواهد بود. و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست } [سوره حدید آیه ۲۰

این آیه زندگی دنیا را چیزی کم بها و بی ارزش به تصویر می کشد و قدر آن را می کاهد تا نفوس آدمیان خود را از آن بالاتر بکشند و خود را به آخرت و ارزش های آن برسانند. وقتی زندگی دنیا با زندگی در سرای دیگر مقایسه می شود آن امری عظیم و سهمگین به چشم می آید و دنیا با ترازو و میزان آخرت چیزی بی ارزش و کم بها جلوه می کند، یک بازی، سرگرمی، فخرفروشی و زیاده طلبی. این است پشت تمام چیزهایی که بسیار جدی، پربها و مهم جلوه می کنند. این است حقیقت زندگی این دنیا. این حقیقتی است که قلب به آن می رسد آن گاه که در طلب حقیقت ژرف می نگرد. حقیقتی که قرآن آن را گوشه گیری از زندگی دنیا و بی توجه بودن به آبادانی و امر جانشینی نمی داند. بلکه منظور تصحیح معیارهای احساس و ارزش های روانی و خود را بالاتر از فریب زندگی زود گذر و جاذبیت پیچیده زمین دانستن. زندگی جز یک پل نیست که مخلوقات از آن عبور می کنند و به سوی آخرت می روند و این دنیا در کوتاهی و سرعت نابودی در برابر جاودانگی که در پی آن می آید، چیز قابل ذکری نیست همانطور که آخرت در امتداد بی منتهای آن منوط و مشروط به حال انسان در این جهان است پس انسان همیشه در مرحله امتحان بسر می برد و هر آنچه در اطرافش مشاهده می کند از شادمانی ها و لذایذ و بهره ها یا از مصیبت ها و جراحات و فجایع، همه اینان جز روزهایی چند نیستند که به سرعت تمام می شوند و با هر آنچه دارند در کفه میزان نهاده می شوند تا سرانجام ابدی را، مشخص کنند و الا اگر چنین نباشد چه چیز با تو در قبر همراه می شود؟ خداوند متعال می فرماید: {و [می گوییم] یکّه [و تنها] چنان که نخستین بار شما را آفریدیم، به نزد ما آمدید و آنچه را که به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان رها کردید و آن شفیعانتان را که

می‌پنداشتید در [پرورش] شما شریکان [خداوند] هستند، با شما نمی‌بینیم. به راستی [پیوند] میان شما گسسته شد. و آنچه می‌پنداشتید، از [دست] شما رفت} [سوره انعام آیه ۲۹۴]

چرا بیشتر مردم از این حقیقت غافل هستند؟ این آن چیزی است که خداوند، مولای عزو جل می فرماید: {از [تدبیر] زندگانی دنیا [تنها] ظاهر را می‌دانند و آنان از آخرت غافلند } [سوره روم آیه ۷]

پس چگونه است حال کسی که به زندگی دنیا خشنود شد واز امید دیدار خدایش در آخرت ناامید گشت ؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {آنان که به لقای ما امید ندارند و به زندگانی دنیا خشنود گشته‌اند و به آن آرام گرفته‌اند و آنان که از آیات ما غافلند (۷)اینان به [سزای] آنچه می کردند جایگاهشان آتش [جهنّم] است(۸)} [سوره یونس آیه ۸-۷]

و چگونه است حال کسی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داد؟ خداوند متعال می فرماید: {پس امّا کسی که از حدّ گذشته باشد (۳۷) و زندگی دنیا را ترجیح داده باشد (۳۸) [بداند] که دوزخ جای [او] است (۳۹)و امّا کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش بیمناک بوده باشد و نفس را از هوی و هوس باز داشته باشد (۴۰)[بداند] که بهشت جایگاه [او] ست (۴۱)} [سوره نازعات آیه ۴۱-۳۷]

آری، زیرا آنان دین خود را به بازیچه گرفته و مشغول بازی و سرگرمی شده اند و زندگی دنیا آنان را فریفته است. خداوند متعال می فرماید: {آنان که دینشان را به بازیچه و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت، امروز فراموششان می کنیم چنان که دیدار این روزشان را فراموش کردند و آنکه آیات ما را انکار می کردند } [سوره اعراف آیه ۵۱]

آری این چنین است زیرا آنان می خواهند آن را در غیر مسیر راستی و حق ببینند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آنان که زندگانی دنیا را از آخرت خوش [تر] دارند و [مردم] را از راه خداوند باز می‌دارند و [در] آن ناراستی می‌جویند. اینان در گمراهی دور [و دراز] اند } [سوره ابراهیم آیه ۳]

معنی این سخن آن نیست که زندگی دنیا در نگاه انسان بی ارزش شود و از آبادانی زمین با علم و عمل به ترک دنیا و ریاضت کشی و انتظار مرگ برود، هرگز.. بلکه راه درست آن است که با دنیا برابر با سفارش خداوند عمل کنیم. همانطور که خداوند متعال می فرماید: {و در آنچه خداوند به تو داده است [اصلاح] سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را [نیز] فراموش

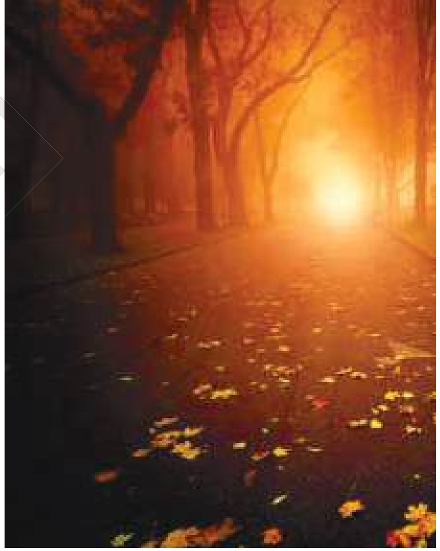

مکن و چنان که خداوند به تو نیکی کرده است نیکی کن و در زمین در پی فساد مباش. که خداوند فساد پیشگان را دوست نمی‌دارد } [سوره قصص آیه ۷۷]

و همچنین می فرماید: {و از هر چیزی که به شما داده شود [بدانید که] بهره‌مندی زندگانی دنیا و تجمّل آن است و آنچه نزد خداوند است بهتر و پاینده‌تر است، آیا خرد نمی‌ورزید! } [سوره قصص آیه ۶۰]

و با این نگاه متکامل، زندگی به مانند گنجی پر بها جلوه می کند که بهره بردن از آن لازم است. در حقیقت دنیا بیش از این ارزش ندارد که به عنوان پلی برای رسیدن به سعادت جاودانی از آن استفاده شود. اما زیبایی ها و لذاتی که در این دنیا با آنها مواجه می شویم فقط بهره زندگی دنیا و آرایش آن هستند. خداوند متعال می فرماید: {برای مردمان حبّ خواسته‌ها [ی نفس] از [قبیل] زنان و فرزندان و مالهای انبوه از [جنس] زر و سیم و اسبهای نشاندار و چهار پایان و زراعت آراسته شده است، این [همه، مایه] بهره زندگانی دنیاست، و خدا [ست که] نیک فرجامی به نزد اوست } [سوره آل عمرانآیه ۱۴]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {مال و فرزندان زینت زندگانی دنیاست. و [نیکیهای] ماندگار شایسته به نزد پروردگارت نیک پاداش‌تر و امیدبخش‌تر است } [سوره کهف آیه ۴۶]

و لذات آن نیزپسندیده هستند اگر به خوبی استفاده شوند.

خداوند می فرماید: {بگو: چه کسی آن زینت خدا را که برای بندگانش پدید آورده و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است! بگو: «آن [پاکیزه‌ها] در زندگانی دنیا برای مؤمنان است. روز قیامت [هم] ویژه [آنان] است. بدینسان آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می کنیم } [سوره اعراق آیه ۳۲]

با این فهم، مسلمان زندگی را با گام های محکم و استوار آغاز می کند و لذات آن را می یابد. بعد از رسیدن به این یقین که هر آنچه او می یابد فانی است و بقایی ندارد. او همیشه بدون اسراف و زیاده روی از زندگی بهره می برد به همراه این عمل و باور که هر چه را او به دست آورد در دستش قرار بدهد و نه در دلش و از دست دادن چیزی یا ناراحتی های دنیا به او زیانی نمی رسانند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان هایتان نرسد، مگر پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی نوشته است. بی گمان این امر بر خداوند آسان است (۲۲)[این موضوع را بیان کردیم] تا بر آنچه از دستتان برود، اندوه نخورید و به آنچه [خداوند] به شما بدهد، شاد نشوید. و خداوند هیچ خودستای فخر فروشی را دوست ندارد } [سوره حدید آیه ۲۳]

و بدین ترتیب او از دنیا و لذات آن بهره مند می شود و پاداش خود را هم از خداوند دریافت می کند. نزد او دنیا با آخرت در ارتباط تنگاتنگ است و شادی های روح با شادی های بدن و جسم متصل اند و سعادت و خوشبختی از بهره وری دنیا با خوشبختی و آرامش داخلی ارتباط دارند.

۳- هستی

مسلمان در تامل و درک خود به محور سوم و پایانی در فهم هستی می رسد و آن فهم جهانی است که تمام موجودات را در بردارد و تفکر را از سخن خداوند آغاز می کند که می فرماید: {بگو: بنگرید که چه چیزی در آسمانها و زمین است! و آیات و هشدارها به گروهی که ایمان نمی‌آورند، سودی نمی‌بخشد } [سوره یونس آیه ۱۰۱]

بپرس.. قرآن پاسخ تو را می دهد

" من قرآن را مورد بررسی قرار دادم مشاهده کردم که تمام سوالات زندگی را پاسخ داده است"

مایک تایسون

مشت زن بین المللی

www.path-2-happiness.com

سپس به مطالعه دهها آیه می پردازد که به تفکر در باره آفرینش خداوند و صنعت شگفت انگیز او فرا می خواند، تا به همان نتیجه برسد که پیش از این با تفکر در حقیقت وجود و زندگیش به آن رسیده است و به این خواهد رسید که فهم او از هستی باید از درک دو حقیقت برگرفته شود:

نخست: این حقیقت که خداوند متعال بیشتر آن چه را در اطراف هستی هست برای او رام و مسخر ساخته و برتری او بر آنها فقط به بهرمندی او ازبرخی ویژگی ها منحصر نمی شود بلکه به سبب رام شدن این موجودات برای خدمت و محقق شدن رفاه او است. خداوند متعال می فرماید: {آیا نیندیشیده‌اید که خداوند آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است برایتان رام گردانید و نعمتهای خود را پیدا و ناپیدا بر شما تمام کرد! و از مردم کسی هست که در [باره] خداوند بی هیچ دانشی و هدایتی و کتابی روشن مجادله می‌کند } [سوره لقمان آیه ۲۰]

و خداوند متعال می فرماید: {و شب و روز و خورشید و ماه را برایتان رام کرد. و ستارگان به فرمان او رامند. در این [امر] برای گروهی که خرد می‌ورزند، مایه‌های عبرت است } [سوره نحل آیه ۱۲]

و خداوند متعال می فرماید: {اوست کسی که زمین را برایتان رام گرداند پس در گوشه و کنار آن راه روید و از روزی‌اش (خداوند) بخورید. و [وقوع] رستاخیز در نزد اوست } [سوره ملک آیه ۱۵]

مسلمان در قرآن دلایل آشکاری مبنی بر مسخر بودن این هستی و قدرت انسان بر آن خواهد یافت و در این اشاره ای لطیف به الفت انسان با این هستی است و این مفهوم نیز در آن نهفته است که نباید از آن چه از حوادث و مصیبت ها به او می رسد بی تابی و اظهار ناراحتی کند. طبیعت همیشه در مبارزه با انسان نیست و آدمی نیز همیشه درگیر چیره شدن بر طغیان و سرکشی طبیعت نیست.

اما حقیقت دوم: اینکه هستی تا هنوز تمام اسرار خود را برای انسان نگشوده است با وجود مسخر شدن و قدرت یابی انسان بر آن. اما تا هنوز دسته ای دیگر از آنچه هستی از آنها تشکیل شده از نگاه انسان پنهان و یا از سیطره او بیرون اند، هستی مملو از فرشتگان و جنیان است و شاید موجودات دیگری نیز باشند که آدمی از درک حقیقت آنها عاجز است و یا حتی از رسیدن به دانشی در باره آنها ناتوان باشد و وجود انسان در برابر عظمت و گستردگی این هستی بیش از یک ذره در برابر آن نیست.

با درک این دو حقیقت، نگاه آدمی به هستی اطرف خودش تکمیل می شود و به این فهم می رسد که جایگاه ویژه ای در میان تمام مخلوقات دارد به طوری که

خداوند او را در مرکز هستی قرار داده است که بیشتر موجودات مسخر او شده اند و در عین حال در می یابد که برخی دروازه ها بر روی او بسته اند و به هر مقدار از توان دست یابد نمی تواند آنها را بگشاید.

با این فهم رابطه انسان با هستی اطراف خودش با احساس بسیار قوی در میل به آبادانی همراه خواهد شد. افرادی که رابطه آنان با هستی اطرافشان با هرج و مرج همراه است در بدبختی و خستگی همیشگی و نگون بختی بسر می برند زیرا رابطه آنان ناموتزان است. رابطه آنان با خودپسندی، حسادت، بدگمانی و توطئه چینی همراه است و این صفات، از مواردی هستند که انسان را از خوشبختی دور می کنند و ناخشنودی او را فراهم می سازند و او را به انسانی مضطرب و پریشان تبدیل می کنند که از اضطراب همیشگی در رنج است. پس راحتی و خوشبختی از کجا برای او بوجود آید؟ خداوند می فرماید: {و نیکی و بدی یکسان نیست. به شیوه‌ای که آن بهتر است، پاسخ گوی. پس ناگاه [می‌بینی] کسی که میان تو و او دشمنی‌ای است، گویی دوستی خویشاوند شده است (۳۴)و جز بردباران آن را نپذیرند. و جز دارنده سهمی بزرگ [از اخلاق] آن را نپذیرد } [سوره فصلت آیه ۳۵]

اما انسانی که زندگی و رابطه خود را بر اساس حقوق و واجبات تنظیم کرده و وظیفه خود را انجام می دهد و در حق خود آسان گیری و از دشمنان خود می گذرد، او در این حالت بدون تردید انسانی خوشبخت است. دوستی برترین درجه رفتار انسان با برادر انسان اش می باشد. منظور از دوستی محبت، الفت و علاقه است و این همان فطرت سالم انسان است.

e-happiness.com

دین انسانیت

"من در اسلام ذات خود را یافتم، آن ذاتی که در طول زندگی آن را از دست داده بودم و در آن هنگام من برای نخستین بار احساس کردم که انسان هستم اسلام دینی است که انسان را به طبیعتش باز می گرداند چرا که آن با فطرت انسان هماهنگ است"

مارتین لنگز
اندیشمند انگلیسی

دین عزت و کرامن و اخلاق است

"من برای این اسلام اختیار کردم تا در سایه آن احساس راحتی کنم.. آری من به اسلام گردن نهادم تا احساس کنم من به دینی گرویده ام دینی که میان جسم و روح و جسم فاصله ای نمی اندازد. مرا این بس است که اسلام دین پاکی است و به اخلاق و آراسته شدن به آن و به کرامت انسانی و چنگ زدن به آن فرامی خواند، به همین سبب من گواهی لااله الله و محمد رسول الله را بر زبان آوردم و بر این عقیده خدایم را دیدار می کنم"

فانان موسیه
اندیشمند فرانسوی

راه خوشبختی.. صلح انسان با خودش و با زندگی و با هستی است:

با این ایمان انسان با خدایش و با خودش و با هستی اطرافش به صلح می رسد و در آغاز، حقیقت عبودیت خداوند متعال را درک می کند و واجبات خود را در برابرآن انجام می دهد و بعد از آن ارزش خود را به عنوان انسانی که خداوند این هستی را برای او رام ساخته است درک می کند و اینکه او به زمین فرستاده شده است تا مورد آزمایش قرار گیرد پیش از اینکه به بهشتی بازگردد که برای آن آفریده شده است. او مامور است تا این زمین را آباد سازد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و به سوی ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من، خدا را پرستش کنید. معبود [راستینی] جز او ندارید. او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن به آباد کردن گمارد، پس از او آمرزش بخواهید، آن گاه به درگاه او توبه کنید. که پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است } [سوره هود آیه ۶۱]

او همچنین بر این مکلف است تا نفس خود را بر این عادت دهد که از شهوات و لذات به مقدار نیاز و برابر با قواعد شریعت، استفاده کند. وقتی به این فهم متکامل نسبت به خالق هستی، نفس بشری و هستی دست یافت، می توانیم از نتایج عملی که تطبیق این مفهوم در بر دارد بپرسیم. بعد از اینکه انسان این حقیقت را درک کرد ناگهان به این نتیجه می رسد که خوشبختی در دو جهان- دنیا و آخرت- به رضایت خداوند و فرمانپذیری از او و رعایت حدود و ضوابط او بستگی دارد.. و این امر سبب ایجاد توازن در میان خواسته های جسم و

نعمت اسلام

"هیچ نعمتی در دنیا از آن بالاتر نیست که خداوند دل آدمی را برای پذیرش اسلام گشاده کند و به نور اسلام هدایت شود تا حقایق دنیا و آخرت را ببیند و حق و باطل و راه سعادت و راه شقاوت را از هم تشخیص بدهد و من برای خداوند به جهت این نعمت بزرگ که خداوند به من داده است و نفس مرا از سعادت حقیقی انباشته است و این فرصت را برای من فراهم ساخت تا در زیر این درخت بزرگ و پر سایه و پر ثمر سایه بگیرم پیشانی به زمین می گذارم و این درخت خانواده اسلام و برادری اسلامی است"

مارچیلا مایکل انجلو
هنرپیشه بریتانیایی

www.path-2-happiness.com

روح، فرد و جامعه و در میان آبادی دنیا و آخرت می گردد و سعادت در دنیا به هر مرحله ای که برسد کوتاه و ناقص است، زیرا دنیا مکان تلاش و آزمایش است و آخرت جای حساب است و هر کس در آن موفق شد به سعادت کامل و ابدی دست یافته است. خداوند می فرماید: {پروردگارشان آنان را به بخشایشی از [سوی] خود و خشنودی و باغهایی که در آنجا نعمت پایدار دارند، مژده می‌دهد (۲۱)همیشه در آن جاودانند. خداوند است که پاداش بزرگ به نزد اوست (۲۲)} [سوره توبه آیه ۲۲-۲۱]

برای آن که آدمی خوشبخت شود و احساس آرامش کند و از زندگی پاکی در دنیا و آخرت برخوردار شود ، ایمان و عمل صالح نیاز است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم و پاداششان را به [حسب] نیکوترین آنچه می‌کردند، به آنان می‌دهیم} [سوره نحل آیه ۹۷]،

نشانه های راه سعادت و خوشبختی:

برای شناخت راه سعادت حقیقی که راه ایمان به خداوند عز و جل است، شایسته است تا نشانه های این راه را تبین کنیم تا راه را با اطمینان و همت بلند بپیماییم:

۱-این راه خداوند عز و جل است:

خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و آنکه راه راست من این است، پس از آن پیروی کنید و از راههای [دیگر] پیروی مکنید که شما را از راه او [خدا] جدا کنند. این است حکمی که شما را به آن سفارش نموده است تا پروا پیشه کنید } [سوره انعام آیه ۱۵۳]

پس راه سعادت راه خداوند است و سفارش او به بندگان پیمودن همین راه است- و او به مصلحت آنان داناتر است- و بدون تردید بدبخت کسی است که راه خداوند را واگذارد و سعادت را در راههای مختلف بشری انتظار داشته باشد. در غیر راه خداوند هیچ گونه سعادت و خوشبختی وجود ندارد.

خداوند متعال می فرماید: { هر کس که از هدایت من پیروی کند، گمراه نمی‌شود و به رنج نیفتد (۱۲۳)و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم (۱۲۴)} [سوره طه آیه ۱۲۴-۱۲۳]

خوشبختی برای کسی است که راه را پیمود و از هدایت پیروی نمود و بدبختی برای کسی است که روی گردانی نموده و پشت کرد اگر چه از افراد مشهور و ستارگانی باشد که در هر کجا به او اشاره می شود. بدبختی عبارت است از: تنگی و نگون بختی در دنیا و آخرت.

۲- سعادت روح و جسم در این مسیر با هم گرد می آیند :

بدیهی است که انسان از روح و جسم تشکیل شده و هر کدام از آنها به غذای خاص خود نیاز دارند. برخی از افکار، اندیشه های عرفانی و فلسفه های بی بنیاد به خواسته های روح توجه می کنند و منکر خواسته های جسم اند. نتیجه این افکار سقوط در دره عمیق مادیگرایی و از بین رفتن معنویت گشته است. مادیگرایی که تمام خواسته های بدن را لبیک گفته و جمع عظیمی از انسان ها را در این میان به حیوانات یا ابزارهایی بدل ساخته است که فقط در پی لذات و شهوات اند. اما اسلام روح را با انوار آسمان تغذیه می کند و به جسم نیز می پردازد و نیازها و شهوات حلال و پاک او را سیراب می کند:

ایمان و سلامت روان

"در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملت های مختلف متمدن دنیا از من مشوره خواسته اند و صدها بیمار را مداوا کرده ام و هیچ مشکلی چون مشکل کسانی نیافتم که به میانه عمر خود رسیده اند کسانی که به حدود سی و پنج سالگی یا حدود آن رسیده اند که اساس آن به از دست دادن ایمان و خروج آنها از آموزه های دین بر نمی گردد و درست است بگوییم که تمام این بیماران شکار بیماری شده اند زیرا از آرامش روانی که دین بوجود می آورد محروم شده اند و هیچ کدام از آن بیماران بهبودی خود را بازنیافتند مگر هنگامی که به ایمان به دین بازگشتند و با انجام دادن بایدها و نبایدهای آن در برابر مشکلات زندگی یاری گرفتند"

کارل یونگ

روان پزشک مشهور فرانسوی

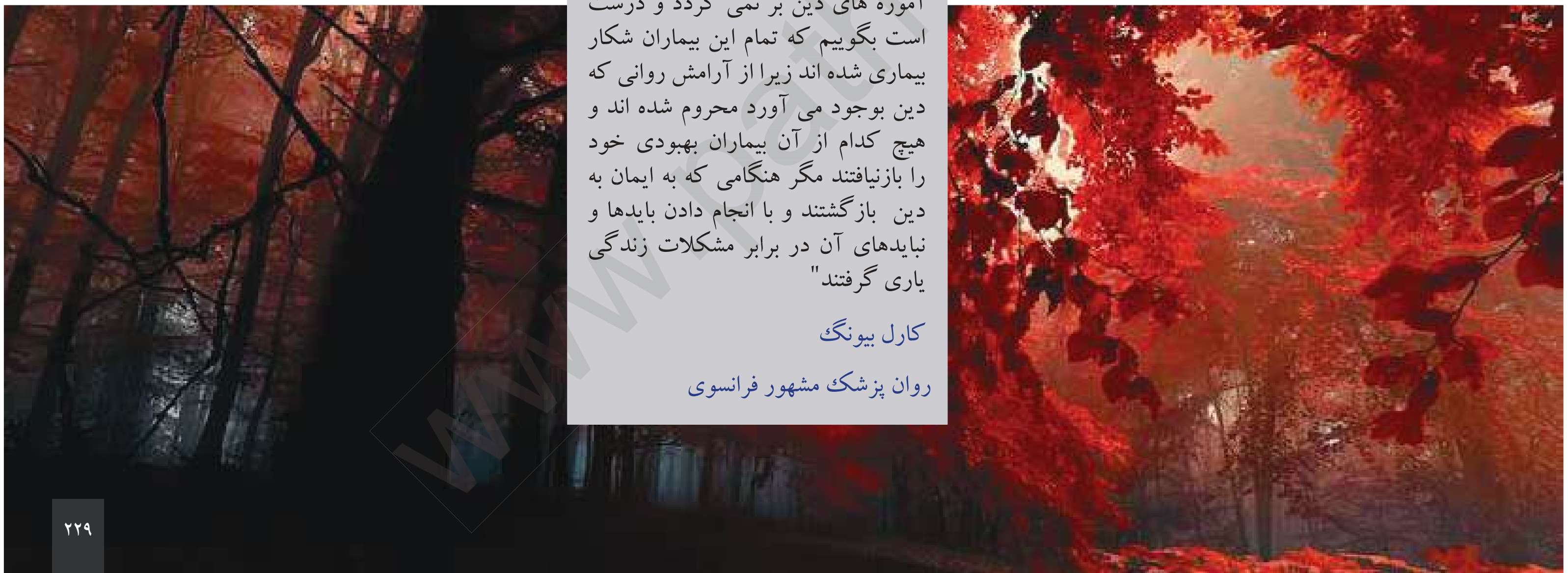

www.path-2-happiness.com

{و در آنچه خداوند به تو داده است [اصلاح] سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را [نیز] فراموش مکن و چنان که خداوند به تو نیکی کرده است نیکی کن و در زمین در پی فساد مباش. که خداوند فساد پیشگان را دوست نمی‌دارد } [سوره قصص آیه ۷۷]

رسول خداوند صلی الله علیه و سلم سخن سلمان را تایید کرد وقتی که گفت:" خدایت بر تو حقی دارد و جسمت بر تو حقی دارد و خانواده ات بر تو حقی دارد به هر صاحب حقی، حقش را بده"(روایت از صحیح بخاری است)

۳- آن راه سعادت و شجاعت است:

کسی که شیرینی ایمان را چشید، هرگز نمی تواند آن را ترک کند حتی اگر شمشیر بر گردن او بنهند. به جادوگران زمان فرعون دقت کن آن گاه که ایمان آوردند و راه سعادت را در پی گرفتند، فرعون آنان را تهدید کرد و به آنان گفت: { پس [بدانید] که دستانتان و پاهایتان را بر خلاف همدیگر می‌برّم و شما را بر تنه‌های [درخت] خرما به دار می‌کشم و بی شک خواهید دانست کدام یک از ما سخت کیفرتر و پاینده‌تر است } [سوره طه آیه ۷۱]

پاسخ آنان با استواری و ثابت قدمی همراه بود: {[ساحران به فرعون] گفتند: تو را بر دلایل روشنی که به ما رسیده است و [بر] کسی که ما را آفریده است، برنگزینیم، پس به هر حکمی که می‌خواهی حکم کن. [تو] فقط [می‌توانی] در این زندگانی دنیا حکم کنی } [سوره طه آیه ۷۲]

ثابت قدمی آنان بعد از ایمان، زمانی محقق شد که آنان شیرینی ایمان را چشیدند و این سبب شد تا آنان بیشتر به آرامش و ثابت قدمی در نظرات و تصمیم های خود برسند، حتی در برابر تهدید به کشتن نیز خم به ابرو نیاورند.

۴-خوشبختی همان راحتی و آرامش قلبی است:

بدون راحتی و آرامش هیچ گونه سعادت و خوشبختی وجود ندارد و راحتی و آرامش بدون ایمان حاصل نمی شود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که در دل مؤمنان آرامش نازل کرد تا ایمانی با ایمان [پیشین] آنان افزون شود. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست. و خداوند دانای فرزانه است } [سوره فتح آیه ۴]

ایمان از دو جهت سعادت می بخشد؛ اول: از افتادن در گرداب گناه و فساد که از خطرناکترین اسباب بدبختی و نگونساری است، جلوگیری می کند. هیچ چیز نمی تواند تضمین کند که شهوات و امیال فرد را به هلاکت نکشاند. آن گاه که دل او از ایمان به خدایش خالی شد. دوم: او به مهمترین شرط از شروط سعادت و خوشبختی دست می یابد که آن راحتی و آرامش است، در دریای مشکلات و بحران ها لنگرگاه نجاتی جز ایمان نیست. بدون ایمان عوامل خوف و اضطراب افزایش می یابند و با ایمان هیچ چیز ارزش ترسیدن ندارد به جز مقام خداوند سبحان.

مومن سختی را حقیر می شمارد زیرا او بر خداوند توکل نموده است. قلب خالی از ایمان چون برگی قطع شده از شاخه است که تند بادها او را به هر سمت می برند. آیا چیزی را می شناسی که بیش از مرگ و سفر از این جهان سبب ترس آدمی شود؟ اما این در نزد مومن سبب ترس نمی شود، بلکه مرگ سبب اطمینان و آرامش اوست. برای کسی که دلش پر از ایمان و تقواست چه چیز بیشتر از مرگ می تواند سودمند باشد؟!

ایمان احساس امنیت و آرامش را در وجود آدمی می جوشاند. انسان مومن با اعتماد و آرامش در راه خداوند طی طریق می کند. زیرا ایمان راستین او به خدایش همیشه او را به امید، نسبت به او یاری می دهد و او را به رعایت و حمایت خداوند در همه اوقات امیدوار می کند، او همیشه احساس می کند که خداوند متعال در هر لحظه با اوست. خداوند متعال می فرماید: { و [بدانید] که خداوند با مؤمنان است } [سوره انفال آیه ۱۹]

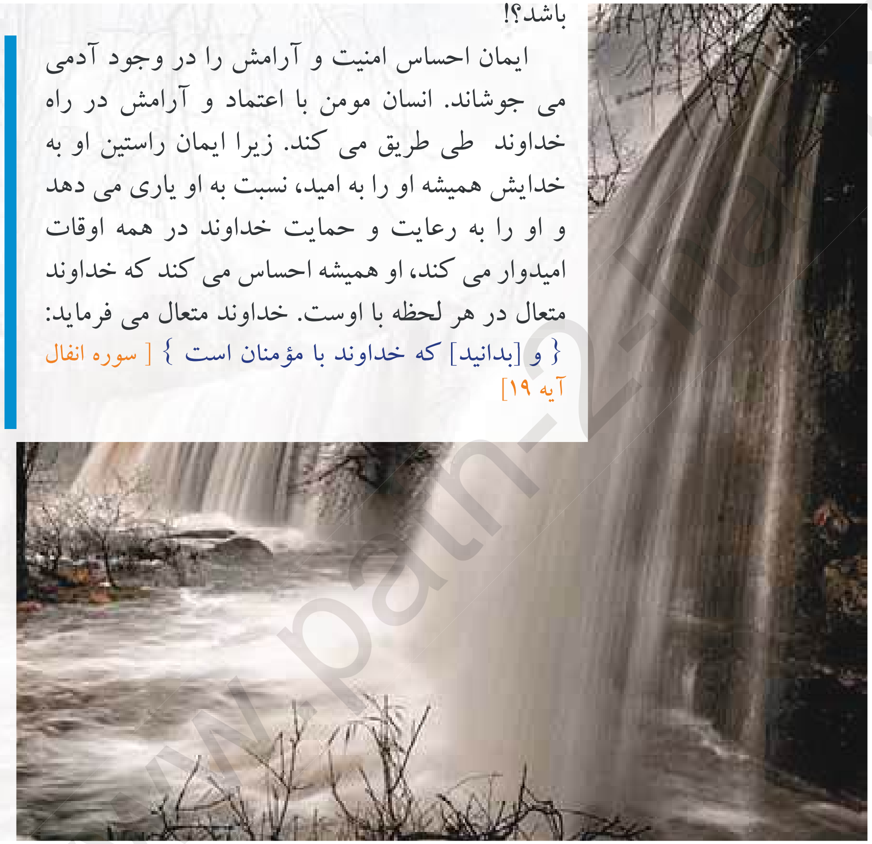

پاسخ های قانع کننده

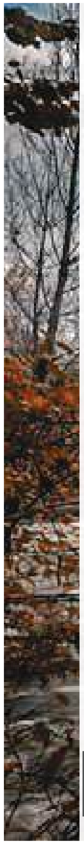

"من در اسلام پاسخ قانع کننده را در باره معضل روح و ماده یافتم و دانستم که جسم به مانند روح بر گردن ما حقی دارد و نیازهای جسم در نظر اسلام همان غرایز طبیعی هستند که باید سیر شوند تا انسان بتواند قوی و پرکار و مولد زندگی کند اما اسلام برای اشباع این غرایز اصولی را پی ریزی کرده است تا این غرایز بر اساس پایه های سالم اشباع شوند و رضایت نفس و روان حاصل شود و به دستورهای اسلام پایبند شوند مثلا ازدواج در اسلام تنها راه مشروع اشباع غریزه جنسی است و نماز و روزه و عبادت و ایمان به خداوند دیگر وسایل اشباع جانب روحی انسان هستند و به این ترتیب توازنی که در زنگی کریمانه انسان لازم است محقق می شود"

روز ماری هاو

روزنامه نگار انگلیسی

www.pain-2-press.com

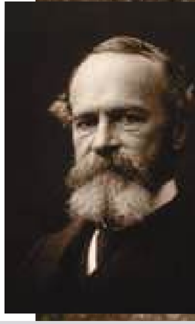

مومن با هر مقدار مشاکل مواجه شود و هر چندان مصیبت بر او بیاید کتاب خداوند و کلمات نورانی او که مملو از هدایت هستند کافی اند تا وسوس های نفس او را از بین ببرند و درد جراحات جسد او را التیام ببخشند و ترس او را به امنیت و صلح و شقاوت و بدبختی را به راحتی و آرامش بدل سازند به همین سبب او را به تحقق آرامش روانی و سعادت روحی راهنمایی می کند، چیزی که با هیچ خوشی دیگری برابری نمی کند حتی اگر تمامی گنجینه های دنیا را داشته باشد.

۵- سفر سعادت و خوشبختی از دنیا به بهشت پر نعمت:

مشخص است که زندگی مردم سه مرحله دارد: نخست در دنیا، دوم بعد از مرگ در قبر و سوم به روز قیامت، راه سعادت و خوشبختی تمام این مراحل را در بر دارد. در باره مسیر دنیا خداوند متعال می فرماید: {هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم و پاداششان را به [حسب] نیکوترین آنچه می‌کردند، به آنان می‌دهیم} [سوره نحل آیه ۹۷]

یعنی او را در دنیا زندگی خوشبخت به همراه آرامش و شادمانی می دهیم، حتی اگر مال و دارایی کمی داشته باشد. این با دادن آرامش روانی و آسایش و یقین به خداوند بلند مرتبه و اعتماد به او صورت می گیرد.

اما سعادت مومن در قبر، آن را در آن چه ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت نموده است می یابیم. می فرماید:"مومن در قبرش در باغی سرسبز بسر می برد و قبرش هفتاد ذرع فراخ می شود و به مانند شب چهارده روشن می شود"(البانی روایت را حسن شمرده است). و در باره سعادت اخروی او خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و امّا نیکبختان

ایمان و پریشانی و اضطراب با هم گرد نمی آیند

"امواج سهمگین اقیانوس آرامش عمق دریا را بهم نمی زند و امنیت آن را بهم نمی ریزد و این چنین است فردی که ایمانش به خداوند ژرف شده است او در برابر پریشانی ها مقاوم است و توازن خود را از دست نمی دهد و همیشه آمادگی دارد تا در برابر حوادث بایستد"

ولیم جیمس

فیلسوف امریکایی

در بهشتند، در آنجا تا زمانی که آسمانها و زمین باقی است، جاودانه‌اند. مگر مدّت زمانی که پروردگارت بخواهد. [که ما به] بخششی ناگسستنی می‌بخشیم } [سوره هود آیه ۱۰۸]

آنان به خوشبختی دنیا و نعمت جاویدان آخرت رستگار شدند.

پس اسلام سعادت ابدی را برای انسان آورده است. سعادت انسان در زندگی کنونی که به سر می برد و سعادت او در سرای دیگر و آن چه در نزد خداوند هست بهتر و پایدارتر است. بلکه خداوند سعادت دنیا و آخرت را متصل به هم ساخته که هیچ گونه تضادی در میان آنان نیست، این دنیا فقط راهی برای رسیدن به آخرت و سعادت بزرگ آن است پس این راه یکسانی است راه خوشبختی جاودانه در دنیا و آخرت. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {هر کس که خواهان پاداش دنیاست، [بداند] که پاداش دنیا و آخرت به نزد خداوند است و خداوند شنوای بیناست } [سوره نساء آیه ۱۳۴]

اسباب سعادت زندگی دنیا در اسلام

سعادت در این دنیا منابع و اسباب فراوانی دارد. از آن جمله:

۱- خوشبختی و سعادت به توحید و ایمان به خداوند:

هیچ سعادت و خوشبختی با سعادت و خوشبختی و آسایش و راحتی توحید قابل مقایسه نیست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به شرک نیامیختند، آنانند که امنیّت [و آسایش] دارند و آنان راهیافتگانند} [سوره انعام آیه ۸۲]

به اندازه توحید و کمال آن، آسایش و آرامش در زندگی دنیا و آخرت حاصل می شود. چرا که خداوند سینه صاحب آن را گشایش می دهد و شادمانی را در آن وارد می کند. اما شرک- پناه بر خداوند از آن- سبب بدبختی و سیه دلی می گردد گویی در آسمان بالا می رود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {پس هر کس را که خداوند بخواهد هدایتش کند دلش

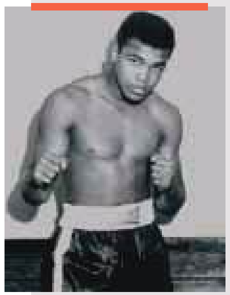

ساحل امنیت

"هر گاه مسلمان قرآن را با تعمق بخواند و به راستی به انجام دستورات و شعائر اسلامی قیام کند در سفر اسلام به سوی ساحل امنیت در حرکت است همان کاروان استقرار و آرامش و دوری از پلیدی شیطان"

کاسیوس کله

مشت زن امریکایی

www.path-2-happiness.com

دین دنیا و آخرت

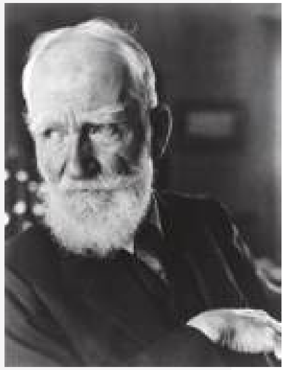

"مرد دانشمند به طبیعتش به سوی اسلام گرایش می یابد؛ زیرا تنها دینی است که به طور مساوی به امور دین و دنیا می نگرد"

برنارد شاو
نویسنده انگلیسی

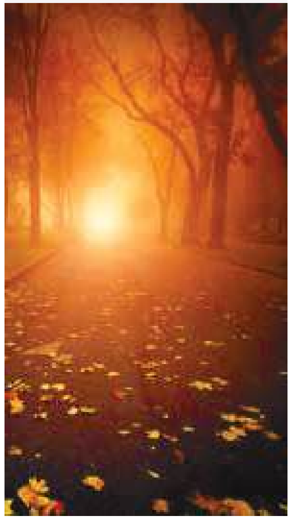

را برای [پذیرش] اسلام می‌گشاید. و هر کس را که بخواهد در بیراهی واگذارد، دلش را سخت تنگ کند که گویی در آسمان بالا می‌رود. و خداوند بدینسان ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد. } [سوره انعام آیه ۱۲۵]

برابرنیست کسی که خداوند به او شرح صدر داده و او نوری از جانب خدایش دارد و کسی که در تاریکی های شرک و دوری از یاد خدا است و قلب او سخت شده، او در گمراهی آشکار است. خداوند تعال می فرماید: {آیا کسی که خداوند دلش را برای [پذیرش] اسلام گشوده است و او از [سوی] پروردگارش از نوری بر خوردار است [چون سنگدلان است!] پس وای بر کسانی که از ترک یاد الهی سنگ دلند. اینان در گمراهی آشکارند } [سوره زمر آیه ۲۲]

مانند هم نیستند کسی که خداوند او را با فضل و رحمتش از تاریکی شرک به سوی نور هدایت آورد و کسی که در گرداب شرک گرفتار شده است و راه خروج ندارد. خداوند متعال میفرماید: {آیا کسی که مرده بود، آن گاه او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن در [میان] مردم راه می‌رود مانند کسی است که وصفش [چنین است که او] در تاریکیهاست که بیرون آینده از آن نیست! بدینسان برای کافران آنچه می‌کردند آراسته شده است } [سوره انعام آیه ۱۲۲]

۲- یاد خداوند عز وجل و مناجات با او و نزدیک شدن به او:

انسان هر مقدار از زینت و آرایش دنیا برخوردار شود و هرمقدار اسباب سعادت ظاهری را بدست آورد، هرگز نمی تواند سعادت را در حالی که از راه خداوند متعال دور است حفظ کند. آرامش هرگز با دوری از خداوند حاصل نخواهد شد. لازمه سعادت فرد آن است که او در سایه سار ذکر و یاد حق تعالی باشد. خداوند متعال می فرماید: {(همان) کسانی که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید، دلها

به نام خدا آرام می گیرند } [سوره رعد آیه ۲۸]

این بدان سبب است که در قلب پراکندگی و تشویشی هست که فقط توجه به خداوند آن را از بین می برد و در آن وحشتی هست که فقط با خلوت با خداوند از بین می رود و در آن اندوهی هست که فقط با شادی شناخت او، از بین می رود و در آن پریشانی هست که فقط با گرد آمدن با خداوند و گریختن از او به سوی او، آرام می گیرد و در آن آتش حسرتی هست که جز خشنودی به امر و نهی و قضای او و در آغوش گرفتن صبر بر آن تا به هنگام دیدار او چیز دیگری آن را خاموش نمی کند. و در آن میل بسیار شدیدی هست که فقط زمانی متوقف می شود که هدف خداوند باشد و در آن فقری هست که فقط محبت و انابت به خداوند و یاد مداوم او و راستی اخلاص برای او آن را از بین می برد، در حالی که اگر تمام دنیا و آن چه در آن هست به او داده شود آن فقر و فاقه زایل نمی شود[۱]

۳- کردار نیک

خداوند بلند مرتبه می فرماید: {آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان و آنان نیک سرانجامی دارند } [سوره رعد آیه ۲۹]

پس کسانی که- با دلهایشان- به خداوند، فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیغمبران و روز بازپسین ایمان آورده اند و این ایمان را با کارهای نیکو- کارهای دل- چون محبت و خشیت و امید به خداوند و کارهای بدنی چون نماز و مانند آن تصدیق کردند آنان را حالتی نیکوست از کمال راحتی و آرامش کامل و این به سبب خشنودی

(۱) مدارج السالکین ابن قیم ص ۷۴۳

عقیده ساده و مختصر

"عقیده اسلامی یک عقیده ساده است که ایمان به آن سبب تمام شدن تمام سرگشتگی و ترس می شود و آرامش را در هر فرد ایجاد می کند و دروازه این عقیده برای هرکس گشوده است و جلوی هیچ کس به سبب نژاد یا رنگ گرفته نمی شود و به این ترتیب هر کس در سایه سار آن مساوات و عدالت را خواهد یافت عدالتی که با آن هیچ گونه برتری مگر با تقوا وجود ندارد، تقوا و پرهیزگاری از خداوند پروردگار جهانیان"

نظمی لوقا
فیلسوف و اندیشمند مصری

www.path-2-happiness.com

و کرامتی است که در دنیا و آخرت از خداوند دریافت می کنند. ما باید ایمان را با عمل صالح داشته باشیم. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {مؤمنان و یهودیان و صابئان و مسیحیان، هر کس که به خداوند و روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، هیچ بیمی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین شوند } [سوره مائده آیه ۶۹]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم راحتی و لذتش را در نماز و اطاعت می یافت و می فرمود:" ای بلال با اقامه نماز به ما راحتی بده"(روایت از ابوداود است).

۴- عطاء و بخشش راز سعادت است:

این موضوع تجربه و رویت شده است، کسی که به دیگران نیکی می کند او خوشبخت ترین مردم است و بیش از همه در نزد اهل زمین مورد قبول و پذیرش است. خداوند متعال می فرماید: {هرگز به نیکی دست نیابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، ببخشید. و هر چیزی را که می‌بخشید، خداوند به آن داناست } [سوره آل عمران آیه ۹۲]

بخشش و عطاء صورت های مختلفی دارد، خداوند عطاء مالی را یکی از ارکان اسلام قرار داده و زکات را بر ثروتمند واجب گردانده تا به فقیر بدهند. خداوند فرموده است که این بخشش باید به خوشی نفس و به همراه بهترین اخلاص ممکن و بدون هیچ گونه منت و احسانی بر مردم فقیر باشد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {ای مؤمنان، صدقه‌هایتان را با منّت [نهادن] و آزار [رسانیدن] از بین مبرید} [سوره بقره آیه ۲۶۴]

امنیت حقیقی

"من در هنگام نماز همان احساس مسلمانان را دارم: یک هماهنگی و انسجام شیرین و لرزشی از شادی و این تمام چیزی است که می توانم از امنیت احساس کنم، همانگونه که فرزندانم در امنیت هستند و مطمئنا من چیز بیشتری نمی خواهم"

لورین بوث

حقوقدان بریتانیایی

بلکه بخشش و عطاء را گسترده داده تا هر گونه دهش مالی، طعام، غذا یا سعی و تلاش و کار دیگری را در بر گیرد. خداوند متعال می فرماید: {و خوراک را- به رغم دوست داشتنش- به بینوا و یتیم و اسیر می‌بخشند (۸) [می‌گویند:] جز این نیست که برای کسب خشنودی خداوند به شما خوراک می‌دهیم. از شما پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم (۹) [سوره انسان آیه ۹-۸]

حتی اگر فقط یک تبسم باشد، رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "تبسم تو در روی برادرت صدقه است"(روایت از ترمذی است)، و می فرماید:" هر کس در پی برآورد کردن نیازهای برادرش باشد خداوند در پی برآورد کردن نیازهای اوست و هر کس غمی از مسلمانی را برطرف کند خداوند غمی از غم های روز قیامت را از او برطرف می کند و هر کس مسلمانی را بپوشاند خداوند او را به روز قیامت می پوشاند"(روایت از ابوداود است)، بدون تردید این عطاء سبب سعادت و بخشش دنیا است اما بخشش برای بهره دنیا یا به همراه آزار و اذیت باعث هیچ گونه سعادتی نمی شود حتی اگر فرد مدعی آن باشد.

۵- توکل کلید سعادت است:

بسیاری مواقع فرد برای انجام کاری احساس ناتوانی می کند، او باید به نیرویی پناه ببرد تا از آن برای انجام کار یاری بطلبد و بر او توکل کند تا به آن چه می خواهد برسد و چه کسی قوی تر از خداوند است؟ کلید سعادت و خوشبختی در آن است که بر خداوند قوی و قادر توکل کنیم آن که پادشاهی آسمان ها و زمین به دست اوست آن که هر گاه به انجام چیزی اراده کند فقط می گوید: باش پس می

www.path-2-happiness.com

شود. خدای بلند مرتبه می گوید: {جز این نیست که فرمانش- چون [آفریدن] چیزی را بخواهد [این است] که به او گوید: موجود شو. پس بی درنگ موجود می‌شود } [سوره یس آیه ۸۲]

پس خداوند دستور داده است تا فقط بر او اعتماد کنیم. خدای فرماید: {و اگر مؤمنید [باید که] بر خدا توکّل کنید } [سوره مائده آیه ۲۳]

بعد از این شخص همه کفایت را خواهد یافت. خداوند او را از جهت وکیل کافی است. خداوند می فرماید: {بر خدا توکّل کن. و خداوند [به عنوان] کار ساز بس است} [سوره نساء آیه ۸۱]

و بدون تردید این امر سبب آن چنان آرامش، راحتی، سعادت، کفایت و برآورده شدن امور خواهد شد که فقط کسی آن را درک خواهد کرد که آن را تجربه کرده باشد. خداوند می فرماید: {و کسی که از خداوند پروا بدارد، برایش راه رهایی قرار خواهد داد (۲)و به او از جایی که نمی‌پندارد، روزی خواهد داد. و کسی که بر خداوند توکّل کند همو او را بس است. بی گمان خداوند حکمش را به اجرا می گذارد. خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای مقرّر کرده است (۳)} [سوره طلاق آیه ۳-۲]

حفظ و حمایت افراد متوکل در برابر شیطان از دیگر الطاف خداوند سبحان است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {چرا که او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، دستی ندارد } [سوره نحل آیه ۹۹]

و او را از دشمنان نیز حمایت می کند. خداوند می فرماید: {کسانی که مردم به آنان گفتند: به یقین مردمان [کافر] برای [نبرد] با شما [سپاه] فراهم آورده‌اند، پس از آنان (سپاه کفر) بترسید. که [این گفته] ایمانشان را افزون ساخت و گفتند: خدا ما را بس است و چه نیک کارسازی است (۱۷۳)پس [مؤمنان] به نعمت و فضل الهی بازگشتند. گزندی به آنان نرسید و از خشنودی خدا پیروی کردند. و خداوند فضلی بزرگ دارد (۱۷۴)این فقط شیطان است که [شما را] از دوستانش می‌ترساند. پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید (۱۷۵)}[سوره غافر آیه ۱۷۳-۱۷۵]

و راز توکل و حقیقت آن فقط اعتماد قلب به خداوند است. اخذ به اسباب بدون اعتماد تمام عیار به آن، به توکل او زیانی نمی رساند. همان سان که ادعای فرد مبنی بر اینکه به خدا توکل کردم به او سودی نمی رساند در حالی که به دیگران تکیه کرده است. توکل زبانی یک چیز و توکل قلب چیز دیگری است.

۶- سعادت و خوشبختی در یقین و تکیه بر خداوند عزو جل است:

ایمان، یقین و اعتماد کامل به خداوند را محقق می سازد و سبب ایجاد ثقه و اعتماد به خودش می گردد. پس در این زندگی از چیزی نمی ترسد، او می داند که تمام امور از طرف خداوند عز و جل هستند: {اگر خداوند [بخواهد] گزندی به تو رساند، باز دارنده‌ای برای آن جز خود او نیست و اگر به تو خیری رساند، [بدان که] او بر هر کاری تواناست } [سوره انعام آیه ۱۷]

همان گونه که یقین دارد روزی او فقط به دست خداوند است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {جز این نیست که به جای خداوند بتها را می‌پرستید و دروغ آفرینی می‌کنید. بی گمان کسانی را که به جای خداوند می‌پرستید، نمی‌توانند به شما روزی دهند، پس از نزد خداوند روزی بجویید. و او را بپرستید و او را سپاس گزارید، که به سوی او بر گردانده می‌شوید } [سوره عنکبوت آیه ۱۷]

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه خداوند روزی او را برعهده گرفته است. خداوند متعال می فرماید: {و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آنکه روزی‌اش بر [عهده] خداوند است و [او] قرارگاه و آرامگاهش را می‌داند. هر یک [از آنها] در کتابی مبین [ثبت] است } [سوره هود آیه ۶]

حتی اگر او نتواند روزی خود را بدست آورد. خداوند متعال می فرماید: {و چه بسا جانورانی که روزی‌شان را بر دوش نمی کشند. خداوند به آنها و شما روزی می‌دهد. و او شنوای داناست } [سوره عنکبوت آیه ۶۰]

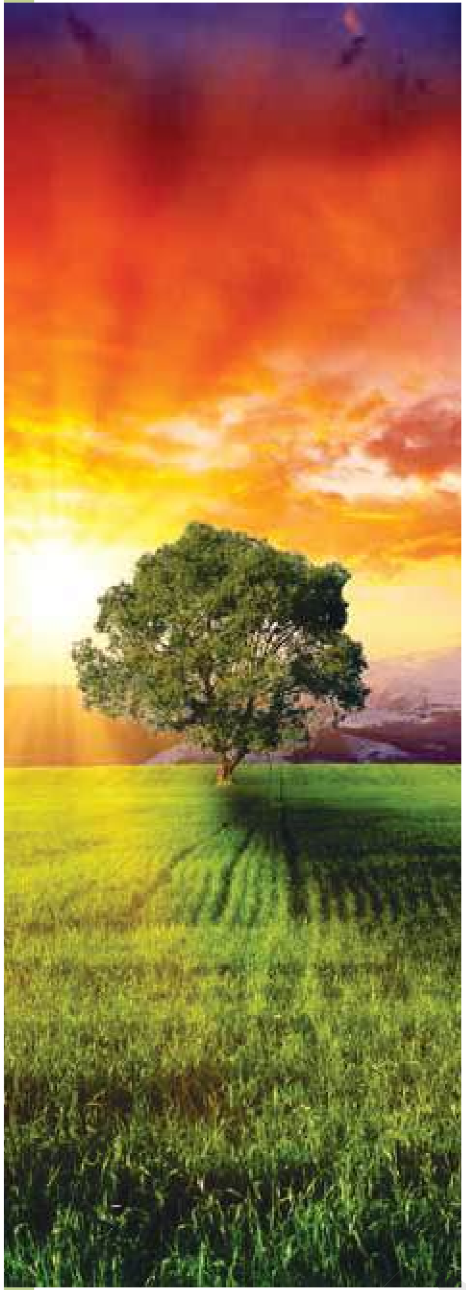

www.path-2-happiness.com

"تحقیقات علمی نشان می دهد که یاری دیگران سبب مداوای پریشانی روحی می شود محققین روان شناسی تاکید می کنند که کمک و یاری رساندن به دیگران سبب آرام شدن روان می گردد، چرا که در رنج دیگران فرو رفتن سبب ترشح اندرفین می گردد و این هرمونی است که سبب احساس راحتی روانی و سرحالی می شود مدیر سابق معهد نهوض بالصحة در امریکا "الان لیکس"تاکید می کند که کمک به دیگران در کاهش فشار روانی کمک می کند چرا که تفکر در رنج و غم دیگران سبب کاهش تفکر او در غم و رنج خودش می شود و به همین سبب احساس راحتی می کند"

و او یقین دارد که روزی او بدون تردید خواهد آمد همانا این حقی است که در آن هیچ گونه شکی وجود ندارد. خداوند متعال می فرماید: {و روزیتان و آنچه وعده می‌یابید در آسمان [مقرّر] است (۲۲)پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین آن مانند همین که شما سخن می گویید، حق ّاست (۲۳)} [سوره ذاریات آیه ۲۳-۲۲]

همانا خداوند متعال روزی را در میان مردم تقسیم واندازه آن را مشخص کرده است. خداوند می فرماید: {بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ می‌گرداند و تنگ می‌دارد. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند} [سوره سباء آیه ۳۶]

و ایمان قطعی دارد، که خداوند او را در خیر و شر می آزماید. خداوند می فرماید: {هر جانداری چشنده مرگ است و شما را برای امتحان، به سختی و آسایش می‌آزماییم. و به سوی ما باز گردانده می‌شوید } [سوره انبیائ آیه ۳۵]

و اگر لطف خداوند نمی بود او هلاک و نابود می گشت. همان گونه که می داند او در این دنیا مهمانی است هر چند که عمر او طولانی و یا کوتاه باشد. او بدون تردید به سرای دیگر منتقل می شود، بر این اساس او در این دنیا مدت محدودی بسر می برد. پس از مصیبت های زمانه نمی ترسد و از هیچ کس به جز خداوند خوفی ندارد، اگر چه دشمن او بسیار نزدیک باشد. خداوند متعال در باره موسی علیه السلام آن هنگام که فرعون با سربازانش به آنها رسیدند چنین نقل می کند: {سپس چون دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند:

بی گمان به ما رسیدند (۶۱)[موسی] گفت: چنین نیست. البته پروردگارم با من است که به من راه خواهد نمود (۶۲)پس به موسی وحی کردیم که چوبدستی‌ات را به دریا بزن. آن گاه [دریا] شکافت آن گاه هر پاره‌ای [از آن] مانند کوهی بزرگ شد (۶۳)و دیگران را [نیز] آنجا نزدیک آوردیم (۶۴) و موسی و همراهانش را همگی نجات دادیم (۶۵) سپس دیگران را غرقه ساختیم (۶۶)بی گمان در این [ماجرا] نشانه‌ای است و بیشترشان مؤمن نبودند (۶۷)} [سوره شعراء آیه ۶۷-۶۱]

و این سرور یقین کنندگان است محمد صلی الله علیه و سلم، که اگر دشمن زیر پای خود را می نگریست او را می دید، اما با وجود این آن چنان اعتماد و ثقه ای به خداوندش دارد که در حالی که مشرکان به قصد کشتن در تعقیب او و هستند به همراهش ابوبکر صدیق رضی الله عنه در غار می فرماید: {نگران مباش. بی گمان خداوند با ماست. پس خداوند آرامشش را بر او نازل کرد و او را با سپاهیانی که آنها را نمی‌دیدید توان داد و آرمان کافران (شرک) را فروتر قرار داد و آرمان الهی (توحید) است که برتر است و خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره توبه آیه ۴۰]

همان گونه که او یقین دارد خداوند زمان مرگ را مقدر می سازد. پس از مرگ نمی ترسد. خداوند متعال می فرماید: {خداوند جانها را به هنگام مرگشان می‌ستاند. و نیز [جانی] که نمرده است [آن را] هنگام خوابش [می‌گیرد]. و [جانی را] که بر آن حکم به مرگ کرده است، نگاه می‌دارد و [آن] دیگر را تا هنگامی معین [باقی] می‌گذارد. بی گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می کنند، نشانه‌هایی است } [سوره زمر آیه ۴۲]

www.path-2-happy.com

بلکه یقین دارد که آن یک حقیقت است و از آن فراری نیست. خداوند می فرماید: {بگو: آن مرگی که از آن می گریزید، [بدانید] که آن به شما خواهد رسید، سپس به [نزد] دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید آن گاه شما را به [حقیقت] آنچه می کنید، خبر می‌دهد } [سوره جمعه آیه ۸]

و مرگ فقط در اجل مکتوب حاصل می شود. خداوند می فرماید: {و اگر خداوند مردم را به [کیفر] ستمشان گرفتار سازد، بر روی آن (زمین) هیچ جنبنده‌ای باقی نمی گذارد. ولی آنان را تا زمانی مقرر باز پس می‌دارد. پس چون وقت مقرر آنان فرا رسد، لحظه‌ای باز پس نمی‌مانند و پیش نمی‌روند } [سوره نحل آیه ۶۱]

۷- خشنودی و رضایت دروازه سعادت و خوشبختی است:

خوشبختی و سعادت آن است که نفس آدمی در خشنودی و رضایت بسر ببرد. نارضایتی، سیه روزی و تلخکامی زندگی روح، روان و احساس آدمی را تیره و تار می کند. خشنودی دروازه سعادت و آرامش و شادمانی و سرور است. خشنودی و رضا، آرامش و یقینی است که درقلب آدمی به سبب خشنودی از اختیار خداوند نسبت به او حاصل می شود و این آرامش و یقین و اطمینان هر چه را که برای انسان در زندگی روی می دهد خیر و سبب سعادت و راحتی می کند و به سوی غیر خدایش روی نمی کند و بر چیزی از سامان دنیا افسوس نمی خورد و سبب می شود تا کار و تلاش کند و خدایش را بخواند و سپس به آنچه خداوند برایش مقدر ساخته است رضایت بدهد تا زندگی رضایت مند و خوشبخت داشته باشد. رضایت بر چندین نوع است از آن جمله:

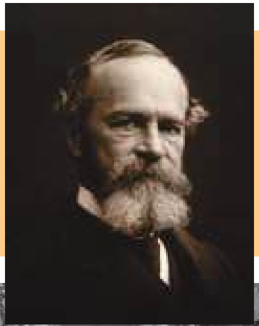

ایمان و زندگی

"ایمان از جمله نیروهایی است که فرد برای زندگی به آن نیاز مبرم دارد و نبود آن هشداری برای عدم توان برای تحمل رنج های زندگی است"

ارنست رنان

مورخ فرانسوی

ا- رضایت به اینکه الله، پروردگار اوست و اسلام دین اوست و محمد صلی الله علیه و سلم رسول و نبی اوست و هرکس که به این موارد خشنود نباشد همیشه درپریشانی و درگیر با پرسش های اضطراب آور بسر می برد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "مزه ایمان را می چشد کسی که به الله به عنوان پروردگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد به عنوان رسول خشنود گردد" (روایت در صحیح بخاری است) و هر کس که مزه و طعم ایمان را نچشیده باشد هرگز طعم سعادت و خوشبختی را نخواهد چشید، بلکه همیشه در اضطراب و تیره روزی بسر خواهد برد. منظور از خشنودی به خداوند ایمان به وجود او و احساس نمودن عظمت، حکمت، قدرت، دانش و علم او وایمان به نام های نیکوی او و خشنودی به او و به پرستش اوست و گر نه او در حیرت و پریشانی و افسردگی خواهد بود و پناه بر خداوند.

ب- خشنودی به حکم و قانون خداوند. خداوند متعال می فرماید: {سوگند به پروردگارت، [در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آن گاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملا گردن نهند } [سوره نساء آیه ۶۵]

آدمی راههای تیره روزی بسیاری را آزموده است و با روی آوری به قوانین ساختگی و سیستم های ناقص، خود را در معرض بدبختی دنیا قرار داده است، زیرا آنها ساخته بشر هستند نه قانون خالق بشر، که به مصلحت آنها داناتر است. خداوند متعال می فرماید: {آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملک آیه ۱۴]

ج- رضایت به قضا و قدر خداوند سبحان: او به قضای خداوند خشنود می شود زیرا یقین دارد که هیچ چیز به او نمی رسد مگر اینکه آن مشیئت خداوند است و خداوند قلب او را هدایت می

www.path-2-happiness.com

کند. خداوند متعال می فرماید: {هیچ مصیبتی جز به حکم خدا نمی‌رسد. و کسی که به خدا ایمان آورد [خداوند نیز] دلش را هدایت می‌کند. و خداوند به همه چیز داناست } [سوره تغابن آیه ۱۱]

او به قضا و قدر خداوند رضایت می دهد و به آن خشنود می شود، زیرا به علم یقین می داند که هیچ کس جز خداوند قادر نیست هیچ گونه ضرر و زیانی را از او دور سازد. خداوند می فرماید: {و اگر خداوند رنجی به تو برساند، آن را جز او باز دارنده‌ای نیست. و اگر خیری در حقّ تو بخواهد، فضلش را [نیز] باز دارنده‌ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند. و او آمرزنده مهربان است}[سوره یونس آیه ۱۰۷]

از جمله آثار شگفت انگیز ایمان آن است که مومن به آن چه خداوند برایش مقدر ساخته است رضایت می دهد و بر مصیبت ها و سختی ها صبر می کند و در برابر نعمت ها شکر می کند و این سبب رضایت و خشنودی داخلی می شود که کسی جز مومنین به آن دست نمی یابند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:" کار مومن شگفت انگیز است اگر شادی و نعمتی به او برسد شکر گذاری می کند و اگر ضرر و زیانی به او برسد صبر می کند و هر دو امر برای او خیر است"(روایت از صحیح مسلم است)، رسول خدا صلی الله علیه و سلم به ما آموخته است که چگونه خشنود باشیم وقتی کسی را می بینیم که در بهره دنیا از ما بالاتر است، می فرماید:"به کسی بنگرید که از شما پایین تر است و به کسی ننگرید که از شما بالاتر است این بیشتر سبب می شود تا قدر نعمتی را که خداوند به شما داده است، کم ندانید" (روایت متفق علیه است).

تمدن های مادی باید واژگون شوند

همانا آشکار شده است که اسلام با اصول خود سبب گسترش آرامش در روان آدمی می شود، اما تمدن مادیگرایی معتقدان به خود را به سوی ناامیدی سوق می دهد، زیرا آنان به چیزی ایمان ندارند. همانگونه که آشکار شد اروپاییان حقیقت اسلام را درک نکرده اند، زیرا آنان بر اساس مادیگرایی آن را می سنجند.

روژیه دوباکیه

اندیشمند و روزنامه نگار سویسی

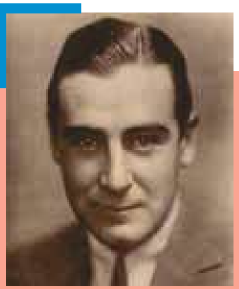

رکس انگرام

کارگران بین المللی سینما

روح اسلام

" من براین باورم که اسلام دینی است که صلح و آرامشش را بر دل ها وارد می کند و به آدمی آرامش و راحت خیال و آسایش را در این زندگی الهام می کند، روح اسلام به روان من سرایت کرده است نعمت ایمان به قضای الهی و بی توجه بودن به امور تاثیر گذار مادی در درد و لذت را، احساس کرده ام

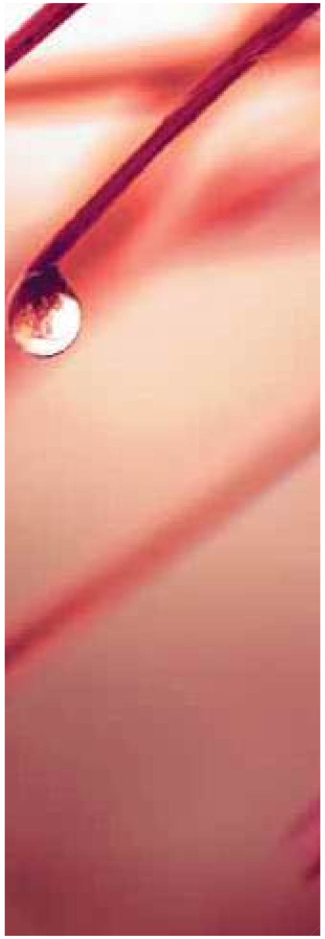

بدبختی و تیره روزی دوری از راه سعادت است:

اسلام برای هر زمان و مکان شایستگی دارد و با فطرت بشری هماهنگ و هم گام است و تغیرات زندگی را مراعات می کند و با پیشرفت وتمدن همراه است و مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و غیره ملت ها را درمان می کند، اما بسیاری از مردم ار این راه روشن گمراه شده اند و برخی دیگر به نبرد با آن پرداخته اند و مشغول بدنام و معیوب جلوه دادن آن هستند تا مردم را از آن دور کنند و این سبب بدبختی بسیاری از مردم و جوامع گشته است؛ خداوند متعال سعادت دو سرای را برای کسی که از هدایت او پیروی کند و شریعت او را لازم بگیرد تضمین کرده است و بدبختی، تیره روزی، ذلت و خواری را برای کسی نوشته است که روی برگرداند و تکبر پیشه کند.

همانا خداوند بشریت را برای پذیرش اسلام مکلف ساخته تا کار و وضع او مرتب و منظم شود و در دنیا و آخرت رستگار گردد و در میان آن دو بدبخت نشود. اما نفس بشری به طبیعتش، تکالیف و قید و بندهایی را که در برابر امیال و شهوات او مانع ایجاد می کند دوست ندارد، اگر چه این تکالیف به نفع او باشند. به همین سبب

www.path-2-happiness.com

خداوند بر اهل حق لازم گردانده تا به سوی خیر و حق که خداوند آنها را به آن هدایت کرده دعوت بدهند و آن را به تمام جهانیان عرضه بدارند. همانا رسول خدا صلی الله علیه و سلم مبعوث شد تا سعادتمند شود و به همراه او قومش و همه مردم سعادتمند شوند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج آفتی } [سوره طه آیه ۲]

و همچنین می فرماید: {و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم } [سوره انبیاء آیه ۱۰۷]

پس پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم و التزام روش او و گام نهادن در مسیری که او رفته است، مصدر سعادت و راه رهایی و نجات است. راه زندگی که خداوند ما را امر کرده است تا در چهارچوب باید ها و نبایدهای آن زندگی کنیم باعث سعادت و خوشبختی در دو جهان است و هر خارج شدنی از این چهارچوب به جز شقاوت و بدبختی در دو جهان نتیجه دیگری دربرندارد. راست گفت خداوند بزرگ آن گاه که فرمود: {و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم (۱۲۴)گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا برانگیختی حال آنکه [در دنیا] بینا بودم! (۱۲۵) فرماید: بدینسان بود که آیات ما برایت آمد و آنها را فراموش کردی و بدینسان امروز [درباره] تو فراموشی روا داشته شود } [سوره طه آیه ۱۲۶].

همانا تفاوت بزرگی است میان مومنی که خداوند در باره او می فرماید: {او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم}[سوره نحل آیه ۹۷]

و میان آن که از یاد و ذکر خداوند رویگردانی اختیار کرده است. خداوند در باره او می فرماید: {زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت}[سوره طه آیه ۱۲۴]

زندگی پاکیزه به پیروی از بایدها و نبایدهای خداوند در آشکار و پنهان و اطمینان قلب برای قضای الهی صورت می پذیرد، زیرا او به رعایت و حمایت خداوند زنده می شود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {(همان) کسانی که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید، دلها به نام خدا آرام می گیرند } [سوره رعد آیه ۲۸]

بامگاه اسلام

"چه نسل های فراوانی دچار ترس و تیره روزی خواهند شد پیش از این که بامگاه اسلام دوباره بدمد، چیزی که آشکار است و تمام تاریخ به آن سمت می رود و در آن روز صلح بر تمام دنیا و بر دل های آدمیان حاکم خواهد شد

هربرت جورج ولز
نویسنده و ادیب انگلیسی

پس انعکاس اطمینان قلب بر کردار آدمی آشکار می شود و آنکه زندگی تیره و تار دارد و در تنگی بسر می برد او در طرف دیگر است. همانسان که خداوند متعال در آیه ذیل می فرماید: {و هر کس را که بخواهد در بیراهی واگذارد، دلش را سخت تنگ کند که گویی در آسمان بالا می‌رود. و خداوند بدینسان ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد.} [سوره انعام آیه ۱۲۵]

تنگی و بدبختی و تیره روزی او به سبب فقر و بیماری نیست او در تمام کارهایش پریشان حال و مضطرب است، روی آوری دنیا به سوی فرد بدبخت یا پشت کردن آن به او، او را از دایره بدبختی بیرون نمی کند. زیرا سبب بدبختی او این نیست، بلکه اسلوب فکری او سبب این تیره روزی شده است. فقط شاید افزایش مال، یا کم شدن آن، یا تغییر در صحت و سلامتی او و یا بیماریش سبب افزایش بدبختی او شود. خداوند متعال می فرماید: {پس مالهایشان و فرزندانشان تو را شگفت زده نکند. جز این نیست که خداوند می‌خواهد که با آنها در زندگانی دنیا آنان را عذاب کند و در حالی که آنان کافر باشند جانشان بیرون رود } [سوره توبه آیه ۵۵]

و همچنین می فرماید: {و مالهایشان و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد. جز این نیست که خداوند می‌خواهد با آن در دنیا آنان را عذاب دهد و جانهایشان در حال کفر بیرون رود } [سوره توبه آیه ۸۵]

www.path-2-happiness.com

بدبختی و تیره روزی بشر به ثروت و فقر یا صحت و بیماری یا آزمایشی در زندگی دنیا مربوط نمی شود. بدبختی به سبب دوری از خداوند و منحرف شدن از راه او و منقطع شدن رابطه بین او و خداوند بوجود می آید. آن گاه که زکریا با دعایش به خداوند توسل جست؛ گفت: {و پروردگارا [هرگز] در دعایت ناامید نبوده‌ام } [سوره مریم آیه ۴

همانا در گذشته تو مرا عزت و اکرام نموده و دعای مرا اجابت کرده ای این بار نیز مرا به اجابت کردن مسرور ساز و این قضیه فقط برای زکریا نیست. بلکه خدای عزو جل به ما خبر داد و فرمود: {و چون بندگانم درباره من از تو بپرسند، [بگو:] به راستی که من نزدیکم. دعای دعا کننده را هنگامی که مرا [به دعا] بخواند، روا می‌دارم. پس باید که از من فرمان پذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند } [سوره بقره آیه ۱۸۶

تا زمانی که رابطه میان بنده و خدایش برقرار است سعادت و خوشبختی او محقق می شود و بدبختی او زمانی آغاز می گردد که این رابطه قطع شود و به اندازه کوتاهی انسان در انجام دستورات خداوند اضطراب و خلل در روح و روان و زندگی او بوجود می آید.

به همین سبب خداوند هدایت و رحمت و گمراهی و بدبختی را در کنار هم می آورد. از نمونه نخست این آیه است: {اینانند [استوار] بر هدایت از [سوی] پروردگارشان و اینانند که رستگارند } [سوره بقره آیه ۵

و کلامش که می فرماید: {اینانند که از جانب پروردگارشان درودها و رحمتی بر آنان است و همینان رهیافته‌اند } [سوره بقره آیه ۱۵۷

و همچنین کلام خداوند که می فرماید: {پس اگر از [سوی] من هدایتی برایتان بیاید، هر کس که از هدایت من پیروی کند، گمراه نمی‌شود و به رنج نیفتد } [سوره غافر آیه ۶۷

هدایت: بازداشتن او از گمراهی است و رحمت: بازداشتن او از بدبختی و تیره روزی و این آن چیزی است که خداوند متعال در آغاز سوره طه آورده است: {قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج آفتی } [سوره طه آیه ۲-۱

فرو فرستادن قرآن و دور شدن بدبختی از او را، در کنار هم گرد آورد. همانگونه که در انتهای سوره در حق پیروانش گفت: {گمراه نمی‌شود و به رنج نیفتد } [سوره طه آیه ۱۲۳

هدایت، فضل، نعمت و رحمت با هم متصل اند و از یکدیگر جدا نمی شوند. همان گونه که گمراهی و بدبختی به هم متصل اند و از یکدیگر جدا نمی شوند. خداوند متعال می فرماید: {به راستی گناهکاران در گمراهی و گرفتار آتشند } [سوره قمر آیه ۴۷

آتشی که در این سوره سعر نامیده شده است،

عذابی است که اوج بدبختی و تیره روزی در آن قرار دارد و در برابر سرانجام گناهکاران، خداوند متعال سرانجام پرهیزکاران را در همین سوره چنین می آورد: {بی گمان پرهیزگاران در باغها و [در جوار] جویباران خواهند بود } [سوره قمر آیه ۵۵-۵۴

پس راه سعادت و خوشبختی این است اگر می خواهی آن را بپیمایی و از آن پیروی کنی. این راهی نیست که بر اساس خرافات و بدعات روحی یا براساس فکر مجرد استوار باشد. راه سعادت و خوشبختی این است و راه دانش و تمدن نیز همین است..

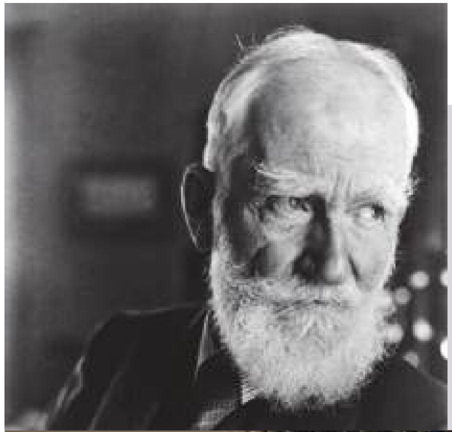

نجات دهنده انسانیت

"منصفانه است که محمد را نجات دهنده انسانیت بنامیم و من بر این باورم که اگر مردی چون او زمام امور دنیای جدید را عهده دار شود در حل مشکلات آن موفق خواهد شد و صلح و سعادت بر آن حکمفرما خواهد شد"

برنارد شاو

نویسنده انگلیسی

www.path-2-happiness.com

مطالب

- اسلام و دانش
- عناصر مسیر تمدن:
- اعجاز در قرآن و سنت.

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

مسیر دانش و تمدن

www.path-2-happiness.com

مسیر دانش و تمدن

اسلام و دانش

بدون تردید راه سعادت از دروازه های دانش و تمدن می گذرد و به هیچ عنوان امکان ندارد مسیر خوشبختی از وادی جهل و عقب ماندگی بگذرد و هیچ دین و اندیشه ای به مانند اسلام که محمد نبی صلی الله علیه و سلم آن را آورده، جایگاه دانشمندان را بالاَ نبرده و با آنان به نیکی وبزرگواری رفتار نکرده است. اسلام به طلب دانش و استفاده از فکر و اندیشه فراخوانده و به تدبر و تفکر دعوت کرده است. اسلام تمدن بزرگی بوجود آورد که در شرق و غرب زمین گسترش یافت. به همین سبب بعثت رسول خدا محمد صلی الله علیه و سلم یک انقلاب علمی واقعی به شمار می رود. در محیطی که دانش در آن بیگانه بود و فراگیری آن امری عادی به شمار نمی رفت. اسلام آمد تا با دانش آغاز کند و دنیا را با نور هدایت ربانی روشن سازد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {آیا حکم [روزگار] جاهلیّت را می‌خواهند! و برای گروهی که یقین دارند، چه کسی در داوری بهتر از خداوند است }[سوره مائده آیه ۵۰]

در این دین جایی برای جهالت، نادانی، شک، تردید و دودلی وجود ندارد و نخستین آیه ای که بر پیغمبر درس ناخوانده نازل شد عبارت بود از: { بخوان به [یمن] نام پروردگارت که [سراسر هستی را] آفرید (۱)انسان را از خونپاره‌های بسته آفرید (۲)بخوان و پروردگارت بس گرامی است (۳)کسی که [نوشتن] با قلم آموخت (۴)به انسان آنچه را که نمی‌دانست، آموخت (۵)} [سوره فلق آیه ۵-۱]

واضح است که این نخستین موضوع؛ کلید شناخت این دین و کلید شناخت دنیا و آخرت است. جایی که تمامی انسان ها به سوی آن باز می گردند.

با دقت می توان دریافت که اهتمام اسلام به دانش فقط در آغاز نزول قرآن نبوده بلکه از آغاز آفرینش انسان می باشد. همانگونه که قرآن در آیاتش برای ما حکایت می کند، خداوند آدم را آفرید و او را خلیفه خود در زمین نهاد و به فرشتگان دستور داد تا بر او سجده کنند و او را عزیز و محترم گردانده و جایگاه او را بالا برد. و سپس برای ما و فرشتگان سبب این عزت و احترام را ذکر کرده که علت آن دانش و علم است. خداوند متعال در این موضوع می فرماید: {و چون پروردگارت به فرشتگان فرمود: به راستی من جانشینی در زمین خواهم گمارد، گفتند: آیا کسی را در آنجا می‌گماری که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، حال آنکه ما با ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را پاک می‌شماریم! فرمود: به یقین من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (۳۰) و [خداوند] همه نامها [ی آفریدگان] را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه داشت، آن گاه فرمود: اگر راستگویید، مرا به نامهای اینها خبر دهید (۳۱)گفتند: تو را به پاکی یاد می‌کنیم: ما دانشی جز آنچه به ما آموخته‌ای، نداریم. تویی که دانای فرزانه‌ای (۳۲) فرمود: ای آدم، اینان را به نامهای آنها خبر ده، پس چون [آدم] آنان را از نامهای آنها خبر داد، [خداوند] فرمود: آیا به شما نگفته بودم که به راستی من غیب آسمانها و زمین را می‌دانم و می‌دانم آنچه را که آشکار می‌کنید و آنچه را که نهفته می‌داشتید (۳۳)} [سوره بقره آیه ۳۳-۳۰]

بخوان.. فریاد اسلام است

" بدون تردید اسلام که دین دانش و معرفت است، معتقدین به خود را با فراگیری دانش و عمل به آن فرا می خواند و این سخن گزافی نیست زیرا نخستین آیه قرآن کریم عبارتست از: بخوان به نام خدایت آن که آفرید".

روبرت پیر ژوزف

استاد فلسفه در دانشگاههای فرانسه

www.path-2-happiness.com

و از مواردی که به جایگاه دانش و ارزش آن اشاره می کند آن است که قرآن نه تنها فقط در آغاز در باره آن سخن می گوید – آنجا که می گوید: { بخوان}، بلکه روشی ثابت در این قانون جاویدان است. تقریبا هیچ سوره ای از سوره های قرآن از بحث فراگیری دانش به صورت مستقیم و غیر مستقیم خالی نیست. خداوند متعال برای بزرگترین امر غیر قابل انکار یعنی توحید و یکتاپرستی ذات باری تعالی به دانش و فراگیری دعوت می کند. خداوند متعال می فرماید: {پس بدان که معبود [راستینی] جز خدا نیست و برای گناهت و برای مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه و خداوند گردشگاه و قرارگاهتان را می‌داند }
[سوره محمد آیه ۱۹]

و به بزرگی دانش و صاحبان آن امر کرده و یکسانی دانا و نادان را رد می کند: {بگو: آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند برابرند! تنها خردمندان پند می‌پذیرند } [سوره زمر آیه ۹]

و مقام صاحبان دانش را در دنیا بس بالا می برد. این علاوه از پاداش آخرت می باشد. خداوند می فرماید: {خداوند به مراتبی [منزلت] مؤمنانتان و کسانی را که علم یافته‌اند، بالا برد. و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است }
[سوره مجادله آیه ۱۱]

گذشته از این که در قرآن کریم به زیاده طلبی در هیچ چیز جز دانش تشویق نشده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و بگو: پروردگارا، به من دانشی بیفزای }
[سوره طه آیه ۱۱۴]

مسجد.. دانشگاه است

"تاهنوز مساجدی به مانند گذشته دانشگاه هستند؛ مساجد پر از طلاب دانش بود کسانی که انگیزه فراگیری آنان را گرد آورده بود و برای شوق شنیدن سخنان دانشمندان در باره دین و شریعت و فلسفه، پزشکی و ریاضیات گرد آمده بودند و دانشمندان هم از انحای عالم می آمدند و با زبان عربی سخن می گفتند آنجا هر طالب علمی از هر نژادی مورد استقبال قرار می گرفت ".

ستانلی لین پول

دانشمند بریتانیایی

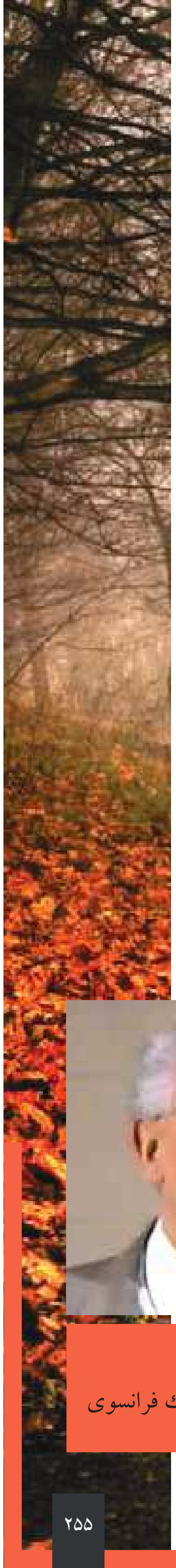

به همین سبب این از جهت مبالغه نبود آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند:" هر کس راهی بپیماید تا در آن دانش بیاموزد خداوند به آن راه بهشت را برایش هموار می کند و فرشتگان پرهای خویش را برای خشنودی طالب دانش پهن می کنند و هر آن چه در آسمان ها و زمین هست و حتی ماهیان در آب، برای او استغفار می کنند و همانا فضل و برتری عالم و دانشمند به نسبت عابد و پرهیزکار به مانند برتری ماه بر دیگر ستارگان است. دانشمندان و علماء میراث بران پیغمبران اند و آنها نه دینار و درهمی بلکه دانش را به ارث باقی گذاشته اند. پس هرکس از آن بهره ای برده، همانا بهره و نصیب بزرگی به او رسیده است. (روایت در صحیح مسلم) به همین سبب مساجد؛ مراکز دانش و دانشمندان گشتند.

اوج شگفتی زمانی است که تعداد تکرار کلمه علم و مشتقات آن در قرآن کریم– کتاب خداوند– را بشماریم. بعد از تحقیق متوجه می شویم که ۷۷۹ بار تکرار شده است. یعنی به طور متوسط هفت بار در هر سوره از سوره های قرآن. این فقط کلماتی هستند که از ماده کلمه سه حرفی– ع ل م – مشتق شده اند. اما کلمات دیگری نیز هستند که به علم اشاره می کنند اما از این ماده نیامده اند. کلماتی مانند: یقین، هدایت، عقل، فکر، نظر، حکمت، فقه، برهان، دلیل، حجت، آیه و نشانه ، بینه و دیگر معانی که زیر عنوان علم قرار می گیرند و به آن تشویق می کنند. اما در سنت نبوی به سادگی نمی توان تعداد تکرار این کلمه را مشخص نمود. زیرا این معنی بسیار تکرار شده است.

قرآن کتاب فیزیک، شیمی، زیست شناسی و یا ریاضیات نیست بلکه آن "کتاب هدایت" است. و با وجود این هر گز با چیزی که دانش جدید آن را تایید کرده، مخالفت ننموده است.

موریس بوکای

دانشمند و پزشک فرانسوی

قرآن و اعجاز علمی آن

"قرآن آیات فراوان و آشکاری پیرامون دانش طبیعی دارد که استاد یوسف مروه آنها را در کتاب" دانش طبیعی در قرآن کریم" گرد آورده است و دقیقا ۷۷۴ آیه هستند و به شرح ذیل تقسیم می شوند: ریاضیات ۶۱ آیه، فیزیک ۲۶۴ آیه، اتم ۸ آیه، شیمی ۲۹ آیه نسبیت ۶۲ آیه ستاره شناسی ۱۰۰ آیه هواشناسی ۲۰ آیه آب و مایعات ۱۴ آیه، فضا ۱۱ آیه جانور شناسی ۱۲ آیه دانش زراعت ۲۱ آیه؛ زیست شناسی ۳۶ آیه؛ جغرافیایی عمومی ۷۳ آیه دانش نژاد های بشری ۱۶ آیه دانش طبقات زمین ۲۰ آیه ، هستی شناسی و تاریخ رویدادهای هستی ۳۶ آیه".

www.path-2-happiness.com

شور و شوق نسبت به فرهنگ

"هرگز در تاریخ تمدن جریانی زیباتر از آن شور و شوق ناگهانی برای فراگیری دانش که در انحای جهان اسلام روی داد بوجود نیامده است، گویی هر مسلمان از خلیفه گرفته تا صنعتگران ناگهان شوق فراگیری دانش و میل برای سفر برای آن در وجودشان لانه کرد و این بهترین چیزی بود که اسلام از هر جهت ارایه کرد، طلاب دانش از هر جهت رو به سوی بغداد و پس از آن به سوی شهرهای دیگر گذاشتند شهرهایی که مرکز ادبیات و دانش بودند به مانند حرکت جدید در اروپا که دانشمندان و دانشجویان در پی دانش به هر سمت می روند و البته آن حرکت از این جریان زیباتر بود ".

استانلی لین پول

شرق شناس بریطانیایی

این تاثیر بسیار بلند مدتی بر دولت اسلامی، که بعد از این تشکیل شد بر جا گذاشت و جنب و جوش علمی بسیار گسترده ای در میادین مختلف علم و دانش بوجود آورد. چنان جنب و جوشی که تاریخ نمونه آن را سراغ ندارد. این تحرک بزرگ، سبب شکوفایی تمدنی بسیار بزرگ توسط مسلمانان گشته و میراث انسانی را با توشه ای عظیم از علم و دانش تقویت نمود. به طوری که تمام دنیا را مدیون خود ساخت.

ماکس مایرهوف می گوید:" می توان پیشرفت علم شیمی در اروپا را به صورت مستقیم به "جابر بن حیان" نسبت داد و بزرگترین دلیل بر این مدعا آن است که تا هنوز بیشتر مصطلحات مورد استفاده در زبان های مختلف اروپایی، واژگانی هستند که او وضع کرده است".

الدومیلی می گوید: " اگر به دانش ریاضیات و ستاره شناسی دقت کنیم پی می بریم که از همان آغاز دانشمندان بلند پایه ای دراین موضوعات در میان مسلمانان وجود دارد. از مشهورترین آنها ابوعبدالله محمد بن موسی خوارزمی است[۱].. خوارزمی یک مجموعه از ریاضی دانان بسیار بزرگ را تربیت نمود و

(۱) بنیانگذار علم جبر، معرف نظام عددی هند و وضع کننده مباحث فراوانی در حساب و ستاره شناسی و جغرافیا.

کتابهای او تا قرن شانزدهم در دانشگاههای اروپا تدریس می شد".

زیگرید هونکه در باره دانش جراحی از کتاب" التصریف لمن عجز عن التالیف[۱]" از آن زهراوی می گوید:" قسمت سوم این کتاب نقش بسیار مهمی در اروپا ایفا کرد و این قسمت از دانش پزشکی را به جایگاه بزرگی رساند. پس بعد از آن دانش جراحی مستقل گشته و در اصول خود بر علم تشریح پای گرفت ".

کتاب زهراوی تاثیر بسیاری در نهضت فراگیری دانش در اروپا در طی پنج قرن بر جای گذاشت. این کتاب در دانشگاههای اروپا تدریس می شده و منبع جراحان اروپایی بود و از آن بسیار آموختند.

(۱) آن عبارت است از یک دانشنامه پزشکی سی مجلدی همراه با تصاویر فراوان و شکل هایی از آلات و ابزارهایی که مولف زهراوی در عمل جراحی از آنها استفاده کرده. گیرار کریمونی قسمت جراحی این دانش نامه را در قرن دوازدهم میلادی به لاتین ترجمه کرده که بارها چاپ شده است. یکی از این چاپ ها در سال ۱۴۹۷ در ونیز بود و چاپ بعدی در بازل در سال ۱۵۴۱ و چاپ سوم در ۱۷۷۸ در اکسفورد و دکتر لوکلیرک در قرن نوزدهم آن را به فرانسه برگزداند.

www.path2happiness.com

گوستاولوبون

مورخ فرانسوی

تمدن دانش

"هر چند بیشتر در تمدن عرب و کتاب های علمی و اختراعات و هنر آنان عمیق تر شویم حقایق تازه تر و افق های جدیدی برای ما آشکار می شود و به سرعت به این پی می بریم که عرب در رساندن دانش قدیم به دیگران در قرون وسطی صاحب فضل و برتری هستند و دانشگاهای غرب به مدت پانصد سال به جز مطالب علمی آنان چیز دیگری برای طرح درس وجود نداشت و آنان بودند که اروپا را از جهت ماده و عقل و اخلاق بسوی تمدن کشاندند و تاریخ هیچ ملتی را نمی شناسد که به مانند آنان در مدت کم، این چنین نتایجی را ببار بیاورند و هیچ قوم دیگر در درک هنری به پای آنان نرسید."

تا هنوزهم دانشمندان مسلمان دست آوردهای فراوانی تقدیم بشریت می کنند؛ احمد زویل[1] در کتابش "عصر دانش" می گوید:" کار من جایی در وسط اتم ها قرار دارد، جایی که اجزای اتم به هم می پیوندند و یا از هم فاصله می گیرند..

عجیب نیست که این دانش هدایت و نوری است که محمد صلی الله علیه و سلم آن را تقدیم کرد وبا آن بشریت را از مرداب های گندیده جهالت بیرون آورد و او را در طول تاریخ با دانش و تمدن برافراشت.

اسلام اسلوب دقیق فراگیری دانش را ارایه داد. برای نمونه اسلام از تقلید بدون اندیشه برحذر داشته است: خداوند پاک در باره مشرکان می گوید: {گویند: [نه] بلکه از شیوه‌ای که نیاکانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم. آیا [چنین می‌کنند] اگر چه پدرانشان چیزی نفهمیده و راه نیافته باشند! } [سوره بقره آیه ۱۷۰]

و از پیروی کردن گمان بدون روش علمی باز می دارد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: { [آنان] جز از گمان پیروی نمی‌کنند و آنان [کاری] نمی‌کنند جز آنکه دروغ می‌گویند } [سوره انعام آیه ۱۱۶]

و از هوس هایی که با علم و منطق و عقل و تحقیق مخالف هستند نهی کرد. خداوند متعال می فرماید: {و بسیاری با خواسته‌های [نفسانی] خویش بدون علم [مردم را] گمراه می‌کنند. } [سوره انعام آیه ۱۱۹]

(۱) شیمیدان مصری که در سال ۱۹۹۹ جایزه نوبل شیمی را به دست آورد او دوربینی اختراع کرده بود که می توانست طیف نوری را تجزیه و تحلیل کند. این ابزار می توانست با سرعت فمتو ثانیه کار کند. او همچنین تحقیقاتی در باره عکس العمل های شیمیایی انجام داد . این اختراع بشریت آن چنان گامی به جلو برد که انتظار آن را نمی برد.این اختراع به انسان این توان را داد تا اتم ها را در حین عکس العمل های شیمیایی به وسیله تکنولوژی لیزر سریع ببیند. دکتر احمد زویل سیستم عکس برداری بسیار سریع را اختراع کرد که با استفاده از لیزر صورت می گرفت و می توانست اجزای اتم را در هنگام به هم آمیختگی و منفک شدن رصد کند. آن زمانی که این تصویر گرفته می شود را فمتو ثانیه می گویند که آن یک قسمت از یک میلیون میلیاردم ثانیه است.

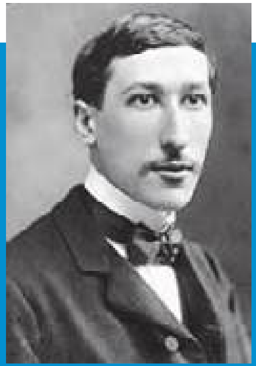

رینیه گینو

فیلسوف فرانسوی

قرآن اعجاز گر

"من تمام آیاتی را که پیرامون دانش طبیعی هستند بررسی کرده ام و به این نتیجه رسیدم که تمامی این آیات با دانش جدید بشری مطابقت دارد. پس من به این باور قطعی رسیدم که آن چه محمد صلی الله علیه و سلم در بیش از هزار سال پیش آورده است دقیقا حق و درست است، پیش از این که در آن جا معلم یا مدرسی باشد، اگر متخصصین هر دانش آیات قرآنی را با آن چه دارند مقایسه کنند بدون تردید به حقانیت قرآن اعتراف می کنند البته اگر این بررسی از غرض ورزی خالی باشد."

و از تنفر و بیزاری که از عدالت دور می کند، هشدار می دهد و می فرماید: {و دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که به عدالت رفتار نکنید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوی نزدیکتر است و از خداوند پروا بدارید، که خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است } [سوره مائده آیه ۸]

و پیرامون موضوعیت در فراگیری دانش، خداوند بلند مرتبه در باره یهود می گوید: {[گروهی] از یهود هستند که کلمات را از جایگاهشان تغییر می‌دهند و می‌گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم} [سوره نساء آیه ۴۶]

و از سرکشی و اختلاف بر حذر می دارد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {تنها راه [نکوهش] بر کسانی [باز است] که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق٘ [تباهی] می‌جویند. اینانند که عذابی دردناک [در پیش] دارند } [سوره شوری آیه ۴۲]

و امانت داری علمی همراه با عدالت را در میان مردم می ستاید و می فرماید: {و چون در میان مردم حکم کنید به عدل [و انصاف] حکم کنید} [سوره نساء آیه۵۸]

و به عدل و پابرجایی در حق و قسط و گواهی راستین امر می کند ومی فرماید: {ای مؤمنان، به داد استوار [و] برای خدا گواه باشید و اگر چه به زیان خودتان باشد.} [سوره نساء آیه ۱۳۵]

و در باره اهمیت تحقیق درباره دلیل و برهان می فرماید: . { بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. } [سوره نمل آیه ۶۴]

و نمونه های دیگر ازاین موارد که روش مند بودن راه فراگیری علم و ایجاد تمدن را ترسیم می کند.

مسیر تمدن: هیچ قوم یا ملت و یا گروه و دسته ای خواه پیشرفته و یا عقب مانده از داشتن یک فرهنگ که آنها را به هم مرتبط ساخته و به آنها شکل و ویژگی های خاص خود را

www.path2-happiness.com

می دهد خالی نیستند. فرهنگ عبارت است از: اسلوب رفتار و موضعگیری در زندگی و در برابر هستی، آن یک سیستم ارزشی اجتماعی است که بر پدیده های زندگی و به شکل جمعی و فردی سیطره دارد و در نمونه های فعالیت و رفتار پدیدار می شود و سبب یکپارچگی آنها می گردد. اما تمدن یک توصیف اضافی بر وجود فرهنگی یک جمع است که دربرگیرنده معنی پیشرفت و برتری کیفی و کمی بوده و دستاوردهایی در سطح واقعی و نشانه آشکاری از تاثیر در محیط تاریخی و فعالیت آن در ساختن رویدادهای بزرگ و مسیر دهی به آنان می باشد. فعالیتی که چه بسا نقطه عطفی روشن در تاریخ یک کشور و یا یک زمان خاص به شمار می رود. بدین ترتیب هر تمدن ساختار منحصر به فرد خود را در شکل، طبیعت، سیاست، دین، فرهنگ، دانش و اخلاق دارد. همه این عناصر در تمدن یک ملت سرشته و در هم آمیخته اند و آن همان فرهنگ ملت های مختلف با تمام ویژگی ها و نشانه های خاص می باشد.

اسلام موفق به تغییر روحیه و رویکرد آن دسته مومنین نخستین گشت . آنها را از زندگی بیابانگردی – که تعصب و عقب ماندگی بر آن چیره شده بود– به سوی آراستگی به اخلاق والا و اصول برتر برد. رویکردی که روح مدنیت و تمدن را رواج داد. ودر خلال چند دهه دنیا را گشوده و با این تمدن گروههای بسیاری از مردم آن زمان را با خود همراه کرد. زیرا دینی که محمد صلی الله علیه و سلم به آن مژده داده بود دین آسانی و عدالت و برادری و مساوات بود. تمدن اسلامی زمانی آمد که مردم از سیستم پیشین به تنگ آمده بودند. زیرا آن بر اساس بندگی و استبداد استوار بود. و انتظار سیستمی را می کشیدند که در آن عزت و کرامت و انسانیت خود را مشاهده کنند. بعد ازاین که ظلم و ستم را به دست شاهان دیکتاتور و کشیشان مستبد چشیده بودند، اسلام یک فرصت طلایی برای آنان بود. زیرا اوضاع آنان را اصلاح کرده و در شراط جدید آن زندگی با عزتی را دیدند، که انتظارش را می کشیدند و در عین حال ظلم و جهالت و عقب ماندگی را از آنان برداشت.

تمدن اسلامی نگاه به انسان را تغییر داده و آن را به نگاهی بزرگوارانه بدل ساخت و هرگز میان انسان با برادرش بر اساس نژاد، یا رنگ و یا زبان تفاوت قایل نشد. بلکه همگی در آن با یک رفتار و با یک حقوق مواجه بودند. و تمدن اسلامی به شکل فعال در پیشبرد جمع بشری به جلو، سهیم گشت. بعد از اینکه سیستم قبیله ای را که بر اساس خون و نسب استوار بود، به سیستم گروهی مشترک که بر عقیده و فکر بنا شده بود، بدل کرد. جامعه ای که ارتباط اجتماعی آن بر اساس برادری و مساوات بود.

نخستین هدف در تمدن– به نظر اسلام– به وجود آوردن آرامش و آسایش و امنیت و برپاداشتن جامعه ای ممتاز و خوشبخت کردن بشریت و مبارزه با تمام عوامل شراست. زیرا پیشرفت تمدن با تمام وسایل مدنیت در ذات خودش مورد نظر نیست. زیرا هدف تمدن درست آن است که سعادت روانی و آرامش قلبی انسان را به شکل متوازن و به همراه محقق ساختن صلح و پیشرفت جامعه و وطن برآورده کند و این با رسیدن به هر خیر و امر سودمند و دور شدن از هر شر و امر زیان مند حاصل می شود.

بر عکس تمدن امروزه که سبب افزایش پریشانی و دلواپسی شده و آدمی را در آسیاب مادیگرایی سرکش، خرد نموده است و از اخلاق، فضیلت، دین و ارزش های برتر انسانی به دور ساخته و آدمی را به ابزاری بی روح بدل کرده که قوی، ضعیف را زیر پای خود له می کند.

بهترین سیستم

"اسلام سیطره یافت، زیرا آن بهترین سیستمی بود که روزگار می توانست آن را ارایه و منتشر کند. زیرا در هر جای دنیا، ملت های تحت ظلم و ستم بودند که از جهل و بی سوادی و هرج و مرج در آنان سوء استفاده می شد و همچنین حکومت های مستبدی بودند که میان آنان و مردم هیچ گونه ارتباطی نبود، اسلام گسترده ترین و تازه ترین و پاک ترین اندیشه ی سیاسی بود که به یک فعالیت عملی در جهان آن روز بدل شد و به آدمی سیستمی بهتر از هر سیستم دیگر می داد و نظام سرمایه داری و بردگی در امپراطوری رم و ادبیات و فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی در اروپا همگی رو به انحلال رفته بود و پیش از آن که اسلام بیاید نابود شده بود."

هربرت جورج ولز

نویسنده و ادیب بریطانیایی

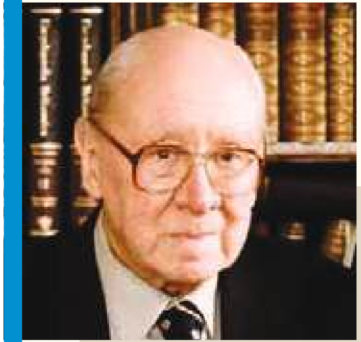

از نشانه های غرور

"مناسب است که تحقیق پیرامون تاثیرات اسلامی بر اروپا صورت بگیرد، در این زمانی که ارتباط مسلمانان با مسیحیان عرب و اروپائیان در این جهان واحد بیشتر شده است. ملاحظه شده است که نویسندگان مسیحی در اروپا در خلال قرون وسطی از اسلام صورتی ناقص و بی ریخت ارایه می دادند، اما به فضل تحقیقات محققین در قرن گذشته صورتی دقیق تر از اسلام شروع به بوجود آمدن کرده است، برای ارتباطات خوب با عرب و مسلمانان باید ما کاملا به بزرگی و فضل مسلمانان بر خودمان اعتراف کنیم همانا سعی ما در انکار این، نشانه ای از نشانه های غرور کاذب است"

مونتگمری وات

شرق شناس بریطانیایی

www.path-2-happiness.com

خودکشی جهان

"غرب امروزه بیش از هر وقت دیگر به اسلام نیازمند است، تا زندگی در آن معنی پیدا کند و تاریخ دارای هدف شود تا روش غرب در جدایی دانش و ایمان تغیر کند. اسلام میان دانش و ایمان فاصله ای نمی گذارد و حتی برعکس آن در میان آنها ارتباط برقرار می کند و آنها را یک واحد متکامل و غیر قابل تجزیه می شمارد. همانگونه که اسلام می تواند امید را به جامعه غربی بیاورد، جامعه ای که شدیدا تحت تاثیر فرد گرایی قرار گرفته است و آن را به سمت خودکشی سوق می دهد ".

مرمادك بكثول

ادیب و اندیشمند انگلیسی

دست آوردهای علمی

"اسلام در طی هشت قرن گذشته دست آوردهای بزرگی داشته است و این اشتباه است که فکر کنیم اسلام فقط یک ناقل تمدن بوده است و یا فکر کنیم تمدن غربی کاملا ساخته و پرداخته غرب است اسلام فضل فراوانی در مدد و کمک غرب به قواعد نخستین دارد قواعدی که این دست آوردها از آن ها جوشیده است"

امیر چارلز

ولی عهد بریتانیا

عناصر مسیر تمدن:

تمدن اسلامی داری عناصر بارزی است که ویژگی های آن از سایر تمدن ها متمایز است و شخصیت هدف در آن متفاوت می باشد، اهداف و اصول آن مختلف است والبته وجوه مشترکی نیز با دیگر تمدن ها دارد.

اساس تمدن اسلامی به مانند تمدن یونان تعظیم عقل نیست وبه مانند تمدن روم، تعظیم قدرت و گسترش نفوذ هم نیست و به مانند فارسیان توجه و اهتمام به لذات جسمی و نیروی جنگی و تسلط سیاسی هم نیست وبه مانند هندیان و برخی از چینی ها فقط آمادگی و پرورش روحی هم نبود و آماده کردن سیطره مردان دین و روحانیت با استفاده از خرافات و افسانه ها نبود آن گونه که در تاریکخانه قرون میانه در اروپا روی داد و نه مفتون شدن به علوم مادی و استفاده از گنجینه های هستی و مادیگرایی سرکش، همان گونه که در تمدن امروزه تحت تاثیر تمدن یونان و روم مشاهده می شود. اساس تمدن اسلامی توحید، یکتاپرستی، تفکر، دانش، عمل، معنویت، ساختن و آباد کردن و احترام به عقل و تکریم انسان است. یعنی تمام آن چه

که زندگی انسان در بر دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی تمدنی مستقل و دارای قانونی مشخص است که به شکل ریشه ای با اصول دیگر تمدن ها تفاوت دارد. تمدن اسلامی با داشتن روح جهاد، اجتهاد، انصاف، عدل، گذشت، تسامح با مخالف، دوستی خیر و خوبی و نشر علوم در تمام دنیا، از دیگر تمدن ها برتر بوده و به همین سبب نامزد رهبری دوباره بشریت می باشد. زیرا عناصر این تغیر به شکل کامل در آن موجوداند .

تمدن اسلامی دارای ویژگی ها و عناصر متفاوتی است ؛ از آن جمله:

۱- ایمان و توحید:

جوهر راه سعادت و خوشبختی و بزرگترین دعوت کننده به فراگیری دانش و ساختن تمدن، ایمان است و هر تمدنی که بر اساس ایمان به خداوند و توحید بر پا نشده باشد، تمدنی مضمحل است که اسباب انفکاک و از هم گسیختگی و درگیری و نزاع درونی را در ذات خود دارد که سبب نابودی یکدیگر می شوند. در آن تمدن جز خداوند یکتا معبودان دیگری پرستیده می شوند و آن ها را با نام های مختلف نام گذاری می کنند و این سبب فساد زندگی بشری و بدبختی او می گردد. خداوند متعال می فرماید: {اگر در آن دو معبودانی جز خداوند بودند تباه می‌شدند. پس خداوند، پروردگار عرش، پاک و فراتر است از آنچه بیان می‌کنند } [سوره انبیاء آیه ۲۲]

و خداوند می فرماید: {خداوند هیچ فرزندی بر نگرفته است و هیچ معبود [دیگری] با او نیست. [اگر باشد] آن گاه هر معبودی آنچه را که آفریده بود، می‌برد و قطعا برخی بر برخی [دیگر] چیره می‌شدند. خداوند از آنچه وصف می‌کنند پاک [و منزه] است } [سوره مومنون آیه ۹۱]

سده های میانه

"اگر موسی بن نصیر می توانست اروپا را فتح کند اروپا قاره ای مسلمان می شد و یگانگی دینی برای ملت های متمدن حاصل می شد و اروپا از بدبختی سده های میانه رهایی می یافت، همانگونه که اسپانیا به فضل عرب از آن محفوظ ماند".

گوستاولوبن

مورخ فرانسوی

www.path-2-happiness.com

و خداوند می فرماید: {بگو: اگر با او معبودانی [دیگر] بودند، چنان که [خود] می‌گویند، آن گاه [هر یک] سوی صاحب عرش راهی [برای مقابله و مبارزه] می‌جستند } [سوره اسراء آیه ۴۲]

بازخورد این افکار آن چیزی است که رخ داده و برای بسیاری از تمدن ها روی می دهد وآنان از هدف به راهی دیگر می گرایند و منحرف می شوند و سبب بدبختی و سیه روزی انسان می گردند. اگر چه برای او قصد خیر و خوبی داشته باشند. خداوند می فرماید: {احبار و راهبانشان را به جای خداوند، به خدایی گرفته‌اند. و [نیز] مسیح بن مریم [را به خدایی گرفته‌اند] حال آنکه فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود [راستینی] جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند، [بس] پاک [و منزّه] است } [سوره توبه آیه ۳۱]

۲- جهانی بودن:

اسلام دینی جهانی است. برای اصلاح در هر زمان و مکان و برای هر نژاد و زبان و هر رنگ و ملت آمده است. خداوند می فرماید: {و تو را برای همه مردمان جز مژده آور و هشدار دهنده نفرستاده‌ایم. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند } [سوره سباء آیه ۲۸]

و خداوند می فرماید: {خجسته است کسی که «فرقان» را بر بنده‌اش نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد } [سوره فرقان آیه ۱]

و خداوند می فرماید: {بگو: ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم، کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست،} [سوره اعراف آیه ۱۵۸]

و خداوند می فرماید: {و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم } [سوره انبیاء آیه ۱۰۷]

شکست خورده فاتح را به اسارت گرفت!!

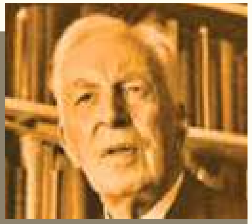

"در جنگ های صلیبی اسلام شکست خورده فاتحان را به اسارت گرفت و هنرهای تمدنی را به دنیای مسیحی وارد کرد و زندگی لاتینی تحت تاثیر شدید آن قرار گرفت و در برخی از قسمت های فعالیت انسانی مثل مهندسی ساختمان تاثیر اسلامی در دنیایی مسیحی شدید است این تاثیر در طول سده های میانه آرام آرام از اندلس و سیسیل وارد جهان مسیحی شد و تاثیر دولت جدید غرب از آن دو بسیار فراگیر و شامل بود."

ارنولد توینبی
مورخ بریتانیایی

اسلام عقیده ی ثابتی آورده که با تغییر احوال تغییر نمی کند و قانون و شریعتی عرضه داشته که بر اساس عدل و حق استوار است و با طبیعت بشر در هر زمان و مکان هماهنگ می باشد و این فقط به این دلیل است که آن از طرف خدایی است که آنچه را برای بندگانش شایسته بوده و برای آنان سودمند است، می داند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا کسی که [همه چیز را] آفریده است، نمی‌داند! و اوست باریک بین آگاه } [سوره ملک آیه ۱۴].

همان گونه که اسلام دین یک گروه خاص یا رنگ یا نژاد معین از انسان ها نیست، اسلام برای سفید پوستان، سیاه پوستان، زردپوستان، سرخ پوستان و برای همه آدمیان در روزگار پیشین و هم اکنون و در آینده صلاحیت دارد. وهیچ محققی هر چند که توانمند باشد نمی تواند در آن چه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم آورده است رنگ و بوی منطقه ای یا قومی و نژادی بیابد و این دلیلی واضح بر این است که دعوت او دعوتی جهانگیربوده و به یک دسته معین و یا یک قوم مشخص محدود نمی شود. چرا که تمام عبادات، احکام و اخلاق اسلامی برای همه بشر در هر زمان صلاحیت دارند.

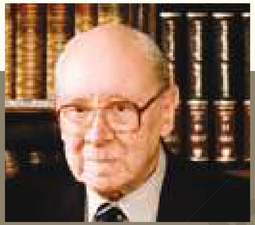

فرمانده مناسب کجاست؟

"اگر رهبر مناسب یافت شود که در باره اسلام دقیق و مناسب سخن بگوید ممکن است بار دیگر این دین به عنوان یکی از نیروهای اساسی بزرگ در جهان بروز کند".

مونتگمری وات
شرق شناس بریطانیایی

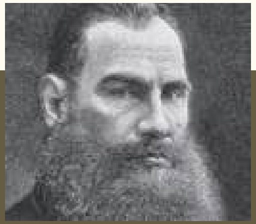

در زندگی می جوشد!

"اسلام برترین دین برای بشریت است، اسلام با تمام جزئیاتش در زندگی مسلمان می جوشد و بلکه در هر فعالیتی که مسلمان انجام می دهد فضل و برتری از آن اسلام است و جز اسلام در دنیا هیچ دینی وجود ندارد که توان حل مشکلات تمام مردم را در جهان معاصر داشته باشد و این فقط امتیاز اسلام است".

کوفهی لال گابا
سیاستمدار و روزنامه نگار هندی

www.path-2-happiness.com

نمی توانیم بگوییم که عدل یا خوش رفتاری برای یک قوم یا در یک زمان شایستگی ندارد و این خاص اسلام است. اما در برخی از ادیان و آئین ها گرایش منطقه ای یا قومی یا نژادی بسیار واضح و آشکار است. برای نمونه یهود وقتی با غیر دین خود چنان رفتار می کنند که خداوند در باره آنان می فرماید: {و کسی از اهل کتاب هست، که اگر او را به مالی هنگفت امین داری، آن را به تو باز پس دهد. و از آنان کسی هست که اگر او را به یک دینار امین داری آن را به تو باز نگرداند مگر تا وقتی که بر سر او ایستاده باشی. این از آن است که آنان گفتند: در [باره] کتاب ناخواندگان [قوم عرب] گناهی بر ما نیست و [دیده و] دانسته بر خداوند دروغ می‌بندند } [سوره آل عمران آیه ۷۵]

۳- تمدن دانش، آبادانی و سازندگی:

نگاه اسلام به انسان چنان است که خداوند او را برای خلافت و آبادانی زمین آفریده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن به آباد کردن گمارد،}[سوره هود آیه ۶۱]

انجیل متی

"من فرستاده نشده ام مگر برای گوسفندان گمراه شده بنی اسرائیل". و چون دوازده نفر را برگزید تا یهود را دعوت کنند به آنها سفارش کرد"به سوی امم نروید و به شهر سامرین وارد مشوید بلکه به سوی بنی اسرائیل همان گوسفندان گمراه شده بروید".

و خداوند می فرماید: {او کسی است که شما را در زمین جانشینان [خود] گرداند. پس هر کس که کفر ورزد [پی آمد] کفرش به زیان اوست. و در حقّ کافران، کفرشان در نزد خدا جز خشم نمی‌افزاید. و در حقّ کافران کفرشان جز زیان افزون نمی‌سازد } [سوره فاطر آیه ۳۹]

برابر با باور اسلامی همه انسان ها با واگذاشتن دانشی که برای بشریت سودمند است و سبب آبادانی زمین می شود، گناهکار می شوند. محمد صلی الله علیه و سلم زمانی مبعوث شد که بشریت در حضیض عقب ماندگی تمدنی و علمی بوده و مردم مشغول فلسفه بافی و مناظره و از آبادانی و کار سازنده غافل بودند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم بشریت را از این وضع بیرون کشیده و او را با دین اسلام بالا برد. دین تمدن و سازندگی و

ساختن و آبادانی کردن

"اسلام نبوغ و هوشمندی و برتری فردی را می پذیرد، اسلام دین سازندگی و آبادانی است و نه دین تخریب و ویرانی، برای نمونه اگر فردی زمینی دارد و ثروتمند نیز هست و زمین را رها شده گذاشته است و آن را کشت و زرع نمی کند آن زمین به شکل طبیعی به زمین عمومی بدل می شود و شرع بر این اصرار دارد که زمین او به نخستین فردی منتقل می شود که آن را بکارد".

سر چارلز ادوارد ارشیبالد

سیاستمدار انگلیسی

www.path-2-happiness.com

آبادانی، بدون اینکه میان سازندگی و تابش و درخشش روحی تناقضی باشد. در روان فرد مسلمان هیچ تناقضی میان عبادت، کار، سازندگی، معنویت و کار برای رضای خدایش وجود ندارد و تمام این ها برای خداوند و در راه اوست. خداوند متعال می فرماید: {بگو: بی گمان نمازم و عبادتم و زندگانی‌ام و مرگم [همه] در راه خداوند، پروردگار جهانیان است } [سوره انعام آیه ۱۶۲]

۴- تمدن اخلاقی:

اخلاق در اسلام یک عبادت است و رسول خدا صلی الله علیه و سلم به ما خبر می دهد که برای تکمیل اخلاق پسندیده برانگیخته شده و می فرماید" من برای تکمیل کردن اخلاق نیکو برانگیخته شده ام"(روایت از مالک است) راه تمدن و خوشبختی راهی اخلاقی است که بر اخلاق پسندیده و کارهای شایسته تشویق می کند. اخلاق در اسلام تمام قسمت های زندگی را فرا می گیرد، قسمت هایی مثل رفتار انسان با خودش، با خداوند و با دیگران را شامل می شود. همانگونه که شامل چگونگی رفتار با مسلمان، کافر، کوچک، بزرگ، مرد، زن، موافق و مخالف می شود. اسلام به کرم، شجاعت، عدل، رحمت، تواضع و فروتنی، ادب نیکو در رفتار، راستی، شرم و آزرم، بردباری، سلامتی قلب، محبت خیر و دیگرصفات اخلاقی امر می کند. خداوند بلند مرتبه در اثبات اهمیت و وجوب عدل حتی با فرد مخالف می فرماید: {ای مؤمنان، برای [گزاردن حقّ] خدا [که مفاد عهد پیش گفته است] برخیزید [و] گواهان به عدل باشید. و دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که به عدالت رفتار نکنید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوی نزدیکتر است و از خداوند پروا بدارید، که خداوند به آنچه می کنید آگاه است } [سوره مائده آیه ۸]

و در باره رسالت محمد صلی الله علیه و سلم و توضیح این مطلب که او رحمتی برای تمام مردم جهان بوده و فقط برای کسانی نیست که به او ایمان آورده اند، می فرماید: {و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده‌ایم }[سوره انبیاء آیه ۱۰۷]،

این اخلاق قسمتی جدا ناشدنی از تمدن اسلامی و رکنی اصیل در آن به شمار می رود و امکان ندارد اخلاق پسندیده به هر دلیلی از رفتار مسلمان رخت بربندد. هیچ مصلحت و یا دلیلی چون آبادانی زمین و غیره نمی تواند مانع اخلاق پسندیده مسلمان شود. خداوند متعال پیغمبرش محمد صلی الله علیه و سلم را چنان ادب آموخته بود که در ادب و اخلاق و سرمشق نیکو و در هر چیز نمونه بود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست } [سوره احزاب آیه ۲۱]

و خداوند قسمتی از رحمت و حرص و علاقه او را برای هدایت مردم به سوی راه سعادت

اصلاح کردن نفوس

"اسلام بیش از هر دین دیگری با اکتشافات علمی هماهنگ است و بیش از همه به پیراستن و اصلاح کردن نفوس توجه می کند و به عدل و احسان و تسامح فرا می خواند".

گوستاولوبن
مورخ فرانسوی

در جمع گواهان

" همگی شما می دانید که من " هیرال " فرزند رهبر بزرگ و دوگانه پرست " گاندی " هستم من در جمع گواهان و در حضور این مسلمانان اعلام می کنم که من عاشق و دوستدار اسلام و قرآن هستم و به یگانی الله و به رسول خاتم او محمد صلی الله علیه و سلم ایمان آوردم و اقرار می کنم که بعد از او پیغمبری نیست و آن چه آورده است و همچنین دیگر کتاب های نازل شده همگی حق هستند و انبیاء و رسولان حق هستند من برای اسلام و قرآن زنده می شوم و می میرم و برای آنها مبارزه می کنم و در راه آنها سعی و جهاد می کنم و یکی از ستون های آن خواهم بود و از دعوتگران به سوی اسلام در میان قوم و قبیله خود خواهم بود. این دین یکتاپرستی دین دانش و فرهنگ و عدل و امانتداری و رحمت و مساوات است".

عبدالله هیرال گاندی
فرزند مهاتما گاندی

www.path-2-happiness.com

عقل و منطق

" از زیبایی های اسلام آن است که بر اساس عقل استوار است و هرگز از معتقدین به خود نمی خواهد تا این استعداد فعال خدایی را تعطیل سازند همان گونه که اسلام دوستدار تحقیق و بررسی پیش از ایمان آوردن است، اسلام این سخن حکیمانه را تایید می کند که می گویید: بر درستی هر چیز مطمئن شو و آن گاه به خیر و خوبی چنگ بزن و البته این عجب نیست چرا که حکمت گم شده مومن است و هر کجا آن را یافت او مستحق ترین به آن است، اسلام دین عقل و منطق است به همین سبب اولین کلمه ای که بر محمد نبی صلی الله علیه و سلم نازل شد کلمه "بخوان" بود. همان گونه مشاهده می کنیم که شعار اسلام دعوت به تفکر و تحقیق پیش از ایمان آوردن است، اسلام حق است و اسلحه آن دانش و دشمن سخت آن جهل و نادانی است."

هارون لیون

زبان شناس بریتانیایی

و خوشبختی توصیف می کند و می فرماید: {بی‌گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص [و] به مؤمنان رئوف مهربان است } [سوره توبه آیه ۱۲۸].

۵- تمدن عقل و اندیشه:

در اسلام چنان روحانیتی وجود ندارد که نتوان او را مورد سؤال قرار داد و در اسلام رازی وجود ندارد که بیرون از تفکر آدمی باشد. خداوند متعال آدمی را به تفکر و تدبر در آیات آفرینش و در امت ها امر نموده است. خداوند متعال می فرماید: {آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش [آرمیده] یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می کنند. [و می‌گویند:] پروردگارا، این را باطل نیافریده‌ای، پاکی برای توست، پس ما را از عذاب آتش [جهنم] حفظ کن } [سوره آل عمران آیه ۱۹۱]

و خداوند می فرماید: {آیات [خود] را بدینسان برای گروهی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم } [سوره یونس آیه ۲۴]

و خداوند می فرماید: {[آنان را] با دلایل و کتابها [فرستادیم] و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فرو فرستاده شده است و باشد که اندیشه کنند } [سوره نحل آیه ۴۴]

و خداوند می فرماید: {آیا در ضمیر خود اندیشه نکرده‌اند [که در یابند] خداوند آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست مگر به حقّ و [تعیین] سر آمد مقرر نیافریده است! و به راستی بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان ناباورند } [سوره روم آیه ۸]

و خداوند می فرماید: {و این مثلها را برای مردم می‌زنیم که آنان اندیشه کنند } [سوره حشر آیه ۲۱]

و خداوند پاک به ما می آموزد که دانش فقط ظن و گمان نیست بلکه باید بر دلیل و برهان استوار باشد. خداوند متعال می فرماید: {بگو: اگر راستگویید برهانتان را [در میان] آورید } [سوره بقره آیه ۱۱]

در این میان اسراری وجود ندارد که کسی از آنها سر در نیاورد و روحانیتی وجود ندارد که کسی نتواند راز آن را بگشاید.

www.path-2-happiness.com

۶- تمدن صلح درونی و برونی:

صلح درونی یعنی خوشبختی داخلی انسان و رهایی او از درگیرهای درونی که در تمدن امروزی بسیاری از مردم را در هم می نوردد، به طوری که اندیشه دنیا و آخرت در نزد او با همزیستی بسر می کنند و عبادت، کار، آبادانی و سازندگی، روح و ماده، دین و دانش با هم و کنار هم بسر می برند. صلح و آرامش درونی نشانه ی تمدن اسلامی و نکته ای واضح است که از توحید برمی خیزد و تمام موارد فوق را در نفس مومن به سادگی و آسانی گرد می آورد.

در اسلام دنیا هدف و یا به ذات خودش مقصد نبوده بلکه آن کشتکار آخرت و محل عبور و گذرگاهی به سوی آن است و این در کلام باری تعالی واضح است، آنجا که می فرماید: {و در آنچه خداوند به تو داده است [اصلاح] سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را [نیز] فراموش مکن و چنان که خداوند به تو نیکی کرده است نیکی کن و در زمین در پی فساد مباش. که خداوند فساد پیشگان را دوست نمی‌دارد } [سوره قصص آیه ۷۷]

و خداوند می فرماید: {آن گاه چون نماز گزارده شود، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجویید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید } [سوره جمعه آیه ۱۰]،

یعنی: آن گاه که از نماز فارغ شدی به سوی کار دنیوی خودت برو تا زمانی که آن حلال و درست باشد و در آن در پی اخلاص باش و رضایت باری تعالی را مد نظر قرار بده. همانگونه که رسول خدا به یکی از یارانش فرمود:" تو هیچ چیزی هزینه نمی کنی وقتی هدف رضایت باری تعالی باشد، مگر اینکه از آن پاداش می بری، حتی آن چه را که در

دهان زنت می گذاری"(روایت از مالک است)، یعنی هرآن چه را که برای همسرت از غذا و غیره تهیه می کنی در برابر آن پاداش می بری. در دین ما جدایی میان دین و دنیا وجود ندارد، به شرطی که دنیا ما را از آخرت غافل نسازد. همانگونه که خداوند متعال می فرماید: {ای مؤمنان، اموالتان و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند. و هر کس که چنین [کاری] کند آنانند که زیانکارند } [سوره منافقون آیه ۹]

و همچنین می فرماید: {و در آنچه خداوند به تو داده است [اصلاح] سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را [نیز] فراموش مکن و چنان که خداوند به تو نیکی کرده است نیکی کن} [سوره قصص آیه ۷۷]

دوستی کار، همسر و بازی با فرزندان و توجه به آنان و دیگر کارهای این چنینی که در حدود ضوابط شرع باشند و برابر با هدایت و راهنمائی های رسول خدا صلی الله علیه و سلم و هدف از آنها به دست

راه حل های هوشمندانه

قرآن راه حل های بسیار هوشمندانه ای برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی این عصر پیش پا می گذارد به همین سبب نمی توان در حکمت قرآن تردید کرد زیرا محمد در رساندن آن چه از طرف خداوند امر شده بود موفق شد و بر ما لازم است – به نظر من – موضعگیری ما هر چه باشد باید پیام قرآن را جوششی خلاق در وضعیت مکی بشماریم".

مونتگمری وات

شرق شناس بریتانیایی

www.path-2-happiness.com

زندگی پاک

گولد زهیر
شرق شناس یهودی

" اگر ما نسبت با اسلام منصف باشیم باید بپذیریم که در تعالیم آن نیروی بسیار قوی و فعال بسوی خیر است و زندگی برابر با این توان و نیرو می تواند زندگی پاکیزه باشد که هیچ گونه غباری بر آن از جهت اخلاقی نباشد. این آموزه ها برای تمام مخلوقات خیر و خوبی را می خواهد و خواهان امانتداری و محبت و اخلاص در روابط فیمابین مردم است و خواهان از بین بردن غرایز تحریک کننده بر علیه یکدیگر است. همانگونه که دیگر خصائل پسندیده را تشویق می کند و نتیجه تمام این ها آن می شود که مسلمان صالح دارای زندگی می شود که با ریزترین قواعد اخلاقی هماهنگ می گردد".

آوردن رضایت باری تعالی باشد مورد تشویق و امر شرع هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {بگو: بی گمان نمازم و عبادتم و زندگانی‌ام و مرگم [همه] در راه خداوند، پروردگار جهانیان است } [سوره انعام آیه ۱۶۲]

تمام زندگی برای خداوند است، حتی مواردی که نفس بشری نیز از آن لذت می برد. آن نیز اطاعت و پیروی از خداوند به شمار می رود، زمانی که نیت درست باشد.

و صلح و سازش بیرونی با مردم و افراد دور و نزدیک و موافق و مخالف. نخستین کلامی که مسلمان به برادرش می گوید: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته است. هرگز بشریت به آن سعادتی که در ایام فرمانروایی اسلامی به آن رسیده است، نائل نشده و این سعادت و راحتی به سایر ادیان نیز رسیده بود و دنیا با انحطاط مسلمانان فراوان زیان دیده است. خداوند متعال می فرماید: {و دشمنی گروهی [از آن روی] که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، بر آنتان ندارد که از حدّ بگذرید. و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و بر گناه و ستم همکاری مکنید و از خدا پروا بدارید، بی گمان خداوند سخت کیفر است } [سوره مائده آیه ۲]

۷- تمدن صفاء و صمیمیت:

تمدن اسلامی بر افراد خود لازم می گرداند تا دارای قلب هایی سالم و نفوسی صاف و خالص باشند. خداوند متعال دعای مومنان را چنین بازگو می کند: {و [نیز] آنان راست که پس از اینان آمدند. [انصار] می‌گویند: پروردگارا، ما را و آن برادرانمان را که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند، بیامرز. و در دلهای ما هیچ کینه‌ای در حق کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار مده. پروردگارا تویی که بخشنده مهربانی } [سوره حشر آیه ۱۰]

و خداوند می فرماید: {روزی که مال و فرزندان سود نبخشد (۸۸)بلکه کسی [فائده می‌بینند که] دلی پاک نزد خداوند آورد (۸۹)} [سوره شعراء آیه ۸۹-۸۸]

اخلاق مردان

"مسلمانان آن گونه که نمایان می شود از مسیحیان مردان کامل تری بوده اند، آنان بیش از مسیحیان بر عهد خود پابرجا ماندند و بیش از آنان بر شکست خوردگان رحم داشتند و بسیار کم در تاریخشان آن وحشیگری های مسیحیان در زمان حمله و چیره شدن در بیت المقدس در سال ۱۰۹۹ م. را مرتکب شده اند"

گولد زهیر
شرق شناس یهودی

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "با هم کینه ورزی نکنید و برادر و بندگان خداوند باشید. مسلمان را نشاید که برادرش را بیش از سه روز ترک کند به طوری که در دیدار با هم روی برگردانند و بهترین آنها کسی است که به سلام دادن آغاز کند"(روایت در صحیح مسلم است). وبرای تشویق دوستی و محبت و الفت می فرماید:" سوگند به آن که روانم به دست اوست به بهشت وارد نمی شوید تا زمانی که ایمان بیاورید و مومن نمی شوید تا یکدیگر را دوست بگیرید، آیا شما را خبر ندهم چه چیزی این را برای شما ثابت می کند؟ سلام دادن را در میان خودتان رواج دهید"(روایت از ترمذی است) و به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفته شد، کدامین مردم برتر است؟ فرمود:" هرفردی که دارای قلبی مخموم و زبانی راستگو باشد، گفتند راستگویی زبان را می دانیم اما قلب مخموم چیست؟ فرمودند: هر فرد پرهیزکار و پاک سیرت که در او گناه و سرکشی و فریب و حسدی نباشد"(روایت از ابن ماجه است)

۸- تمدن روحی و مادی:

تمدن اسلام سبب درخشندگی روح گشت و در عین حال ماده را از یاد نبرده و به آن بی اعتناء نشده است. خداوند پاک آدمی را از ماده و روح آفریده و او را با تمام اسباب مادی و روحی یاری داده است. برای جسم محیط نیکو را فراهم کرده است تا در آن در روی زمین زندگی کند و برای قسمت روحی غذایی از وحی آسمان برایش مهیا ساخته که به وسیله فرستادگانی از جنس فرشته برای انسان فرو فرستاده شد. خداوند متعال پیرامون آفرینش انسان از ماده و روح می فرماید: {و آن گاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود: بی گمان من آفریننده بشری از گل خشک از [جنس] سیاه گل بویناک هستم (۲۸)پس چون به او سامان دادم و از روح خود در آن دمیدم، برایش به سجده درافتید (۲۹)} [سوره حجر آیه ۲۹-۲۸]

روح و جسم دو چیز به هم پیوسته هستند که جز با مرگ از یکدیگر جدا نمی شوند و هر یک از روح و جسم نیازهای خاص خود را دارند. جسم با خورد و نوش و لباس زندگی می کند و پابرجا می ایستد. و اگر فقط به یک طرف اکتفا شود تمام وجود تحت تاثیر آن قرار می گیرد. اگر آدمی از خورد و نوش غفلت کند ضعیف و لاغر می شود و نمی تواند زندگی را با

www.pars-2-happiness.com

لذت و بهره روحی

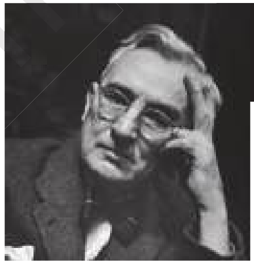

"هم اکنون نعمت هایی که دین به من می دهد مهم هستند. دقیقا همان گونه که برایم مهم است آن چه را نیروی برق و غذای خوب و آب تمیز به ما می دهند؛ این به ما کمک می کند که زندگی خوب و با رفاهی داشته باشیم، اما دین بیش از این به من می دهد آن به من لذت روحی می بخشد یا به قول ولیام جیمس به من انگیزه می دهد تا زندگی را ادامه بدهم، زندگی پر و مملو از شادی و سعادت و خشنودی، دین مرا به ایمان و امید و شجاعت تقویت می کند و اضطراب و پریشانی را از بین می برد و برای من در زندگی هدف و راحتی را سبب می شود و در پیش روی من افق های خوشبختی را می گشاید و مرا در ساختن یک واحه سرسبز در وسط صحرای زندگی یاری می دهد".

عظمت و بزرگی اسلام

"اسلام نیازی به قلم ما ندارد، هرچند که قلم ما دارای بلاغت و فصاحت باشد. اما قلم ما به اسلام نیازمند است. زیرا آن دارای ثروت روحی و اخلاقی است تا از آن چیزی به ما عطا کند.. و به قرآن دلکش آن نیاز داریم تا چیزی از آن بیاموزیم".

آرامش و با ثبات ادامه بدهد و همچنین است در دیگر نیازهایش.

کوتاهی در هر یک از نیازهای این جسم بر تمام وجود آن تاثیرداشته و او قادر نخواهد بود تا زندگی را به شکل درست و با آرامش و آسایش ادامه دهد. روح نیز نیازهای خود را دارد. روح بدون دوستی و علاقه و دهش و فداکاری نمی تواند آرام و قرار داشته باشد. چگونه روح استقرار می یابد در حالی که معبودی را نمی یابد تا او را بپرستد و به او عشق ورزد و دل او از دوستی و محبت خالی بوده و کسی را نمی یابد تا با او آرامش یافته و در نزد او آرام گیرد و یا این که او دهش و سلامتی قلب و محبت در میان مردم را مشاهده نمی کند؟ کوتاهی در تهیه نیازهای روح بشر به مانند کوتاهی در نیازهای جسم است. چگونه آدمی آرام می گیرد وقتی غذا و آب او فراهم نیست؟ چگونه آدمی آرام می گیرد در حالی که نصف دیگر او از درد می نالد؟ متاسفانه تمدن غرب درخشندگی و اشواق روح را از یاد برده و این امر سبب بدبختی آن در دنیا گشته است، در حالی که در دنیا در اوج رفاه است. تمدن امروزه تمدنی متمایز در خدمت جسم و ماده می باشد اما از یاد برده و یا از یاد او برده اند که جسم بدون روح صاحب هیچ گونه آرامش و خوشبختی نخواهد شد، حتی تمدن واقعی هم بدون آن شکل نمی گیرد.

۹- تمدنی که به انسان و حقوق او توجه دارد

معروف است که تطبیق حقوق انسان معیار التزام هر دولت به اصول عدل و انصاف و حمایت حقوق شهروندان و آزادی ها است. همان گونه که آن معیاری برای اندازه درک و آگاهی آن ملت به شمار می رود. حتی می توان گفت که مهمترین عنصر دمکراتیک در سیستم ها رعایت حقوق بشر است.

تمدن اسلامی نمونه ای فرید از رعایت حقوق بشر در میدان واقع ارایه داده است و این از آثار عظمت تمدن اسلامی بوده نه فقط یک مشت شعار. بارزترین نشانه های رعایت حقوق بشر در اسلام عبارتند از:

۱- مصدر این حقوق بر اساس سیادت وحاکمیت ذات باری تعالی استوار است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {حکم جز به دست خداوند نیست، حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران است. } [سوره انعام آیه۵۷]

فرآیند قانون گذاری اسلامی به این حقوق به نگاه خدایی و مقدار مصلحت آن برای این مخلوق می نگرد.

۲- ثبات و پابرجایی: با تغییر زمان و حالات و اوضاع ، تغییر نمی کند.

۳- رعایت نمودن این اصل که این حقوق باید به احسان و نیکی همراه باشند: حقوق در اسلام ازاین اندیشه سرچشمه می گیرند که بنده زیر نگاه خداوند بوده و باید از او خوف داشته باشد و این مقام و جایگاه احسان است. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در باره آن فرموده اند :"خداوند را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی اگر تو او را نمی بینی، بدان که او حتما تو را می بیند"(روایت در صحیح مسلم است).

۴- انسجام و هماهنگی و تکامل میان حقوق بشر و طبیعت این دین: اسلام حقوق را به شکل مجرد و خالی رها نساخته بلکه آن ها را در چهارچوب و جو اسلام و برابر با مقاصد شرعی قرار

عیب در ماست

"باید برای ما واضح و آشکار شود که سستی مسلمانان، و نه نقص آموزه های اسلامی سبب فساد گسترده در وقت حاضر شده است".

یوبولدفایس

اندیشمند اتریشی

www.path-2-happiness.com

داده و آنها را در کنار آداب و اخلاق نهاده است و اخلال در این آداب را اخلال به این حقوق برشمرده است و در انتها آن ها را با دین مرتبط ساخته و مصدر و سرچشمه آنها را خدایی دانسته است. به همین سبب آنها واجباتی بر فرد مسلمان هستند و نه فقط حقوق خالی. ساختمان و بنای حقوق در اسلام بنایی متکامل است که با طبیعت خدایی این دین هماهنگ است.

۵- حقوق بشر در اسلام از آن جا سرچشمه می گیرند که سیادت و حکمرانی در جامعه بشری فرعی از سیادت و سروری افراد آن بوده و به مانند سیستم های قراردادی بر عکس آن نیست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {به همین سبب بر بنی اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس کسی را جز [در مقام قصاص] کسی یا [جز به سبب] فسادی [که] در زمین [مرتکب شده باشد] بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است و هر آن کس که [سبب] زنده ماندن کسی شود، چنان است که گویی همه مردم را زنده داشته است و بی گمان فرستادگان ما نشانه‌های روشن برای آنها آوردند. آن گاه، پس از آن بسیاری از آنها در زمین زیاده روی می کنند} [سوره مائده آیه ۳۲]

۶- موضوع حقوق بشر در اسلام پیش از همه مطرح شده است. این حقوق بعد از درگیری های فکری یا شورش ها و انقلابات در تاریخ بشر در باره حقوق بشر در سیستم های دمکراتیک روی نداده و علل خاستگاه آنها این موارد نیستند. مانند آن چه در فرانسه و امریکا ودیگر کشورها روی داده است. بلکه استقرار اصول و احکام آن وحی خداوندی است که از طرف او نازل شده است. بدون اینکه پیش از این کسی در باره آن، سخن بگوید یا انتظار آن را داشته باشد یا برای بدست آوردن آن مبارزه کند.

۷-این حقوق واقعی هستند و به زندگی واقعی انسان مرتبط اند و نیازهای آدمی را بر آورده می سازند. بر خلاف حقوق در قوانین بیگانه که بر اساس رنگ فلسفی پی ریزی شده اند.

۸- عناوینی از حقوق وجود دارند که فقط اسلام در آن ها وارد شده است و از جمله مهمترین این موارد عبارتند از: حقوق پدر و مادر، خویشان، حق جنین، حق فرد در تربیت دینی و دنیوی, حق کسب مشروع و ممنوعیت ربا و حق دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر.

۹- به طور اساسی طرح و پروژه اسلامی در قضیه حقوق بر کرامت انسان و بر اساس برانگیختن احساس عاطفه نسبت به ایمان به خداوند عزوجل پی ریزی شده است. بر خلاف دیگر اندیشه ها و بر مفهوم تسخیری استوار است که خداوند برای بشر مهیا ساخته است. و تمام این هستی را به تسخیر او در آورده است و همچنین بر اساس مصلحت بشربرابر با انسجام متکامل در منظومه زندگی شکل یافته است و از این نمی ترسد که تاریخ گواهی بدهد که بشر هرگز شاهد این نبوده که روزی تمدنی این حقوق را بدون رعایت مصالح بشری اجرا

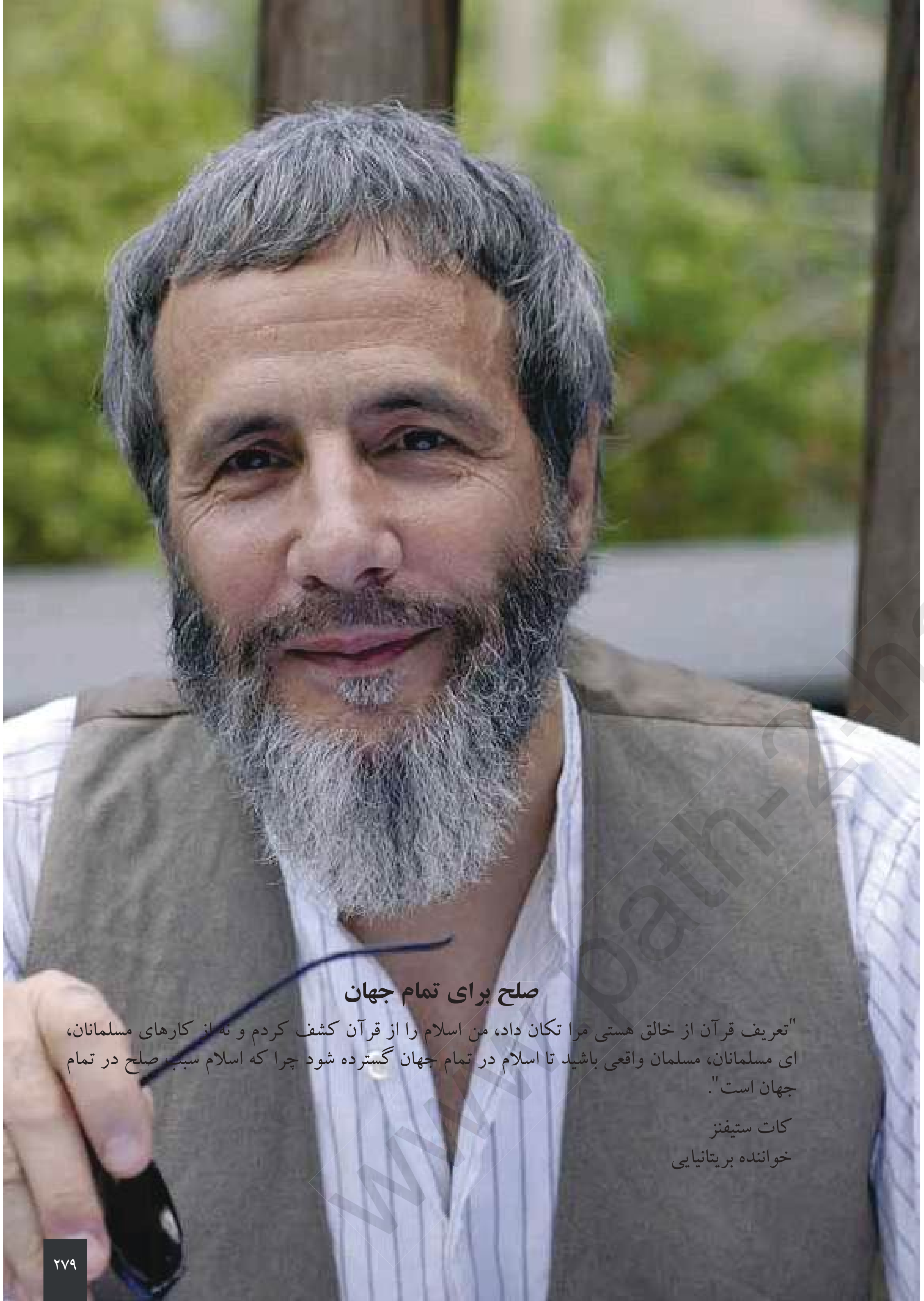

صلح برای تمام جهان

"تعریف قرآن از خالق هستی مرا تکان داد، من اسلام را از قرآن کشف کردم و نه از کارهای مسلمانان، ای مسلمانان، مسلمان واقعی باشید تا اسلام در تمام جهان گسترده شود چرا که اسلام سبب صلح در تمام جهان است".

کات ستیفنز

خواننده بریتانیایی

www.path-2-happiness.com

کرده باشد. و گرنه شعار دادن بسیار آسان است به ویژه آن گاه که آن را بیارایند و برای آن تبلیغات گسترده به راه انداخته و در هر جا پلاکارد و تابلوها با این شعارها برافرازند . اما پیدا کردن اهداف پنهان پشت سر این شعارها مشکل نیست، آن گاه که صاحبان آن پایین تر از سطح شبهه و ایراد باشند.

با وجود تمدنی که با بعثت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر تمام بشریت فراگیر شد، اما برخی از علت عقب ماندگی مسلمانان و سبب وضعی که باعث باقی ماندن مسلمانان در وضع و حال فعلی شده است؟ می پرسند. با وجود این که تمدن اسلامی بسیار به پیش رفت؟ اما این شگفتی و سؤال با این واقعیت از بین می رود که واقعیت مسلمانان گویای حقیقت دین آنها نیست. بلکه بسیاری از آنان زمانی عقب ماندند که از اصول دین خود و آن چه در کتاب و سنت پیغمبرشان صلی الله علیه و سلم آمده بود، کوتاهی ورزیدند و گرنه تمام دنیا تمدنی را که بهتر از اسلام آدمی را خوشبخت سازد، نمی شناسد. در این زمینه کافی است تا سخنان و نظرات افراد منصف غیر مسلمان را مطالعه کنید تا پی ببرید که بشریت با انحطاط مسلمانان چقدر زیان برده است؟

"مسلمانان می توانند تمدن خود را با همان سرعتی که در بار نخست منتشر کردند بگسترانند؛ به شرطی که به اخلاق پیشین خود بازگردند. زیرا این جهان توخالی نمی تواند در برابر معنویت تمدن آنان مقاومت کند."

مارمادیوک پاکتال

نویسنده انگلیسی

اعجاز در قرآن و سنت.

هر پیغمبری آیه و نشانه ای داشته که درستی و صحت نبوت او را ثابت می کرد است. برای مثال علامت نبوت موسی علیه السلام عصا و نشانه نبوت عیسی علیه السلام آن بود که به امر خداوند کور را بینا می ساخت و بیمار مبتلا به پیسی را شفا داده و مردگان را زنده می کرد. و نشانه و معجزه پیغمبر خاتم چنان بود که برای هر زمان و مکان تا زمانی که بشریت در زمین است، صلاحیت داشته باشد و آن این قرآن عظیم است. اگر قرآن کتاب هدایت باشد پس این کتاب مبارک همه اش معجزه بوده و اعجاز این قرآن تا هنوز نشانه درستی و صحت رسالت و نبوت رسول خدا محمد صلی الله علیه و سلم است و اینکه او پیغمبری از طرف خالق، رازق زنده پابرجاست. و کتاب فرستاده شده به همراه او برای هر زمان و مکانی صلاحیت دارد. علاوه بر انواع اعجاز که پیش از این گفته شد؛ قرآن همچنین در زمینه طرح اخبار علمی معجزه است، همان گونه که تحقیقات محققین معاصر در علوم طبیعی آن را کشف کرده است مباحثی که فقط در عصر جدید برای بشر هویدا شده اند برای نمونه: مراحل آفرینش انسان و آفرینش جنین با دقیق ترین توصیفات، صدها سال پیش از اینکه انسان از آن خبری داشته باشد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی انسان را از چکیده گل آفریدیم (۱۲) سپس او را در قرارگاهی استوار نطفه‌ای قرار دادیم (۱۳)سپس نطفه را خون بسته گردانیدیم، آن گاه [آن] خون بسته را [به صورت] گوشت پاره‌ای در آوردیم. آن گاه [آن] گوشت پاره را استخوانهایی ساختیم. سپس بر آن استخوانها گوشت پوشاندیم. آن گاه او را [به] آفرینشی دیگر آفریدیم. بزرگ است خداوند، بهترین آفرینندگان. (۱۴)} [سوره مومنون آیه ۱۴-۱۲]

و خداوند می فرماید: {شما را در شکمهای مادرانتان با آفرینشهای پیاپی در تاریکیهای سه‌گانه می‌آفریند. خداوند، پروردگارتان این است که فرمانروایی از آن اوست. معبود [راستینی] جز او نیست، پس [از حق‌] به کجا برگردانده می‌شوید! } [سوره زمرآیه ۶]

و آن گاه که پزشکان به منابع و اکتشافات خود بازگشتند، آن را همان گونه یافتند که خداوند دانای باریک بین خبر داده بود و علاوه بر آن مکان احساس در جسم را نیز مشخص کرده بود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {آنان که به آیات ما کفر ورزیدند، زودا که آنان را به آتش [جهنّم] در آوریم. هر گاه پوستهایشان پخته شود، پوستهایی غیر از آن برای آنان جایگزین کنیم تا [طعم] عذاب را بچشند. بی‌گمان خداوند پیروزمند فرزانه است } [سوره نساءآیه ۵۶]

و در باره گسترش فضا می فرماید: {و آسمان را با توانمندی بنا نهادیم و بی گمان ما تواناییم } [سوره ذاریات آیه ۴۷]

www.path-2-happiness.com

ویژگی های جنین

"من در این هیچ گونه صعوبتی نمی یابم که بپذیرم قرآن کلام خداوند است، زیرا بر اساس دانش قرن هفتم نمی توان ویژگی های جنین را تعریف کرد و تنها نتیجه معقول آن است که این اوصاف از طرف خداوند بر محمد وحی شده اند".

پرفسور یوشیودی کوزان
مدیر رصدخانه توکیو

و در باره حرکت و سیر خورشید در محور خود، می فرماید: {و شب [نیز] برایشان نشانه‌ای است. [روشنایی] روز را از آن جدا می‌سازیم. آن گاه آنان به تاریکی در آیند (۳۷)و آفتاب [در مسیری که] قرارگاهش است سیر می کند. این تقدیر [خداوند] پیروزمند داناست (۳۸)} [سوره یس آیه ۳۸-۳۷].

سنت نبوی نیز از این اعجاز خالی نیست، از ام المومنین سیده عائشه رضی الله عنها روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند:" هر انسان از سیصد و شصت مفصل آفریده شده است پس هر کس الله اکبر یا الحمدلله یا لااله الا الله یا سبحان الله یا استغفرالله بگوید و یا اینکه سنگی و یا خاری و یا استخوانی را از راه مردم بردارد و یا امر به معروف و نهی از منکر کند، به اندازه تعداد آن مفاصل [1] او نفس خود را از آتش جهنم رهانده است"(روایت در صحیح مسلم است)

امروزه از جهت علمی ثابت شده است که بدون این مفاصل در جسم آدمی، او نمی توانست از زندگی بهره ببرد و قادر نبود به وظیفه خلافت در زمین قیام کند. از این جهت بر انسان لازم است تا وظیفه شکرگذاری نسبت به خداوند رابرای این نعمت ها در هر روزانجام بدهد. نعمت هایی که به زیبایی آفرینش خداوند گواهی می دهند. نکته اعجاز در این حدیث، تعداد دقیق مفاصل آدمی در این روایت است و این اندازه دقیق در زمانی گفته شده است که هیچ کس کمترین دانشی در این باره نداشته است و حتی اکثریت قاطع مردم در این ابتدای قرن بیست و یکم نیز از این موضوع خبر ندارند. حتی تعدادی از اساتید دانش پزشکی نیز از این مطلب خبر ندارند.

تا اینکه همین اواخر به طور دقیق مشخص شد که تعداد مفاصل در جسم آدمی دقیقا همانطور که مصطفی صلی الله علیه و سلم پیش از چهارده قرن شمرده است، سیصد و شصت مفصل است از این تعداد ۱۴۷ بند در ستون فقرات و ۲۴ بند در سینه و ۸۶ بند در نیمه تنه بالا بدن و ۸۸ بند در نیم تنه پایین بدن

(۱)سلامی به معنی مفصل است و برای تمام استخوان های بدن استفاده شده است. و مفاصل آن قسمتی از استخوان است که محل التقای استخوان ها با هم است

و ۱۵ بند در لگن خاصره قرار دارد.

پرسشی که در اینجا مطرح می شود آن است که چه کسی جز خداوند آفریننده و خالق ممکن است خاتم پیغمبران صلی الله علیه و سلم را به این موضوع خبر داده باشد؟ موضوعی که یک حقیقت علمی بسیار دقیق است که بشریت فقط در انتهای قرن بیستم به آن دست یافته است.

چه کسی از مصطفی صلی الله علیه و سلم خواست تا به چنین موضوع گمنامی بپردازد؟ اگر خداوند بلند مرتبه با علم فراگیر خود نمی دانست که انسان روزی به این فهم دقیق از بدن خود دست خواهد یافت. و این نقطه ی نورانی در این حدیث شریف، گواهی بر راستی نبوت این رسول خاتم خواهد شد و گواهی خواهد بود بر درستی ارتباط او با وحی آسمان.

اما اگر راه دانش و تمدن در مسیر اخلاق نباشد، آن تمدن نابودگر و آن دانش برای نابودی و سیه روزی و هلاکت و دور کردن مردم از سعادت وبدور از خدمت برای آنها خواهد بود!

پس مسیر دانش و تمدن هم مسیر اخلاق است. همانگونه که راه سعادت و خوشبختی بدون دانش و تمدن، خرافه و بدعت گذاری خواهد بود. پس راه و مسیر دانش و تمدن بدون اخلاق، نابودگر افراد و ملتها وجامعه بشری خواهد بود..

پیغمبری درس ناخوانده

"عقل حیران می ماند که چطور ممکن است که این چنین آیاتی از مردی درس ناخوانده گفته شده باشد در حالی که تمامی شرق بر این اقرار می کند که ذهن آدمی از آوردن مانند آنها در لفظ و معنا ناتوان است".

هنری دی کاستری
سرهنگ پیشین در ارتش فرانسه

معجزات هستی

"چگونه محمد آن مرد درس ناخوانده که در یک محیط جاهلی رشد کرده بود توانست معجزات هستی را آن سان که قرآن توصیف می کند، بشناسد. معجزاتی که حتی تا به امروز دانش جدید برای کشف آن ها سعی می کند؟ پس بدون تردید این سخنان از طرف پروردگار عز و جل هستند".

دیبورا بوتر
روزنامه نگار امریکایی

www.2-happiness.com

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

مسیر اخلاق

مطالب

ارتباط ایمان با اخلاق نیکو:

عبادات و اخلاق

اخلاق در اسلام

www.pathtohappiness.com

مسیر اخلاق

مسیر سعادت و خوشبختی راهی است که اخلاق در آن به اهتزاز در آمده و سالک این طریق باید در گوشه و کنار آن شاهد صمیمیت، گذشت، بزرگواری، عفو، حیاء، صلح، فروتنی، ایثار، انصاف، راستی، صداقت، شورا و مشورت و دیگر صفات نیک و پسندیده باشد. و این راهی است که نفس آدمی را به سمت اخلاق عالی و آداب پسندیده سوق می دهد. اخلاق در این مسیر، از جمله مواردی نیست که بتوان خود را از آن بی نیاز دانست. بلکه جایگاه آن در رأس اصولی قرار می گیرد که رفتن در این مسیر مشروط به آنها است و اگر اخلاق افراد نیکو و پسندیده باشد این رفتار بر خوشبختی زندگی و جامعه آنان تاثیر مثبت و اگر رفتار و اخلاقش بد باشد تاثیر منفی بر جای می گذارد و همه بدبخت و تیره رو می شوند.

به همین سبب اسلام بر کاشتن فضائل در روان افرادش حریص بوده و آنان را بر این تشویق می کند که اخلاق را در زندگی خود محکم و جدی بگیرند. و رسول خدا صلی الله علیه و سلم نخستین هدف بعثت خود را اخلاق نیکو ترسیم کرده است. آنجا که می فرماید: "من برای تکمیل کردن اخلاق پسندیده مبعوث شده ام" (روایت در بیهقی است). هما‌نا پیام اسلام که زمان و مکان را در نوردیده ت,ا بزرگترین تمدن های شناخته شده بشریت را بسازد. و صاحب این پیام و رسالت تلاش فراوان و سعی بلیغی برای رساندن نور این رسالت به تمام مردم و گرد آوردن آنها در اطراف آن نمود. بیش از نیکو کردن اخلاق و اصلاح صفات و روشن کردن آفاق کمال پیش روی آنان به چیز دیگری نمی اندیشد.

پس بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم برای اخلاق و اصلاح و پاک نمودن آن بوده است. در حالی که مردم از این اخلاق بیگانه و دور بودند. و به آن عمل نکرده و بی توجه بودند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که در میان درس ناخواندگان رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را پاک می‌دارد. و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و به راستی پیش از اینکه در گمراهی آشکار بودند} [سوره جمعه آیه ۲]

و همچنین می فرماید: {چنان که در [میان] شما رسولی از خودتان برانگیختیم که آیه‌های ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌ گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و [نیز] آنچه را که نمی‌توانستید بدانید به شما آموزش می‌دهد} [سوره بقره آیه ۱۵۱]

اصول اخلاق

"اصول اخلاق در قرآن بی نظیر هستند. اخلاق ملت هایی که اسلام را پذیرفتند به مرور زمان تحت تاثیر این اصول قرار گرفت همانگونه که ملت هایی که دین عیسی را پذیرفتند تحت تاثیر اخلاقیات آن قرار گرفتند. مهمترین نتیجه ای که میتوان استنباط کرد تاثیر قرآن عظیم در میان مللی است که به آن ایمان آورده و به احکام آن گردن نهادند. آئین هایی که به مانند اسلام بر دلها حکومت می کنند بسیار کم اند . و شاید دینی را نیابی که به مانند اسلام بر معتقدین خود چنین تاثیری عمیق و دائمی برجا گذاشته باشد. و قرآن قطب و محور زندگی در شرق بوده و اثر آن را در ریزترین امور زندگی مشاهده می کنیم."

گوستاولوبون

مورخ فرانسویی

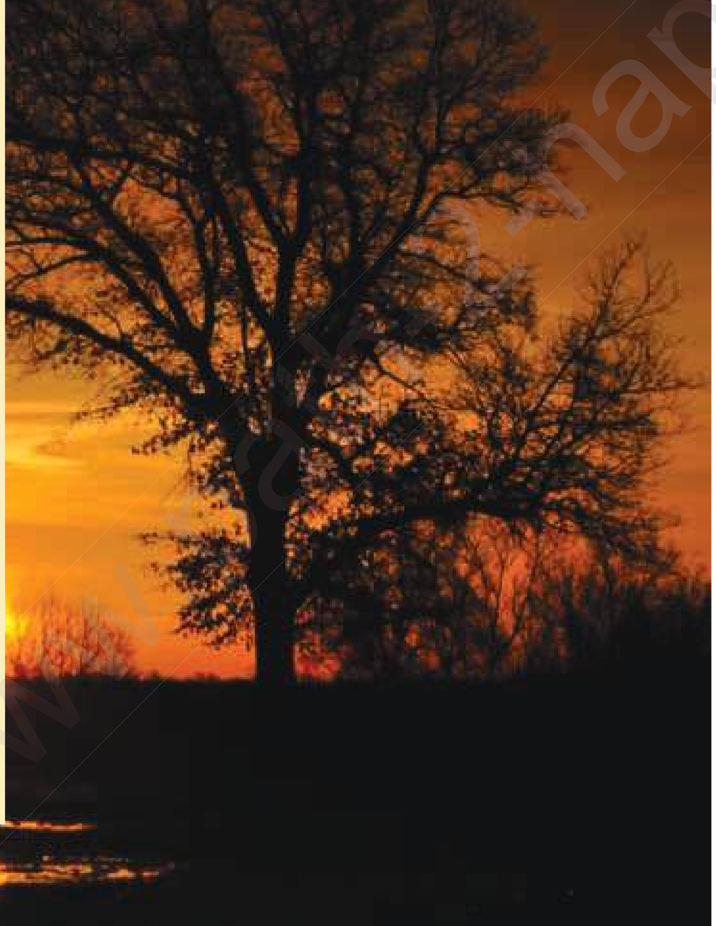

ارتباط ایمان با اخلاق نیکو:

ایمان نیرویی است که مومن را به سمت علو طبع و شرافت و بزرگ منشی سوق می دهد. و از امور کم ارزش , پست و اشتباهات حفظ می کند. ضعف اخلاق دلیلی بر ضعف ایمان است، همان گونه که اخلاق نیکو و پسندیده دلیل و برهانی بر قدرت ایمان به شمار می رود. و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است که: "ایمان قوی سبب اخلاق قوی شده و سقوط اخلاق به سبب نبود ایمان و یا ضعف آن رخ می دهد". فرد غیر مومن کارهای زشت را بی پروا مرتکب شده و به آنها بی اعتنا است. بی پروا ازسرزنش دیگران امیدی به حساب و کتابی بر اعمالش را ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "حیاء و ایمان همدم و همقطارهمدیگراند، آنگاه که یکی از آن دو از بین رفت دیگری نیز نابود می شود." (روایت از بیهقی است). این موضوع تا آن اندازه مهم است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم بد رفتاری با همسایه را دلیلی بر بی ایمانی قلمداد نموده و می فرماید: "سوگند به خداوند ایمان ندارد. سوگند به خداوند ایمان ندارد. سوگند به خداوند ایمان ندارد. پرسیدند چه کسی ای رسول خدا؟ فرمود: همسایه ای که همسایه اش از بوائقش در امان نیست. پرسیدند بوائقش چیست؟ فرمود آزار و بدی اش" (روایت در صحیح بخاری است)

و به همین سبب آن گاه که خداوند بندگانش را به خیر و خوبی فرا می خواند و آنان را از شر و بدی باز می دارد، این موارد را مقتضای ایمان در دلها برشمرده و چه بسیار آنها را در کتابش تکرار می کند: { ای کسانی که ایمان آورده اید}

و سپس تکلیف و وظیفه آنان را ذکر می کند، چنان که می گوید: {ای مؤمنان، از خداوند پروا بدارید و با راستگویان باشید } [سوره توبه آیه ۱۱۹]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم آن گاه که به پیروانش اخلاق نیکو را می آموزد آن را با ایمان مرتبط می سازد مانند این کلامش: "هر کس به خداوند و روز بازپسین ایمان دارد مهمانش را گرامی بدارد و هرکس به خداوند و روز بازپسین ایمان دارد همسایه اش را حفظ کند و هر کس به خداوند و روز بازپسین ایمان دارد سخن نیکو بگوید یا خاموش بماند." (روایت از احمد است) و این چنین اسلام بر درستی ایمان و کمال آن در کاشتن و افراشتن فضائل اخلاقی اعتماد می کند.

عبادات و اخلاق

عبادات دراسلام مجموعه ای از سخنان مبهم و حرکات بی معنی نبوده، بلکه مجموعه کارها و سخنانی هستند که نفس آدمی را پاک کرده, و زندگی با آنان پاکیزه می شود. هدف

فرائض در اسلام آن است که مسلمان با اخلاق پسندیده زیسته و به این اخلاق چنگ زنند. هر چند که اوضاع و احوال دگرگون شود. قرآن کریم و سنت پاک نبوی به خوبی این موضوع را شفاف می سازند. پس هنگامی که خداوند به نمازفرض دستوردادند, روشن ساختند که از اخلاق بد و از فحشاء و منکر بازمی دارد. می فرماید: {[ای محمّد (ص)] بخوان آنچه از کتاب [آسمانی] را که به تو وحی شده است. و نماز را بر پای دار. که نماز از [کارهای] ناشایست و ناپسند باز می‌دارد. و حقّا که یاد خداوند بزرگتر است و خداوند آنچه را می کنید، می‌داند} [سوره عنکبوت آیه ۴۵]

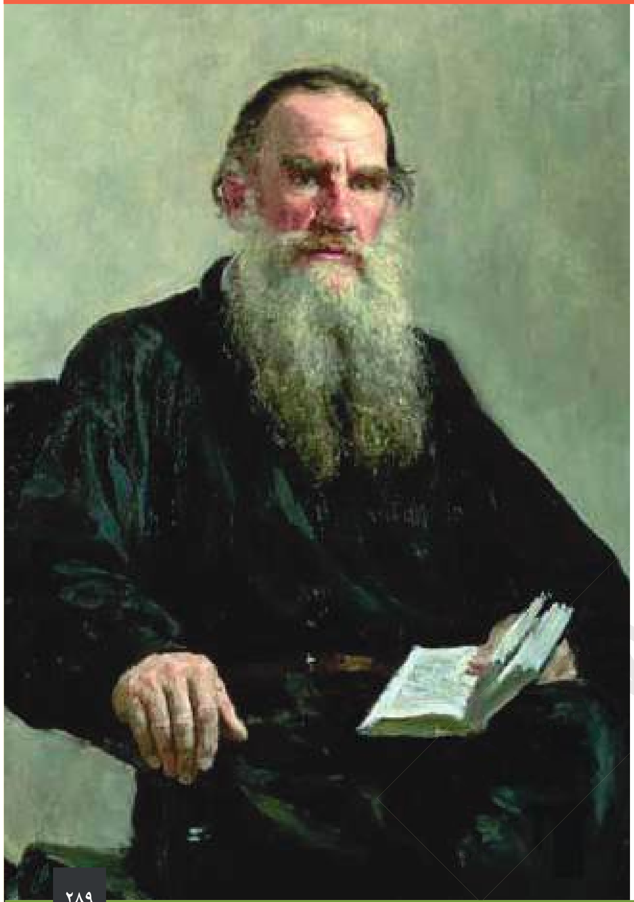

عادات ناپسند

" همین افتخار برای محمد کافی است که او توانست یک ملت را از پستی و خونخواری و از چنگال عادات ناپسند شیطانی رهانده و در فراروی آنان, راه رشد و پیشرفت را بگشاید. شریعت محمد بر تمام جهان سیطره خواهد یافت, زیرا هماهنگ با عقل و حکمت است".

تولستوی

ادیب روسی

www.path2-happiness.com

زکات در اسلام فقط مالیاتی نیست که از ثروتمندان گرفته و به فقراء داده می شود. بلکه آن اصلی برای ایجاد رحمت و مهربانی و محبت می باشد. تا رابطه میان طبقات مختلف را محکم و قوی ساخته و آن ها را با هم بشناساند. این علاوه بر پاکی نفس است که در نتیجه آن بدست آمده و سبب می شود جامعه به سطحی بالا و شامخ, از روابط دست یابد. و این نخستین حکمت زکات می باشد. چنان که خداوند بلند مرتبه می فرماید: {از اموالشان زکات بگیر تا آنان را با آن پاک داری و رشدشان دهی و برای آنان دعای خیر کن. که دعای تو برای آنان مایه آرامش است. و خداوند شنوای داناست [سوره توبه آیه ۱۰۳]

به همین دلیل صدقه نه تنها فقط شامل دادن مال , بلکه شامل مجموعه ای از اخلاق شامخ می گردد که در سعادتمندی جامعه و افراد آن تاثیرگذارمی باشند. و رسول خدا صلی الله علیه و سلم دایره دلالت کلمه صدقه را توسعه داده و دسته ی بزرگی از اعمال را شامل کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید" خالی کردن دلوت در دلو برادرت یک صدقه , و امر به معروف و نهی از منکر یک صدقه است" و در روایت دیگری آمده است: "لبخندت در برابر برادرت صدقه است و برداشتن یک سنگ یا خار یا استخوان از سر راه مردم صدقه است. و راهنمایی کردن فرد گم شده صدقه است." (روایت از بیهقی است).

و روزه نیز این چنین است. و روزه فقط محرومیت از خوردن و نوشیدن نبوده, بلکه آن گامی در راه درک درد و رنج فقرا و در عین حال راهنمایی نفس برای چگونگی سیطره یافتن بر شهوات و غرائز می باشد. خداوند متعال می فرماید: {ای مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنان که بر پیشینیانتان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید} [سوره بقره آیه ۱۸۳]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "کسی که سخن دروغ و عمل به آن را رها نسازد, خداوند نیازی به خودداری او از خوردن و نوشیدن ندارد." (روایت از احمد است) و می فرماید: " روزه نه رها کردن خورد و نوش , بلکه رها کردن بیهوده گویی و دشنام دادن است. اگر کسی به تو دشنام داد یا بر تو نادانی کرد , بگو من روزه هستم . من روزه هستم." (روایت از ابن خزیمه است).

اما حج: فرد چنین گمان می برد که آن سفری خالی از معانی اخلاقی به مانند ادیان دیگراست که دارای عبادات غیبی و ناشناخته هستند. در حالی که این نادرست است. زیرا خداوند بلند مرتبه پیرامون این عبادت می فرماید:{[موسم] حج ماههایی معلوم [و مشخص] اند، پس هر آن کس که در [این] ماهها حج را بر عهده‌دار شد (احرام بست)، [بداند که] در حج آمیزش جنسی و بدکاری و مناقشه کردن [روا] نیست، و از [کار] نیک هر آنچه را که انجام می‌دهید، خداوند آن را می‌داند، و ره توشه، پرهیزگاری است. و ای خردمندان، از من پروا بدارید} [سوره بقره آیه ۱۹۷]

از آن چه گفته شد رابطه محکم میان دین و اخلاق نیکو ثابت می شود. مهمترین ارکان در اسلام نماز، روزه، زکات و حج و دیگر طاعات در اسلام راه رساندن آدمی به کمال و زندگی پاکیزه است که در آن احساس خوشبختی و آرامش را در سایه اخلاق نیکو و اصول شامخ احساس نماید. این ها عباداتی اند که در اعمال و ظاهرشان با هم ناهمسان بوده اما در انتها به همان هدفی می رسند که رسول خدا ترسیم کرده است. آن جا که می فرماید: "من برای تکمیل کردن اخلاق پسندیده مبعوث شده ام." (روایت از بیهقی است). پس راه و مسیر سعادت و خوشبختی بر دایره اخلاق تاکید داشته و از آن گذر کرده و بر محور آن می چرخد. و در هیچ حال اخلاق از عبادت جدا نمی شود.

مارسیل بوازار
اندیشمند فرانسویی

قانون و اخلاق

"در قانون اسلامی در میان تکالیف شرعی و اخلاقی تفاوتی مشاهده نمی کنید. و این پیوند محکم در میان قانون و شرع با اخلاق نشانه قدرت سیستم آن از همان آغاز است"

افتراء و بهتان

"افراد متعصب ادعا می کنند که محمد جز شهرت و افتخار و پست و قدرت چیز دیگری نمی خواسته است. هرگز، سوگند به خداوند در دل آن مرد بزرگ، فرزند صحرا و فلات، قلبی بزرگ بوده و از نفسی بزرگ برخوردار بوده که انباشته از رحمت و خیر و دلسوزی و نیکی و حکمت بود. در او چیزی از طمع و حرص دنیوی وجود نداشت. و نیت او در راستای طلب سلطه و جاه نبود و چطور این چنین نباشد، در حالی که دارای آن نفس صاف و خالص بود. او فردی بود که جز صفت خلوص و جدیت شایسته او نیست"

توماس کارلیل

منتقد و مورخ اسکاتلندی

اخلاق در اسلام

راه سعادت و خوشبختی بر اساس یک سری اصول خاص در قوانین تشریعی وقواعد اصلاح گری و عقیدتی بنا شده که همه این قواعد و اصول بر معیار اخلاق استوار هستند. در این مسیر همه امور با اخلاق و ادب نسبت به خداوند آغاز شده و در طی مسیر به حسن رفتار و ادب به خلق خدا, ادب با نفس آدمی و با یاران و خویشان ونزدیکان و همسایگان ادامه می یابد. و به مرحله نیک رفتاری با دشمن و ستیزه گر می رسد. و از مسیر حسن رفتار با حیوانات و گیاهان و حتی با محیط زیست و درختان عبور کره و در تمام این موارد با سخن و کردار و حتی درک و فهم نیز می رسد. خداوند سبحان یکی از اصول اخلاقی گفتاری را این چنین اظهار می کند:

{و با مردم سخن نیک بگویید} [سوره بقره آیه ۸۳]

وریشه اخلاق عملی را این چنین بیان می دارد:

{بدی را به روشی که آن بهتر است، دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند، داناتریم} [سوره مومنون آیه ۹۶]

هر کس در کتاب خداوند تامل کند, آن را پر از دستورهای اخلاقی می یابد. به این آیات خداوند متعال دقت کنید که می فرماید: {آیا پاداش نیکوکاری جز نیکوکاری است!} [سوره الرحمن آیه ۶۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و نیکی کردن در میان خود را به فراموشی مسپارید.} [سوره بقره آیه ۲۷۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {پس [پیشه من] صبر نیک است و بر آنچه بیان می‌دارید، خداوند یاریگر [من] است} [سوره یوسف آیه ۱۸]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {و قیامت به یقین خواهد آمد، پس به گذشتی نیک [از سرپیچیهای آنان] در گذر} [سوره حجر آیه ۸۵]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {گذشت پیشه کن و به [کار] شایسته فرمان ده و از نادانان روی گردان} [سوره اعراف آیه ۱۹۹]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:

{و چون [سخن] بیهوده را بشنوند، از آن روی گردانند و گویند: عملکردمان از آن ما و عملکردتان از آن شماست. سلام بر شما. ما را با نادانان چه کار؟} [سوره قصص آیه ۵۵]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {ونیکی و بدی یکسان نیست. به شیوه‌ای که آن بهتر است، پاسخ گوی. پس ناگاه [می‌بینی] کسی که میان تو و اودشمنی‌ای است، گویی دوستی خویشاوند شده است} [سوره فصلت آیه ۳۴].

اخلاق و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و سلم برابر با قرآن کریم بود. و چرا این گونه نمی شود؟ در حالی که خداوند او را این چنین ستوده است:

{تو بر خوردار از خلقی بزرگ هستی} [سوره قلم آیه ۴]

رسول خدا صلی الله و علیه و سلم در رسالت خود جایگاه اخلاق نیکو را آن چنان بالا برد که پیش از این هرگز این مقام به آن داده نشده بود. رسول الله صلی الله و علیه و سلم می فرماید: "کامل ترین ایمان از آن کسی است که اخلاق نیکوتری دارد. و بهترین مومنان خوش اخلاق ترین آنها با همسرانشان هستند." (روایت از بیهقی است)

قواعدی برای دقیق ترین تفاصیل

"قرآن برای تمام قضایای بشری راه حل دارد. و در میان قانون دینی و قانون اخلاقی رابطه برقرار کرده, و به سوی اخلاقی کردن نظام و یکپارچگی اجتماعی تلاش می کند. و برای کاهش بدبختی و سخت دلی و خرافات سعی کرده و تلاش می کند تا دست بیچارگان را گرفته و به نیکی و مهربانی سفارش می کند. و در ماده تشریع دقیق ترین قواعد همکاری های امروزی را نهاده و پیمان ها و میراث را سازمان دهی کرده است. همچنین در زمینه رابطه خانوادگی, رفتار هر کس را در برابر دیگران منظم ساخته است, در رابطه با بچه ها؛ بردگان، حیوانات و در برابر بهداشت و پوشش..."

جاک.س.ریسلر

پژوهشگر فرانسویی

www.path-2-happiness.com

و فرمودند: "نیکی خوش رفتاری و گناه چیزی است که در دلت وارد شده و خوش نداری مردم از آن آگاه شوند." (روایت در صحیح مسلم است)

و می فرماید ناسزا گفتن و بی حیایی و بی چشم و رو بودن در اسلام وجود ندارد. و مسلمان ترین فرد خوش اخلاق ترین آنها است.(روایت از احمد است) و می فرماید صلی الله علیه و سلم: هیچ چیز در روز قیامت در ترازوی اعمال از خوش اخلاقی سنگین تر نیست. و خداوند از فرد بی شرم و رکیک و بی تربیت و هرزه متنفر است." (روایت از بیهقی است)

و می فرماید: صلی الله علیه و سلم" دوستدارترین شما به نزد من و نزدیک ترینتان خوش اخلاق ترین شما, ومنفورترین و دورترین شما از من در آخرت بد اخلاق ترین شما است افراد یاوه گو , لاف زن و کسانی که با تکبر و غرور و با اعتماد کاذب سخن می گویند." (روایت از احمد است).

اخلاق در اسلام یک رفتار فراگیر و کامل می باشد. و آغاز می شود با:

دین و اخلاق

"در قرآن آیه ای را نمی یابی مگر اینکه به محبت شدید به خداوند متعال اشاره کرده, و در آن تشویق بسیار زیادی به رعایت قواعد خاص در رفتار و اخلاق و حفظ فضائل وجود دارد. و در اسلام بسیار زیاد به تبادل احساسات و نیکی مقاصد و گذشت در برابر بدی ها فرا خوانده می شود. و خودپسندی و خشم و غضب نکوهیده شده و در آن اشاره است که گاهی گناه فقط به سبب اندیشه و نظر صورت می گیرد. و در اسلام به وفای به عهد حتی با کافران توصیه شده, و به فروتنی و نرم خویی دعوت شده است. مجموعه این سخنان کامل و پر از حکمت کافی است تا ما را به صفاء و پاکی قواعد اخلاقی در قرآن راهنمائی کند. همانا قرآن همه امور را به خوبی روشن نموده است"

لویس سیدیو

شرق شناس فرانسوی

خوش رفتاری با خداوند

رفتار با خداوند شامل سه چیز است:

نخست: ایمان به او و تصدیق سخنان او. خداوند بلند مرتبه از خودش این چنین خبر می دهد:{خدا [ست] که معبود [راستینی] جز او نیست. شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست گرد خواهد آورد و چه کسی از خداوند راستگوتر است} [سوره نساء آیه ۸۷]

لازمه تایید سخن خداوند آن است که انسان به او ایمان داشته و از او دفاع کند. و در راه او جهاد کند به طوری که کمترین شکی در خبرهای او و خبرهای رسول اونداشته باشد..

دوم: انسان احکام خداوند را بپذیرد و آنها را اجرا کرده و تطبیق دهد. و هیچ حکمی از سوی خداوند را رد نکند. نپذیرفتن یک حکم از خداوند بد اخلاقی با خداوند به شمار می رود. به همین سبب خداوند ما را از این باز داشته که در سخن و نظر از خداوند پیش بیفتیم و یا سخن خداوند را بی ارزش بدانیم. خداوند می فرماید:{ای مؤمنان، فراروی خداوند و رسولش پیشدستی نکنید و از خداوند پروا بدارید. بی گمان خداوند شنوای داناست} [سوره حجرات آیه ۱]

سوم: تقدیر او را با شکیبایی و خشنودی بپذیرد. رفتار نیکو در برابر تقدیر خداوند به این صورت حاصل می شود که انسان به آن خشنود شده و خود را تسلیم آن نماید و به قضاء و قدر خداوند اطمینان یابد. به همین سبب خداوند شکیبایان را ستوده است. خداوند متعال می فرماید:{و به یقین شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش اموال و جانها و فرآوردهها می‌آزماییم و به بردباران [بر اینکه آزمون] مژده بده (۱۵۵)[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، گویند: «انّا للهّ و انّا إليه راجعون»} [سوره بقره آیه ۱۵۵].

عدالت و پاکی

"توانایی این مرد در تحمل آزار ها برای باورهایش و طبیعت اخلاق برتر افرادی که به او ایمان آوردند, و از او پیروی کرده و او را سرور و قائد خود قرار دادند، در کنار بزرگی دست آوردهای او همه این موارد, به عدالت و پاکی ریشه دار در شخصیت او اشاره دارد. فرض کن که محمد مدعی ای باطل بود. او بیش از اینکه مشاکل را بگشاید آنها را پیچیده تر می کرد. در تمام طول تاریخ غرب شخصیتی را نمی یابی که به مانند محمد شایسته تقدیر و قدردانی باشد"

مونتگمری وات

شرق شناس بریتانیایی

www.path-2-happiness.com

خوش رفتاری با مردم

خداوند به نیکی به تمام مردم امر نموده است. به خصوص با پدر و مادر و خویشان کسانی که با انسان رابطه خویشی دارند و صله رحمی با آنان لازم است و همچنین همسایگان؛ خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و آن گاه که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید و به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان [هم نیکی کنید] و با مردم سخن نیک بگویید و نماز را بر پای دارید و زکات را بپردازید. آن گاه جز اندکی از شما، [بقیه] اعراض‌کنان رویگردان شدید} [سوره بقره آیه ۸۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{آنکه رویهایتان را به مشرق و مغرب آرید، نیکی نیست. بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را در عین دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و خواهندگان و در راه [آزادی] برده‌ها بدهد و نماز بر پا دارد و زکات بپردازد و وفاکنندگان به عهد خود چون عهد بندند و [بویژه کسانی که] در سختی و محنت و هنگام کار زار بردبارند. اینانند که راست گفتند و اینانند پرهیزگاران} [سوره بقره آیه ۱۷۷]،

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{از تو می‌پرسند: چه چیزی [و به چه شیوه‌ای] انفاق کنند، بگو: هر مالی که انفاق کردید از آن پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است و هر نیکی که انجام می‌دهید، [بدانید] که خداوند به آن آگاه است} [سوره بقره آیه ۲۱۵]،

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و کسانی که [ایشان را] جای دادند و یاری کردند، همینان به راستی مؤمنند، برای آنان آمرزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود (۷۴)و کسانی که پس از اینکه ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه با شما جهاد کردند، آنان از شما هستند. و خویشاوندان در کتاب الهی به همدیگر [از دیگر مؤمنان] سزاوارترند. بی‌گمان خداوند به همه چیز داناست} [سوره انفال آیه ۷۵-۷۴]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید. و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و ملک یمینتان [نیکی کنید] خداوند کسی را که متکبّر خودستا باشد، دوست نمی‌دارد} [سوره نساء آیه ۳۶]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{به راستی خداوند به داد و نیکوکاری و بخشیدن به خویشان فرمان می‌دهد و از ناشایستی و کار ناپسند و تجاوز باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد باشد که پند پذیرید} [سوره نحل آیه ۹۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و پروردگارت [چنین] حکم کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دوی آنها در نزد تو به [سنّ] پیری رسند. [حتی] به آنان «اف» مگو و بر آنان بانگ مزن و به نیکی با آنان سخن گوی (۲۳)و از [روی] مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستران و بگو: پروردگارا، به آنان رحمت آور، چنان که [به سنّ] خردسالی مرا پروراندند (۲۴)پروردگارتان به آنچه در دلهایتان است، آگاه‌تر است. اگر نیکوکار باشید، [بدانید] که او برای توبه کاران آمرزنده است (۲۵) و به خویشاوند حقش را بده و [نیز حقّ] بینوا و در راه مانده [را بده] و به هیچ وجه تبذیر مکن (۲۶) به راستی که تبذیرکنندگان برادران شیطان هستند و شیطان پروردگارش را ناسپاس است (۲۷) و اگر برای کسب رحمتی از پروردگارت که به آن امیدواری از آنان رویگردان شوی، با آنان سخنی نرم بگو} [سوره اسراء آیات ۲۸-۲۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{پس به خویشاوند حقش را بده و [نیز] حقّ بینوا و در راه مانده را. این برای کسانی که خشنودی خداوند را می‌جویند، بهتر است. و ایشانند که رستگارند} [سوره روم آیه ۳۸]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{ای مردم، از آن پروردگارتان پروا بدارید که شما را از یک تن یگانه آفرید و همسرش را از او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند. و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید، و از [گسستن] رابطه خویشاوندی پروا دارید. بیگمان خداوند بر شما نگهبان است} [سوره نساء آیه۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{پس آیا چون مسئولیت امور مردم بیابید، چه بسا که در زمین تباهی کنید و پیوند خویشاوندیتان را بگسلید!} [سوره محمد آیه ۲۲]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{آیا کسی که می‌داند آنچه از [سوی] پروردگارت به تو فرو فرستاده شده حق است، مانند کسی است که او نابیناست! فقط خردمندان پند می‌پذیرند. (۱۹)آنان که به پیمان خداوند وفا می کنند و عهد نمی‌شکنند (۲۰)و کسانی که آنچه را خداوند به پیوسته داشتن آن فرمان داده است، پیوسته می‌دارند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیمناکند (۲۱)و کسانی که در طلب خشنودی پروردگارشان بردباری کردند و نماز را بر پای داشتند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دفع می کنند، اینانند که پاداش نیک آن سرای همانان راست (۲۲)بهشتهای عدن که به آنجا در آیند و [نیز] هر کس از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که نیکوکارند. و فرشتگان از هر در بر آنان وارد می‌شوند (۲۳)[گویند: نظر] به بردباریتان سلام بر شما باد، پس جزای آن سرای چه نیک است؟ (۲۴)و آنان که پیمان خدا را پس از استوار داشتنش می‌شکنند و آنچه را که خداوند به پیوسته داشتنش دستور داده، می گسلند و در زمین فساد می کنند، ایشانند که لعنت و سختی آن سرای را دارند} [سوره رعد آیات ۲۵-۱۹]

اخلاق نیکودر اسلام فقط با دوست و همراه و نزدیک وهمسایه نیست، بلکه فراتر از آن حتی به دشمن نیز می رسد. حتی اگر جنگ طلب نیزباشد و بدین ترتیب تمام بشریت را در بر می گیرد. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و نیکی و بدی یکسان نیست. به شیوه‌ای که آن بهتر است، پاسخ گوی. پس ناگاه [می‌بینی] کسی که میان تو و او دشمنی‌ای است، گویی دوستی خویشاوند شده است} [سوره فصلت آیه ۳۴]

خداوند به عدم تجاوز گری امر می کند, حتی با کسی که با ما می جنگد. خداوند می فرماید:{و در راه خدا با کسانی که با شما جنگ می‌کنند بجنگید و [لی] از حد مگذرید. به راستی که خداوند از حد گذران را دوست نمی‌دارد.} [سوره بقره آیه ۱۹۰]

به رفتار نیکوی اسلامی با دشمن ستیزه جو در سفارشات رسول خدا صلی الله علیه و سلم دقت کنید! آنگاه که خطاب به ارتش خود که برای جهاد در راه خداوند و جنگ با دشمنان، روان است می گوید: " خیانت نورزید. تنفر ایجاد نکنید و مثله نکنید و بچه ها و افراد ساکن در صومعه ها را نکشید" (روایت از احمد است) شگفت است که دین به رعایت این اخلاق حتی با دشمنان جنگی سفارش می کند. اما در باره دشمن غیر جنگی، خداوند به نیکی و انصاف با آنان تشویق کرده است. و می فرماید:{خداوند شما را از کسانی که با شما در [کار] دین نجنگیده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و در حق آنان به داد رفتار کنید. بی گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد} [سوره ممتحنه آیه ۸]

خوش رفتاری با حیوانات

در اسلام اخلاق آن چنان مفهوم گسترده ای را در بردارد که حیونات را نیز شامل می شود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "زنی به سبب آزار دادن یک گربه وبند کردن آن تا مرگ اش، دچار عذاب شد, چرا که نه آن را غذا داد و نه او را رها کرد تا غذای خود را در زمین بیابد۴" (روایت در صحیح بخاری است). حتی خداوند نیکی را در چگونگی کشتن حیوانات لازم گردانده, و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: " خداوند نیکی کردن در همه چیز را لازم گردانده است. پس وقتی که کشتید به خوبی بکشید و چون ذبح کردید به خوبی ذبح کنید. باید کارد خود را به خوبی تیز کرده و با کشتن سریع, حیوان را راحت کنید" (روایت در صحیح مسلم است).

خوش رفتاری با محیط زیست

اسلام حتی رعایت ادب را با محیط اطراف و نمای ظاهری لازم گردانیده و به عدم اسراف و دوری کردن از آن فراخوانده است. و به حفظ منابع طبیعی از نابودی فرا می خواند. خداوند می فرماید:{ [گفتیم] از روزی خدا بخورید و بیاشامید. و در این سرزمین در تباهی مکوشید} [سوره بقره آیه ۶۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و از فرمان اسرافکاران اطاعت مکنید (۱۵۱)کسانی که در این سرزمین فساد می‌کنند و در اصلاح نمی‌کشند (۱۵۲)} [سوره شعراء آیه ۱۵۲-۱۵۱]

و همچنین است در باره دیگر منابع طبیعی مانند آب که اسلام به آن توجه فراوان دارد. خداوند متعال می فرماید:{آیا کافران ننگریسته‌اند که آسمانها و زمین فروبسته بودند آن گاه آنها را باز گشودیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم، آیا ایمان نمی‌آورند!} [سوره انبیاء آیه ۳۰]

و همچنین می فرماید:{و خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده ساخت. در این [امر] برای گروهی که می‌شنوند، [مایه] عبرتی است} [سوره نحل آیه ۶۵]

اسلام و محیط زیست

"در قرآن کریم فاصله ای میان انسان و طبیعت وجود ندارد. دنیای اسلام بزرگترین گنج های انباشته شده از حکمت و معرفت را برای بشریت داراست"

امیر چارلز

ولیعهد بریتانیا

www.path-2-happiness.com

همانا مومنان با هم برادرند

برترین نمونه در برادری ایمانی در اسلام به شکل کامل موجود است. و این از جمله عواملی بود که مردم را با قوت به سوی این عقیده جذب نمود"

توماس ارنولد

شرق شناس بریتانیایی

و در کنار قرآن کریم رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیز، بر حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی تشویق می کند. سنت نبوی آکنده از دستورات فراوان ایشان برای حفظ محیط زیست از آلوده کردن و کندن درختان و بیابان کردن محیط و خشک کردن زمین می باشد. و می فرماید: " از سه مورد که سبب نفرین می شوند بپرهیزید: ادرار کردن در آب ۵، در مسیر عبور و مرور مردم و در زیرسایه" (روایت از ابوداود است)

و می فرماید: هیچ مسلمانی کشتی نمی کارد یا درختی غرس نمی کند که از آن پرنده ای , انسانی و یا چهارپایی می خورد مگر اینکه برای او صدقه ای نوشته می شود." (روایت از صحیح مسلم است) و می فرماید: "اگر قیامت در شرف آغاز شدن, و در دست یکی از شما نهال درختی بود, اگرتوانست، آن را بکارد" (روایت از احمد است)

باری رسول خدا صلی الله علیه و سلم از کنار سعد که در حال وضو گرفتن بود, گذشت و گفت: " این همه اسراف؟" سعد پاسخ داد: آیا در وضوء گرفتن کنار آب جاری هم اسرافی است؟ پاسخ داد: آری" (روایت از ابن ماجه است). و این رفتار یاران او با دشمنان حتی در حین جنگ بود ابوبکر صدیق رضی الله عنه به فرمانده ارتش سفارش نمود: " هیچ بچه و زن و پیرمردی را نکشید. و هیچ درخت ثمرداری را قطع نکنید. و هیچ

گوسفند و گاوی را زخمی نکنید, مگر برای خوردن. و هیچ جای آبادی را خراب نساخته و هیچ درخت خرمایی را غرق نسازید و آن را نسوزانید" (روایت از مالک است).

سفارش های اخلاقی

شایسته است تا به تعدادی از سفارش های اخلاقی که در کتاب و سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمده, اشاره داشته باشیم:

در قرآن کریم:

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به اهلش بسپارید و چون در میان مردم حکم کنید به عدل [و انصاف] حکم کنید. نیکو چیزی است [آنچه] که خداوند شما را به آن اندرز می‌دهد. خداوند شنوای بیناست} [سوره نساء آیه ۵۸]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: {بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام نموده است، بر خوانم، آنکه چیزی را با او شریک مسازید و به پدر و مادر نیکی کنید و از بیم فقر فرزندانتان را مکشید. ما به شما و آنان روزی می‌دهیم. و به [کارهای] ناشایست، آنچه از آن پیدا و یا پوشیده باشد، نزدیک مشوید. و جانی را که خداوند [کشتنش] را حرام نموده است جز به حقّ مکشید، این حکم است که شما را به آن سفارش نموده است باشد که خرد ورزید (۱۵۱) و به مال یتیم نزدیک نشوید. مگر به شیوه‌ای که آن بهتر است تا آنکه به کمال رشدش برسد و به داد [و انصاف] پیمانه و ترازو را کامل کنید، هیچ کس را مگر در حدّ توانش تکلیف نمی کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویید، به انصاف سخن گویید و هر چند [محکوم علیه] خویشاوند باشد. و به عهد خدا وفا کنید، این حکم [است که] شما را به آن سفارش نموده است تا پند پذیرید (۱۵۲) و آنکه راه راست من این است، پس از آن پیروی کنید و از راههای [دیگر] پیروی مکنید که شما را از راه او [خدا] جدا کنند. این است حکمی که شما را به آن سفارش نموده است تا پروا پیشه کنید (۱۵۳) [سوره انعام آیه ۱۵۳-۱۵۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و در زمین، پس از اصلاحش فساد مکنید و او را با بیم و امید [به نیایش] بخوانید. که رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است} [سوره اعراف ایه ۵۶]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و بردباری ورز که خداوند پاداش نیکوکاران را از بین نمی‌برد} [سوره هود آیه ۱۱۵]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و دستت را به گردنت بسته مدار و به تمامی [نیز] آن را مگشای که آن گاه ملامت زده درمانده بازنشینی (۲۹)به راستی پروردگارت روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ می گرداند و تنگ می گیرد. که او به بندگانش دانای بیناست (۳۰)و فرزندانتان را از بیم تنگدستی مکشید، ما به آنان و شما روزی می‌دهیم. به راستی کشتن آنان گناهی سهمگین است (۳۱)و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن ناشایستی و بد راهی است (۳۲)و جانی را که خداوند حرام شمرده است مگر به حقّ مکشید و هر کس که از روی ستم کشته شود، برای ولیّ[دم] او قدرتی مقرر داشته‌ایم، پس [او هم] نباید در کشتن زیاده روی کند. بی گمان او یاری شده است (۳۳) و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به روشی که آن بهتر است، تا آنکه به [نهایت] رشدش برسد و به پیمان [خود] وفا کنید. که [از] پیمان باز خواست خواهد شد (۳۴)و پیمانه را چون بپیمایید، به تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید. اینکه بهتر و نیک سرانجام‌تر است (۳۵)و از پی چیزی مرو که تو را به آن دانش نیست. بی گمان گوش و چشم و دل، هر یک از اینها از آن باز خواست خواهند شد (۳۶)و خرامان در زمین راه مرو بی گمان تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و در بلندی نمی‌توانی به کوه رسی (۳۷)همه اینها، کارهای بدش در نزد پروردگارت ناپسند است (۳۸) این از آن دانشی است که پروردگارت به تو وحی کرده است و با خداوند معبودی دیگر مقرر مکن، در آن صورت ملامت زده مطرود به جهنم انداخته خواهی شد (۳۹)} [سوره اسراء آیه ۳۹-۲۹]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و به سوی آمرزشی از [جانب] پروردگارتان و بهشتی که پهنایی‌اش [همچون] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران فراهم دیده شده است، بشتابید (۱۳۳)آنان که در آسایش و سختی انفاق می کنند و خشم [خود] را فرو می‌خورند و از [تقصیر] مردم در می گذرند. و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد (۱۳۴)} [سوره آل عمران آیه ۱۳۴-۱۳۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{ای مؤمنان، گروهی، گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد، چه بسا که [آنان] از اینان بهتر باشند و نه زنانی، زنانی دیگر را به ریشخند گیرند، چه بسا که [آنان] از اینان بهتر باشند و عیب همدیگر را مجویید و همدیگر را به لقبهای زشت مخوانید. فسق بعد از ایمان بد رسمی است. و کسانی که توبه نکردند، اینانند

که ستمکارند (۱۱)ای مؤمنان، از بسیاری از گمان [های بد] بپرهیزید. بی شک برخی از بدگمانی [ها] گناه است و جاسوسی مکنید و برخی از شما از برخی دیگر غیبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد. حق این است که آن را ناپسند می‌دارید. و از خداوند پروا بدارید. بی گمان خداوند توبه پذیر مهربان است (۱۲)ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترینتان در نزد خداوند پرهیزگارترینتان است. بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است} [سوره حجرات آیات ۱۳-۱۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{پسرجان، نماز را بر پای دار و به نیکی فرمان ده و از ناپسند باز دار و بر هر آنچه به تو برسد بردباری کن که این از کارهای سترگ است (۱۷)و رخسار خود را از مردم بر متاب. و در زمین خرامان راه مرو. بی گمان خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست نمی‌دارد (۱۸)و در رفتارت میانه روی کن و آوازت را آهسته بدار، [بدانکه] بدترین آوازها آواز خران است (۱۹)} [سوره لقمان آیات ۱۹-۱۷]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و بندگان [خداوند] رحمان آنانند که روی زمین فروتنانه راه می‌روند و چون نادانان آنان را مخاطب قرار دهند، با [صلح و] سلام پاسخ گویند} [سوره فرقان آیه ۶۳]

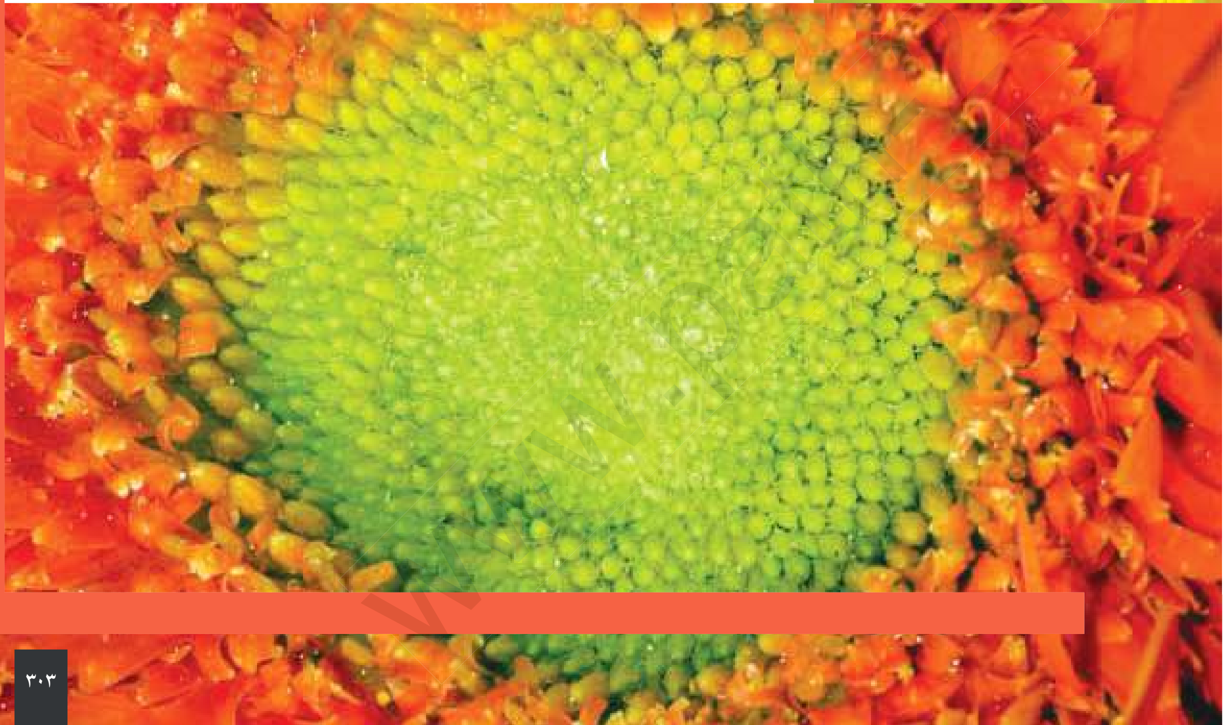

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید. و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و ملک یمینتان [نیکی کنید] خداوند کسی را که متکبّر خودستا باشد، دوست نمی‌دارد} [سوره نساء آیه ۳۶]و خداوند بلند مرتبه می فرماید:{پس به [لطف] رحمتی از [سوی] خدا با آنان نرمخو شدی و اگر درشتخوی سختدل بودی، به یقین از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در [این] کار با آنان مشورت کن و آن گاه که قصد [قطعی انجام کاری را] کردی، بر خداوند توکّل کن، که خداوند توکّل کنندگان را دوست می‌دارد} [سوره آل عمران آیه ۵۹]

در سنت نبوی:

اگر ما به بوستان احادیث نبوی سری بزنیم, مشاهده می کنیم که از درخت ایمان در آن جا میوه های تازه ای از اخلاق پسندیده و اصول و مبادی برتر و فاضل می توانیم بچینیم. از آن جمله است:

– رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: " آتش بر هر آدم آسان گیر نرم خوی دارای رفتار زیبا و نزدیک با مردم حرام گشته است " (روایت از تزمذی است)

– و خطاب به یکی از یارانش می فرماید: " درتو دو خصلت هست که خداوند آن ها را دوست دارد: صبر وبردباری" (روایت از احمد است)

– و فرمودند صلی الله علیه وسلم: "در نزد من هیچ خیری نیست که آن را برای شما ذخیره نکرده باشم. هر کس عفت پیشه کند خداوند او را عفیف می کند. و هرکس بی نیازی بطلبد خداوند او را بی نیاز می کند. و هرکس صبر پیشه کند خداوند او را صابر می کند و هیچ کس چیزی برتر از صبر داده نشده است" (روایت در صحیح مسلم است)

– و می فرماید: " ثروتمندی با کثرت کالا و سامان نیست بلکه ثروت و مالداری بی نیازی نفس است" (روایت در صحیح بخاری است)

– و فرمودند: " قوی کسی نیست که پهلوی دیگران را بر زمین بکوبد بلکه کسی است که خود را در حالت خشم و غضب کنترل کند" (روایت در صحیح بخاری است)

– و فرمودند: " کسی که از مردم تشکر نمی کند از خداوند هم شکر گذاری نمی کند " (روایت از احمد است).

– و فرمودند: "خداوند بر من وحی نمود که تواضع و فروتنی پیشه کنید. هیچ کس بر هیچ دیگری سرکشی نکند" (روایت از ابن ماجه است).

– و فرمودند: "هر کار نیکی صدقه است و از جمله کار نیك این است که با خوشرویی با برادرت مواجه شوی و دلو آب خودت را در دلو خالی برادرت خالی کنی" (روایت از ترمذی است).

– و در پایان مشاهده می کنیم که رابطه میان سعادت حقیقی و اخلاق نیك, بسیار محکم و قوی بوده و شاخه های این دو در هم تنیده است. اخلاق نیکو و رفتار پسندیده تنها منبع سعادت و خوشبختی بشربوده و بدون آن هرگز سعادتی یافت نمی شود. و انسان بدون آن جز به سیه روزی و تیره روزی و بدبختی و شقاوت به چیز دیگری دست نمی یابد. به همین سبب خوشبختی از مهمترین اسباب برای متخلق شدن به اخلاق پسندیده است. زیرا او به یقین می داند که بدون اخلاق نیکو و پسندیده هرگز لحظه ای به سعادت حقیقی و سرور و شادمانی واقعی دست نمی یابد.

مطالب

مسیر رحمت

راه عزت و کرامت:

مسیر رحمت و کرامت

www.path-2-happiness.com

مسیر رحمت و کرامت

مسیر رحمت

تمامی سوره های قرآن با نام "الله" و صفت "الرحمن" و "الرحیم" آغاز می شوند.

و خداوند رحمت و مهربانی را بر خود فرض کرده است: {پروردگارتان بخشایش را بر خود مقرّر کرده است. }[سوره انعام آیه ۵۴]

و رحمت و بخشایش او همه چیز را فراگرفته است: {ورحمت من همه چیز رافراگرفته است.} [سوره اعراف آیه ۱۵۶]

مردم را به بخشایش خود تشویق کرده است. آنها را به آن مژده داده و از ناآمیدی برحذر داشته است: {[ای پیامبر، ازسوی من] بگو: ای بندگانی که بر خوداسراف کرده اید، از رحمت خدانا امیدنشوید. به راستی خداوند همه گناهان رامی بخشد. بی گمان اوست آمرزگار مهربان (۵۳)} [سوره زمر آیه ۵۳]

خداوند پاک, مهربان و دوستدار بخشش است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: همانا خداوند دستش را در شب پهن می کند تا گناهکار روز را ببخشد و دستش را در روز پهن می کند تا گناهکار شب را ببخشید و این ادامه دارد تا خورشید از مغرب به درآید" (روایت در صحیح مسلم است) و رسول خدا از جانب خدایش به ما خبر می دهد و می فرماید: "خداوند پیش از آفرینش خلق چنین نوشته که رحمت من بر خشم و غضبم پیشی گرفته است. "(روایت متفق علیه است) و او صلی الله علیه و سلم از خدایش چنین می گوید: "خداوند رحمت را صد قسمت کرده است. نود و نه قسمت آن را پیش خود نگه داشته و فقط یک قسمت را در زمین فرستاده و از همین یک قسمت مخلوقات بر همدیگر رحم و مهربانی می کنند. تا جایی که اسب با همین رحمت بچه اش را زیر نمی گیرد تا مبادا صدمه ببیند" (روایت در صحیح بخاری است).

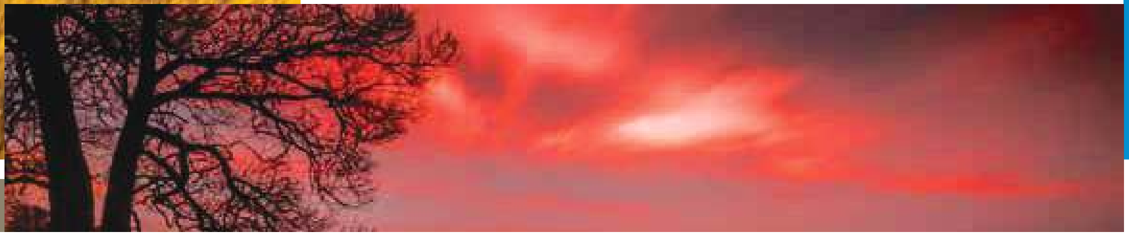

www.h-2-happiness.com

و خداوند پاک پیغمبرش را رحمتی برای تمامی جهانیان فرستاده است: {وتو راجزمایه رحمت برای جهانیان نفرستادهایم} [سوره انبياء آيه ١٠٧]

و او را با اخلاق عالی و برتر آراست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {تو برخوردار ازخلقیبزرگ‌هستی} [سوره قلم آيه ۴]

و به همین سبب از بارزترین اخلاق او رحمت و مهربانی بود و گرنه مردم از گرد او پراکنده می شدند. خداوند می فرماید: {پس به [لطف] رحمتی از [سوی] خدا با آنان نرمخو شدی و اگر درشتخوی سختدل بودی، به یقین از پیرامونت پراکنده می‌شدند. } [سوره آل عمران آيه ۱۵۹]

و بلکه او خیرخواه و دلسوز و مهربان بود و نمی خواست بر امتش سخت بگیرد و آنان را به رنج بیندازد. خداوند متعال می فرماید: {بی گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص [و] به مؤمنان رئوف مهربان است (۱۲۸)} [سوره توبه آيه ۱۲۸]

و به همین سبب اسلامی که از نزد خداوند مهربان و بخشایشگر آمده و پیغمبر برانگیخته آن صلی الله علیه و سلم هم دلسوز و خیرخواه امتش بوده است. او رحمتی برای بشریت بود تا از بدبختی و سیه روزی ستم و ظلم و تنفرهایی یابند و از سختی, پریشانی و اضطراب و درماندگی نجات پیدا کنند. همچنین از پیمودن راه انتقام جویی و تند خویی و استبداد نجات یابند. او رحمتی برای تمامی جهانیان بود: {وتو را جز مایه رحمت برای‌جهانیانن فرستادهایم (۱۰۷)} [سوره انبياء آيه ۱۰۷]

رحمتی برای مسلمانان و غیر مسلمانان، رحمتی برای طاعت کنندگان و برای سرکشان، رحمتی برای بزرگ و کوچک، رحمتی برای مرد و زن و بچه ، رحمتی برای ثروتمند و فقیر، رحمتی برای همه مردم جهان..

به همین سبب اسلام برای طلب رحمت و تشویق برای آن آمده و به آن بسیار سفارش کرده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {پس از آن، از کسانی است که ایمان آوردهاند وهمدیگر را به شکیبایی سفارش کردهاند وهمدیگر را به مهربانی [ومهرورزی] توصیه نمودهاند} [سوره بلد آيه ۱۷]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "خداوند بر کسی رحم نمی کند که او بر مردم رحم نمی کند" (روایت متفق علیه است) و فرمود: "خداوند بر رحم کنندگان رحم می کند. به آنانی که در زمین هستند رحم کنید, تا آن که در آسمان است بر شما رحم کند."رابطه خویشی شاخه ای از جانب خداوند رحمن است, هرکس آن را وصل کند خداوند او را وصل می کند و هر کس آن را قطع کند, خداوند نیز او را قطع می کند. "(روایت از ترمذی است). و فرمودند: " جز آدم بدبخت, از رحمت محروم نمی شود" (روایت از ترمذی است). خداوند متعال به مهر ومهربانی به عنوان یک صفت عمومی و یک اسلوب زندگی تشویق نموده و شرع

رحمت و مهربانی با دسته ای از مردم را به شکل خاص تشویق کرده است. از آن جمله:

۱- مهربانی با همه مردم: رسول خدا صلی الله علیه و سلم رحمتی برای همه امتش بود و خداوند آنان را با او از تاریکی ها به سوی نور, و از بدبختی به سوی سعادت و خوشبختی برد. اما رحمت و دلسوزی او ازاین فراتر رفته و او حتی به کفاری که ایمان نیاورده بودند, سفارش به خیرخواهی می نمود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم نسبت به اهل مکه که ایمان نیاورده بودند گفت: " من امیدوارم از پشت ابنان کسانی خارج شوند که تنها خدای یکتا راپرستیده و به او شریکی نگیرند." (روایت در صحیح بخاری و مسلم است.) و آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم در نبرد احد زخمی شد، یکی از یارانش به او گفت: "بر مشرکان دعا کن. فرمود: خدایا قوم مرا هدایت کن چرا که آنان نمی دانند" و در روایتی دیگر آمده است که به ایشان گفتند: " برای مشرکان دعا کن، فرمود من نفرین کننده فرستاده نشده ام. بلکه خیرخواه و دلسوز فرستاده شده ام" (روایت در صحیح مسلم است)

۲-دلسوزی نسبت به بچه ها: یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "به همراه رسول خدا بر ابراهیم وارد شدیم در حالی که داشت جان می داد. پس دیدیم که اشک از چشمان رسول خدا فرو می غلتد. پس عبدالرحمن بن عوف گفتند : تو هم ای رسول خدا گریه می کنی؟ فرمودند : ای پسر عوف این رحمت و خیرخواهی است" و سپس ادامه دادند؛ "چشم گریان و دل اندوهگین است, اما به جز آن چه مورد رضایت خداوند است نمی گوییم. ای ابراهیم ما از دوری و جدا شدن تو اندوهگین هستیم" (روایت متفق علیه است) او اسامه و حسن را بر دو پای خود می نشاند. و آن دو را در آغوش می کشید و می گفت" خدایا بر این دو رحم کن چرا که من بر آنان رحم آورده ام". و آن گاه که فردی بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم وارد شد و دید که ایشان حسن و یا حسین را می بوسد به او گفت: "آیا شما بچه هایتان را می بوسید؟ من ده بچه داشته ام اما هیچ کدام را نبوسیده ام." رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مقابل فرمودند: "کسی که رحم نکند بر او هم رحم نمی شود".

۳– رحم و دلسوزی بر افراد ضعیف: رسول خدا صلی الله علیه و سلم از حال زنی سیه چرده که مسجد را جارو می کرد, پرسید که این خانم چی شد؟ گفتند وفات کرده است. فرمود: "چرا مرا خبر نکردید.. قبر او کجاست؟ او را به قبرش راهنمائی کردند وایشان بر آن نماز خواند. (روایت متفق علیه است) خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه و سلم انس بن مالک می گوید: "من ده سال رسول خدا صلی الله علیه و سلم را خدمت کردم هرگز در طول این مدت به من نگفت وای بر تو و نگفت چرا چنین کردی یا چرا چنین نکردی." (روایت در صحیح بخاری است) و صحابی جلیل ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: "من برده ای را می زدم. از پشت سر صدایی شنیدم: "ای پسر مسعود خداوند بر تو, بیش از تو بر او تواناست" دقت کردم دیدم که رسول خداست. پس گفتم: ای رسول خدا اوبرای رضای خداوند آزاد است. فرمود: "اگر چنین نمی کردی آتش به تو می رسید" (روایت در صحیح مسلم است)

۴– رحم و دلسوزی نسبت به حیوانات: رسول خدا صلی الله علیه و سلم شتری را دیدند که از شدت لاغری شکمش به پشتش چسبیده بود. فرمودند: " از خداوند در حق این حیوانات بی زبان بترسید. به خوبی بر آنان سوار شوید و به خوبی آنان را تغذیه کنید." (روایت از ابوداود است) آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم شتری را در چهار دیواری یکی از انصار دید. و چون او پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را دید, اشک از چشمانش سرازیر شد. پس رسول دست بر سر او کشید و او آرام گرفت. پس فرمود صاحب این شتر کیست؟ جوانی انصاری آمد و گفت از آن من است. ایشان صلی الله علیه و سلم فرمودند: "از خداوند که تو را مالک این حیوان کرده، نمی ترسی؟ این حیوان از این شکایت می کند که تو از آن بیش از حد کار می کشی و خسته می کنی و گرسنه نگه می داری" (روایت از ابوداود است).

این ها فقط نمونه هایی از رفتار و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و سلم است. و گرنه درخشش رحمت و خیرخواهی او و تطبیق آنها در اسلام فراوان اند, که سمت و سوی این دین را برای ما مشخص می کنند. اما منظور از این رحمت پستی و تحقیر شدن نیست بلکه رحمت عزت و کرامت است..

راه عزت و کرامت:

آن گاه که خداوند آدمی را آفرید به فرشتگان امر نمود تا در پیش او, سر به زمین سایند: {و شما را آفریدیم، آن گاه به شما صورت [و سامان] بخشیدیم، آن گاه به فرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید. پس [همه] سجده کردند مگر ابلیس. که از سجده کنندگان نبود} [سوره اعراف آیه ۱۱]

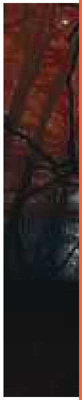

امنیت و آرامش و صلح

"رکوع و سجود در نماز مسلمانان روان آدمی را انباشته از احساس امنیت و آرامش و صلح می کند. همگی نماز خود را با یاد خدا آغاز؛ و با درود و سلام بر یکدیگر پایان می دهند"

لورین بوث

حقوقدان بریتانیایی

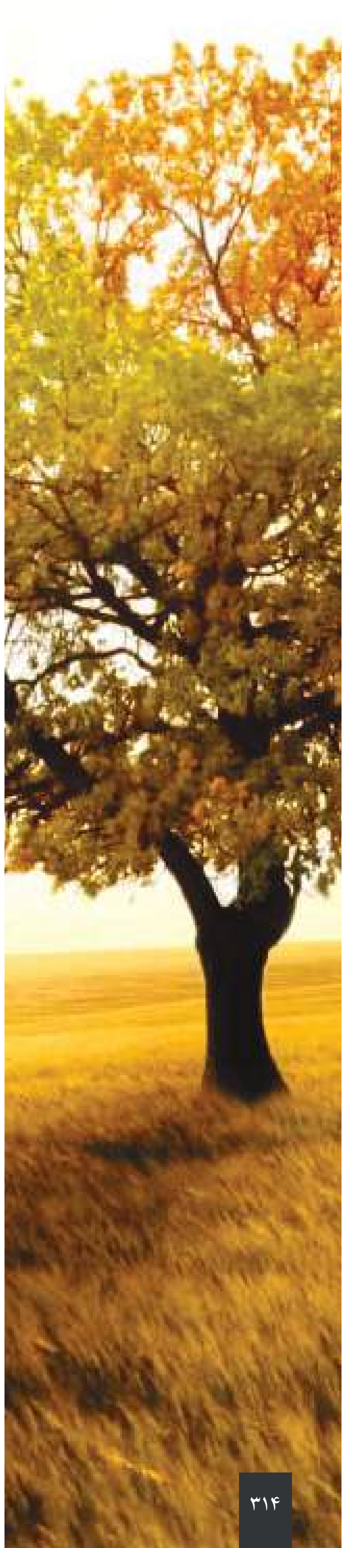

خداوند آدمی را آفریده و به او احسان نموده. و او را بر بسیاری از مخلوقات دیگر برتری داد. خداوند می فرماید: {و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و دربیابان ودریا آنان را [برمرکب‌و غیر آن] سوارکردیم و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم وآنان را بربسیاری ازآفریدگان خویش چنان که باید برتری دادیم} [سوره اسراء آیه ۷۰]

او آفریده ای است که از همان آغاز گرامی داشته شده است. خداوند او را به موارد زیر گرامی داشته, و او را برتری داده است:

۱– کرامت و برتری در آفرینش؛ خداوند می فرماید: {به یقین انسان را درنیکوترین قوام آفریدیم} [سوره تین ایه ۴]

او را در چنان آفرینشی خلق کرد که بهترین خلقت می باشد. جسم او در تعادل و هماهنگی کامل است. و از جهت دیگر به او توانایی عقل و اندیشه بخشیده و به او استعداد سخن گفتن و شنیدن ارزانی داده, و او را در بهترین شکل و صورت قرار داده است.

۲– گرامی داشتن و برتری دادن به او در رام کردن خشکی و دریا: و این تسخیر جو را نیزشامل می شود. و این نیز از جمله موارد تکریم خداوندی است. زیرا خداوند بلند مرتبه تمامی این هستی را رام انسان ساخته و آن را خاص او گردانده است. و این نشانه آن است که آدمی رئیس تمامی جهان بوده و دیگران از او پیروی واطاعت می کنند. و همه آن چه در هستی است رعیت و پیروان او هستند. خداوند متعال می فرماید: {و به راستی فرزندان آدم راگرامی داشتیم و دربیابان و دریا آنان را [برمرکب و غیر آن] سوارکردیم} [سوره اسراء ایه ۷۰]

بلکه خداوند خبر می دهد که هر آن چه را در آسمان و زمین است, مسخر او ساخته است: {وآنچه را که درآسمانها وآنچه را که درزمین است همگی را برایتان از [لطف وآفرینش خود] مسخّرگرداند. بی‌گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است} [سوره جاثیه آیه ۱۳]

۳– روزی دادن از چیزهای پاک: خداوند متعال به آدمی الهام کرده که از آنچه برایشان خوش است, بخورد. و طعم و مزه را نشانه سودمندی قرار داده و غذای آدمی را بیش از غذای دیگر حیوانات قرار داد. که آنان جز چیزهای یکسان که به آن عادت کرده اند, نمی خوردند. همانگونه که خداوند با رام کردن همه این چیزها بر او کرامت نموده و او را برتری داده است: {کسی که زمین را [مانند] بساطی و آسمان را [مانند] سقفی برایتان قرار داد. و از آسمان آبی باراند، سپس بدان از [انواع] فرآورده‌ها برای روزی شما بر آورد. پس در حالی که می‌دانید برای خداوند همتایانی مقرّر مکنید} [سوره بقره آیه ۲۲]

۴–برتری بر بسیاری از مخلوقات خداوند سبحان:

انسان در این راه کرامت و عظمت و جایگاه و شان خود را که به سبب تکریم الهی بدست آورده, احساس می کند. انسان دراین دنیای مادی زنده, نقطه ای کوچک بیش نمی باشد. اگر با معیار,وزن و اندازه مادی سنجیده شود، نقطه ای کوچک و بی ارزش است. با توجه به این که می دانیم خود زمین نیز با معیار مادی نقطه کوچکی در دنیای عظیم اطرافش چیز دیگری نیست. نقطه ای که یک بمب اتمی می تواند دویست هزار نفر از مردمش را نابود سازد. همان طور که در هیروشیما روی داد. اندازه انسان در نظر اسلام, نتیجه تکریم و عزتی است که خداوند به او داده, و فقط او را به آن مفتخر گردانده است. آن گاه که سخنان خداوند در قضیه سجده فرشتگان به آدم را مشاهده می کنیم و سپس خبر طرد ابلیس را به سبب سجده نکردن می شنویم، متوجه می شویم که چقدراین موضوع برای برافراشتن اصل جهانی انسانیت مهم است. به خصوص زمانی که انسانیت دچار بحران شده و نمی تواند جز به این طریق خود را از آن برهاند. راه قرآن است که به آدمی آزادی , کرامت و تمام اشکال اختیار را می دهد.

در مسیر کرامت و عزت جایز نیست تا انسان پست شده, و مورد تحقیر قرار گیرد. و یا به ریشخند گرفته شود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {ای‌مؤمنان، گروهی، گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد، چه بسا که [آنان] ازایشان بهترباشند ونه زنانی، زنانی دیگر را به ریشخند گیرند، چه بسا که [آنان] ازایشان بهترباشند وعیب همدیگر رامجوییید وهمدیگر را به لقبهای زشت مخوانید. فسق بعد ازایمان بد رسمی است. وکسانی که توبه نکردند، اینانند که ستمکارند} [سوره حجرات آیه ۱۱]

در این موضوع سفید بر سیاه و سرخ بر زرد یا عرب بر غیر عرب و این نژاد بر نژاد دیگر و مردم این منطقه بر آن منطقه و ثروتمند بر فقیر هیچ گونه برتری به جز تقوا ندارند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: {ای‌مردم، ما شما را ازمرد وزنی آفریده‌ایم و شما راگروه‌ها وقبیله‌هایی گردانده‌ایم تاهمدیگر را بشناسید. گرامی ترینتان درنزد خداوند پرهیزگارترینتان است. بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است} [سوره حجرات آیه ۱۳]

www.path-2-happiness.com

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همانا خداوند به چهره ها و دارائی های شما نمی نگرد, بلکه به دل ها و کردار شما می نگرد." (روایت از مسلم است)

پس جایگاه انسان در نزد خداوند با پیروی و طاعت از این راه افزایش می یابد. {هر کس خواهان عزت است، [بداند] که عزت همگی از آن خداوند است.} [سوره فاطر آیه ۱۰]

و به مقدار دوری از این مسیر دچار پستی و حقارت می شود. مسیری که تمام آفریدگان در طاعت خداوند بر آن گرد می آیند. خداوند می فرماید:{آیا نیندیشیده‌ای خداوند است که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند. و بسیارند [کسانی که] عذاب بر آنان تحقّق یافته است. و هر که را خداوند خوار سازد، گرامی دارنده‌ای ندارد. بی گمان خداوند هر آنچه بخواهد، می‌کند} [سوره حج آیه ۱۸]

با وجود اینکه خداوند بشریت را عزت داده و او را تکریم نموده, اما بسیاری از مردم راه تحقیر و پستی او را انتخاب نموده اند: { و کسی را که خداوند خوار کند, او را تکریم کننده ای نخواهد بود.}

و ترجیح می دهند که به بشر به عنوان حیوان نگریسته و یا او را ابزاری گنگ و یا با ارقام مادی بسنجند. نظراتی که با نگاه قرآنی در تضاد بوده و با تکریم الهی نسبت به بشرهماهنگ نیستند.

خداوند انسان را از آن روی که انسان است عزت و کرامت داده. اسلام در میان دو جنس بشری درگیری ایجاد نمی کند. او به نفع مرد و بر ضرر زن نبوده و به نفع زن و ضد مرد هم

نمی باشد.همه مردم از یک تن آفریده شده اند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{ای مردم، از آن پروردگارتان پروا بدارید که شما را از یک تن یگانه آفرید و همسرش را از او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند. و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید، و از [گسستن] رابطه خویشاوندی پروا دارید. بیگمان خداوند بر شما نگهبان است}[سوره نساء آیه ۱]

پس هر کس که کرامت و عزت را بخواهد, باید که مسیر عزت و کرامت را بپیماید. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{که عزّت، همگی از آن خداست. او شنوای داناست} [سوره یونس آیه ۶۵].

گرسنه ای بر جای نمی ماند

"من دینی را نمی شناسم که به مانند اسلام برای زکات قواعدی دقیق وضع کرده باشد. جامعه ای که برای بیرون کردن زکات حریص باشد از فقر و محرومیت و آوارگی نجات می یابد. من فکر می کنم که اگر همه جهان به اسلام هدایت شوند و آن را بپذیرند, در روی زمین هیچ گرسنه و محرومی برجای نخواهد ماند"

بریشا بنکمرت

مربی تایلندی که از بودیسم به اسلام گروید

مطالب

ای کسی که در پی راه سعادت هستی راه این است..

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

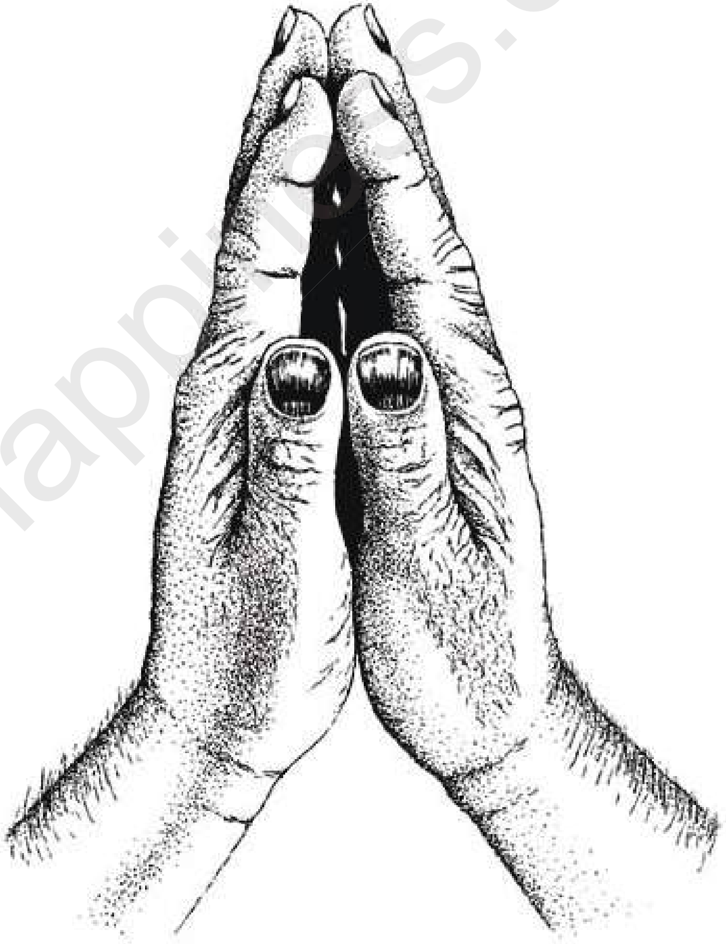

سرانجام مسیر خوشبختی

www.path-2-happiness.com

سرانجام مسیر خوشبختی

ای کسی که در پی راه سعادت هستی

پیش از اینکه به وجود بیایی, عدم محض بودی. همان گونه که خداوند خبر می دهد:{آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را پیش از این درحالی‌آفریدیم که‌هیچ چیز نبود! (۶۷)} [سوره مریم آیه ۶۷]

و سپس تو را از خاک آفرید و سپس از نطفه و تو را شنوای بینا ساخت، خداوند می فرماید:{به‌راستی که برانسان مدت زمانی گذشته است که‌چیزی‌قابل‌ذکرنبود (۱)) ماانسان را ازنطفه‌ای‌آمیخته آفریدیم. او رامی‌آزماییم. و او را شنوای بینا گرداندیم (۲)} [سوره انسان آیه ۲-۱]

و سپس از ضعف به سوی قدرت رفت. و سرانجام اودوباره به سوی ضعف است. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{خداوندکسی است که [درآغاز] شما را ازناتوانی آفرید،سپس بعد ازناتوانی،توانایی مقرر نمود، باز پس ازتوانایی ناتوانی وپیری قرارداد. هرآنچه بخواهد،می‌آفریند. و او دانای تواناست (۵۴)} [سوره روم آیه ۵۴]

و بدون تردید سرانجام مرگ است. و تو در آن مراحل از یک ضعف به ضعف دیگر منتقل می شوی. و نمی توانی زیان را از خودت دفع کنی. و بدون یاری جستن از نعمت های خداوند, تو را توان و نیروی جلب منفعتی نیز نخواهد بود. و تو از جهت فطری فقیر و نیازمند هستی. چیزهای زیادی برای بقای زندگیت لازم داری که هیچ کدام در دست تو نیستند. و گاهی به آنها می رسی و گاهی نمی رسی. و چیزهای بسیاری هستند که تو می خواهی به آنها دست یابی. و گاهی به آنها می رسی و گاهی نمی رسی. و چیزهای فراوانی هست که به تو زیان می رسانند و آرزوهای تو را بر باد داده و سعی تو را بر بیهوده می سازند. و سبب رنج و دردهایی می شوند. و تو می خواهی آنها را از خودت دفع کنی. و گاهی موفق شده و گاهی قادر به دفع آنها نیستی. آیا فقر و نیازت تو را به سوی خداوند نمی برد. و در آن موقع به یاد

او نمی افتی؟ در حالی که خداوند متعال می فرماید:{ای‌مردم، شما به خداوند نیازمندید وخداوند است که بی نیاز ستوده است (۱۵)} [سوره فاطر آیه ۱۵]

یک ویروس ناتوان و ضعیف به تو هجوم می آورد. ویروسی آن قدر کوچک که نمی توانی آن را با چشم غیر مسلح ببینی, تو را بر زمین می زند. و پیش انسان ضعیفی مانند خودت می روی, تا تو را معاینه کند. و گاهی داروی دکتر مفید واقع می شود و گاهی معاینه پزشک بی اثر باقی می ماند. و حیرت, پزشک وبیمار را فرا می گیرد.. آی آدم, تو چقدر ضعیف و ناتوان هستی!! اگر مگسی از تو چیزی برباید, تو قادر به باز پس گرفتن آن نیستی!! و چه راست گفته است خداوند آن گاه که می فرماید:{ای مردم،مثلی زده می‌شود، به آن گوش فرادهید. آنان را که به جای خداوند می خوانید،نمی‌توانند مگسی بیافرینند،و لو برای [آفرینش] آن [همگی] گردآیند. و [حتّی] اگرمگس چیزی را از آنان برباید، نمی‌توانند آن را از اوبرهانند. [هم] خواهنده و [هم‌کسی که از او] خواسته شده [بس] ناتوانند (۷۳)} [سوره حج آیه ۷۳]

اگر تو نمی توانی چیزی را که مگس از تو ربوده, از او بازپس گیری, پس چه کاری را می توانی؟ پیشانی تو به دست خداست. و روح و روان تو به دست او, و قلب تو در میان دو انگشت پروردگار رحمن است. هر طور که بخواهد آن را گردانده, و زندگی و مرگ تو به دست اوست. و حرکت و سخنان تو به اجازه و خواست اوست. و تو فقط به اجازه و خواست او حرکت می کنی. اگر تو را به خودت واگذارد, تو را به عجز و ناتوانی و کوتاهی و گناه و اشتباه واگذاشته است. و اگر تو را به کسی دیگر واگذارد, تو را به کسی واگذاشته که مالک سود و زیان و مرگ و زندگی و برانگیختنی برای تو نیست. و حتی یک لحظه هم از او بی نیاز نمی شوی. بلکه تو در تمام دم و بازدم خودت به او نیاز داری. او نعمتش را بر تو سرازیر کرده , و تو گناه و کفر را به سمت او سرازیر شاخته ای. با وجود شدت نیازی که از هر طرف به او داری، گاهی تو او را به فراموشی می سپاری. در حالی که بازگشت و مرجع تو به سمت

www.path-2-happiness.com

اوبوده, و در برابر او خواهی ایستاد.

ای انسان با توجه به ضعف و ناتوانی تو از تحمل نتایج گناهانت:{خداوند می‌خواهد، از [مسئولیت] شما بکاهد وانسان ناتوان آفریده شده است (۲۸)}
[سوره نساء آیه ۲۸

خداوند پیغمبران را فرستاد. و کتاب نازل کرده و قوانین و شرائع وضع کرد. و در پیش رویت راه مستقیم را نهاد. و دلایل و براهین را اقامه کرد. تا جایی که هر چیز را دلیلی بر وحدانیت و ربوبیت و الوهیت خود قرار داد. و با وجود این می بینی که برخی از مردم حق را با باطل دفع کرده و شیطان و غیر شیطان را دوست خود می گیرند. و خداوند را رها ساخته و با باطل به مجادله می پردازند: {و به راستی در اینکه قرآن برای مردمان از هرنوع مثل گونه گون بیان کردیم وانسان جدل پیشه‌تر ازهمه چیز است (۵۴)}[سوره کهف آیه ۵۴

آیا نعمت های خداوند را که از آغاز تا انتهای حیاتت را فراگرفته از یاد برده ای؟ آیا یادت نمی آید که تو از نطفه ای آفریده شده ای؟ و سرانجام تو حفره ای است. و برانگیخته شدن ات یا به سوی بهشت است, و یا به سوی آتش جهنم! خداوند می فرماید: {آیا انسان نندیشیده است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم، آن‌گاه اوستیزه‌جویی آشکار شده است (۷۷)

و برای ما مثلی آورد وآفرینش خود را فراموش کرد. گفت: چه کسی استخوانها را درحالی که پوسیده‌اند زنده‌می کند! (۷۸)

بگو: کسی آنها را زنده می کند که نخستین بار آنها را پدید آورده است و او به هرآفرینشی داناست (۷۹)}[سوره یس آیه ۷۹-۷۷

و خداوند بلند مرتبه می فرماید:ای‌انسان،چه‌چیزی‌تو را [نسبت] به‌پروردگاربزرگوارت فریفت! (۶)

کسی که تو را آفرید، آن‌گاه استوار ساخت،سپس [آفرینشت] رامعتدل گرداند (۷) [سوره انفطار آیه ۷-۶]

ای انسان چرا خودت را از لذت توحید و تعظیم الله تعالی محروم می کنی.. لذت ایستادن در برابر خداوند و مناجات کردن با او. تا حال تو را از فقر به غنا بدل کرده و از بیماری شفا دهد. ازغم و غصه رهانده و گناهان تو را ببخشاید. و زیان و ضرر را از تو دور کرده و تو را در هنگام مظلومیت یاری دهد. و از گمراهی و سرگشتگی رهنمون شده و بیاموزد آنچه را که نمی دانی. و به هنگام ترس تو را ایمن سازد. و بر وضعیت ضعف تو رحم کند. و دشمنانت را از تو دور کرده و روزی تو را به سویت بیاورد؟

ای انسان همانا برترین نعمتی که خداوند بعد از نعمت دین به آدمی عطا کرده, نعمت عقل است. تا سود و زیان اش را تشخیص داده, و امر و نهی خداوند را بفهمد. و به وسیله آن برترین هدف را که آن پرستش فقط خداوند یکتای بی شریک است،

بداند. خداوند متعال می فرماید:{و ازنعمت هرآنچه دارید، از [جانب] خداوند است سپس چون رنجی به شمارسد، آن گاه به [درگاه] اومی‌نالید (۵۳) سپس چون سختی را از شما دور دارد آن گاه گروهی از شما به‌پروردگارشان‌شرک‌می‌آورند (۵۴)}
[سوره نحل آیه ۵۴-۵۳]

ای انسان، به درستی که انسان عاقل کارهای خوب و پسندیده و برتر را دوست دارد. و از کارهای پست و حقیر متنفر است. و دوست دارد تا از افراد صالح و کریم چون پیغمبران و نیکوکاران سرمشق بگ یرد. و تمایل دارد تا به آنان برسد اگر چه کاملا نمی تواند به آن درجه برسد. و راه رسیدن به آن همان چیزی است که خداوند به آن راهنمایی کرده است.

{بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست‌بدارد وگناهان شما رابرایتان بیامرزد وخداوند آمرزنده مهربان است (۳۱)}[سوره آل عمران آیه ۳۱

و چون به آن گردن نهاد. او را به پیغمبران و رسولان و شهدا و نیکوکاران ملحق می کند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و هرکس که ازخداوند و رسول [او] فرمان برد،آنان در زمره کسانی خواهند بود که خداوند برآنان انعام نموده است، ازپیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان. و اینان نیک رفیقانی هستند (۶۹)}[سوره نساء آیه ۶۹

ای انسان من به تو نصیحت می کنم که با خودت خلوت کنی و سپس به آن چه برای تو از حق آمده , تامل کرده و به ادله آن بنگری و در براهین و حجت های آن تدبر نمایی. اگر آن را حق دیدی به پیروی از آن بشتاب. و اسیر و بند عادت و اموری که به آن انس گرفته ای مباش. و بدان که نفس تو از دوستان و هم قطاران و میراث نیاکانت گرامی تر است. و خداوند کفار را به این امر نصیحت کرده و آنها را به این کار فراخوانده است. خداوند سبحان

www.2-happiness.com

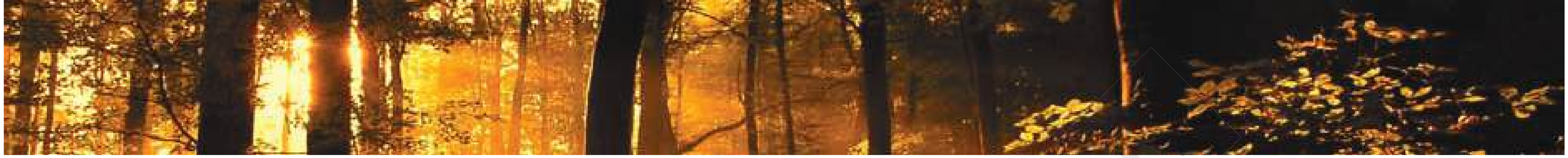

می فرماید:{بگو: تنها شما را به‌یک [سخن] اندرز می‌دهم. که دوگان ویکایک برای خداوند برخیزند،سپس اندیشه‌ک نید. که هیچ گونه دیوانگی‌ای درهمنشین شما نیست. او برای شما جزهشدا ر دهنده‌ای پیش ازفرارسیدن عذابی سخت نیست (۴۶)}[سوره سباء آیه ۴۶]

ای انسان وقتی بر این باور تسلیم می شوی, تو هیچ چیز را از دست نمی دهی. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{و اگر به خدا وروز قیامت ایمان می آوردند و از آنچه خداوند به آنان روزی داده است انفاق می کردند، چه زیانی برای‌آنان داشت! وخداوند [به‌حال] آنان داناست. (۳۹)}[سوره نساء آیه ۳۹]

یعنی چه ضرری به آنان می رسید, اگر به خداوند و به آن چه فرستاده شده است،ایمان می آوردند؟ چه زیانی می دیدند اگر به امید وعده خداوند در روز قیامت برای نیکوکاران ایمان می آوردند؟ چه ضرری با آنان می رسید اگر از آن چه خداوند به آنان داده است در راه رضای او خرج می کردند. و همانا خداوند به نیات خوب و بد آنان آگاه و داناست که کدامین آنها مستحق یاری و توفیق است, تا او را موفق بگرداند. و او را به راه درست راهنمایی کرده و او را حواله عمل صالحی بگرداند. تا از آن راضی و خشنود گردد. و داناست به کسی که مستحق طرد و رها کردن از طرف ذات باری تعالی است. تا در دنیا و آخرت دچار زیان و شکست گردد؟

اسلام پذیرفتن تو مانع انجام هیچ کاری نمی شود که تو می خواهی انجام دهی. از آن چه

خداوند آن را حلال ساخته است. و خداوند در برابر هر عملی که تو انجام می دهی و قصد بدست آوردن خشنودی خداوند را داری, به تو پاداش می دهد. حتی اگر چه از جمله کارهایی باشد که سبب ازدیاد مال یا جایگاه و شرف تو باشد. و حتی می توانی از امور مباح هم استفاده کنی. اگر فکر کردی که مانع ارتکاب حرام می شود.

ای انسان بدان که پیغمبران به حق آمده اند. و قصد خداوند را به مردم رسانده اند. و انسان به شناخت شرع خداوند نیازمند است تا در این زندگی با بصیرت و آگاهی گذشته و در سرای دیگر از رستگاران باشد. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{ای مردم، بی گمان [این] رسول حق ّرا از [جانب] پروردگارتان برای شما آورده است، پس ایمان آورید [تا آن‌ایمان] برایتان بهتر باشد. و اگر کفر ورزید،آنچه در آسمانها وزمین است از آن خداست. وخداوند دانای فرزانه است (۱۷۰)}[سوره نساء آیه ۱۷۰]

و خداوند صاحب مقام بلند و شان برتر می فرماید:{بگو: ای‌مردم،حق ّ(وحی‌راستین) از [سوی] پروردگارتان برای شما آمده است. پس هرکس که راه بیاید،فقط به [سود] خودش‌راه می‌یابد. و هرکس که گمراه شود،فقط به [زیان] خودگمراه می‌شود و من بر شما نگهبان نیستم (۱۰۸)}[سوره یونس آیه ۱۰۸]

ای انسان اگر تو ایمان بیاوری فقط به خودت سود می رسانی. و اگر کفر ورزی جز به خودت به کس دیگری زیانی نمی رسانی. خداوند از

مرا بیش از خودم می شناسد.

"قرآن این کتاب کریم مرا با قدرت به خود جذب نموده و قلب مرا تصاحب کرد . و سبب شد تا تسلیم خداوند شوم. قرآن خواننده خودش را به آن لحظه ای می برد که فرد به تنهایی در برابر خدایش ایستاده است. اگر قرآن را به جدی نگیری تو نمی توانی آن را به سادگی بخوانی. قرآن بر تو هجوم می آورد گویی او بر تو حقوقی دارد و تو را به مجادله می خواند. تو را نقد کرده و شرمنده می سازد و تو را به مبارزه می طلبد. در حالی که تو در طرف دیگر بودی و برای من آشکار شد که فرستنده قرآن مرا بیش از خودم می شناخته است. قرآن همیشه در فکر از من جلو بود و گویی به پرسش های من پاسخ می دهد و در هر شب من پرسش ها و اعتراضات خود را طرح می کردم اما پاسخ را در روز بعد می یافتم. من گام به گام شخصیتم را در صفحات قرآن یافتم".

جیفری لانگ

ریاضیدان امریکایی

www.path-to-happiness.com

عبادت بندگان سودی نبرده, و گناه گناهکاران به او زیانی نمی رساند. هر کس گناه می کند خداوند آن را می داند. و پیروی نمی شود مگر به اجازه خودش، خداوند می فرماید: {به راستی روشنگریهایی از [جانب] پروردگارتان برای شما آمده است، پس هرکس [به‌حقیقت] بینا شود، به [سود] خود او است‌و هرکس [به آن] نابینا ماند، به [زیان] شخص اوست و من بر شما نگهبان نیستم (۱۰۴)}[سوره انعام آیه ۱۰۴]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیثی قدسی از خداوند چنین نقل می کند: ای بندگانم من ستم را بر خود حرام ساخته ام. و آن را در میان شما نیز حرام کرده ام. پس بر یکدیگر ستم نکنید. ای بندگانم همگی شما گمراه هستید مگر کسی که من او را راه بنمایم. پس از من طلب راه کنید تا شما را هدایت کنم. ای بندگانم همگی شما گرسنه هستید مگر کسی که من او را تغذیه کنم. پس از من تقاضای غذا بکنید تا شما را تغذیه کنم. ای بندگانم همگی شما عریان هستید مگر کسی که من او را بپوشانم. پس از من درخواست پوشش کنید تا شما را بپوشانم. ای بندگانم شما در شب و روز اشتباه و گناه می کنید و همه گناهان را می بخشم پس از من درخواست بخشش کنید شما را می بخشم. ای بندگانم شما توان زیان زدن و سود رساندن به من را ندارید. و ای بندگانم اگر همگی شما از نخستین تا آخرینتان انسان و جنتان به مانند پرهیزکارترین فردتان باشند, این سبب افزایش ملک و قدرت من نخواهد شد. و اگر همگی شما از نخستین تا آخرین از انسان و جن بر قلب گناهکارترین فردتان باشید, این چیزی از

ژرفای تمدن غرب

"کسی که در ژرفای تمدن غرب غوطه خورده و لایه های زیرین آن را دیده, و دقیقا آن را در شکل نظری و عملی مورد بررسی قرار داد است, حتما با قدرت قلبی به سوی عقیده اسلامی خواهد آمد تا خود را از آن سیرآب کند"

نسیم سوسه

سخنران عراقی یهودی

ملک و قدرت من نمی کاهد. ای بندگانم اگر همگی شما از نخستین تا آخرین و از انسان و جن در یک میدان گرد آیید و از من خواسته هایتان را بطلبید و من به هر یک از آنها خواسته اش را بدهم این سبب کاهش آن چه به نزد من است نمی شود, مگر به همان اندازه که با فرو بردن سوزنی در اقیانوس از آن کاسته می شود. ای بندگانم, این ها اعمال و کردار شماست که من برای شما می شمارم. سپس پاداش کامل شما را می دهم. پس هرکس خیر و خوبی یافت سپاس خدای را بگوید. و هر کس جز این یافت جز خودش کس دیگری را سرزنش نکند .(روایت در صحیح مسلم است).

ای انسان... راه این است. و راه دیگری برای سعادت در دنیا و آخرت نیست. و راه هی دیگر بدبختی و شقاوت و سیه روزی و هلاکت است. خداوند می فرماید:

{وآنکه راه راست من این است، پس از آن پیروی کنید و ازراههای [دیگر] پیروی مکنید که شما را از راه او [خدا] جدا کنند. این است حکمی که شما را به آن سفارش نموده است تا پروا پیشه کنید (۱۵۳)} [سوره انعام آیه ۱۵۳]

هر کس راه سعادت را بپیماید, به آن می رسد. و هر کس راهی دیگر را درپیش گیرد, از راه خداوند به دور می افتد. و هرگز به راه سعادت نخواهد رسید.

www.thehappiness.com

اصول صلح و سعادت

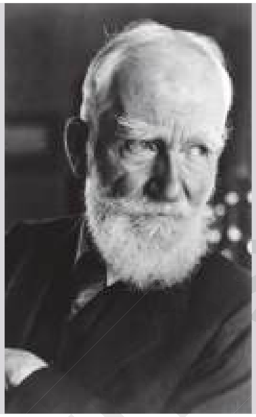

"اروپا الآن به حکت و دانایی محمد پی برده و دوستدار دین او می شود. همان گونه که عقیده اسلامی را از تهمت ها و افترائاتی که رجال کلیسا در قرون میانه بر او وارد کرده اند, پاک می سازد. دین محمد آن نظام و سیستمی خواهد شد که اصول صلح و سعادت بر آن استوار خواهد بود. و بشر برای حل معضلات و گشودن موانع و مشکلات به آن پناه خواهد برد"

برنارد شاو

نویسنده انگلیسی

راه این است..

هر آدم عاقل و منصفی آن را درک می کند. اگر چه به ظاهر آن را نپذیرد,اما او می داند که راه سعادت ابدی همین است. و آنان مثل آن دسته ای هستند, که موسی را بعد از این که معجزات را برای آنان ارائه داد, انکار کردند. و خداوند متعال در باره آنان می گوید:{و آن [ها] را درحالی که دلهایشان آن [ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود (۱۴)} [سوره نمل آیه ۱۴]

بسیاری از افراد منصف و عاقل- حتی کسانی که مسلمان نشده اند- می دانند که تنها راه خوشبختی دوجهان برای تمامی بشریت همین راه است. این تنها راهی است که, هر انسان آزاد و شجاع به آن اعتراف می کند. کسی که در رای و نظرش با خودش, با وجود تنگ نظری ها و عدم وجود آزادی بیان شجاع بوده و هیچ ترسی نه از خودش, نه از مردم و نه از آینده و یا تبلیغات و پیش داوری های ذهنی پیشین مانع گردن نهادن اش به این دین نمی شود. مردم بسیار زیادی به سبب ترس و یا روابط اجتماعی از گردن نهادن به راه سعادت و خوشبختی باز ماندند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:{ پس اگرمؤمنید ازآنان مترسید و از من بترسید (۱۷۵)} [سوره آل عمران آیه ۱۷۵].

راه این است.. آری راه این است. راه عزت و کرامت و راه رحمت و خیرخواهی , راه دانش و تمدن , راه اخلاق و اگر در این مسیر ابتلا و آزمایشی است آن سنت و قانون زندگی است, تا راستگو از دروغگو باز شناخته شود. خراوند می فرماید:{کسی که مرگ وزندگی را آفرید تا شما را بیازماید که‌کدامیک از شما نیکوکارتر است! و او پیروزمن دآمرزگار است (۲)} [سوره ملک آیه ۲].

راه این است.. پیش از ما, پیغمبران و رسولان بر این راه رفته و صحابه و تابعین آنها از هر قوم و نژاد و زبان, بر این مسیر گام نهاده اند.و این همان راهی است که در آینده نزدیک دوباره بر قلوب و بر جامعه بشری چیره می شود. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: "این امر به هر کجا شب و روزی است, خواهد رسید و هیچ خانه یا چادری باقی نخواهد ماند, مگر اینکه به رضایت و خوشی و یا به ناخوشی صاحبان آن به آن وارد خواهد شد. که خداوند به آن اسلام را عزیز و کفر را خوار و پست می گرداند." (روایت از احمداست.) پس به همراه کاروان رونده در این مسیر باش که در مسیر سعادت ابدی روان است.

ماری اولیفر

شاعر امریکایی

دل را در چنگ خود می گیرد

"بعد از اینکه ادیان مختلف را در جهان مورد بررسی قرار دادم, به این نتیجه رسیدم که اسلام تنها دینی است که در معتقدین به خود و غیر معتقدین خود به یک اندازه تاثیر می گذارد. بزرگترین فضیلت اسلام آن است که دل ها را به صورت ناگهانی در چنگ می گیرد. گویی که اسلام آنها را با توانی جادو گونه به سوی خود می کشاند. و انسان هایی که ذهن های باز دارند به سوی آن جذب می شوند"

به کاروان بپیوند

"انتشار بی برنامه وخود بخود اسلام از ویژگی های اسلام در طول تاریخ است.و این به آن سبب است که اسلام دین فطرت است که بر قلب مصطفی نازل شده است"

د. مراد هوفمان

سفیر آلمان

www.path-2-happiness.com

د.مراد هوفمان

سفیر المانی

پروژه ای برنامه ای جاویدان

"اسلام زندگی ای جایگزین با یک برنامه جاویدان است که هرگز کهنه نمی شود و صلاحیت آن از بین نمی رود. اگر چه برخی آن را کهنه گمان می کنند. اما آن تازه ونو بوده و آینده را نیز در بر دارد. و هیچ زمان و مکانی آن را محدود نمی سازد. اسلام موجی فکری و یا یک مد نیست. آن می تواند منتظر بماند.. این را بعید ندان که دوباره مشرق زمین رهبری دنیای متمدن را به دست گیرد. تا هنوز این عبارت درست است که می گوید: "نور از مشرق می آید".

پر کردن خلا روحی

جیفری لانگ

ریاضیدان امریکایی

"در یک لحظه خاص از زندگیم، خداوند با دانش و رحمتش بر من لطف نموده و بعد از اینکه مرا در انتهای درد و عذاب یافت, مرا به اسلام رهنمون شد. و من مسلمان شدم. پیش از اسلام من در زندگی خود معنی دوست داشتن را نمی دانستم. اما آن گاه که قرآن را خواندم احساس کردم که رحمت و لطفی فراوان و عظیم مرا در برگرفته و احساس کردم که دوستی و عشق در دل من جریان یافت. چیزی که مرا به سوی اسلام کشاند دوستی بی نهایت نسبت به خداوند بود."

راه این است.. و رستگاری همین.. و سعادت و خوشبختی همین است. و به هر قلبی که وارد شد، آن را پر از احساس خوشی و شادمانی و سعادت می گرداند، خود را از این سعادت محروم مگردان. و بر خود ستم روا مدار. از ستم بر خود بپرهیز و راه خوشبختی را در پی بگیر.

{هرکس درحالی که مؤمن است کار شایسته انجام‌دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک‌زنده می‌داریم و پاداششان را به [حسب] نیکوترین آنچه می کردند، به‌آنان‌می‌دهیم (۹۷)} [سوره نحل آیه ۹۷]

راه همین است. آن را محکم بگیر، و به آن شادمان و خوشبخت شده و در دنیا را با سعادت و آسایش و آرامش زندگی کن. و از یاد نبر که, آن چه به نزد خداوند است, بهتر و پابرجاتر است. و راحتی و شادمانی آخرت, راحتی ای ابدی و همیشگی است. و همانا پروردگار و صاحب ما آن را یک راه قرار داده است. سعادت دنیا و آخرت. و بدبختی دنیا و آخرت را در راههای فراوانی گرد آورده است. خداوند متعال می فرماید: {و هرکس ازیاد من رویگردان شود،زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم۱۲۴))

گوید: پروردگارا،چرا مرا نابینا برانگیختی حال آنکه [دردنیا] بینا بودم! (۱۲۵)}[سوره طه ۱۲۵]

و همچنین می فرماید: {فرماید: بدینسان بود که آیات ما برایت آمد و آنها را فراموش کردی و بدینسان امروز [درباره] توفراموشی روا داشته شود (۱۲۶)}[سوره طه ایه ۱۲۶]

پی بترس از اینکه این راه را از یاد ببری, یا خود را به فراموشی بزنی.. چرا که دقیقا راه سعادت همین است راه همین است.. و این راهی است آسان. از توحید و یکتاپرستی در دل آغاز می شود. و به تصدیق به اعضا می رسد. و لازمه آن ایمان آوردن به همه پیغمبران و رسولان است. و به رسیدن به سعادت ابدی و همیشگی در سرای دیگر پایان می یابد. با گفتن شهادتین آغاز می شود. که عبارتند از: أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدًا رسول الله ، و با دیدار خداوند در بهشت و دیدار رسول او منتهی می شود.

پس الان بگو: أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدًا رسول الله.. و زندگی سعادتمند را آغاز کرده و با این سعادت از این دنیا کوچ کن. و از قبرت با سعادت و شادمانی برخاسته, و به سوی بهشتهای سعادت و جاودانی پر بکش.. راه این است.. و اگر تو این مسیر را انتخاب نکنی, بر رسول وظیفه دیگری جز ابلاغ کردن نیست. خداوند عظیم الشان می فرماید: {پس اگرروی گردانید [بدانید که من] آنچه را که با آن به سوی شما رسالت یافته‌ام، به شما رساندم و پروردگارم قومی جز شما را جایگزین می‌سازد. وهیچ زیانی به اونمی توانید برسانید. پروردگارم برهمه چیزنگهبان است (۵۷)} [سوره هود ایه ۵۷].

لا اله الا الله محمد رسول الله

"آن گاه که خداوند را شناختی و به او ایمان آوردی، پس اسلام به تو می گوید که خداوند از رگ گردن به تو نزدیک تر بوده و تو برای رسیدن به او نیازی به واسطه نداری و نیاز به کاهنی نداری تا پیش او اعتراف کنی و او توبه تو را بپذیرد. همچنین نیاز به معبدی نداری که عبادت جز در آن انجام نگیرد."

دونالد رکویل

شاعر امریکایی

www.path-2-happiness.com

الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness

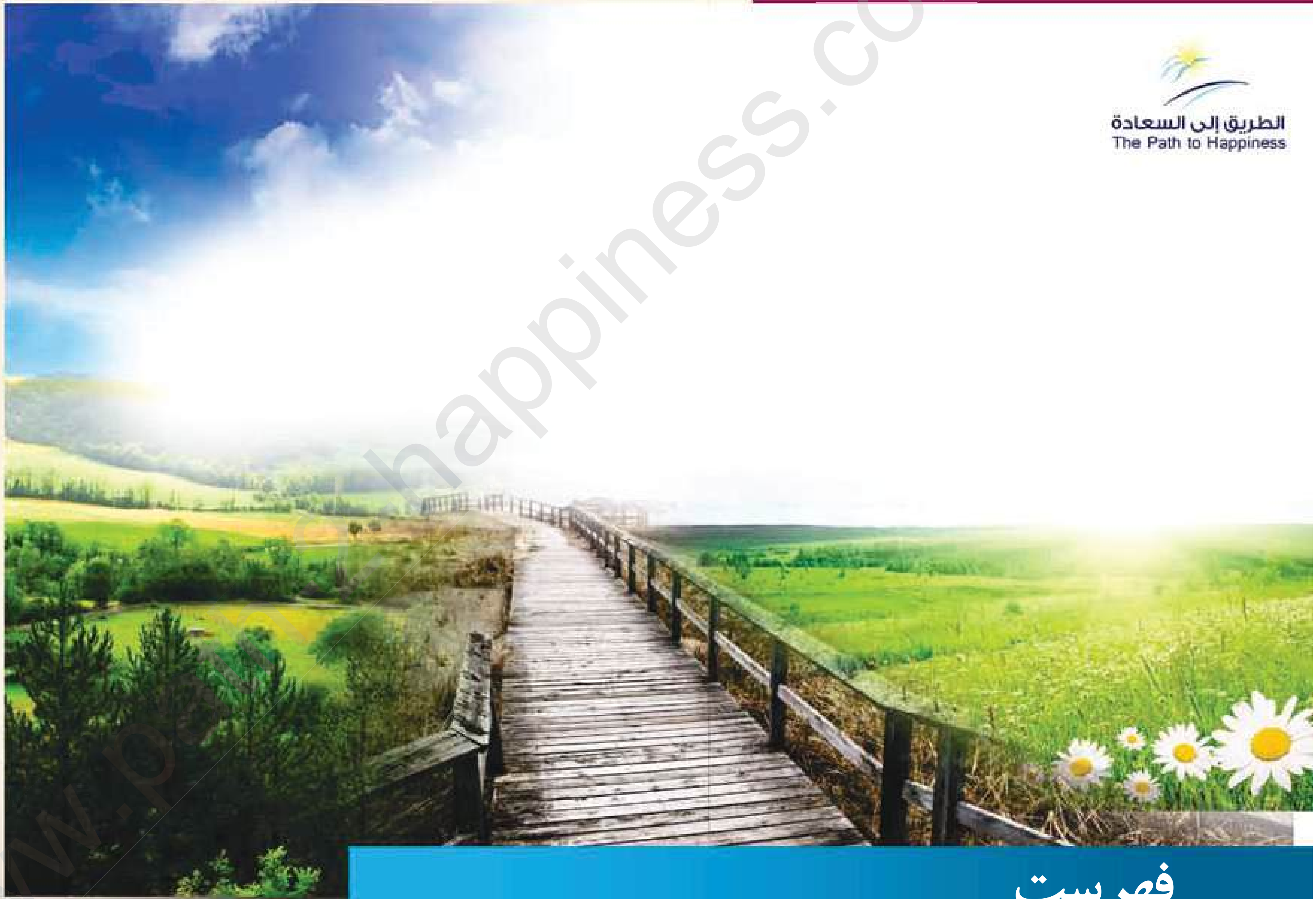

فهرست

www.path-2-happiness.com

مقدمه ۴

راه کجاست؟! ۸
همه مردم در پی خوشبختی اند، اما مسیر آن کجاست؟ ۸
تا هنوز به این پرسش ها دقیقا پاسخ داده نشده است ۱۲
به چه شکل می توان به این پرسش ها پاسخ داد؟ ۱۳
این دلایل عبارتند از: ۱۶
دلایل الوهیت پروردگار عز و جل: ۲۱

آفرینش هستی و آدمی.. حکمت و بزرگداشت و هدف ۳۲
آیا شده روزی در باره آفرینش هستی بیندیشی؟ ۳۲
حکمت آفرینش این هستی عبارت است از: ۳۵
آفرینش انسان و بزرگداشت او. ۳۹
احترام و بزرگداشت زن به مانند مرد: ۴۶
حکمت آفرینش انسان: ۵۲
و سرانجام ای انسان... ۵۵

آیا انسان نیازی به دین دارد؟ ۶۰
آیا هیچ راه گریزی از دین وجود دارد؟ ۶۰
نیاز جامعه به دین ۶۷
ضوابط دین حق: ۶۹
ما به کدامین دین نیاز داریم؟ ۷۹

پیغمبران و رسولان ۸۶
آیا مردم نیازی به رسولان دارند؟ ۸۶
حقیقت نبوت و رسالت: ۸۹
دلایل نبوت: ۹۱
اصول دعوت پیامبران: ۹۹
قسمتی از تاریخ پیغمبران اولی العزم: ۱۰۳

پیام جاویدان ۱۵۲
از جمله دلائل نبوت محمد صلی الله علیه و سلم: ۱۵۶
ختم نبوت: ۱۶۴
رحمتی برای جهانیان است: ۱۶۷
سعادت بشر با مبعوث شدن او صلی الله علیه و سلم: ۱۷۰
رسالت جاویدان چیست؟ ۱۷۶
رسالت و پیام جاویدان بر همه هستی چیره گشته است: ۱۷۷
رسالت و پیام جاویدان، دین همه انبیاء و پیغمبران است: ۱۸۱
کمال رسالت جاودانی: ۱۸۴
اصول تشریع و قانونگذاری: ۱۸۷
ویژگی های قانونگذاری اسلامی: ۱۹۱
شریعت اسلام و قوانین وضعی.. تفاوت ها و اختلاف ها: ۱۹۶
مصادر اسلام: ۲۰۰

راه خوشبختی ۲۱۰
مفهوم خوشبختی و حقیقت آن ۲۱۰
سعادت با لذت متفاوت است: ۲۱۳
هرگز.. خوشبختی در راحتی نیست. ۲۱۵
راه خوشبختی.. صلح انسان با خودش و با زندگی و با هستی است: ۲۲۷
نشانه های راه سعادت و خوشبختی: ۲۲۸
اسباب سعادت زندگی دنیا در اسلام ۲۳۳
بدبختی و تیره روزی دوری از راه سعادت است: ۲۴۵

www.path-2-happiness.com

مسیر دانش و تمدن ۲۵۲
اسلام و دانش ۲۵۲
عناصر مسیر تمدن: ۲۶۲
اعجاز در قرآن و سنت. ۲۸۱

مسیر اخلاق ۲۸۶
ارتباط ایمان با اخلاق نیکو: ۲۸۸
عبادات و اخلاق ۲۸۸
اخلاق در اسلام ۲۹۲

مسیر رحمت ۳۰۸
مسیر رحمت و کرامت ۳۰۸
راه عزت و کرامت: ۳۱۳

سرانجام مسیر خوشبختی ۳۲۰
ای کسی که در پی راه سعادت هستی ۳۲۰
راه این است.. ۳۲۸

فهرست ۳۳۲

www.path-2-happiness.com

های دوستانهسایتوب